بسم الله الرحمن الرحیم

هست کلید درِ گنج حکیم

پیش گفتار

میراث باستانی قوم آریایی هند و ایرانی

همبستگی ریگ ودا و اوستا

هند حداقل بین سه تا چهارهزار سال تاریخ پیوستهٔ زبان دارد و «ریگ‌ودا Rig-Veda» سندی زنده و جاوید و قدیمترین آنهاست

ریگ‌ودا (رگ‌بید Ṛgveda) برای مردم ایران از سه نظر درخور اهمیت میباشد

یکی بستگی این کتاب بتاریخ جهان، و دو دیگر تعلقش به تاریخ هندوستان، و سه دیگر ارتباط مخصوصش بتاریخ و فرهنگ ایران باستان.

شرح بستگی این کتاب به تاریخ جهان، و هند، خارج از بحث ماست، و لذا در مقوله‌ای که خارج از موضوع است وارد نمی‌شویم، و در اینجا فقط بنحو ایجاز، ارتباط ویژهٔ آن را با تاریخ و مذهب و فرهنگ ایران در این پیش گفتار بیان میکنیم.

ساخت و بعدها که در دوران هخامنشی، و یونانی، و باختری، و سکایی مردم ایران و قسمتی از مردم هندوستان تابع یك شاهنشاهی واقع شدند، همخونی پدران خودرا ازیادبرده بودند و تصور اینرا که نیاکانشان خویشاوند و از یك گوهر بوده‌اند، نمی کردند

مواقع جغرافیایی بی‌شك یکی از عوامل ایجاداین فراموشی بوده است، ولی علت دیگر آنست که مردم آریایی هند و ایران بعداز انفصال در دوجهت مخالف گسترش یافتند با این حال هریك ازاین عوامل به تنهایی هرگز نمیتواند موجب قطع روابط فرهنگی بین ایران و هند درعصر ودایی بشود (۱)

ایرانیان یاد میهن مشترك ایران ویج Erānvēj را در اساطیر خود حفظ کردند، ولی آریاهای هندوستان که تمدن مشخص ریگ بیدی رااقبل از هزار وپانصد سال پیش از میلاد بوجودآوردند، هیچ نوع اشاره‌ای بسرزمین مشترك اجدادی نکرده‌اند.

✫ ✫ ✫

با این همه «لودویگ Ludwig» و «وبر Weber» در بعضی ازجملات: «ریگ‌ودا» که ذکری از «پریتهو - پرشوه Prithu-ParSavah» شده‌است، آنرا اشاره‌ای به «پریتهوها Prithus» و «پرشوها ParSus» یعنی پارت‌ها، و پارس‌ها (= ایرانیان) میدانند(۲)

در جمله‌ای از ریگ‌ودا، «یادو Yadu» مخصوصاً با «پرشو» (= پارس) اصطکاك پیدا میکند(۳)

بعقیدهٔ «ویلسون H. H. Wilson» منظور از کلمهٔ: «تیریندیره Tirindira» - مذکور در ریگ بید، پسر «پرشو» است، و هردو اسم ایرانی است که تیرداد (تیردات Tiridatas) و پارسهاهستند.

---

(1) Iran in the Ancient East, 1941, p 190.
Op. Cit., p. 192 & Op Cit., pp 11,177

(۲) برخی از مفسرین ومحققین ریگ ودا، عبارت: «پریتهو - پرشوه Prithu-ParSavah» را بمعنی «دنده‌های پهن»، یا «تبرهای پهن» دانسته‌اند، از آن جمله «گریفیت» همین معنی را اختیار کرده‌است، ولی برعکس «لودویگ» معنی. تبرهای پهن راغیرصحیح میداند و استدلال میکند که عبارت پریتهوپرشوه Prithu-ParSavah پریتهو (پارت‌ها) وپرشو (پارس = ایرانی‌ها) میباشند

(۳) بنگرید به ماندالای هفتم - سرود ۸۳ بند اول، و ماندالای هشتم سرود ۶ - بند ٤٦ - ومراجعه شود به جلد دوم این کتاب.

زبان ریگ‌ودا و اوستا

زبان ریگ‌ودا با زبان اوستا Avesta خویشاوندی نزدیك دارد . شباهت و نسبت میان زبان قدیم ایران (اوستا) ، و زبان ریگ‌ودا زیاد است این دو زبان درقسمت اعظم لغات مشترك اند واژه‌ها و کلمات بسیاری دراین دوزبان موجوداست که درسایر زبان‌های هند و اروپائی موجود نیست

اختلاف اصلی زبان ریگ‌ودا بازبان اوستا فقط بعضی مشخصات معلوم لفظی است که آن دورا از یکدیگر جدامیسازد ، بهمین جهت زبان سانسکریت (زبان ریگ‌ودا) وزبان اوستا بمنزلهٔ دولهجهٔ منشعب ازیك زبان مادرشاهی « هندوایرانی » شناخته میشود

در « اوستا » قطعاتی یافت میشود که میتوان فقط باتغییر تلفظ آنرا به سانسکریت قابل فهم تبدیل کرد

دوتیرهٔ آریایی قوم هند و ایرانی پیش از آنکه ازهم جداشوند مدت طویلی در موطن مشترك اصلی خویش می‌زیستند و واحد یك فرهنگ و مذهب هند و ایرانی بودند که اگر نتوان بتمام جزئیات آن پی‌برد ، قسمتی‌ازآنرا میتوان از طریق مقایسهٔ « ودا » ها با « اوستا » مشخص ساخت

ظاهراً پیش‌ازآنکه طوایف آریایی هند و ایرانی – که ازمیهن اصلی کوچ کرده بودند - ولات ایران‌را بپیمایند ، قسمتهای کوهستانی این‌سرزمین بزرك منشاء یك‌فرهنگ مادرشاهی قدیمتر بوده‌است و سکنهٔ آن مانند سکنهٔ هندوستان (قبل‌از هجوم طوایف آریایی) خدایان مادرمانندی را پرستش می‌کردند ، وبسیار محتمل است که فرهنگ ایران و شمال‌غرب هندوستان پیش‌از ورود طوایف آریایی دارای‌یك‌روح و مبداء بوده‌است ، وهمین فرهنگ قدیمتر پس‌از ورود طوایف آریایی درمذهب وطرز تفکر وحتی خدایان آنهااثر گذاشته باشد .

چگونگی روابط فرهنگی میان ایران‌وهند پس‌از هجوم طوایف‌آریایی چندان روشن نیست . ظاهراً بعداز آنکه این‌دو طایفه انشقاق پذیرفتند ویکی درولات ایران ، و دودیگر درهندوستان سکونت گزیدند ازهم جدا افتادند ، و در اثر عواملی که برما پوشیده است بیکدیگر پشت کردند ، و مآثر جداگانه‌ای برای‌خود بوجود آوردند و این‌جدایی پیوند خویشاوندی‌رافراموش

بدین ترتیب قبل از آنکه از سرزمین اصلی کوچ کنند از جهاتی توافق وهم‌آهنگی خود را از دست دادندوظن نزدیك بیقین آنست که این اختلاف و عدم هم‌آهنگی معتقدات مذهبی وعوامل دیگر علت کوچ کردن وجدا شدن‌ایرانیان از هندیان بوده است نه نتیجهٔ آن (۱).

بطوری که از سند مشهور کشف شده در بغاز کویی Boghaz-koi بر می آید، درحدود چهاردهقرن پیش ازمیلاد مسیح خدایان دیوایی Daiva که اندرا، و ناستیه Nāsatya باشند در ردیف خدایان اسورایی Asura یعنی، وارونا، و میترا قرار داشتند، و این نکته همانگونه که کریستنسن Christensen هم بدان اشاره میکند، بخوبی نشان میدهد که اختلاف بین پرستندگان خدایان‌دیوایی‌وخدایان‌آسورایی که‌ازمشخصات اصلی تاریخ‌باستانی نژاد هندو ایرانی میباشد هنوز در آن تاریخ وجود نداشته است، ولی مدتها قبل از پدیدهٔ زردشت که گاتهای او باید لااقل‌متعلق به هزار سال پیش ازمیلاد باشد، این اختلاف بحد اعلای خود رسیده است (۲).

اختلاف میان پرستندگان خدایان جدید و خدایان قدیم باید یکی از علل اصلی دو دستگی، و بالاخره جدا شدن آریاهایی که بعداً هندوستان را تصرف کرده‌اند، باشد، اما اختلاف آنان‌منحصر به‌جنبهٔ‌مذهب نبوده است. کریستنسن چنین اظهار نظر مینماید که پیروان مذهب اسورایی (= اهورایی) طبقاتی پرورش یافته‌تر، و ثابت قدمتر از جامعهٔ هند وایرانی بوده‌اند که حرفهٔ اصلی آنها فلاحت و تربیت احشام بوده است؛ و حال آنکه مذهب قدیمتر دیوایی Daiva در طبقات زورمندتر ولی کم رشد تر ادامه یافته و در این طبقات عادات موروثی اولیه بیشتر رسوخ داشته است.

دستهٔ اول به باقی ماندن در ایران قانع شدند، لیکن دستهٔ دوم به اغوای روح حادثه جویی و زیاده طلبی خود به سوی خاور پیش تاختند وسرانجام به هندوستان وارد شدند.

نباید تصور کرد تمام آنهایی که درایران باقی ماندند، اسورا (= اهورا)

(1) The fires of the Prytaneia in Greece, Vestal fire of Rome, Gārhapatya fire of India.

(2) Kulturgeschichte des Alten Orients, p. 211

(۳) بنگرید به.

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions, pp. 148-56

بعضی از نامهای جغرافیائی ثابت می‌کند که زمان کوچ و انشقاق این دو قوم چندان دیر نپاییده است . صرف نظر از سایر اسامی، کلمات: «رسا Rasā» (= اوستا: Ranhā) و «سرسوتی Sarasvati» و «باهلیکه Bāhlīka» را آریاها از ایران به هندوستان بردند و در رودخانه و یك ناحیه را به آن اسامی نامگذاری کردند.

بعقیدهٔ بعضی از محققان سکوت مطلق ریگ وید را درمورد مهاجرت از سرزمین مشترك هند و ایرانی نمیتوان حمل به تعمد حمل نمود. بنظر هیلبراند Hillebrandt در عین این صورت باید تصور کرد که آن قسمت از سرودهای ریگ ودا کـه شامل اسامـی مخصوص ایرانی است در ولات ایران سروده شده باشد (۱) .

گویا بین تیرهٔ آریـای هنـد وتیرهٔ آریای اولیهٔ ایران یك نوع عدم توافق و اختلافـی وجود داشته کـه موجب این بیعلاقگی مخفـی و سر پوشیده گردیده است و همین عدم توافق و اختلاف است که موجب گـردید هنگام کوچ کردن از سرزمین اصلی این دو تیره ازیکدیگر جداشوند وهریك تشکیل واحد جداگانه‌ای بدهند .

این عدم توافق و اختلاف که بعدها مورث دشمنی میان دوتیره گردیده است از مذهب و آیین باستانی آریـاهای دوکشور بخوبی آشکار میباشد . مثلا مردم آریایی ایران اهورا را خدادانستند ولی‌هندوها اسورا را بعکس دیو تصور کردند و همین طور اندرا در ایران نام دیوی است ولی درهند از زمرهٔ خدایان بشمار آمده ودویست وپنجاه سرود ریگ‌ودا تنها درستایش او سروده شده‌است.

مذهب اولیهٔ هند و اروپائی خـدایانی را که مظهر طبیعت بودند مانـنـد آسمان و خورشید و باد میشناسد وشامل پرستش آتش میشود ولی آریاهای‌هند و ایران علاوه بر پرستش آتش دارای کیش سوماپرستی (هوما) نیز بوده‌اند و اضافه برخدایان مظهر طبیعت به عده‌ای خدایان غیر محسوس‌هم‌عقیده داشتندو

(1) Ved. Myth., first ed, Vol I, pp. 99 ff.,, Vol. III, pp. 372-8. Older attempts to read Irānian histroy and geography in the Veda have been briefly dealt with by Jackson in CHI, Vo 1, pp. 322 ff., and more recently by Keith in Woolner Comm Vol. (1940)

(2) The Vedic Age, p.219.

اینکه در اساطیر هندو معمار خدایان آسورایی بنام مایا Māyā است، نمیتوان آنرا یك تصادف دانست. دیوپرستان جشن ظاهراً پیشه‌و هنر برتر رقیبان خویش را ناشی از جادو و افسون میدانستند. باوجود توجه به خدایان دیوایی Daiva در هندوستان و توجه به مذهب اهورایی در ایران فرهنگ و مذهب این دو، تا زمان ظهور زردشت، کم و بیش شبیه به وضع‌ومقام ودا درهند و ارفوس Orpheus در یونان است که‌هردوآنها عملا با کشتن حیوانات درمراسم مذهبی بنام مذهب معترض بودند، ولی اعتراض هیچیك از آنها بشدت مخالفت زردشت نبود.

درگاتها، زردشت جشن های مذهبی عامیانه و جاهلانه را که دیو-پرستان سرمست از افشرهٔ هوم، خون حیوانات را بخدایان تقدیم میداشتند، و در میان فریادهای شادی جان گاو بی‌گناه را فدا میساختند، شدیداً محکوم میسازد.

کاملا روشن است مراسمی که مورد حمله و انتقاد زردشت واقع شده و هموطنانش انجام میدادند، بسیار شبیه‌بمراسم ودایی است. تعداد زیادی از لغات وکلمات مذهبی دردوزبان مشترك‌اند، مانند: هوما Haoma (= سوما Soma)، زئوتر Zaotar (= هوتا Hotā)، اثرون Athravan (= اتهرون Atharvan = آذربان) منتره Manthra (= منتره Mantra) یزته Yazata (= یجته Yajata) یسنا Yašna (= یجنا Yajña) آزوئیتی Āzūiti (= آهوتی Āhūti) ایریمان Airyaman (= اریمان Aryaman) ایشون Išvan (= ایشور Išvara)، و امثال آنها و همچنین تمام مراسم ودایی، و اوستایی از یك اصل و ریشه‌اند. واضح است که نوسازی‌های زردشت نتوانسته است بطور مؤثری پرستش سوما (هوما) راکه یکی از خصوصیات ودا است، و از مدتها پیش از زردشت در ایران مرسوم بوده است، تغییر دهد.
معهذا زردشت دررشتهٔ‌مذهب و اساطیر (= میتولژی) موفق‌تر بوده است، ولی از این جنبه‌ها نیز شباهت بحدی آشکار است که‌میتواند یگانگی‌های قبلی‌را ثابت نماید

تشریفات «اوپه‌نه‌یه Upanayana» در «ودا»، و «اوستا» تقریباً یکسان است. درهردو (= ودا، و اوستا) تعداد رسمی ایزدان‌سی‌وسه است. در ادبیات مقدس ودایی و اوستایی اوزان عروضی یکی است واصطلاحات و نامهای آنها یکسان میباشد و تقریباً هیچگونه اختلافی در بین نیست. در هر دو کتاب ایزدان ابتدا بصورت پهلوان جنگجوی آریایی، سوار بر

پرست بوده‌اند ، و یا همهٔ آنها که‌سختی‌را برخویش‌هموار نمودند و به‌طرف سرزمین هندوستان پیش رفتند‌دیوا پرست بودند

سنگ نبشتهٔ خشایار شاه در بارهٔ دیو پرستی که در سال ۱۹۳۵ میلادی کشف شد‌بخوبی آشکارمیسازد که‌حتی درسدهٔ‌پنجم قبل از میلاد نیزدرشاهنشاهی هخامنشیان با دیو پرستی شدیداً مبارزه می‌شده است ، و در هندوستان با وضع خاصی روبرو میشویم که در ایام بسیار قدیم به همهٔ خدایان بزرگ لقب‌اسورا (= اهورا) بعنوان احترام اطلاق می شده است .

هرچند در ایام‌بعد، این صفت مطلقا بعنوان دشنام بکار رفته است در قسمتهای بیشماری از براهماناها ، آسوراها درحرف زندگانی متمدن برتر از دیواها نشان داده شده‌اند ، و در داستانهای ودایی وپورانی، آسوراهابرادران بزرگتر خدایان‌بشمار رفته‌اند، و مانند خود دیواهابمراتب بالاتر ازداسیوها، و راکشس‌ها قرار گرفته‌اند .

باتوجه به مجموع علائم وامارات مشکل‌است انکار شود که باجمع انبوه آریاهای دیو پرست ، یك اقلیت قوی پیشرفته‌تر اسورا (=اهورا) پرست به هندوستان نیامده باشد که رسوم و مذهب آنها بادستهٔ اکثریت مختصر اختلافی داشته است و بهمین جهت پیوسته از طرف آریاهای ودایی مورد لعن و تهمت قرار میگرفتند، و ظاهراً این بدبینی بیشتر از جنبهٔ حسد بوده است تا از نظر تحقیق ؛ زیرا اگر آریاهای ودایی که عمداً تمام‌بقایای وطن اصلی هندوایرانی را ـ بطوری که در بالا گفته شد ـ ازمیان برده‌اند اگر میتوانستند آیا یادبودهای اسورا (اهورا) پرستی را نیز از میان برنمیداشتند ؟! ولی از عهدهٔ این کار برنیامدند؛ زیرا عدهٔ‌قابل‌توجهی‌اسوراپرست‌درواقع‌درمیان‌آنهاوجود داشت بنابر این‌قدیمترین‌جامعهٔ‌آریایی هند مانند قدیمترین جامعهٔ هند و ایرانی از نظر فرهنگ یکنواخت نبود ، و هر چند قسمت اعظم آن دیوا پرست بودند ، اما همه نبودند .

ازطرف دیگر جامعهٔ ایرانی هم بااکثریت بزرگی اهورا پرست بودند بعد از یك‌دوره کشمکش و تغییرات‌سرانجام آشتی برقرارشد، و بحدی موفقیت‌آمیز بود که حتی درمورد بزرگترین خدای ودایی یعنی، ایندرا نه‌تنهادرقسمت‌های بسیار قدیمی‌ریگ‌ودا او رایکی ازآسوراها شناخته‌اند، بلکه ویرا دارای نیروی ، مایا Māyā دانستند که از مختصات آسوراها بود که بمعنی نیروی جادویی است .

هند وایرانی است ، منهای وریترا‌هن .

بنابراین هیچ اختلافی بین‌اندرای « ودا » ، و اندرای « اوستا » نخواهد بود . اگر تاریخ اندرا را در نظر آوریم درمی‌یابیم که تاریخ‌دوخدای مختلف است که درایران و هندبه دوطریق دریکدیگر اثر نموده‌اند

« ناستیه‌ها Nāsatyas » که در کتیبهٔ بغاز کویی در کنار اندرا ، و وارونا نام برده شده‌اند ، نیردر اوستا ذکر گردیده‌اند ، منتهی‌مانند : اندرا بصورت دیو (۱) ، حتی « اپام‌نپات Apām - Napāt » که یکی‌از ایزدان کوچکتر ودا است، دراوستابصورت‌ایزدی به‌همان‌نام‌ذکر گردیده است (۲)

معادل « گندهروه Gandharva » ودایی ، گندروه Gandarəwa اوستا و معادل کریشانو(۱) Kṛišanu و دایی ، « کرشانی Kərəvāni» ی اوستا است .

یمه (یاما Yama) پسرویوسوت Vivasvat مذکور درودا فرمانروای مردگان است . وییمه Yima پسر ویونهنت Vivanhant (= جم فرزند دیون جهان) در اوستا فرمانروای بهشت است

شواهد زیادی میتوان نشان داد که باوجود تجددی که زردشت آورد ، مذهب ایرانیان در اغلب مواردبصورت‌پیش‌ازآن‌باقی‌ماند. بطور کلی‌چنین بنظر می‌آید که نوآوری زردشت منظورش آن‌قدرها قطع رابطه باگذشته نبود ، بلکه تصمیم داشت و تاحدی نیز موفق‌شد که اصول مذهب « اسورا Asura » (= اهورا Ahura) را مستقرسازد ، و آنرا از تمام پلیدی های دیوان پاك نماید .

این فرض مخصوصاً از این‌نکتهٔ دقیق آشکار میشود که زردشت تنها بفرستادن دیوان مهم‌ماننند : اندرا به‌دوزخ اکتفا نکرد ونام خدای بزرگ آسورا یعنی ٠ وارونا را به « اهورا مزدا Ahura Mazdāh » تغییرداد علت اینکه زردشت نام این‌خدارا ازمیان‌برد ولی شخصیت او را نگاهداشت و بالاترین مقام افتخار بالابرد ظاهراً آن است که در عصر پیشین – دست کم در زمانی که الواح بغازکویی نوشته شده است – نام این‌خدا بااسم دیو اندرا توأم گشته بود .

---

(۱) این نام کریشانی Krišāni نیز تلفظ شده است .

(۲) بنگرید بصفحهٔ ۲۱۴ این کتاب.

ارابه که آسمان نیرومند آرا میکشند ، مجسم شده‌اند . ایزدان ودایی مسان ایزدان اوستایی آسمان را نگاه میدارند ، و از فرو افتادن آن جلوگیری میکنند و پرستش «بتان» (صور یا تندیس خدایان) در وداها و در اوستا بهیچ وجه وجود ندارد

«واروبا »ی « ودا » مثل مقابل اوستایی خود اهورا ، بایاری میتره Mitra (= در اوستا میثره Mithra) حافظ اعلای قانون اخلاق است ، و تصور نظم کیهانی در هردومورد بصورت ایزدی‌معنوی که در « ودا » بنام « ریتا Rita » ، و در « اوستا » بهاسم « اشا Aša » خوانده‌میشود، متصور است . حتی اختلاف شدید بین « اندرا »ی ودا ، و « اندرا »ی اوستا اگر بتاریخ این ایزد که شرح اورا « بنونیست Benveniste » (۱) و « لویی رنو Louis Renou » (۲) درتألیف خود داده‌اند توجه شود، بکلی ازمیان برمی‌خیزد .

خلاصهٔ فرضیهٔ استادانهٔ : « لویی‌رنو Louis Renou» و « بنونیست Benveniste» بشرح‌زیراست

در عصرهند و ایرانی دوخدای مختلف بوده‌اند:اندرا Indra (۳) ، و وریترا‌هن Vṛitrahan (وریترا = مقاومت ، و وریتراهن = مقاومت‌شکن). اندرا تنها تجسم قدرت طبیعی بود که درافسانه‌های بیشتر تمدن‌های قدیمی موجوداست ، ولی درعین حال‌دیوایی (=دایویك Daivic) نیز شناخته‌شد تا باسلیقهٔ زردشت نوآور و سختگیر که اورا بی‌تأمل به دوزخ می‌فرستد ، وفق دهد،اماخداوند مقاومت‌شکن‌یعنی: وریتراهن (ورترغنه Vṛiθragna = بهرام) که وظیفهٔ او پیروزی‌و از میان بردن مقاومتی‌است که بدی‌بوجود می‌آورد ، مقام افتخارآمیز خودرا درمیان ایزدان ایرانی پیوسته حفظ کرده است .

اندرا، و وریتراهن فقط بعدها درعصر ودایی توأم گشته ، ودریك‌شخص متصور شده‌اند بطور خلاصه، اندرای ودا، همان اندرای هند وایرانی مذکور درمعارکویی است باصافهٔوریتراهن ، وحال آنکه‌اندرای‌اوستا ، اندرای

بنگرید به:

(۱) Like Vedic Rita.

(۲) In Vritra et Vṛiθragna, Paris 1934.

(۳) بعضی گفته‌اندنام این خدا از ریشهٔ Innar = مقاومت، مأخوذاست، امااشتقاق های دیگری نیز برای این‌کلمه ذکر کرده‌اند.

از آن نیست، اصل ایرانی اوستایی ندارد، بلکه یک عادت «مدی Median» است که مخصوص مغوسان بوده است، و این عادت تنها درعصر اشکانیان درایران مرسوم گردید و برای اولین بار در «ویدودات Vīdevdat» که درعصر اشکانیان نوشته شده، ذکر گردیده است.

جسد پادشاهان هخامنشی پس از مرگ درقبرهای مخصوص قرار داده میشد و درهیچ کجا ذکری از آن نیست که جسد یکی از شاهنشاهان نیرومند هخامنشی برای طعمهٔ مرغان، و کرکس ها و درندگان عرضه شده باشد (۱).

از آنچه بازنموده شد، چنین مستفاد میگردد که ریگ ودا و اوستا نمایندهٔ یک ارتباط فکری است. این دو اثر بقدری بهم نزدیک و شباهت دارند که آنها را میتوان یکی دانست. این قرابت و خویشاوندی زبان ومذهب این احتمال را بوجود آورده که بعضی از سرودهای ریگ ودا هنگامی که قبائل آریایی فلات ایران رامی پیمودند، موجود بوده است، وریشی ها وخاندان های روحانی آنها را در حافظه داشتند.

یک مراجعهٔ اجمالی بـه اوستا و ریگ ودا محرز میدارد که در هر دو اثر لغات و واژه های مشترک بیک معنی و مفهوم بکار برده شده است. تو گویی در آنها اختلافی نیست، مگر بعضی مشخصات معلوم لفظی (۲).

---

(۱) بنگرید به:

Herzfeld, Iran in the Ancient East 1941, pp. 216-217

و بنگرید به.

The Vedic Age, R. C. Majumdar, London, 1957, pp. 218-223

(۲) در بمبئی اردشیر خبردار از زردشتیان هندگاتها را بـه زبـان انگلیسی ترجمه کرده است و در آخر کتاب فرهنگی ترتیب داده و لغات مشترکی را که درگاتها و ریگ ودا بکار برده شده با نشان دادن تلفظ ودایی و اوستایی استخراج کرده است.

بنگرید به

New Light on the Gāthās of Holy Zarathushtra, By: Ardeshir F. Khabardar, pp. 727-777

بدلایل مشابهی زردشت از بکاربردن کلمهٔ : « بگه Baga»(= بغ) (۱) بمعنی « خدا» که دارای ریشهٔ هند و اروپایی است ، اجتناب نمود ؛ اگرچه این واژه در قسمت‌های اوستا که مربوط به قبل از زمان زردشت است ، در کتیبه‌های قدیم ایران ذکر شده است ؛ زیرا یک کلمه مذهبی هند و اروپایی نمیتوانست از ملازمه بادیوها خالی باشد .

تازمانی که معتقد بودند ، « گات‌ها Gāthās » چون دارای قدیمترین زبان میباشد نمایندهٔ قدیمترین تمدن آریایی ایران نیز هست بهیچوجه ممکن نبود مشاهده شود جامعه‌هایی که در « ودا » ، و « اوستا » توصیف شده اند ، در اصل یکی باشد ، ولی اکنون کاملا ثابت شده است که تمدن گاتها ، تمدن نوین عصر جدیدتری از ایران است که جنبهٔ بسیار قدیمتر آن در « یشت‌ها YaSts» منعکس است ، مخصوصاً در « یشت » هایی که از تجدید نظرهای زردشتیان مصون مانده است ، و فرهنگی که دراین گونه « یشت » های ایرانی قبل از زردشت منعکس است ، اصولا همان فرهنگ ودایی هندوستان میباشد .

آیین هوما Haoma که حقاً شاهد اصلی یکی بودن تمدن هند و ایران است ، نه تنها پیش از زردشت است ، بلکه مخالف تعلیم زردشت است و نگاهداری این سنت در مذهب بعد از زردشت در ایران از آن نظر میباشد که این پیامبر از نظر سیاست درحرام ساختن نوشابه‌های سکرآور بویژه ذکری از « هوما » نکرده است ، و علمای اوستادان از عدم ذکر نام « هوما » چنین استدلال نموده اند که تمام مسکرات نجس است مگر هوما (= در ودا: سوما Soma)

« بنونیست» نشان داده است که مذهب ایرانیان دورهٔ هخامنشی بطوری که « هرودوت Herodotus » آنرا وصف مینماید ، هیچ توافقی با مذهب گاتها ندارد بلکه بعکس دربسیاری نکات مهم بمذهب ودایی شبیه است (۲) .

اختلاف فاحش میان طرق دفن مردگان در ایران و هند در نتیجهٔ موشکافی بکلی ازبین میرود. عادت گذاشتن جسد مردگان در دخمه که در هندوستان خبری

---

(۱) « بهگه Bhaga » در ودا خداوند خوشبختی و وفور نعمت شناخته شده است .

(۲) بنگرید به :

The Persian Religion, Ratanbai Katrak Lectures, Paris 1929, pp. 32 ff.

« بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه میرود و بر هر آنچه میپرد، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی میکند »

(ریگ ودا ۵٤/۳)

ریگ ودا Ṛg-Veda

واژهٔ «ودا Veda» (بید) در زبان سانسکریت Sanskrit از ریشهٔ «وید Vid» (دانستن) مشتق، و بمعنی «دانش» است، اما بطور اخص بمعنی «دانش الهی» «یا علم منزل» میباشد.

در آغاز این نام به سه کتاب: « ریگ ودا Rig-Veda » (رگ بید Ṛgveda)، و «یاجور ودا Yajur Veda » (ججر بید)، و « ساما ودا Sāma-Veda (سام بید) اطلاق میشد و مجموع این سه کتاب را ترایی ودیه Trayi-Vidya (دانش سه گانه) میخواندند؛ اما بر سه ودای اصلی، کتاب چهارمی بنام «اتهروا ودا Atharva - Veda» (اتهربن بید) افزوده شد. قبول کتاب چهارم بعنوان یك متن اصیل و حقیقی «ودا» ظاهراً مقارن تدوین قانون « مانو Manu» است، زیرا در قانون مانو غالباً نام سه ودا آمده و آنها «ترایم برهم سناتنم Trāyam brahma sanatānam» (ودای ثلاثهٔ ابدی) خوانده شده‌اند، ولی در یك جا (کتاب یازدهم ـ مادهٔ ۳۳) بعنوان «ودا» از کتاب چهارم اسم برده شده است.

مدهاتیتهی Medhātithi مفسر و فقیه «هندو» نیز از سه ودای اول اسم میبرد، بی آنکه کتاب چهارم را در ردیف آنها قرار دهد.

بنابر آنچه گذشت بخوبی روشن شد که تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان ، با تاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه واصل واحد و نزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت بامطالعهٔ « ودا » و « اوستا » نمایان میشود.

بدین ترتیب فرهنگ باستانی ایران وهند را نمیتوان از یکدیگر جدا شناخت،و این مسأله بایدهم همینطور باشد، زیرا هردو از یك فرهنگ هند و ایرانی منشأ گرفته و از یك سرچشمه سیراب شده‌اند .

هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» تألیف و تدوین نشده مگر آن که تعالیمات «ودا»ها کم و بیش نویسنده را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده است. با این تفاوت که اسلام مذهب جهانی است و از سر زمین عربستان به کشورهای دور و نزدیک دیگر هم گسترش یافته است ولی حوزهٔ مذهب هندو در طول تاریخ تقریباً محدود بسر زمین هندوستان بوده و بخارج شبه قارهٔ هند نفوذ پیدا نکرده و جنبهٔ مذهب قومی و ملی خود را حفظ نموده است

کلمهٔ ودا Vedas بصیغهٔ جمع برسه یا چهار کتاب مذکور اطلاق میشود. این کتب پایه و اساس فلسفه و ادب و هنر و موسیقی و علوم مختلف قدیمهٔ هندو را تشکیل میدهد

هرچند کتب ودا منحصر درچهار است، ولی نوشته‌ها ورسالات و کتابهای عدیده حاوی مسائل و احکام مذهبی و آیین پرستش و دستورهای قربانی و کلامی و فلسفی و تفسیر به آنها ملحق شده است

بعبارت دیگر مجموع ادبیات مقدس هندو به چهار دسته بشرح زیر تقسیم می گردد

۱ ـ سمهیتا (سنهیتا Saṁhitā) : ترتیب متن ودا.

۲ ـ براهماناها Brāhmanas · در تفسیر وداها

۳ ـ آرنیکاها Āranyakas متون مدون در جنگل

٤ ـ اوپانیشادها (اپنشدها Upanishads) · متن فلسفهٔ وداها .

بدین ترتیب میبنگریم هریك ازوداهای چهارگانه دارای براهماناها، و آرنیکاها، و اوپانیشادهای وابسته بخودمیباشد

سمهیتای رگ وید بی تردید مجموعه‌ای است که نمایندهٔ افکار مردان چندین نسل است و همین موضوع دلیل عدم هم آهنگی سرودها و نمو طبقات فکری آنست که از اعتقاد بخدایان متعدد شروع شده و به وحدت وجود فلسفی منتهی گردیده است .

قدمت ریگ ودا:

راجع بقدمت این کتاب میان محققان هندی وفرنگی اختلاف نظر است . درسدهٔ نوزده برخی از دانشمندان هندی مانند تیلك Tilak بعضی از منترهای

در اوپانیشادهای اصلی و قدیمی «مندك Mundakya»، و چهاندوگ Chandogya، و چند اوپانیشاد دیگر قدیمی و نوشته‌های متأخر باستانی هندو از قبیل: «ایتی‌هاس Itihasa» و «پُران‌ها Purānas» کتاب «اتهرواودا»، «ودای چهارم» شناخته شده است

« رگ بید » ودای منظوم ، و «جحربید» ودای منثور، و « سام بید » ودای آهنگ‌ها است .

درمیان سه بید اصلی رگ بید قدیمترین آنهاست. سه بید اصلی نه تنها از حیث قدمت تاریخی بلکه از نظر مطالب و طرز تفکر گویندگان و آیین پرستش با کتاب چهارم اختلاف دارند.

ریگ ودا مادر وداهای دیگر است

رگ بید را «شروتی Sruti» (از مصدر: شرو Śru = شنیدن) نیز می‌نامند «شروتی» بمعنی: «دانش مسموع» و در برابر: «سمرتی Smriti» (از ریشهٔ سمری Smri = یادآوردن) است که مفهوم آن «دانش در یادمانده» یا «علم محفوظ» میباشد مقصود از علم اول علم مستقیمی است که مبداء آن خارج از حیطهٔ بشر است و در نتیجهٔ تفکر و تعمق و تحصیل به دست نیامده باشد و منظور از علم دوم دانشی است که سینه بسینه و دست به دست و پدر بر پدر منتقل شده است و درواقع ریگ مردهٔ (= میراث) مربیان و معلمان و پیشوایان مذهبی باستانی میباشد

کتاب ودا در نظر غالب «هندوان» در حکم وحیِ مُنزَل است و از نظر دین باوران «هندو» تعلیمات آن کامل و بالاترین سند و مدرك مذهب است. این تعلیمات حاکم برجمیع شؤن زندگانی هر فرد میباشد، و وظائف او را درهر وضع و شکل و در هر مرحله از مراحل حیات از تولد و کودکی و جوانی و پیری و مرگ معین میکند . بعبارت دیگر این تعلیمات وظیفهٔ هر کس را از گهواره تاگور زیر نظر دارد .

«ودا»ها مرجع کلیهٔ آداب و سنن است. همهٔ قوانین ومقررات درچهارچوب تعلیمات آنها بوجود آمده و مراسم وتشریفات مذهبی و دعاها و نمازها و آداب و رسوم اجتماعی هندو از آنها سر چشمه گرفته‌اند .

همان گونه که درعالم اسلام روح «قرآن» مجید در کتابهای اسلامی جلوه گر شده و زبان قرآن در «فرهنگ اسلام» بنیاد نوین و استواری بوجود آورده‌است، و هیچ کتابی را نمیتوان یافت که از روح قرآن الهام نگرفته باشد، بهمین مقیاس

این سرودها نخست مکتوب و مدون نبود و خانواده‌های مذهبی هندو آنها را پدر بر پدر در حافظه نگاهداشتند ، و بعدها بر حسب روایات سنتی مدوان آنهارا ویاسا Vyāsa درعصر «کالی‌یوگ Kāliyuga» (عصرکالی) که‌آنراسه هزارسال پیش از میلاد دانسته‌اند ، جمع‌آوری نموده و به صورت مجموعه (=Samhitā)در آمده است.

ریگ ودا (رگ‌بید) مشتمل بر ۱۰۲۸ سرود (سوکتا Sukta) است. این سرودها در ستایش خدایان است.عمده سرود از ۱۰۲۸ سرود را والکیلیا (بال‌کیلا Vālakhilya) خوانند و آنها را معمولا بین ماندالای هشتم و نهم قرار میدهند

ساماودا Sāma-Veda(سام‌بید) ودای آهنگ‌هاست. نیمی ازسرودهای این ودا تکرار همان اشعاری است که در ریگ ودا آمده، ونیم دیگر که بالغ بر ۷۵ سرود میشود، اصلی است

یاجورودا Yajur-Veda(ججربید) این‌ودااز قطعات نظم ونثر ترکیب یافته‌است بعبارت روشنتر قسمتی ازاین‌ودامنظوم وقسمت‌دیگر منثوراست. کلیه قطعات نظم و نثر راجع است به‌قربانی‌های‌عدیده، وبنابراین میتوان این ودا را، ودای قربانی‌ها نامید

اتهروا ودا Atharva-Veda (اتهربن‌بید) این وداازحیث‌تاریخ مؤخر برسه ودای مذکور در بالاست ، ومشتمل است برتعداد زیادی وردهای‌جادوئی که برای‌ارضاءواقناع‌ارواح پلید و راکشس‌ها ، و امثال آن‌ها بکارمیبرده‌اند.

چنانکه گفته شد درابتدا وداهـا مکتوب نبود و خانـواده‌های روحانی آنهـا را حفظ و نگاهـداری میکـردند ، و صدهـا سال بعـد مـدون شد . خاندان‌هـای مختلف مـذهبی هـریك قسمتـی از وداهـا را جمـع آورده‌اند و بدین‌ترتیب‌بیدهاازطریق مکتب‌ها (شاکهه‌ها Śakhas) یا قرآت‌مختلف به دست ما رسیده است .

درمـورد ریگ ودا مجموعهٔ (سمهیتا Saṁhitā) موجودمتعلق به یك مکتب‌موسوم‌به«شاکل Śākala» است و ازمکتب دیگـر بهاشکل Bhāshakal جز نامی باقی نیست

بیشترسرودهای ریگ‌ودا، ستایش‌هائی است خطاب به خدایان مختلف که‌از آنها

ریگ‌ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به پنج تا شش‌هزار سال پیش از میلادمسیح وحتی قدیمتر دانسته‌اند، ولی ماکس‌مولر Max Müller تاریخی را در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد درنظر گرفته است

ریگ ودا یا ریك سمهیتا Rik-Saṁhitā بحد زیادی قدیمتر از دیگر وداها میباشد. بخصوص نسبت بمتون منثور، خصوصیات کهنگی، ریگ‌ودا را از ادبیات جدیدتر جدا میسازد، و این کهنگی را نمیتوان منحصر آمربوط باختلاف سبك یا سطح تطورهای اجتماعی دانست اگر سرودهای ریگ ودا درزمانی نزدیك به زمان براهماناها Brāhmanas جمع‌آوری شده باشد، بوجودآمدن این سرودها مربوط بزمانی بسیارقدیمتر بوده است. زمان ادبیات ودایی را میتوان بین دو تاریخ قرار داد که مبداء هر دو تاریخ متأسفانه غیر روشن و نامعلوم است آنچه مسلم است بوجودآمدن این سرودها قرنها پیش از بودا و تعالیم عقاید بودایی بوده و از طرف دیگر شروع آن همزمان یا کمی قبل و یا بعد از ورود قوم آریایی به هندوستان میباشد. دوره‌های مختلف متون را باید در بین این دو تاریخ مرتب ساخت.

شباهت و نسبت نزدیکی که ریگ ودا با اوستا Avesta دارد، این فرض را بوجود می‌آورد که تاریخ ریگ‌ودا بحد زیادی جدیدتر است، ولی این فرض در صورتی میتواند مورد قبول واقع شود که مطمئن گردیم گاتها Gāthās که درشکل شباهت زیادی به ودا دارد، پیش از سدهٔ ششم و هفتم قبل از میلاد بوجود نیامده باشد و علاوه براینکه این تاریخ بهیچوجه طرف قبول و اطمینان نیست کاملا مشخص است که پیدایی ادبیات ودایی نیازمند بزمان بسیار درازتری است ژاکوبی Jacobi بر اساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه میگیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ ودا درهزارهٔ پنجم قبل ازمیلاد است کلبروك Colebrooke تاریخ تنظیم ودا را در سدهٔ چهاردهم پیش‌از میلاد قرار داده است.

به هرحال آنچه مسلم بنظر میرسد، ریگ ودا قدیمترین اثر قوم آریایی است، و بیشك تاریخ بوجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی موجود بوده میباشد

این دسته سرودها نمایندهٔ مرحلهٔ نخستین آیین ریگ ودا است . یکی از خصایص مشخص این‌دسته‌ازسرودهاجنبهٔ چند خدایی آنها میباشد خدایان مختلفی در اینگونه سوکتاهامورد‌ستایش‌قرار گرفته‌اند.دانشمندان‌صلاحیت‌دار عقایدمختلفی دربارهٔ روح‌این سرودها بیان‌داشته‌اند،بعضی آنها را ادعیهٔ کودکانهٔ اولیه پنداشته‌اند، و بعض دیگر آنهارا کنایه از بیان صفات ذات اعلی شناخته‌اند، و عده‌ای آنها را مربوط بقوم با نشاط و جوانی که اهمیت زیادی بمراسم‌مذهبی میداده‌اند،میدانند،وگروهی‌هم‌تاحدودی‌آنهارا‌نوعی‌طبیعت‌پرستی تعبیر کرده‌اند سرودهای ۱ و ٤۸ و ٥۰ و ١٥٤ و ١٨٥ ماندالای اول‌و سرود ٨٤ ماندالای پنجم و ٦٨ و ٨٩ و ١٢٥ و ١٦٨ ماندالای دهم را بطور‌نمونه میتوان معرف فکر‌چندخدایی در ریگ ودا دانست (۱).

۲ ـ جنبه‌های توحیدی

در پاره‌ای از قطعات سرودهای ریگ ودا‌به نوعی یکتاپرستی‌اشاره شده است . اینگونه سرودها نمایندهٔ مرحلهٔ دوم و سوم پیشرفت و نمو‌افکار ریگ ودا میباشد که از مرحلهٔ پرستش عوامل طبیعی و چند خدایی گذشته‌و بمرحلهٔ توحید و یکتا پرستی میرسد ، و بعدها از آن نیز تجاوز کرده صورت فرضیهٔ وحدت وجود فلسفی بوجود گرفته‌است که اساس مکتب فلسفی ودایی را تشکیل میدهد،و در دورهٔ بعد وارد تعلیمات او پانیشادها میشود،و بالاخره پایهٔ مکتب گسترش یافته و عالی افکار هندو بنام مکتب ویدانت قرار میگیرد

تعداد بیشمار خدایان مرد و زن در قسمتهای چند خدایی ودا رفته‌رفته موجب خستگی دماغ شد و در نتیجه تمایلاتی بوجود آمد که چند خدا را با هم یکی بدانند و باری تمام خدایان مختلف را یکی سازند

حاصل این تمایلات و مرتب ساختن آن طبعاً بتوحید و یکتا پرستی

---

(۱) برای نمونه بنگرید به صفحهٔ ٤۳ ـ ٤٧ و ٥٠ و ٥١ و ٥٦ و ١٢٧ ـ ١٢٨ و ١٣٠ ـ ١٣١ این کتاب

طول‌عمر و فرزند وگاو و اسب و مال و ثروت و وفور نعمت و باران و شفای بیماران‌وپیروزی‌ومحافظت ازارواح‌پلید وامثال‌آنها درخواست شده‌است خدایان دارای شخصیت بزرگ و مقام عالی‌اند و نیروی فوق‌العاده دارند ، و هر چند از مردم جدا هستند ولی درعین حال با مردم‌اند ونزدیك ایشان و یار قوم آریایی شناخته میشوند . آنها درمراسم قربانی حاضر می‌گردند وبقربانی‌ها برکت و تقدس می‌بخشند .

عدهٔ خدایان در ریگ ودا به ۳۳ خدا یعنی هشت واسو Vasu، یازده رودرا Rudra ، دوازده آدیتیا Āditya ، و دوخدای دیگر نامشخص محدود شده است این خدایان به سه دستهٔ، آسمانی، وجوی یافضائی، و زمینی تقسیم میگردند .

سرودهای این ودا را روحانیان هوتا Hotā باآهنگ میخوانند

مجموعهٔ‌ریگ ودا به ده ماندالا Maṇḍala تقسیم میشود. کوچکترین سرود فقط یك‌بیت دارد وکلانترین آنهااز ۵۸ بیت ترکیب یافته‌است مجموع سرودهای‌ریگ وداحاوی ۲۰۰۶ قطعه‌یاورگا Varga و۱۰۴۶۲ ریك Ṛik یا Ṛich (شعر یابیت یا آیت) و ۱۵۳۴۲۶ پادا Pada(کلمه‌یا$\frac{1}{4}$بیت)میباشد.

برخی سرودهای ریگ ودا را به‌هشت قسمت تقسیم‌کرده‌اند و هرقسمت را اشتاکا Ashṭaka خوانند و هریك از اشتاکاها به‌هشت ادهیایای Adhyâya (باب) تقسیم‌میگردد

سرایندهٔ سرودها را ریشی Ṛṣi گویند . ریشی‌ها مردمان آزاده و صریح‌اللهجه و روشنبین زمان خود بوده‌اند

طبقه بندی سرودها

در افکارگویندگان سرودهای ریگ ودا سه طبقه تطور دیده میشود

۱ ـ چند خدایی

۲ ـ توحید.

۳ ـ وحدت وجود فلسفی

L 9311

۱ ـ طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف

طبیعت پرستی‌وتصورخدایان‌مختلف‌ـحتی بصورت انسان ـ بطوری که در بعضی‌ازسرودهاملاحظه میشود ظاهرآمرحلهٔاول‌یامراحل‌اولیهٔافکارودایی است.

آفرینش تشریح شده است که این جهان نتیجهٔ تطور یک فرد نخستین است. در ماندالای سوم ـ سرود ٥٤ ـ تأکید میشود که «بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه میرود و بر هر آنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی میکند» (۱)

در رگ‌وید گفته‌شده است که باید بین حقیقت مطلق (براهمن Brāhman)، وخدای واحد شخصیت (ایشور Isvara) فرق گذاشته شود، و غالب افکار فلسفی ومذهبی که بعداً در هندوستان بوجود آمده و گسترش یافته ، از این فکر سرچشمه گرفته و تابع آن بوده است.

بعضی از مسائلی‌را که‌ریشی‌های دورهٔ اخیر ودایی مورد بحث قرار داده‌اند، از امور فلسفی است و بهمین‌جهت میتوان دورهٔ اخیر ودایی‌را بمنزلهٔ صبحدم فکر و طلوع مسائل‌فلسفی دانست.

برای مطالعات فلسفی حجرو‌ید و سام‌وید چندان اهمیتی ندارند . اتهرون ویدشرح طلسمات و ادعیه و اورادی است که جهت‌شفای‌بیماران و عمر دراز و از این قبیل امورمورد نظرو توجه بوده است ریشهٔ‌علم‌طب هندی‌ظاهراً مقتبس از اتهرون‌وید میباشد

رابطهٔ خدایان با پدیده‌های طبیعی

قسمت عمدهٔ سرودهای رگ‌وید در ستایش خدایان مختلف مثل سورج (سوریه Surya = آفتاب) ، اگنی Agni (آتش) ، دیوس Dyaus (آسمان) ، ماروتها Maruts (طوفان)، وایو Vayu یاوات Vāta (باد) ، آپه Āpas (آب‌ها) ، اوشس Usas (سپیده‌دم) ، پرتهی (پریتهیوی prithivî = زمین) است حتی‌خدایان‌همچون اندرا Indra ، و وارونا Varuna ، میترا Mitra ، ادیتی Aditi ، بشن (ویشنو Vishnu) ، پوشان pushan ، دواشوین Asyins ، رودرا Rudra ، وپرجنیه Parjanya . درابتدامنتسب‌به‌پدیده‌های طبیعی بوده‌اند

صفاتی که جنبه‌های خاص‌ومهم پدیده‌های طبیعی را بشان میداده است ، بصورت‌خدایان‌مستقلی‌در آمده‌اند مثلا: سویتری Savitri (سویتر Savitar = آفتاب) که بمعنی الهام دهنده و برانگیزاننده و حیاتبخش است ، و وی‌وسوان Vivasvān که بمعنی درخشان میباشد ، اصلا از صفات خورشید بوده است ، و بعدا بصورت‌خدایان‌آفتاب درآمده‌اند بعضی خدایان‌مانند پوشان Pūshan

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۳۸٦

منتهی میگردد. فرضیهٔ توحید از هرج و مرج خدایان مذکر و مونث بیشمار که با یکدیگر در اصطکاکاند ساده تر و منطقی‌تر بنظر رسیده است، و از این جهت در سرودهای این دوره جنبهٔ یکتاپرستی تا حدودی تقویت شده است.

روحانیت بخشیدن تدریجی بصور وجود الٓهی و منطق مذهب در یکی ساختن و بهم پیوستن چند خدا و پرستش یک خدا از خدایان که متوجه و معطوف به فرضیهٔ توحید است، وفرضیهٔ «ریتا Rta» یا وحدت طبیعت و بالاخره انگیزهٔ تنظیم مغز بشر همهٔ آنها از عواملی بودند که دانشمندان اخیر ودایی را به نوعی یکتا پرستی متمایل کرده‌اند

ازخصایص این دوره این است که حتی یگانه وجود اعلای دورهٔ یکتاپرستی از انتقاد بر کنار نماند. سرودهای ۸۹ و ۱٦٤ ماندالای اول و بندهای ٥ و ۸ سرود ٥٤ ماندالای سوم، وسرود ٤۱ ماندالای هشتم و سرود ۷۲ و ۸۲ و ۹۰ و ۱۲۱ و ۱۹۰ ماندالای دهم معرف تمایل گویندگان آنها به یکتاپرستی است(۱)

۳ ـ وحدت وجود فلسفی

چون فکر بشر دورهٔ ودایی را فرضیهٔ یك الوهیت بشرمانند ارضاء نمیکرد، از اینرو بتدریج فکر پژوهنده‌ای که برای رسیدن به حقیقت مطلق بمراتب بیشتر از یافتن طریق لذاید و خوشیهای شخصی و خصوصی اهمیت قائل است نمو و گسترش یافت. ارزش احساسات خدای شخصی هر چه باشد « حقیقت » ترتیب دیگری مقرر میدارد و برای پرستش معبود دیگر میخواهد. چون فرضیهٔ توحید متفکرین ایام اخیر دورهٔ ودایی را اقناع نکرد، لذا مکتب توحید جای خودرا به مکتب وحدت وجود فلسفی داد که اساس آن بر وجود اعلای غیر شخصی و شناخته نشدنی قرار گرفته است.

بتدریج فرضیهٔ وحدت وجود شامل عدم شخصیت پیدامیشود در سرود

---

(۱) بنگرید به صفحهٔ ۱ و ۸ و ۹٥ و ۱۸۱ و ۲٥٤ و ۳۳۳ و ۳۸٦ این کتاب.

مشخصات ریگ ودا

مراسمی که مدت‌ها بعد از عصر ودایی برقرار گردیده بطور آزاد از قطعات سرودها و ادبیات ودایی گرفته شده است-بی‌آنکه توجه زیادی بمعنی اصلی آن‌ها بشود ریگ‌ودا برای این منظور تو بن بصورت کتاب روحانیان هوتری Hotri درآمده است اساطیر (میتولژی) ریگ‌وید، دیگر اساطیر معمولی ودایی نیست، بدین معنی که اساطیر ریگ‌ودا از اساطیر وداهای دیگر قدیمتر و درعین حال بجای آنکه مستقیماً بصورت انساب (پدر فرزندی) باشد بصورت همرهائی است.

یك شبکهٔ تشابه میان قربانی‌های بشری و اصل اولیهٔ الهی آن‌ها وجود دارد که بنوبهٔ خود مربوط به پدیده‌های طبیعی آسمان و جو است و این‌اساس بحدی وسیع میباشد که ریشی‌ها با کوشش خستگی ناپذیر خود دستور اعمال خویش را ازآن استخراج کرده‌اند

ارتباطات پیچ‌درپیچ جنبه‌های مختلف طبیعی و اساطیری و مراسمی و اجتماعی است که افکار ریگ‌ودا را مشخص میسازد. تمام‌اشکال نمودارها سهمی در بوجود آوردن این نمایش‌ها دارد نمودارها باعلائم ادبی قابل ملاحظه می‌باشد.

حساب اساطیری برگین Bergaigne مخصوصا عدد هفت درمقابل‌عدد یك، یادر تقسیم‌واحدقابل توجه است. باستثنای ماندالای اول ودهم که‌دیدگاه را تاحدی‌تغییر میدهد، مطالب سایرماندالاها بطور کلی‌مربوط به صوررسمی‌مذهب است و تقریباً یکنواخت‌میباشد و بمسائل تجربی عمومی‌چندان توجه نشده‌است. کهنگی زبان نیز ازمشخصات بارز ریگ‌وید میباشد.

اصول اخلاقی و آداب اجتماعی

ریتا (رت Rta) قانون یا نظم جهان که معنی‌تحت‌اللفظی‌آن «حط‌مشی اشیاء» است اصول اخلاقیات را معین‌میکند بطوری که قبلا بازنموده‌شد ریتا نظم وترتیب ویاناموس جاودانی‌جهان‌است؛ پس‌برای اصول رفتار بشر نیرهمان مقام واعتبار را دارد رفتار منظم ومتجانس از مشخصات اساسی یك زندگانی خوب است

عدم نظم وترتیب که‌غالبا بصورت دروغ نشان داده میشود، بزرگترین بدی است.

که ظاهراً طوائف مختلفی آنها را پرستش می‌کرده‌اند ، جزء خدایان ودایی بشمار آمده‌اند . صفات مطلق معنوی نیز . شرادهه Śrādha (ایمان) ، منیو Manyu (خشم) ، گندهرب‌ها Gandharvas (پریان) ، اپسرا Apsaras (دختران آسمانی) ، وهمچنین ارواح جنگل و مزارع نیز جزو خدایان قرارداده شده‌اند.

هرچند در سرودهای رگ‌بید از خدایان متعدد ستایش شده است ، اما چون یکی ازآنها مورد ستایش قرارمیگیرد ، او بصورت خدای اصلی و آفریدگار ، و نگاهدارنده و یا ویران‌کنندهٔ جهان شناخته میشود ،و چون بدین ترتیب چند خدا هریك جداگانه بدرجهٔ رب‌الارباب رسیده اند این‌مکتب را « ماکس‌مولر » « هنوتئیزم Henotheism » خوانده‌که شاید بتوان آنرا « وحدت مقید به زمان » تعبیر نمود و در مقابل : « مونوتئیزم Monotheism » یاوحدت واقعی است که فقط یك‌خدای قادرمتعال برهمه مسلط می‌باشد

صفات آفرینش و نگاهداری و ویران کنندگی ، نخست قابل تجزیه وجدا از هم شناخته نمی‌شده‌است ، وبدین لحاظ قابل اسناد به‌خدایان مختلف نبوده ، وهرسه‌صفت‌را به‌شخصیتی‌واحد می‌داده‌اند، مثل . پرجاپتی Prajapati (خدای آفرینش) ، و وشوکرمن Viśvakarman (صانع‌جهان) .

ارتباط ریك‌ودا با سایر وداها

قسمت‌های بسیاری از ریگ‌ودا ، در سایر مجموعه‌های سه بید دیگر یعنی؛ سام‌بید، وججر بید،واتهرین بید دیده میشود . تعداد زیادی از منترهای ریگ‌ودا در تمام ادبیات ودایی نقل گردیده است. درمواردی که‌عبارات نقل‌شده با متن منطبق است،ظاهراً دلیل براصالت‌واعتباری‌است که‌پیشینیان برای‌مجموعهٔ ریگ‌ودا قائل بوده‌اند.

اگر نظر «الدنبرگ Oldenberg» را راست‌انگاریم ، علاقه به متن اصلی درادوار بعدی شدیدتر گردیده و این اعتبار گسترش یافته است

درمواردی که‌اختلاف موجود است، واین اختلافها بطور نامنظم درسراسر عبارات منقول وجود دارد،،وجود اختلاف شاهد بر کمال تمامیت‌ریگ‌وداست . مطالعهٔ این اختلافات آشکار میسازد که احادیث ریگ بید در زمانی که این مجموعه‌ها تدوین شده، دارای قدمت و کهنگی بوده است .

٤ ـ آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده‌ایم ، و ما که از تقوی سخن میگوئیم ، آیا اکنون از پلیدی سخن نگوئیم ؟!

و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۸۳ خطاب به قربانی کننده دربارهٔ ریاضت چنین مذکور است .

۱ ـ من ترا در اندیشهٔ خویش می‌بینم که (نام اسم مقدس) در گفت و گوئی.
از ریاضت بوجود آمده‌ای و به ریاضت مشهوری (۱)

در ماندالای دهم سرود ۱۳٦ بطریق عملی ریاضت نیز اشاره‌شده است؛

٤ ـ مرتاض درمیان فلك پرواز می‌آید و همه‌اشیاء را نورانی‌میکند دوست هریك از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده‌است.

درماندالای دهم سرود ۱۱۷ دربارهٔ آزادگی و نیکوکاری و بذل مال به فقیران و احسان به‌درویشان آمده است .

۱ ـ خدایان گرسنگی‌را وسیلهٔ کشتن قرار نمیدهند ، مرگ بیشتر حتی به‌سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشندهٔ نیکوکار هرگز ازمیان نمیرود .
لئیم هیچگاه کسی‌را نخواهد یافت که‌براو ترحم کند.

۳ ـ راد مرد آنست که به‌مستمند ناتوان‌دوره‌گرد که درطلب خوراك است کمك کند ، و چون‌از او استمداد جوید فوری بیاری او بشتابد وسپس‌اورا در زمرهٔ دوستان‌خود قراردهد

٤ ـ آن که مال خویش‌را از دوست یك‌دل و صمیمی دریغ دارد دوست نباشد، از چنین‌دوستی باید‌چشم‌پوشید (۲) .

در ماندالای اول سرود ۹۰ دربارهٔ نظم اخلاقی چنین آمده است :

٦ ـ کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد بادها شیرین‌اند ؛ برای او رودخانه‌ها به‌شیرینی جریان دارند ؛ حتی‌باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد

۷ ـ باشد که شب‌شیرین باشد و سپیده‌دم‌هم ، باشد که ناحیهٔ زمین شیرین‌باشد ، باشد که‌آسمان پدرما برماشیرین باشد

۸ ـ باشد که‌آن‌درخت باشد برای‌ما پرازشیرینی باشد ، باشد که‌آفتاب نیز پرازشیرینی‌باشد، وگاوان ماده‌برما شیرین‌باشند (۳)

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۱٤۹ این کتاب
(۲) بنگرید به‌صفحهٔ ۱٤ این کتاب
(۳) بنگرید به‌صفحهٔ ۲۱۱ این کتاب

اخلاق حمیده (تقوی) مطابقت با ناموس کیهان دارد . فرضیهٔ « رت » (نظم‌جهان) ازطرف‌دیگر مؤید این‌فکراست که اگر تطورات و تغییرات بی‌انتهای‌جهان فکر داشتن خدایان متعدد را ایجاد میکند ، وحدت جهان وجوب خدای واحد را ثابت میدارد .

درمکتب‌های فلسفی جدیدتر هندو ، ربتا بعنوان اساس نخستین فرضیهٔ اخلاقی دهرما Dharma (وظیفه و تکلیف) شناخته شده‌است.

دوستی‌همنوعان‌ومهربانی‌باهمه و انجام دادن‌وظائفی که‌هر شخص‌نسبت‌به خدایان‌ومردم دارد ، درودا تأکید گردیده است.

به ریاضت و روزه و پرهیزهم درریگ ودا اشاره شده‌است ، ولی‌ریاضت از اموراساسی نیست .

اینک‌شواهدباری‌درباره‌اموراخلاقی‌وآداب اجتماعی دراین‌جاذکرمیشود در ماندالای هفتم سرود ۱۰٤ خطاب به‌ایندرا و سوما‌چنین‌آمده‌است :

۸ ــ هرکه مرا باسخنان دروغ متهم سازد هنگامی که‌من راه خودرا باروحی‌عاری ازخطاد نبال‌میکنم ، باشدکه‌دروغگوی‌ای ایندرا چون‌آبی گردد که درمیان دست‌تهی فشرده میشود

۹ ــ آنها که بعادت خویش دلهارا هلاك میسازند و باطینت بدخود راست‌کاران را آزار و اذیت میکنند ، باشدکه سوما آن‌ها را بمار بسپارد ، یاآنهارا در دامان‌مرگ و نابودی قراردهد .

۱۰ــ ای اگنی‌ا دیوی که‌میخواهدبه‌جوهر رزق گاوان و اسبان‌وتن‌های ما صدمه وارد آورد ؛ باشد که‌آن مخالف و دزد و غارتگر درخراب و بوار افتد‌ــ هم‌خوداو و هم‌اخلافش (۱).

درماندالای‌دهم سرود۱۸۲ خطاب به‌بریهسپتی Brihaspati چنین گفته شده است :

۱ــ باشد که بریهسپتی رافع مشکلات (همهٔ گناهان‌را) دور سازد ، باشد که سلاح مفتری دروغزن را دورکند ، باشد که (دشمن) بی‌آبرو را به زمین براند و بدخواه را منکوب سازد ، و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد (۲) .

درماندالای دهم سرود ده برین تقریب آمده‌است :

(۱) بنگرید بصفحه ٤۷۷ کتاب حاضر

(۲) بنگرید بصفحه ۱٤۷ این کتاب

۳ـ برای مجاهده در راه قدرت ستایشی بدرگاه اندرامی آوریم یك سرود حقیقی ، اگر اندرایی بحقیقت موجود باشد .

و دیگری میگوید ، اندرایی نیست . او را که دیده است ؟ پس کی را ما احترام کنیم ؟

درماندالای چهارم سرود ۲٤ خطاب به اندرا آمده است ؛

۱۰ ـ کی اندرا را که مال من است در مقابل ده گاو شیرده از من خریده است ؟

چون او دربترا راکشت پس آن خریدار ویرا بمن بازدهد (۱).

در ماندالای دوم سرود ۱۲ خطاب به اندرا چنین گفته شده است .

۱ـ آن که بصورت خدای اصلی و پرازروح تولد یافت ، و دردانایی بحد زیادی ازسایر خدایان پیش افتاد ، و درمقابل جلال وقدرت مردانگی او هردو جهان بلرزه درآمد ، ای مردم ! او اندرا است.

۵ـ راجع به آن قهار میپرسند او کیست ؟ فی الحقیقه درباره اومیگویند. او وجود ندارد .

ثروت رؤساء را مانند گرو قماربازان او کم میکند . به او ایمان بیاورید چون او ای مردم ! اندرا است (۲) .

درماندالای اول سرود ۱٦٤ چنین آمده است :

٤ ـ کی ورد نخستین را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست ؟
نفس وخون از زمین است ، ولی روح از کجاست ؟
کی پیش دانایان رفته است که این را بپرسد ؟!

۵ ـ بافهم نارسا و عقل ناقص من این امور را میپرسم که حتی برخدایان پوشیده است .

در ماندالای چهارم سرود ۱۳ آمده است :

۵ـ چگونه است که او بی هیچ حدو پایه ای و با آنکه بسوی پائین متمایل است ، نمی افتد ؟!

با چه نیروی درونی درحرکت است ؟! کی اورا دیده است ؟ اوطاق سپهر را چون ستون برافراشته ای نگاه میدارد (۳) !

(۱) رجوع کنید بصفحهٔ ٤۹٦ این کتاب.
(۲) بصفحهٔ ۲۸۰ این کتاب مراجعه کنید .
(۳) نگاه کنید بصفحهٔ ۲٤

درماندالای پنجم‌سرود ۸۵ چنین مسطور است :

۷ـ اگر ما در بارهٔ آنکه ما را دوست دارد گناهی کرده‌ایم و یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه ای که با ماست یا بیگانگان خطائی مرتکب شده‌ایم . ای‌وارونا این تقصیر را از ما بردار (۱)

در ماندالای اول سرود ۷۱ گفته‌شده است :

۵ـ یکی را کودن می‌نامند و در دوستی باید است ، هرگز او بکارهای رادمردی تحریص‌نمیکنند. او درخطای باصره می‌پاید سرگردان‌است ، صدائی که او می‌شنود ارایش گل ومیوه‌ای ندارد.

۶ـ آن که‌دوست گرامی خود را رهاساخته‌است‌وحقیقت‌را نمیداند،سهمی از واك (سخن) ندارد، حتی‌وقتی‌آنرا (واك) میشنود بیهوده گوش‌داده است. او چیزی از طریقهٔ اعمال راستی نمیداند

۷ـ دوستانی که‌به‌آن‌ها یکسان گوش‌وچشم بخشیده شده در روح خود دارای سرعت‌های مختلفی‌هستند

بعضی چون سبوهایی میباشند که به‌دهان و شانه میرسند ، و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که‌درآن تن‌را میشویند (۲) .

تردید و استهزاء نسبت به خدایان

هندوان دورهٔ اخیر ودائی نه‌تنها با یك‌نوع شگفتی روبرو شدند که از مختصات فلسفه آنهاست بلکه‌نسبت بمعتقدات مسلم سابق‌خویش نیز دچار شك و تردید گردیدند و این‌شك‌وتردید راه نخستین افکار فلسفی‌را هموار کرد.

یك حالت سوآل وپرسشی بوجود آمد و شکاکیت در محیط پیدا شد بطوری که‌از سرودهای ۱۲۱ و ۱۲۹ ماندالای‌دهم ریگ‌ودا برمی‌آید‌هندوی آن دوره راجع به‌خدایان و امکان شناختن مبداء اشیاء دچار شگفتی شدواین تردیدبصورت استهزاء و تمسخر نسبت بعقاید پذیرفته شده و خدایان درآمد . وجود بالاترین خدایان مورد پرستش قرارگرفت وحتی نمازها و دعاهایی‌برای حصول ایمان گذارده و خوانده شد . بدیهی است در دوره‌ای که ایمان ثابت وپابرجا باشد کسی‌برای حصول ایمان دعا نخواهدکرد.

در سرود ۸۹ ماندالای هشتم چنین گفته شده‌است:

---

(۱) رجوع کنید به صفحهٔ ۳۳۰ کتاب حاضر

(۲) بنگرید بصفحهٔ ۱۲۱ این کتاب

۱۰ـ آن که برحسب دستورش تاریکان از جامه‌ای نور پوشانده‌شده اند ، آنکه مبارز قدیم را پیمود ، آنکه هردو جهان‌را جداگانه ستون زد ، وهمانگونه که تولدیافته است ، آنرا نگاه‌میدارد (۱).

و نیز درماندالای هشتم سرود ۸۴ براین تقریب آمده‌است .

۱ـ اوست که سقف آسمان وستارگان‌را درکمال بلندی برافراشت ، و زمین‌را چون بستری پهن بگسترد (۲).

درماندالای اول سرود ۱۲۴ چنین آمده‌است :

۱ ـ صبح درخشان آن هنگام که آتش‌مقدس ، زمی‌افروزد و خورشید سربرمیزند ، انوار خویش‌را منتشر میسازد

۳ ـ درناحیهٔ خاور ، دخترآسمان با جامه‌هایی از نورهویدامیشود.

٤ ـ اومی‌آید وچون مگسی‌خفتگان‌را بیدار میکند ، وازهمه بانوانی که برمیگردند،راستکارتر و پابرجاتر است .

۷ـ صبحدم چون بانویی مهربان برای شوهر خود خندان وبالباس نیکو از جمال خویش پرده برمیدارد

۸ـ اوجمال خویش‌را زینت‌میدهد ، وبااشعهٔ خورشید میدرخشد ، چون گروه زنانی که بمجلس‌جشن رومی‌آورند (۳)

در ماندالای اول سرود ۱۸۵ خطاب‌به‌آسمان وزمین گفته شده‌است،

۱ ـ کدامیك مقدم و کدامیك مؤخر بود ؟ چگونه بوجود آمد ، ای دانشمندان ؟ کی‌میتواند بداند ؟

آنها بخودی خود همهٔ وجودرا در بردارند ، شب و روز مانند چرخی درگردش است .

۲ ـ آن‌دو بی‌پا که‌حرکت نمیکنند ، بسیاری از جرثومه‌های جنبنده و دارای پارا در بردارند ، چون پسری درداماناپدر ومادرخویش (٤)

در ماندالای نهم سرود ۱۱۲ چنین مسطوراست :

٤ـ اسب میخواهد که ارابهٔ سبکی‌را بکشد ، گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده‌اند ، و غوزباغه در اندیشهٔ استخرآب (۵).

(۱) ببینید صفحهٔ ۱۳۸ را
(۲) بنگرید به صفحهٔ ۱۳۲
(۳) بنگرید به صفحهٔ ۳۰۹
(٤) بنگرید به صفحهٔ ٤۹
(۵) ببینید صفحهٔ ٤۱ را

در ماندلای دهم سرود ۱۰ چنین آمده است :

۶ـ کی آن روز نخست را که از آن سخن میگویی میداند ؟ که اورا دیده است ؟ کی میتواند آنرا اعلام نماید ؟ (۱)

در ماندالای سوم سرود ۵٤ چنین گفته شده است :

۵ـ چه راهی به سوی خدایان میرود ، کی حقیقت آنرا میداند ؟ و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تشبیهات و تعبیرات ادبی

در ریگ‌ودا به تشبیهات و تعبیرهای شیوا و نغز برمیخوریم برای نمونه ترجمهٔ چند قطعه مختلف را در اینجا می‌آوریم :

در ماندالای دهم سرود ۱۲۷ در توصیف الههٔ شب چنین آمده است :

۱ـ الههٔ شب باهمهٔ چشمان خود (یعنی ، ستارگان) به‌پیش‌مینگرد ، و بنقاط بسیاری ، نزدیک‌میگردد . او همهٔ جلال خویش‌را برخود پوشیده‌است .

۳ـ آن‌الهه چون‌می‌آید خواهرخود سپیده‌دم را بجای‌خویش میگذارد، وخود در تاریکی ناپدید میگردد .

٤ ـ پس امشب برما لطف‌فرما ، ای‌تویی که راههایت‌را ما دیدن کرده‌ایم، مانند مرغان بر آشیانهٔ خویش بردرخت (۲)

درماندالای اول سرود ۱۲۳ آمده‌است :

۱۱ـ همچون عروس زیبایی که مادرش اورا آراسته باشد ، تواندام‌خودرا می‌نمایی تاهمه بنگرند (۳).

درماندلای چهارم سرود ٦۵ آمده است :

۲ـ کدام مرد پرهیزکار اشعهٔ بامدادی را لباس می‌پوشاند ؟ (٤)

درماندالای اول سرود ۵۰ خطاب به‌خدای آفتاب چنین آمده است :

۲ـ هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیك میشود ، ستارگان چون دزدان می‌گریزند ، و شب‌سیاه به‌دنبال آن‌ها میرود (۵).

درماندالای هشتم سرود ٤۱ چنین آمده‌است :

---

(۱) ببینید صفحه ۳٤۱ را

(۲) بنگرید صفحهٔ ۳۹۷ را

(۳) رجوع کنید به‌صفحهٔ ٤۸٤

(٤) بنگرید به صفحهٔ ٤۲۰

(۵) رجوع کنید به‌صفحهٔ ۱٦۹

خوراکی و غیر حیوانی اهداء می‌گردد.

کره (= گهریته Ghrita) در غالب قربانی‌ها بکار میرود.

در مراسم قربانی، نذورو تقدیمی‌ها و نیازها با ترانه‌ها و خواندن آیات وید، مقدس میگردد.

خدایانی که خوانده میشوند در محل قربانی حضور می یابند. اگنی واسطهٔ انتقال قربانی به خدایان دیگر است. آب و باد نیز گاهی وسیلهٔ انتقال قربانی میباشند.

عمل قربانی خدایان را وامیدارد که خورشید را طالع نمایند و باران‌را به زمین برسانند، ودانه‌هارا برویانند و بثمر برسانند، و حیوانات را از گزند محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند.

قربانی قدرت کاملهٔ خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای بزرك افزایش میدهد، و از تجاوز افراد به‌یکدیگرجلوگیری میکند. قربانی همکاری‌روستائیان‌و افرادخانواده‌ها را فراهم‌میسازد، و بعلاوه آتش‌قربانی‌وجشن‌های مذهبی همراه با نوشیدن افشرهٔ سوما، نشاط و شادابی را افزون میکند.

در ماندالای دهم سرود ۷۱ خطاب به Jnānam (دانش) تصریح شده که باقربانی خط سیر سخن (= Vāk)دنبال شد

۱- بریهسپتی که بهمهٔ اشیاء نام‌بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین نامها «واك» را فرستاد

۳- باقربانی خط سیر «واك» را دنبال کردندوجایش‌را در درون‌ریشی‌ها یافتند (۱).

در همین ماندالا سرود ۹۰ داستان قربانی جهانی: «پروش Púrûsha» مذکور است این قربانی از حیث عظمت قربان شونده و قربان کنندگان مهمترین قربانی است که در ریگك وید به آن اشاره شده است

در این قربانی که در آن ندر جهانی تقدیم گردید، خدایان‌همه‌شرکت داشتند، و پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود قربان کردند.

۲- پروش در حقیقت تمام این جهان مرئی است، و آنچه بود، وخواهد بود. او خداوند ابدیت است.

۶- وقتی خدایان اعمال قربانی راباپروش‌برپا داشتند، بهار روغن آن، و تابستان هیزمش، و پائیز خود ندر بود.

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۱۲۰ این کتاب.

درماندالای دهم سرود ۷۱ گفته شده‌است :

۲ـ هنگامی که‌مردم آرد را درغربال می‌بیختند ، دانایان در روح‌سخن را آفریدند (۱).

در ماندالای پنجم سرود اول درتوصیف آتش چنین گفته شده‌است :

۱ـ مانند درختان جوان که شاخه‌های بلند خـویش را برمی‌افرازند ، شعله‌های اوسوی گنبد افلاك زبانه می‌کشد (۲)

در ماندالای چهارم سرود ۱٤ براین تقریب آمده است ·

۱ـ صبحدم سرخ‌فام ، سوار بر روشنایی پیش‌تاخته ، و اشعهٔ شادگون ، و نیرومند خودرا نمایان ساخته‌است

۵ـ چگونه است که‌او بی‌مهار و ستون باآنکه سوی پایین مایل‌است ، فرو نمی‌افتد ؟!

باچه‌نیروی درونی حرکت میکند ، که‌اورا دیده‌است ؟ اوگنبدآسمان را نگاه میدارد ـ ستون نیکو برافراشته‌ای (۳).

قربانی در ودا

در سرودهای ریگ ودا عمل قربانی بـرای جلب توجه خدایان اهمیت شایان دارد . خدایان موجودات مهربان و خیرخواهی‌اند که در میان مردم‌آمد و شد میکنند و از بشر والاتر و قویترند و بمناسبت عظمت و نیرومندی‌سزاوار ستایش و احترام میباشند . اشتهای سیری ناپذیری به نذور و قربانی دارند و تنها با قربانی موجبات ارضاء و اقناع آنان فراهم میشود و بهمین جهت قربانی برجسته‌ترین مشخصات مذهب ودایی است .

در این قربانی‌ها حیوانات ذبح و مواد حیوانی تقدیم میشود و یا مواد

---

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۱۲۰

(۲) رجوع کنید بصفحهٔ ۱۰۵

(۳) بنگرید بصفحهٔ ۱۰۲

از دستهای پرورش فرمانروایان پدیدار شدند تا نظم و انضباط را بگسترانند و عدل و داد را برقرار سازند و از ران‌هایش طبقهٔ «ویشیه» vaisya (بازرگانان و کشاورزان) پدید آمدند، تا امر سوداگری و کشاورزی رونق یابد و بنیهٔ مالی و اقتصادی و کشاورزی مردم تقویت شود، و از پاهایش طبقهٔ «شودر Sūdrá» بوجود آمد تا خدمتگزار اجتماع باشد و از کار و زحمت و رنج او جامعه برخوردار گردد (۱)

ناموس طبیعت یا نظم کیهانی

یکی از صوری که فرضیهٔ وحدت واقعیت بدان ظاهر گردید شناختن یک ناموس کلی و ابدی است که « ریتا Rita » نام دارد، و قبلا به آن اشاره شد.

«ریتا» عبارت از ناموس و وحدت وحقیقتی است که اساس نظم جهان میباشد.

در ریگ‌ودا هیچگونه سرود مستقلی خطاب به ریتا نیست ولی در سرودهای خطاب به وارونا، و اگنی و وشودیوها وغیره آنها، اشاره‌های مختصری باین فرضیهٔ مهم شده است.

در ماندالای چهارم سرود ۲۳ دربارهٔ ریتا خطاب به ایندرا چنین آمده است:

۸ ـ قانون جاودانی (ریتا) رزق نیرو بخش را متنوع ساخته است فکر قانون جاودانی تخطی و تجاوز را برطرف میسازد.

سرود ستایش قانون جاودانی چون برجاست و درخشید گوش‌های سنگین (= کر) زندگان را باز نموده است.

۹ ـ پای بست‌های قانون جاودانی محکم و پابرجاست و درصورت زیبای او جمال عالی هویداست.

از برکت قانون مقدس دیرپای خوراک برای ما می‌آورند، و از برکت قانون مقدس گاوان بپرستش ما می‌آیند.

۱۰ ـ او (ایندرا) که قانون جاودانی را مقرر داشت، آنرا حفظ مینماید قدرت قانون بسرعت حرکت میکند و غنیمت را به چنگ می‌آورد زمین وسیع و عمیق و آسمان: از آن قانون است

---

(۱) دو بند اخیر این سرود ناظر به نظام طبقاتی است که هزاران سال در هند حکومت میکرد و هندوها از نظر مذهبی به این نظام سخت گردن نهاده بودند.

در قانون اساسی هند همهٔ افراد آن کشور صرف نظر از مذهب و نژاد و رنگ وجنس برابرند ولی عملا هنوز بسیاری از هندوها خاصه مردم روستانشین به نظام طبقاتی پایبند هستند و باید سال‌ها بگذرد تا آثار این سنت قدیم با گسترش فرهنگ و تمدن عصر فضاء زائل شود.

۷- خدایان پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود جهت‌قربانی در روی علفزار (چمن) مقدس ذبح کردند.

۸- از آن قربانی که در آن بدر جهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ و کره بدست آمد، و از آن آفریدگان هوایی و حیوانات اهلی و وحشی را بیافریدند.

۹- از آن قربانی ریچها و آهنگ‌های سامن بوجودآمدندو بحور عروض پیدا شد، و دستور اعمال قربانی (ججربید) نیز پدید آمد.

۱۰- اسباب از آن بوجودآمدند، و آنها که دارای دو رشته دندان‌اند، و گله‌های گاو از آن هستی یافت و همچنین بز و گوسفند.

۱۱- وقتی پروش را ذبح کردند، آنرا به چند قطعه تقسیم نمودند دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ رانها، و پاهایش را چه نامیدند؟

۱۲- از دهانش «براهمن»، و از دودستش «راجنیه»(= کشتریه)، و از رانهایش «ویشیه»، و از پاهایش «شودر» بوجود آمد.

۱۳- از فکر (مغز) او ماه پیدا شد، و از چشمش خورشید، واز دهانش اندرا واگنی پدید آمدند، و از نفس او باد وزیدن گرفت.

۱٤- از نافش فلك، وازسرش عرش، و ازپایش‌زمین، وازگوشش جوانب و اطراف عالم پدید آمد، وبدینسان جهان (هستی) تکوین یافت.

۱۶- با این قربانی خدایان پروش را که در همان‌حال قربانی‌شده بود، پرستش کردند.

بدین ترتیب می نگریم که پروش به میل و ارادهٔ خویش، خود را برای ظهور و تکوین عالم هستی قربانی کرد و از برکت این بذرجهانی زمین و آسمان و خورشید و ستارگان و حیوانات و نباتات و سایر موجودات پیدا شدند (۱).

در اثر قربانی پروش که همهٔ خدایان‌وریشی‌هادراین‌مراسم‌حاضر بودند،

(۱) هندوها می گویند اگر عیسی‌جهت نجات بشر خود را برای صلب حاضر کرد، پروش جهت تکوین عالم و پیدایی جهان هستی خویشتن را قربان نمود تا عالم و عالمیان بوجود آیند و بدین ترتیب دامنهٔ دید و سعهٔ صدر و وسعت نظر و همت‌واثر بذر جهانی پروش از خودگذشتگی عیسی که تنها به مسئله نجات بشر می اندیشید بیشتر و مهمتر است.

۷ – من بجست‌وجوی نور الهی را به دست می آورم ، آن همت‌پرورمند به عادت خویش شادی میکنند، حقیقت‌را تعلیم میدهند ، حقیقت را اعلام میدارند، حافظین قانون‌اند ، و در قانون تعمق مینمایند

در ماندالای هشتم سرود ٦ چنین گفته شده است .

۲ – وقتی که روحانیون در تقویت ورزند قانون مقدس هدایای خویش‌را تقدیم میدارند ، سرایندگان با سرود نظم میستایند.

* *

بحث و پژوهش در بارهٔ ریگ‌ودا نیاز به تدوین و تألیف کتاب مستقلی دارد ، و چون این مقدمه گنجایش تطویل کلام را ندارد ، ازاینرو پژوهش و بحث بیشتر را در مجلد دیگر دنبال و تعقیب خواهیم کرد ، و سعی خواهد شد در جای خود حق مطلب اداشود – انشاء الله.

گسترش روابط ایران وهند

در این موقع که خوشبختانه‌روابط ایران وهند در هرزمینه گسترش قابل توجه یافته است،ورشتهٔ پیوندها و علائق دیرین استوارتر میشود ، این ترجمه به زبان فارسی انتشار می یابد ، و انتظار دارد بتواند برای شناسایی فرهنگ باستانی هندوستان مفید واقع گردد

اکنون کرسی‌های مستقل ایرانشناسی در دانشگاههای هند ،وکرسی‌های هند شناسی در دانشگاههای ایران تأسیس شده‌اند امیدوارم دانشجویان مستعد و علاقمند ایرانی و هندی‌با هدایت استادان ، و تحقیقات‌پردامنهٔ خود بتوانند در آینده کارهای ناقص و نا تمامی را که نسل ما شروع کرده‌است،دنبال کنندو زمینه‌هایی فراهم شود که دو ملت‌ایران و هنداز میراث مشترك فرهنگی‌خویش بیش از پیش بهرور گردند.

* ✡ *

در سال ۱۳٤۰ هجری‌شمسی/ ۱۹٦۲ میلادی که بدعوت‌شورای‌روابط‌فرهنگی هند ، به آن کشور رفته بودم قسمت‌هایی‌ازاین ترجمه آمادهٔ چاپ بود و آنرا از نظر استاد ارجمند دکتر تاراچند گذرانیدم.

در روزهای اهدای کتاب سر اکبر (ترجمهٔ فارسی پنجاه اوپانیشاد) به حضرت دکتر رادها کرشنن ، و شادروان جواهر لعل نهرو دربارهٔ این ترجمه‌و لزوم چاپ و انتشار آن ، علامه‌تاراچند بیاناتی‌ایراد کردو تکلیف نمود که‌هرچه زودتر آنرا انتشاردهم و دکتررادها کرشنن و نهرو مرا به انجام این خدمت تشویق فرمودند. هرچنداین‌کاربس دشوارو بزرگ بود ، اما برای تشیید روابط

گاوان شیر ده علوی شیر خود را به قانون تقدیم میکنند
در ماندالای اول سرود دوم خطاب به وایو (باد) چنین آمده است .
میترا و وارونا شما عاشقان و عزیرداران قانون بوسیلهٔ قانون، نیروی توانای خود را بدست آورده‌اید .
و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۶۸ خطاب به «وایو» گفته شده است :
۳- چون راه خودرا درمیان هوا باشتاب می‌پیماید هرگز آرام نمی‌پذیرد دوست آب‌ها ، نخست‌زاد ، قانون پذیر ، او درکجا تولد یافته وازکجا برخاسته است ؟!
در ماندالای اول سرود ۱۰۵ خطاب به وشودیوها (همهٔ خدایان) چنین آمده است :
۱۲ - ای خدایان جمع شوید تا سرود ستایش تازه ساختهٔ محکم برای شما خوانده شود
ورش طوفان‌ها قانون است ، نور منبسط خورشید حقیقت است
۱۶ - مسیر خورشید در آسمان برای تجلیل و تعظیم ساخته شده است، و نباید مورد تجاوز قرار گیرد .
ای خدایان! ای موجودات فانی! شما نیز آنرا نمی‌نگرید .
در ماندالای اول سرود ۱۲۳ خطاب بـه اوشس (سپیده دم) در بارهٔ قانون ابدی چنین آمده است :
۶ - بامدادهای رخشان گنج‌های زیبا راکه تاریکی پنهان کرده بود آشکار میسازند
۷ - آن یکی میرود، وآن دیگر می‌آید، دو نیمهٔ مختلف‌اللون روز در پی یکدیگر درگذرند
۸ - امروز در همان شکل ، و فرداهم در همان شکل، آنها هنورقانون ابدی وارونا را نگاه میدارند
۹ - آن‌دوشیره قانون را نمیشکند، و همه روزه بمحل معهود می‌آید
و نیز در ماندالای چهارم سرود ۵ خطاب به اگنی باین تقریب گفته شده است
۱۱ - بااحترام‌من‌قانون را اعلام میدارم ، ای اگنی، آنچه هست‌بفرمان تواست ، ای‌جات‌ویداس (دانندهٔ‌همه و آفرینندهٔ آفرینش)!
درماندالای‌چهارم سرود۳ خطاب بپری‌ها (موجودات الهی‌یاموجوداتی که‌بدرجهٔ الوهیت رسیده‌اند) چنین مذکوراست :

توجه کامل و علاقهٔ وافر داشت و حتی در مقام ریاست جمهوری هند نیز از مطالعهٔ کتب عرفانی و دواوین سخن سرایان فارسی‌گوی منفك نمی‌ماند و هرروز دقایقی چند از وقت گرانبهای خویش را صرف مطالعهٔ اینگونه کتاب‌ها میکرد و در آخرین روز حیات هم دیوان حافظ را در کنار بسترخود داشت

* ✡ *

در خاتمه لازم و واجب است از جناب آقای دکتر تاراچند عالم بزرگ و برجستهٔ هند، و آقای علی‌اشرف‌شیبانی دانشمند ایرانی که‌در کار ترجمهٔ این کتاب کمك های ذیقیمت و ممتد فرموده‌اند سپاسگزاری نمایم. اگر مساعدت های پی‌گیر و یاری‌های مداوم آقایان دکتر تاراچند وعلی‌اشرف شیبانی نبود، هرگز این کتاب بدین‌صورت به‌دست خوانندگان نمیرسید و من صمیمانه مدیون زحمات و خدمات این دو استاد ارجمند هستم.

ازهمکاری‌ها ومساعدت‌های گرانبهای آقایان محمود تفضلی رایزن فرهنگی سابق ایران در هند و نپال، و هاشم کاردوش جانشین شایسته و ارجمند ایشان که با ارسال کتاب‌ها و اسناد ومدارك مورد لزوم به پیشرفت کار من کمك‌های مؤثری مبذول فرموده‌اند، سپاسگزارم

همچنین از آقای انعام‌الرحمن دبیر دانشمند و محترم شورای روابط فرهنگی هند که با ارسال کتب عدیده به‌پیشرفت کار یاری فرموده‌اند تشکر دارم.

از آقای دکتر مهتاب داراین ماتور دوست هندی خود که‌در ترتیب وتنظیم فرهنگ الفبائی کتاب به‌من کمك نموده‌است امتنان دارم.

از آقای عبدالله مالکی مدیر محترم شرکت چاپ تابان ، و همچنین از کلیهٔ کارکنان این شرکت که برای چاپ این کتاب زحمت کشیده‌اند، تشکر مینمایم

تهران - بتاریخ چهار شنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۴۸ هجری شمسی، برابر بیست و یکم محرم‌الحرام سال ۱۳۸۹ هجری قمری، موافق نهم آوریل ۱۹۶۹ میلادی . والسلام علی من اتبع الهدی.

سید محمد رضا جلالی نائینی

معنوی ایران و هند ـ دو کشوری که تاریخ و فرهنگ مشترک دارند ـ و گسترش دامنهٔ زبان فارسی در سرزمین هند کار ترجمه و چاپ سرودهای ریگ‌ودا را تعقیب کردم، و اینک پس از گذشت بیش از هشت سال جلد اول ترجمهٔ فارسی گزیدهٔ سرود های ریگ‌ودا در دسترس ارباب فضل و دانش قرار میگیرد؛ باشد که مورد قبول محققان و دانشمندان واقع شود .

این کتاب تقریباً به همهٔ زبان‌های زندهٔ دنیا ترجمه شده است و سالیان دراز هند شناسان فرنگی برای ترجمهٔ آن عمر خود را صرف نموده‌اند . ما در این ترجمه از تحقیقات غالب مترجمان و مفسران معروف اروپایی ریگ‌وید از قبیل ، ویلسون ، و گریفیت، و توماس ، و ماکدونل ، و رت ، و برگین، ولوئی‌رنو، و پولررود ، و ماکس مولر، و گرسمن و غیر آنها استفاده کرده‌ایم، همچنان که از تحقیقات علمای بیددان هند ، فوائد بیشماری برگرفته‌ایم

در اینجا اقتضاء دارد از عالم بزرگ و سیاستمدار برجستهٔ هند، شادروان دکتر ذاکر حسین ـ رئیس جمهوری سابق هند ـ که خدای خاکش را خوشبوی گرداند ـ نام ببرم .

در فروردین ماه سال ۱۳۴۷ هجری شمسی /۱۹۶۸ میلادی نیز که بدعوت شورای روابط فرهنگی هند از آن کشور دیدن کردم ـ درمعیت دوست ارجمندم آقای هاشم کاردوش بحضور حضرت ذاکر حسین رسیدم قبلا درسال‌های ۱۹۵۳ میلادی در دانشگاه علیگره، و در سال ۱۹۶۲ در پتنه محضر ایشان را دریافته بودم . در این دیدار بمعظم‌له عرض شد در سه مقام مختلف ، یعنی ، ریاست دانشگاه اسلامی علیگره ، و حکمرانی بیهار ، و ریاست جمهوری هند حضرتتان را زیارت کرده‌ام. دکتر ذاکر حسین باوقار توأم با تواضع و آمیخته باخفض جناح چنین فرمود: مثل من مشابه مثل انگلیسی «سنگ غلطان» است (۱) . در این میان هاشم کاردوش گفت: البته سنگ گرانبها و جواهر دیقیمت. سپس دکتر ذاکر حسین در بارهٔ لزوم تشیید روابط همه جانبهٔ ایران و هند سخن گفت و کلام پر مغز و پرمعنی خود را با این بیت نظیری نیشابوری تمام کرد

چراغ صومعه‌ها زنده میتوان کردن
به دوستی تو ، یعنی به نور سینهٔ ما

دکتر ذاکر حسین مانند مولانا ابوالکلام آزاد ـ علامهٔ شرق ـ و دکتر محمد اقبال لاهوری ، و بسیاری دیگر از رجال علم و ادب هندوستان به زبان و ادب فارسی

---

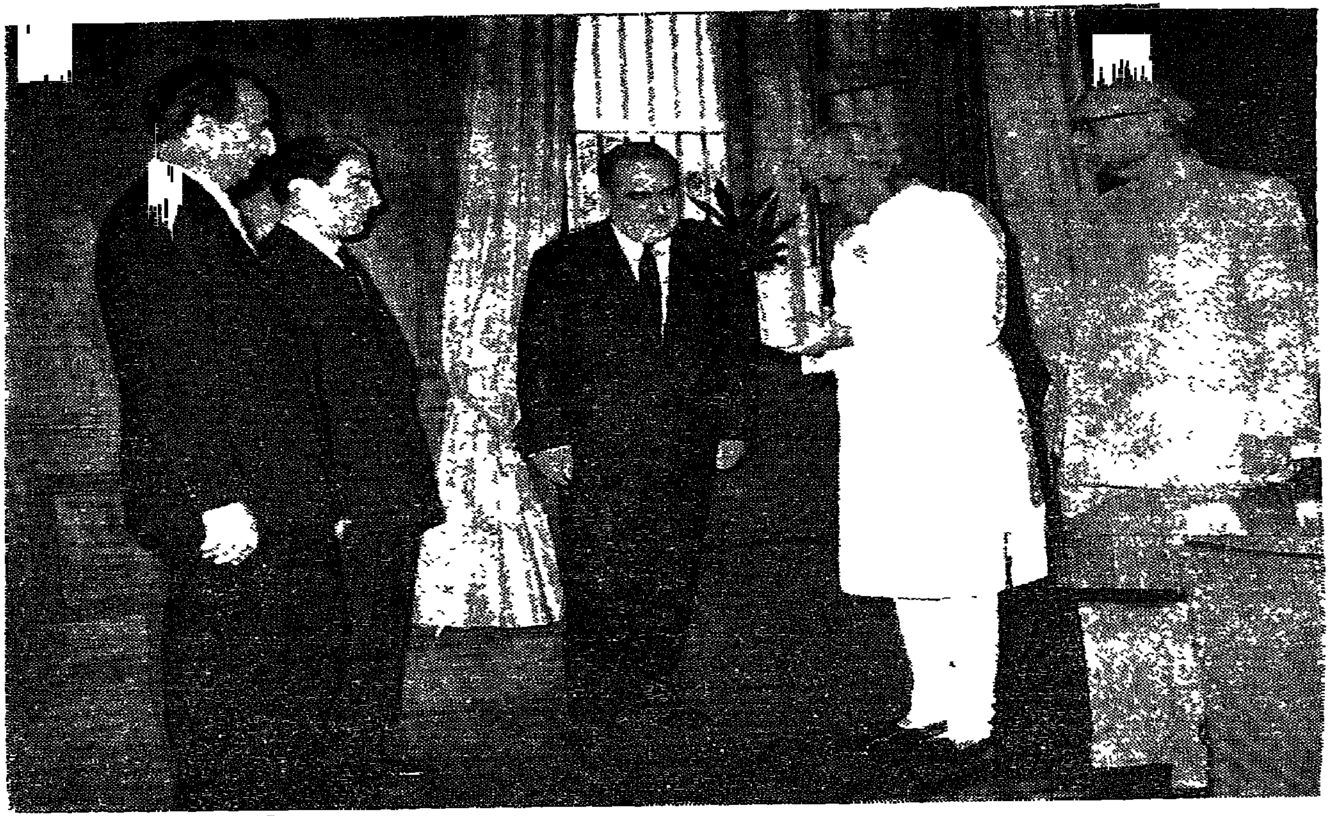
(۱) اشاره است به ضرب المثل: Rolling stone gatters no moss



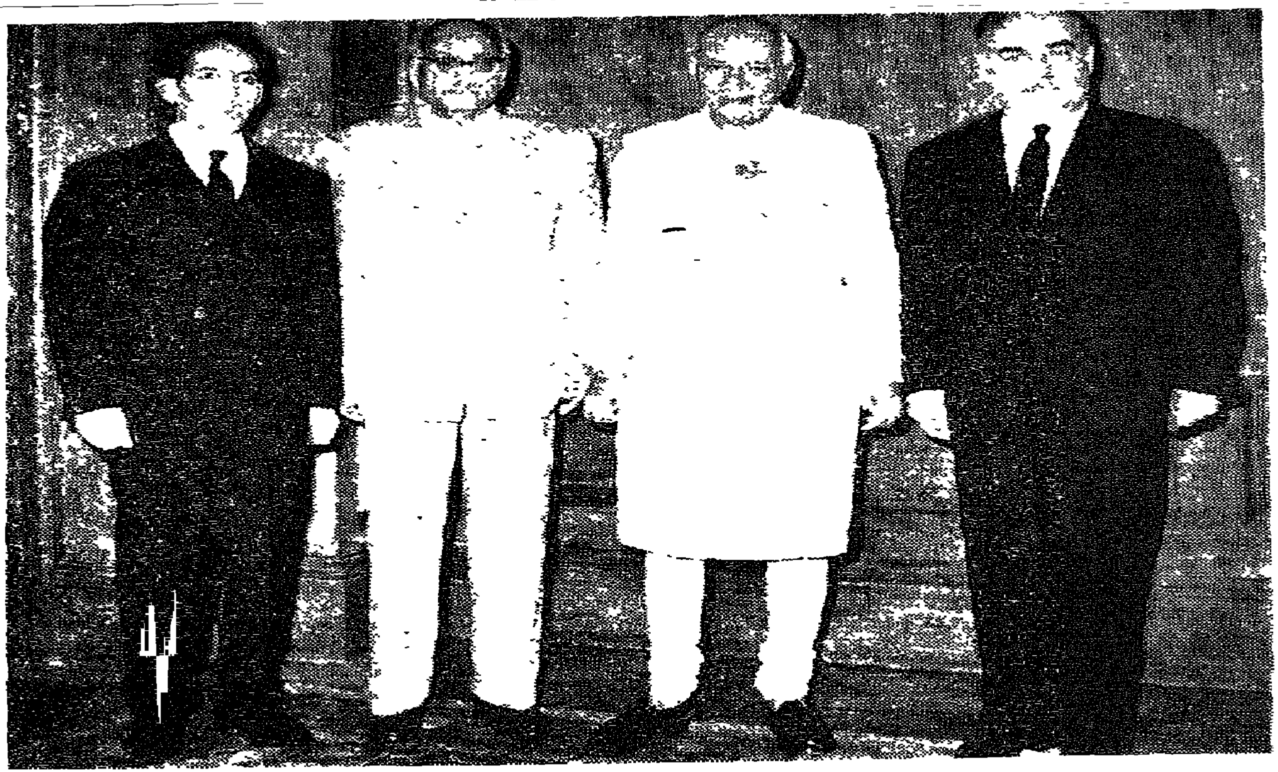
از راست به چپ: علامه دکتر تاراچند، حضرت دکتر رادها کرشنن و جلالی نائینی در عکس بالا دیده میشوند.



اهدای کتاب ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها به حضرت دکتر رادها کرشنن در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی
از چپ به راست: جلالی نائینی، حضرت دکتر رادها کرشنن، جناب آقای مسعود انصاری، و استاد تاراچند



[illegible]



از راست به چپ جناب آقای مسعود انصاری سفیر کبیر ایران، حضرت جواهر لعل نهرو، جناب استاد دکتر تاراچند، و جلالی نائینی در تصویر بالا دیده میشود

درمراسم اهدای ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها (کتاب سرّ اکبر) درسال ۱۳۴۱ هجری شمسی. جواهر لعل نهرو ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها را که به آن جناب اهدا شده ملاحظه مینماید و درپیرامون لزوم گسترش روابط فرهنگی ایران و هند سخن میگوید. از راست به چپ: استاد تاراچند، جواهر لعل نهرو، عبدالحسین مسعود انصاری، جلالی نائینی، ومحمود تفضلی رایزن فرهنگی ایران درهند.

ریگ‌ودا

NĀSADĪYA

नासदासीन्नो सदासीत्तदानीं
नासीद्रजो नो व्योमा परो यत् ।
किमावरीवः कुह कस्य शर्म-
न्नम्भः किमासीद्गहनं गभीरम् ॥ १ ॥

न मृत्युरासीदमृतं न तर्हि
न राज्या अह्न आसीत्प्रकेतः ।
आनीदवातं स्वधया तदेकं
तस्माद्धान्यन्न परः किं चनास ॥ २ ॥

तम आसीत्तमसा गूळ्हमग्रे-
ऽप्रकेतं सलिलं सर्वमा इदम् ।
तुच्छ्येनाभ्वपिहितं यदासी-
त्तपसस्तन्महिनाजायतैकम् ॥ ३ ॥

कामस्तदग्रे समवर्तताधि
मनसो रेतः प्रथमं यदासीत् ।
सतो बन्धुमसति निरविन्द-
न्हृदि प्रतीष्या कवयो मनीषा ॥ ४ ॥

तिरश्चीनो विततो रश्मिरेषा-
मधः स्विदासी३दुपरि स्विदासी३त् ।
रेतोधा आसन्महिमान आस-
न्त्स्वधा अवस्तात्प्रयतिः परस्तात् ॥ ५ ॥

1. Nāsadāsīnno sadāsit tadānīm nāsīdrajo no vyomā paro yat
Kimāvarīvah kuha kasya Śarmannambhah kimāsīdgahanam gabhīram
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na taihi na rātryā ahma āsīt praketah.
Ānīdavātam swadhayā tadekam tasmād-dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketam salilam sarvamā idam.
Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-mahināāyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso retah prathamam yadāsīt
Sato bandhumasati niravindan hṛdi pratīsyā kavayo manīsā
5. Tiraścīno vitato raśmiresā madhah svidāsīdupari svidāsīt.
Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā adhastāt prayatih parastāt.
6 Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta ājātā kuta iyam visṛṣtih.
Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda yata ābabhūva.
7. Iyam visṛstir yata ābabhūva yadi vā dadhe yadi vā na.
Yo asyādhyakṣah parame vyoman tso aṅga veda yadi va na veda.

को अद्धा वेद क इह प्र वोच-

त्कुत आजाता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेद यत आबभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत आबभूव

यदि वा दधे यदि वा न ।

यो अस्याध्यक्षः परमे व्योम-

(۱) न्त्सो अङ्ग वेद यदि वा न वेद ॥ ७ ॥

---

(۱) سرود بالا با حروف لاتین درصفحهٔ بعد درج میشود وسپس ترجمهٔ فارسی آن از نظر خوانندگان میگذرد .

۵

آن اولین بذر بود که فکر محصول آن است.

دانشمندان که دردل خویش به نیروی دانش جستجو میکنند، قید وجودرا ازعدم دریافته‌اند،

۵- شعاع آنها روشنائی را در تاریکی گسترش داد:

ولی آیا فرد یگانه دربالای آن بود، یا درزیر آن؟ قدرت خلاقه وجود داشت ونیروی ایجاد:

درزیر قدرت بود، ودربالا امر.

۶- کیست که بیقین بداند، و کیست که آنرا در اینجا بیان کند؟

درکجا تولد یافت، ودرکجا این آفرینش بوجود آمد.

خدایان بعداز خلقت جهان پیدا شدند؟

پس که میداند آفرینش ازکجا سرچشمه گرفته‌است؟

۷- هیچکس نمیداند که آفرینش از کجا برخاسته است، وآیا اوآنرا بوجود آورده، یانه؟

آن که برعرش اعلی ناظر برآن است، تنها او میداند، و شاید اوهم، نداند.

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۹)

۱

سرود خلقت

۱ـ آن هنگام نه نیستی بود، و نه هستی:
نه هوائی (جوی) بود، و نه آسمانی که از آن برتر است.
چه پنهان بود، در کجا، در ظل حمایت کی؟ آیا آب ژرف بی‌پایانی
وجود داشت؟
۲ـ آن هنگام نه مرگ بود، و نه زندگی جاویدی، و نه
نشانه‌ای از شب و روز.
به نیروی ذات خود، فردیگانه بی‌حرکت (باد) تنفس میکرد؛
جز او هیچ چیز وجود نداشت.
۳ـ در آغاز تاریکی در تاریکی نهفته بود.
هیچ علامت مشخصی نبود، همه‌جا آب بود.
آن فرد به نیروی حرارت بوجود آمد.
۴ـ در ابتدا خواهش (خواستن) در آن فرد پیدا شد:

---

(۱) عنوان این سرود در بعضی از متون سانسکریت «ناسدیه» Nāsadīya (عدم وجود) است، ولی ما به پیروی از برخی مترجمین دیگر، آنرا سرود خلقت نامیدیم.

آن که این قسمتهای فضاء ار اوست ، و آن که بازوان به او تعلق دارد .

پس ستایش ونذر حود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۵ ـ آن که به او آسمان محکم و زمین پا برجاست ؛ و آن که به او آسمان‌ها و کرهٔ آفتاب ثابت‌اند ، وآن که اندازهٔ آب در افلاك است .

پس ستایش و نذر حود را به سوی چه حدایی تقدیم نمائیم ؟

۶ ـ آن که آسمان ، وزمین به حمایت او بوحود آمدند ، و به روشنی درحشان است .

با فکر خود اورا مینگرد ، وخورشیدطالع در او میدرخشد.

پس ستایش و ندر خودرا به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۷ ـ هنگامی که آب‌های بی‌پهنا جهان را که شامل حرثومه بود فرا گرفت ، وا گنی را به‌وجود آورد ، در آن زمان تنها نفس خدایان پیدا شد .

پس ستایش ونذر خودرا بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۸ ـ آن که بقدرت خویش آب‌ها را در اطراف نگاه داشت ، وشامل نیروی خلاقه بود ، وقربانی را بوجود آورد .

آن که درمیان‌خدایان بالاترین خدای یکتا بود .

پس ستایش ونذر خودرا بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۹ ـ او که پدر زمین است ، وبی‌اشتباه‌جهان براو متکی‌است،

۲

پیدائی جهان

۱ـ در آغاز «هرن گربهه» بود ، چون بوجود آمـد یگانه خداوند آفرینش بود .

اوزمین ، و آسمان‌را نگاه می‌داشت .

پس ستایش و نذر خود را به‌سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۲ـ بخشندهٔ روح ، و دهندهٔ نیرواست ، و فرمان اورا (حتی خدایان دیگر) به‌جا می‌آورند .

خداوند مرگ‌است ، وسایهٔ او ابدیت‌است .

پس ستایش ونذر خودرا به‌سوی چه‌خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۳ـ (به او) که ببزرگی خویش یگانه پـادشاه جهان نفس کشنده و بیننده است ،

وبرمجموع دوپایان وچهارپایان حکم میراند .

پس ستایش ونذر خود را به‌چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

٤ـ آن که بعظمت‌اواین کوه‌های‌پوشیده ازبرف موجوداست، آن که مردم اورا مالك دریاها و رودخانه‌ها میدانند ؛

۳

ستایش: اندرا INDRA

۱ ـ من پیش از روزگار «مانو» بودم، من «سوریه» بودم،
من «ککشیوان» دانشمند، وسرایندهٔ مقدس هستم.
من بر «کوتسه» پسر «ارجونی» مسلط شدم.
من «اوشان» خرمندم؛ مرا بنگرید.

۲ ـ من زمین را به «آریه» بخشیدم، وباران را به مردی که برای من نذر می‌آورد.
من آب‌های خروشان را رهبری میکنم، وخدایان بخواهش من در حرکت‌اند.

۳ ـ در نشاط «سوما» من‌قلاع نودونه گانهٔ «شمبره» را ویران ساختم؛
وبفرجام صدمین منزلگاه را هنگامی که «دیوداس اتهتگوه» را یاری می کردم.

٤ ـ این پرنده بالاتر از همهٔ پرندگان مقام دارد،
ای «مروت» ها! این شاهین کشتی آسا بر همهٔ مرغان

و آسمان را به‌وجود آورده ، و آب‌های بی‌پهنا و ژرف و دل‌انگیز
را آفریده است ، باشد که او ما را گزندی نرساند .

پس ستایش و نذر خودرا به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۱۰ ـ هیچکس جز تو ای « پرجاپتی » وجود را به همهٔ این
موجودات نداده است

باشد که حاجات ما که به‌منظور آنها برای تو قربانی میکنیم،
روا گردد .

باشد که صاحب ثروت شویم .(۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۱)

(۱) سرود بالاخطاب به « که Ka (Kah) است. این کلمه بمعنی « کی؟»
است ، و از آن ظاهراً خدای نامشخصی منظور میباشد واحتمالاً نام پرجاپتی
یا دیگر خدایان است .

۵

ستایش آدیتیاها Aidiyas

۱ـ باشد که دراثر حمایت «آدیتیا» ها، ماازمنزلگاه راحت نوینی بهره‌مندشویم؛

باشد که «آدیتیا» های تندرو به ستایش‌های‌ماگوش‌فرادهند، واین پرستندهٔ خودرا دربیگناهی واستقلال حفظ کنند.

۲ـ باشد که «آدیتیا» ها، و «ادیتی»، و «میترا»ی راستکار، و «اریمن»، و «وارونا»، (ازاین‌ندر) شادمان شوند؛

باشد که نگاهدارندگان جهان، نگاهدارما نیز باشند؛ باشد که امروز برای نگاهداری‌ما «سوما» را بنوشند.

۳ـ همهٔ «آدیتیا»ها، همهٔ «مروت» (ماروت)ها، همهٔ‌خدایان، همهٔ«ریبهو»ها.

و «ایندرا»، و «اگنی»، و «اشوین»هارا (ما) تجلیل‌کرده‌ایم؛ همهٔ شما به‌ما برکت بخشید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۵۱)

مشاهده میکند.

۵ـ عروس «سوریه»، بخشندهٔ (رزق)، وصاحب ثروت فراوان بهگنجها و اموال (گوناگون) حکومت میکند.

ستودهٔ (ریشی) ها، تلف کنندهٔ زندگی، پروردگار نعمت برمیخیزد، وقتی که تقدیمکنندگان نذور اورا تجلیلمینمایند.

۶ـ اسبهای عجیب نورانی که «اوشس» درخشانرا می آورند، هویدا میگردند

اودر ارابهٔ همه سوروان خویش، پیش می آید، او به مردی که مراسم مقدسرا انجام میدهد، ثروت میبخشد.

۷ـ با راستان راست، وبا بزرگان بزرگ، وبا خدایان آلهی؛ وبا معبودان معبود.

او (غمهای) مهمرا برطرف میسازد، و (چراگاههای) گاوان راآشکار میکند؛

همهٔ آفریدگان ـ بهویژهگاوان ـ مشتاق سپیدهدم هستند.

۸ـ ای «اوشس»! مارا ثروتبخش که شامل گاوان، واسبان، وروزی فراوان، وپسران باشد،

مبادا که قربانیها درمیان مردم ایجاد ملامت نماید، و شما (ایخدایان) همیشه مارا برکت عطافرمایید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۷۵)

بیگانه‌ای شد .

۵ـ آن که توانگر است، باید به‌محتاجان ببخشاید، ومدار زندگی آینده را در نظر آورد ؛ زیرا که مال چون چرخ ارابه در گردش است، امروز دست یکی، وفردا دست دیگری خواهد بود .

۶ـ مردی که مهمان نواز نیست، بیهوده درپی غذاست ؛ من به راستی میگویم : این مرگ او است ؛ او نه «اریمن» ونه دوستی را عزیز میدارد، آن که تنها غذا میخورد جز گناهکار چیز دیگر نیست.

۸ـ گاو آهنی که زمین رامیشکافد، محصولش ارزاق است ؛ آنکه پای خودرا بحرکت درمی‌آورد، سفررا پایان میرساند .

براهمن گویا بیش از براهمن خاموش نصیب میبرد،

دوست بخشنده ازلئیم وخسیس بهتراست .

۸ـ آن که یك‌پا دارد ، ازدوپا پیشی گرفته‌است ،وآن که دوپا دارد، به‌سه‌پا، رسیده است .

مخلوقات‌چهارپا، وقتی که‌دوپاها آنها را میخوانند ،می‌آیند، وایستاده به‌جایی که پنج تاگردآمده‌اند ، مینگرند (۱)

(۱) بعضی از مفسران . «ریگ ودا» برآمد که منظور از عبارت «اکه‌پاد êkApad» (یك‌پا) خورشید میباشد، زیرا خورشید زادهٔ جاوید یك‌پا «Aja-êkapad» است و مقصود از دوپا، «انسان» ، واز«سه‌پا» پیر مردی که باعصا راه میرودوقطعاً درپیمودن راه‌سرعتش‌ازسرعت کسی که محتاج عصانیست کمتراست ومقصود از«چهارپا» «سگ» است معمولا سگ‌ها در ابتدا مطمئن نیستند که صاحبشان در میان جمع باشد و مقصود از «پنج‌پا» چند نفراند که گردهم آمده باشند .

۹

ستایش : دانه Dāna

۱ـ خدایان گرسنگی را وسیلهٔ کشتن قرار نمیدهند ،
مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشندهٔ نیکوکار هرگز ازمیان نمیرود ،
لئیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که براو ترحم کند .

۲ـ آن که صاحب رزق فراوان است ، و حتی سائل پیر ، و زمین‌گیر ـ و نیازمندی که ازوابستگان سابقش باشد ـ و از اوطلب نان کند و دل خود را نسبت باو سخت نماید ، چنین مردی هم کسی را نخواهد یافت که براو ترحم کند .

۳ـ رادمرد آن است که به‌مستمندان ناتوان دوره گرد که در طلب غذاست کمك کند ، وچون از او یاری جوید ، فوری بیاریش بشتابد ، وسپس او را درزمرهٔ دوستان خود قرار دهد .

٤ـ آن که مال خویش‌را ازدوست یکدل وصمیمی دریغ‌دارد دوست نباشد ، ازچنین‌دوستی باید چشم‌پوشید ،
پناهگاهی نیست و باید برای کمك در جای دیگر دست به دامن

۸

ستایش اشوین‌ها

۱ - ای «اشوین»های درخشان ! با اسب‌های نجیب خود بیائید، وسرود خدمتگزار خویش را بپذیرید .

ای خدایانی که کارهای شگفت میکنید ، از این نذور که ما برای تهنیت شما می‌آوریم ، لذت برید .

۲ - شیره‌های شادی‌بخش (سوما)، درپیش شمامهیاست ، بشتابید و از نذرمن بهره برگیرید .

ازضیافت دشمن ما بگذرید ، ومارا بشنوید .

۳ - ای اشوین‌ها! ارابهٔ شما باصد کمك، شمارا باسرعت خیال درمیان عوالم (نواحی) میگذراند .

شما که دارای «سوریا» هستید، به‌سوی ما بشتابید .

٤ - ای پرستندگان خدایان ! کی این سنگ (آسیای) شما بحرکت در می‌آید ، و چون چرخشت سوما برای شما به صدا درخواهدآمد ؟!

باشد کـه روحـانیون بوسیلهٔ نذور ای زیبایان ، شمـا را

۹ـ دو دست با یکدیگر شباهت دارند ، اما کارهای آنها مختلف است .

مقدارشیردو گاو (شیرده) که باهم خواهر ند، متفاوت است،
حتی توأمان (دوقلو) درقدرت و نیروباهم یکسان نیستند .
دوخویشاوند درثروت باهم فرق دارند.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۱۷)

۹

ستایش : اگنی Agni

۱ ـ برای «جات ویداس»، «سوما» را نفشارید ؛ باشد که او ثروت بدخواه‌را ازبین ببرد.

باشد که «اگنی» مارا ازمیان‌مشکلات نگهدارند،وماننددقایقی که از میان رودخانه میگذرد ، ما را از میان عم‌عبور دهد .

(ماندالای‌اول ـ سرود۹۹)

بیاورند .

۵ ـ غذائی که شما دارید ، به‌راستی عجیب است ، شما آن‌را مانند مخزنی حیاتبخش به«اتری» میدهید که چون درپیش شما عزیز است، لطف شمارا می‌پذیرد

۶ ـ هدیه‌ای که‌همه‌میتوانندبه‌دست آورند ، شما به«حیه‌وانه» می‌بخشید وقتی که او پیرمیشود ؛ آن که نذرهارا به‌شما تقدیم نموده است، شما او را جمال ابدی بخشیدید .

۷ ـ آن‌هنگام که دوستان نا موافق «بهوجه» او را درمـیان اقیانوس رها کردند،

ای «اشوین»ها، اسب شما اورا نجات داد ـ آن که خدمتگزار باوفای شماست.

۸ ـ شماهنگامی که«وریکه»بکلی بی‌پا شده‌بود، یاری‌نمودید ، وقتی که«شایو»(نیز)شمارا میخواند، به او گوش فرا دهید .

شماشیر گاورا چون آب‌جاری ساختید؛ ای «اشوین»ها ، شما (زن) ناراد را به نیروی خویش تقویت کردید .

۹ ـ این‌سراینده، باسرود نیکوی خویش، وقتی که درسپیده دم باافکارشاد بیدار میشود، شمارا پرستش میکند .

باشد که گاو اورا باشیر خویش غذا دهد، وروزی بخشد، ای خدایان ، مارا همیشه بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای‌هفتم ـ سرود ۶۸)

۱۱

ستایش: اگنی Agni

۱ ـ ای اگنی! آن که ترا برافروزد، و با حمحهٔ (ملعقه) برافراحته، سه‌بار ترا غذا دهد،

باشد که او در جلال تو، به پیروزی رسد، و با نیروی دفاعی تو دانا شود، ای «جات‌ویداس» (دانندهٔ آفرینش)!.

۲ ـ آن که با رنج و رحمت برای تو هیزم می‌آورد، و به جلال «اگنی» توانا خدمت میکند.

آن که ترا در شامگاه، و بامداد برمی‌افروزد، کامگار و توانگر میشود، و دشمنان خویش را هلاك میسازد.

۳ ـ «اگنی» سرور سلطنت عالی است، «اگنی» خداوند نیرو و ثروت های عظیم است.

آن خدای قائم بنفس و برنا، به آن فناپذیری که او را ستایش میکند، گنج‌ها می‌بخشد

٤ ـ ای خداوند جوان! هر گناهی که ما در صورت ابنای بشر از راه بلاهت در این جا مرتکب شده‌ایم، در حضور «ادیتی» مارا از

۱۰

ستایش : اندرا Indra

۱ ـ باشد که هنوز (به آرامی) در لطف «ویشوانر» باقی بمانیم، آری او پادشاه والای همهٔ موجودات زنده است.

هرچه‌راکه او بر آن نظر انداخته، حیات یافته است.

«ویشوانر» رقیب : «سوریه» است.

۲ ـ «اگنی» در آسمان ، و زمین همه‌جا حاضر است ، همه گیاهانی که درزمین میرویند، تحت فرمان اوست.

باشد که «اگنی» ، باشد که «ویشوانر» باقدرت وحضور خود مارا شب‌وروزازدشمن حفظ فرمایند.

۳ ـ ای‌ویشوانر ، حقیقت تو به‌سوی‌ما معطوف باشد ،ثروت را گرداگردما جمع آور .

این دعای مارا «ورونا» ، و«میترا» ، و «ادیتی»، و «سندهو» ، و«زمین» ، و«آسمان» قبول فرمایند .

(ماندالای اول ـ سرود ۹۸)

۱۳

ستایش: آگنی Agni

۱ ـ « اگنی » با نظر مرحمت به چشمهٔ ثروتهای درخشان صبحگاهان نگریسته است.

ای «اشوین» ها، به منزل پرهیزکاران بیائید، « سوریه » با فروشکوه خویش، درحال طلوع است.

۲ ـ «سویتر» خداوند درخشش(اشعهٔ) خویش را در افق اعلی انتشار داده است، ورایت خود را چون قهرمانی که برای جمع غنائم میرود به اهتزار درآورده است

«وروبا»، و«میترا» راه‌ثابت‌خویش را می‌پیمایند، آن‌هنگام که آنها خورشیدرا درآسمان بالا میبرند.

۳ ـ آن که به کمك آنان (وروبا ـ ومیترا)، تاریکی را دور میسازد، آنها که‌خداوند منزل‌های امن‌اند، ودر راه منظور خویش پابرجا میباشند

آن که برین جهان مینگرد، خدای آفتاب هفت مرکب سرومند جهان‌اورا پیش میبرند

گناه پاك ساز؛

ای اگنی، از تقصیرات ما درگذر.

۵ ـ حتی با وجود گناهان بزرگ، ما را از زندان خدایان، و آدمیان، آزاد کن.

هرگز مبادا که ما دوستان تو رنجه شویم، سلامت بزرگ و نیرو به اخلاف وفرزندان ما عطاشود.

۶ ـ ای خدایان اعلای مقدس، همانگونه کـه شما گاوی را که پایش بسته بود، رها ساختید؛ ما را نیز از این رنج آزاد کنید.

ای اگنی، عمر دراز به ما بده

(ماندالای چهارم ـ سرود ۱۲)

۱۳

ستایش : اندرا Indra

۱ ـ «اندرا»ی «شت کرتو» (صد نیرو) که فراوانی لطف وسیع خویش را درهمه جا می‌پراکنی،
ای خداوند سلطنت نیکو، و ای دوست همهٔ مردم، ثروتی بافروشکوه به ما عطافرما.
۲ ـ غذائی که‌تو ای «اندرا»ی نیرومند، مالك آنی، ودرخور آوازه است،
و شهرت وغلبه ناپذیر (تو)در همه‌جا معروف است، ای‌زرین فام، بطلب.
۳ ـ ای پرتاب کنندهٔ سنگ‌ها، نیروهائی که بطوع از ارادهٔ تو پیروی میکنند ـ تو وآنها ـ هردو از خدایانند؛
شما فرمانروائی میکنید تازمین و آسمان را نگاه دارید.
٤ ـ ای کشندهٔ «وریترا»، ازهریك نیروهائی که بشاید مارا قدرت پهلوانی بخش،
تو که‌نسبت به‌ما مانندبشر لطف‌داری.

٤ـ توچون با اسب‌های نیرومند خود می‌آئی و پردهٔ (نورانی) خود را می گستری ،

ای خداوند ، ردای‌سیاه‌فام‌را پاره میکنی، اشعهٔ «سوریه» که بشدت میدرخشند تاریکی‌را چون‌مشك درآب فرومیبرند.

۵ ـ چگونه است که او بی هیچ حد وپایه‌ای ، و با آن که به‌سوی پائین متمایل است نمی‌افتد ؟!

باچه نیروی درونی درحرکت است ؟

کی اورا دیده است ؟

او طاق سپهررا چون ستون برافراشته‌ای نگاه میدارد.

(ماندالای‌چهارم ـ سرود ۱۳)

ستایش: میترا Mitra

۱ ـ «میترا» چون به‌سخن درآید، مردم را به کاربرمی‌انگیزد،
«میترا» زمین، و آسمان ـ هردو ـ را نگاه میدارد.
«میترا» مردم را با چشمانی که بسته نمیشود، مینگرد.
باروغن مقدس برای «میترا» نذر بیاورید.
۲ ـ آن که برای تو (میترا) غذا آورد، برتر از همه باشد،
ای «میترا»، آن که میکوشد تا قانون مقدس را نگاه دارد،
«آدیتیا» (است).

آن که تو، اورا یاری کنی، هرگز کشته نشود، و مغلوب نگردد؛ هیچ رنجی از دور، و نزدیك به‌او نرسد.

۳ ـ باشد که ما مسرور از غذای مقدس، وفارغ از بیماری، و با زانوهای خم شدهٔ بر سطح زمین گسترده، و با پیروی دقیق از قوانین «آدیتیا» در رحمت لطف آمیز «میترا» باقی بمانیم.

٤ ـ این «میترا»ی قابل ستایش، ومتبرك، با پادشاهی زاده شد، پادشاه و بخشنده.

۵ ـ در کهف حمایت تو ، با آن همه مساعدت‌های تو ، ای خداوند صدنیرو ،

ای اندرا ، باشد که ما بخوبی درامان باشیم ،

ای قهرمان ، باشد که ما بخوبی حفظ شویم .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۳۸)

۱۵

ستایش: اگنی Agni

۱ ـ فرستادهٔ تو که مالك برهمه ، و جاودان است ، وحامل عطاهای تو میباشد ، بهترین پرستنده ، من او را باسرود می‌ستایم .

۲ ـ آن قادری که بنحوهٔ اعطای ثروت آگاه است ، اعماق زوایای آسمان را میشناسد ، او خدایان را به اینجا خواهدآورد.

۳ ـ آن که خودش خداست ، میداند که چگونه خدایان (دیگر) را بخانهٔ راستکار ، رهبری‌نماید

اوحتی خزانه‌ای را که مطلوب ما است ، می‌بخشد .

٤ ـ او پیشرو ، و خبیر است ، و پیغام خویش را بـه همه‌جا میرساند ، و به اعماق زوایای آسمان آشنا است .

ه ـ باشد که ما از آنها باشیم که «اگنی» را باقربانی‌هـای تقدیمی خود اقناع‌مینمایند ، واو راعزیز میدارند،و برمی‌افروزند.

٦ ـ آنها که «اگنی» را بـه احترام خدمت کرده‌اند ، در توانگری ، و اعمال قهرمانی مشهور،و پیروزند .

۷ ـ باشد که‌همه‌روزه ثروتی که‌موردآرزوی(مردم) بسیاری

باشد که ما از لطف مقدس او بهره‌مند شویم ، آری در مهربانی محبت آمیز ، و فراوان او باقی بمانیم .

۵ ـ آن «آدیتیا»ی بزرگ که باید او را با پرستش خدمت کنیم ، ومردم را برمی‌انگیزد ، سراینده‌را قرین لطف خویش قرار میدهد

به «میترا» که درخور والاترین ستایش است ، نذری‌را که‌او دوست دارد ، در آتش تقدیم نمائید

۶ ـ لطف سودمند «میترا» ، خداوند ، و نگاهدارندهٔ نوع بشر ، شهرت اعلی و بالاترین جلال می‌بخشد .

۷ ـ میترا که جلال او دراقصی نقاط منتشر است، دربرو از آسمان درمیگذرد ، ودر شهرت (خویش) از زمین فزونی‌می‌یابد.

۸ ـ تمام «پنج‌نژاد» (۱) به«میترا» توسل‌میجویند که‌دریاری نیرومند میباشد ، چون او نگاهدارندهٔ همهٔ خدایان است .

۹ ـ «میترا» به‌خدایان ، و به‌مردم زنده ، و به آن که علف مقدس رامی گسترد ، در اجرای قانون مقدس روزی‌میدهد .

(ماندالای سوم ـ سرود ۶۰)

(۱) همهٔ‌پنج‌نژاد : همهٔ‌مردم آریائی (همه قبایل وطوایف آریائی) .

۱۵

ستایش: اگنی Agni

۱ ـ فرستادهٔ تو که مالك برهمه ، و جاویدان است ، وحامل عطاهای تو میباشد ، بهترین پرستنده ، من او را باسرود می‌ستایم .

۲ ـ آن قادری که بنحوهٔ اعطای ثروت آگاه است ، اعماق زوایای آسمان را میشناسد ، او خدایان را به اینجا خواهدآورد

۳ ـ آن که خودش خداست ، میداند که چگونه خدایان (دیگر) را بخانهٔ راستکار ، رهبری‌نماید .

او حتی خزاینی را که مطلوب ما است ، می‌بخشد .

٤ ـ او پیشرو ، و خبیر است ، و پیغام خویش را به همه‌جا میرساند ، و به اعماق زوایای آسمان آشنا است .

۵ ـ باشد که ما از آنها باشیم که «اگنی» را باقربانی‌های تقدیمی خود اقناع‌مینمایند ، واو راعزیز میدارند،و برمی‌افروزند

٦ ـ آنها که «اگنی» را بـه احترام خدمت کرده‌اند ، در توانگری ، و اعمال قهرمانی مشهور،و پیروزند

۷ ـ باشد که‌همه‌روزه ثروتی که‌موردآرزوی(مردم) بسیاری

باشد که ما از لطف مقدس او بهره‌مند شویم ، آری در مهربانی محبت آمیز ، و فراوان او باقی بمانیم .

۵ ـ آن «آدیتیا»ی بزرگ که باید او را با پرستش خدمت کنیم ، ومردم را برمی‌انگیزد ، سرابنده‌را قرین لطف خویش قرار میدهد .

به «میترا» که در خور والاترین ستایش است ، نذری‌را که‌او دوست دارد ، در آتش تقدیم نمائید

۶ ـ لطف سودمند «میترا» ، خداوند ، و نگاهدارندهٔ نوع بشر ، شهرت اعلی و بالاترین جلال می بخشد .

۷ ـ میترا که جلال او دراقصی نقاط منتشر است ، در نیرو از آسمان درمیگذرد ، ودر شهرت (خویش) از زمین فزونی می یابد .

۸ ـ تمام «پنج نژاد» (۱) به«میترا» توسل میجویند که‌در یاری نیرومند میباشد ، چون او نگاهدارندهٔ همهٔ خدایان است .

۹ ـ «میترا» به‌خدایان ، و به‌مردم زنده ، و به آن که علف مقدس رامی گسترد ، در اجرای قانون مقدس روزی‌میدهد .

(ماندالای سوم ـ سرود ۶۰)

---

(۱) همهٔ پنج نژاد همهٔ مردم آریائی (همه قبایل وطوایف آریائی) .

۱۶

در ستایش: اگنی Agni

۱ ـ ای اگنی ، تو بزرگواری که سوی این مرد پرهیزکار آمده‌ای ،

لطف فرما و برین‌چمن مقدس بنشین.

۲ ـ باشد که آن یاور جاویدان که فریفتن او درمیان مردم بسیارمشکل است، پیامبر همه باشد.

۳ ـ آن گاه که رئیس‌روحانیون‌درتشریفات رسمی‌اورا در دور قربانگاه برای پذیرائی‌راهنمائی مینماید ، باهنگامی که روحانی پاك کننده اورامینشاند.

٤ ـ «اگنی» در آتش قربانی ـ چون خداوندگار خانه ، ویا مانند براهمن ـ جلوس مینماید .

۵ ـ تو ماننده‌رهبر گروهی که قربانی‌را برپا میدارند ، و نذور مردم‌را می‌آورند ، می‌آئی .

٦ ـ تو بسان پیامبر آن کسی‌هستی که قربانی‌اورا نیکودوست داری، وتقدیمی‌های مردم را به‌آسمان، میبری .

است ، به‌سوی ما آید ؛ قدرت‌وتوانائی برای ما برویند(بوجود آید).

۸ ـ آن سراینده مقدس به نیروی خویش تیرهای خود را سریعتر از تندروترین تیرهای طوایف شر پرتاب میکند .

(ماندالای چهارم ـ سرود ۸)

۱۷

ستایش: سوماپومانه Soma Pavamāna

۱ـ باشد که «ایندرا»ی«وریترا» کش در کنار(دریاچهٔ) «سریه ناوان» (۱)سوما را بنوشد، تا در دل خود نیرو ذخیره کند، و برای کارهای قهرمانی آماده شود.

ای «ایندو» جاری شو: برای خاطر «ایندرا» جاری شو.

۲ ـ ای خداوند نواحی جهان،(۲) جاری‌شو.

ای«سوما»، ازسرزمین«آرجیکیه»(۳) بانشاط وبا ایمان، وبا سرورحقیقی قربانی .

ای ایندو جاری شو ، برای‌خاطر «ایندرا» جاری‌شو.

۳ـ دختر «سوریه» گوسالهٔ وحشی را که «پرجانیه» پـرورش

---

(۱) سریه‌ناوان Saryanāvān . نام‌دریاچه‌ای واقع‌درناحیهٔ کروکشتره

(۲) ظاهراً منظور چهار ناحیـهٔ آسمان حسب اعتقاد قدمای هند می باشد .

(۳) بنابر تفسیر«سایینه Sāyana »، «آرجیکیه Ārjīkya» همان کشور رجیک‌ها Rjikas است

۷ ـ مراسم رسمی‌مارا قبول فرما ، و از قربانیهای ما راضی باش، ای «ادگیراس»، به ندای ما گوش فرا ده .

۸ ـ باشد که ارادهٔ تخطی ناپذیر تو که ما آن بخشندگان را حراست می‌فرمائی، ازهرسو بجانب ما آید .

(ماندالای چهارم ـ سرود نهم)

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۸ - در آن کشوری که پسر «وی و سوان» پادشاه زندگی میکند، مرا زندگی جاوید بخش، آنجا که زیارتگاه نهان عرش است، آنجا که آب‌های تازه وشیرین هستند.

ای‌اندو جاری شو، برای‌خاطر اندرا جاری شو.

۹ - در آن سرزمین که آنها، همان گونه که ساکن‌اند، در حرکت میباشند، مرا زندگی جاویدبخش، درسومین کرهٔ درونی آسمان، آنجا که عوالم‌روشن پراز نورند.

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۱۰ - درآن سرزمین آرزو، و اشتیاق، وامیال نیرومند، مرا زندگی جاوید بخش، درکشور ماه درخشان، جائی که غذا و لذت به‌دست می‌آید.

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۱۱ - درآن سرزمینی که شادی، و نشاط، وسرور، و برکت به‌هم می‌پیوندند، مرا زندگی جاوید بخش، درآنجا که آرزوهای دلخواه برآورده میشود.

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۳)

داده، به‌اینجا آورده است .

« گند هروه » ها آن را گرفته ، و شیره اش را در «سوما» ریخته‌اند .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو ،

٤ ـ ای صاحب جلال در (قلمرو) قانون ، ای اعلام کنندهٔ قانون ، ای گویندهٔ راستی، ای که درهمهٔ کارهای خود راستکاری، ای بیان کنندهٔ ایمان.

ای «سوما»ی پادشاه ، تو ای سوما که سازندهٔ تو، تورا زینت داده‌است.

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو.

٥ ـ ای نهرهای آن فرد بزرگوار ، ونیرومند، باهم‌جاری شوید، ای شیرهٔ آن آبدار به‌هم بپیوندید ، ای‌زرین‌فام که بادعاپاك گشته‌ای.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو .

٦ ـ ای « پومانه » ، وقتی که روحانی دعای موزون را میخواند ؛ وآنرا با سنگ به روی «سوما» میگذارد ، وبا «سوما» لذت می‌آورد .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

٧ ـ ای «پومانه» مرا درآن جهان بی‌مرگی وفنا نابذیرجای ده ، جائی که نورعرش برقرار است ، و روشنائی جاویدمیدرخشد.

۵ ـ الههٔ درخشان صبح‌را بخوابید، وسرود ستایش خـود را با احترام به سوی او ، آورید؛ او با بخش شیرینی روشنی خویش را درآسمان برقرار ساخته ، و با زیبائی جلالش را آشکار کرده است .

۶ ـ سرودها آن فرد مقدس را درآسمان‌ها بیدار ساخته‌اند، و آن بانوی ثروتمند با روشنائی به‌سوی دوجهان واردشد .

ای آگنی ، چون صبح‌تابناك درآید، به‌سوی او رو ، واز او ثروت نیکو بخواه .

۷ ـ براساس استوار قانون، گاوی کـه رانندهٔ صبح‌هـا است با قدرت وارد زمین وآسمان شده است .

بزرگ است نیروی « ورونا» ، و «میترا» که بادرخشش جلال خویش را برهمه جا گسترده‌اند .

(ماندالای سوم ـ سرود ۶۱)

۱۸

ستایش : اوشس Usas

۱ ـ ای اوشس، ای نیرومند به نیرو، ای صاحب دانائی، ستایش سراینده را بپذیر، ای بانوی ثروتمند، ای الههٔ باستانی، و جوان، و مملو از دانش (خرد)، تو که به رادی در حرکتی، همان گونه که در قانون مقرر است.

۲ ـ ای صبح، ای الههٔ نعمت، در ارابهٔ نورانی خویش که آوای دلنواز بیدار کننده دارد، درخشان شو.

اسب‌های رام برازندهٔ زرین فام، تورا به اینجا آورد.

۳ ـ تو ای صبح که بر هر آفریده‌ای رو می‌نمائی، چون نشانهٔ جاویدانی، در اوج می‌ایستی.

تو که پیوسته به‌سوی یك مقصد روانی، مانند چرخی ای نوزاد، به اینجا بیا.

٤ ـ صبح با لگام‌های فروهشته می‌آید، آن بانوی ثروتمند، آن خاتون خانه‌ها، آن مبارك شگفت آور، نور خویشتن را بر اطراف و اکناف زمین و آسمان گسترده است.

۲۰

ستایش: ددهیکراس Dadhikrās

۱ ـ من «ددهیکراس» را میخوانم که نخست شما را یاری دهد: «اشوین» ها

«بهگه»، سپیده‌دم، واگنی (آتش) نیکو برافروخته‌میباشند، اندرا، و ویشنو، پوشان، برهمنسپتی، آدیتیاها، آسمان، و زمین، آب‌ها، وروشنائی.

۲ ـ چون به (اعمال)قربانی میپردازم (برمیخیزم)، بابرستش بهبیدارساختن ددهیکراس میشتابم،

ای الههٔ «ایلا» که برچمن مقدس نشسته‌ای، بگذار تااشوین های‌تیز گوش دانشمندرا بخوانیم.

۳ ـ هنگامی که به بیدار کردن «ددهیکراس» میپردازم، با اگنی، وزمین، وسپیده‌دم، وسوریه سخن میگویم؛

باشد که «وروناء»ی همیشه‌آگاه‌سرخ قهوه‌ای، مارا از غم و رنج حفظ فرماید.

٤ ـ «ددهیکراون» برهمه مقدم است، آن‌مرکب نیرومنددر

۱۹

ستایش: اندرا

۱ـ تو که بانشاط بسیار «شمبره» (دشمن راجه) «دیوُداس» را شکار کردی،

این سوما برای تو مهیا شده است، ای اندرا، بنوش!

۲ ـ جرعهٔ شادی‌بخش آن («سوما»ئی) که از سرشاخه‌ها فرو ریخته، تو آنرا درمیان ودر پایان(۱) حفظ مینمائی.

این «سوما» برای تومهیا شده است، ای «اندرا» بنوش!

۳ ـ تو که با نشاط فراوان گاوهائی را کـه در مـیان سنگ به‌سختی بسته بودند، آزاد ساختی،

این «سوما» برای تو تهیه شده است، ای‌اندرا بنوش!

٤ ـ این «سوما» که درشیرهٔ فرح‌بخش آن توقدرت«مگهون» را به‌دست می‌آوری،

این«سوما» برای تو تهیه شده است، ای «اندرا» بنوش!

(ماندالای ششم ـ سرود ٤۳)

---

(۱) بنابر تفسیر «ساینه Sānana» ظاهراً مقصود از میان وپایان نذور ظهر وشب است که تقدیم خدایان میشده است.

۲۱

خطاب به : سوماپومانه Soma Pavamāna

۱ - به راستی افکار ما متفاوت است ، . راه های مردم مختلف است

نجار درجست وجوی شکسته‌است ، وبزشك‌دراندیشهٔ‌سانحه، وبراهمن درفکرپرستنش .

ای «ایندو» برای «ایندرا» جاری شو .

۲ـ صنعت‌کار با هیمهٔ خشك، و بال پرندگان (برای باد زدن آتش) با سنگها و آتش سوزنده در پی ثروت زرین بـرای خـود است .

ای «ایندو» برای «ایندرا» جاری شو

۳ ـ من شاعرم ، تاتا (پدر) پزشك است ، وناتا (مادر)آسیارا می‌چرخاند.

هریك با افکار مختلف به دنبال ثروت گاوان میگردیم.

ای ایندو ، برای ایندرا جاری شو .

٤ ـ اسب میخواهد که ارابهٔ سبکی را بکشد،

پیشاپیش ارابه‌ها راه‌خودرا بخوبی می‌شناسد ؛

با سوریه ، و بامداد ، و آدیتیا ها، و انگیراس‌ها ، وواسوها

متحد ومتفق است .

٥ ـ باشد که درهیکراس راه سرمارا آماده سازد تااز جادهٔ

نظم بگذریم ؛

باشد که اگنی مارا بشنود،وسپاه آسمانی‌شما افرادنیرومند

که‌هرگزفریب کسی‌را نمیخورند ، مارا بشنوید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ٤٤)

۲۲

ستایش: اندرا

۱ ـ من «اندرا»ی قهرمان‌را ستایش‌خواهم کرد که به‌نیروی خویش زمین، و آسمان‌را از یکدیگر جدا ساخت، و همه راوسعت می‌بخشد، و شررا حمایت میکند ودر بزرگی خویش از طوفان، و رودخانه‌ها پیشی میگیرد،

۲ ـ او «سوریه» است، در تمام عرصهٔ پهناور (جهان) اندرا اورا بسرعت چرخهای ارابه خواهد چرخاند،

و مانند رودخانه است که هرگز نمی‌ایستد، و پیوسته در جریان است،

او با روشنائی خویش تاریکی سیاه رنگ را از بین برده است.

۳ ـ برای او دعای مقدس می‌سرایم، دعائی ناگسستنی، نو، بی‌مانند، وبرای ـ هردوـ زمین، و آسمان.

«اندرا»ی شریف که همهٔ موجودات زنده را میشناسد، و هرگز دوست‌را فرو نمیگذارد.

۴۲

گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده‌اند،
و غوک در اندیشهٔ استخر آب است،
ای اندو، برای اندراجاری شو.

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۲)

باشند ـ مورد ایذاء (تخطی) قرار میدهند.

۹ـ مردمی که زندگی شرارت آمیز دارند، وپیمان می‌شکنند و به «ورونا»، و «اریمن»، و «میترا» آزار میرسانند،

ای «اندرا»ی نیرومند، گاو آتش گونهٔ خود را چون مرگ غضبناکی بر انگیز.

۱۰ ـ «اندرا»، خداوند زمین، و آسمان است، «اندرا» سرور آبها، و کوه هاست،

اندرا خداوند کامیابان، و دانشمندان است، «اندرا» را باید درحال راحت وهنگام کار بخواند.

۱۱ ـ پهناور تر از روز، و شب، بخشندهٔ فزونی، وسیعتر از فلك، و طوفان دریا،

پهنتر از گسترش زمین، و میدان باد، فراخ‌تر از رودخانه ها، وزمین‌های ما اندر است.

۱۲ ـ ای اندرا، تیر سیری ناپذیر خودرا چون پیك صبح به پیش پرتاب نما،

وچون سنگی که ازآسمان فروافتدباگرمترین شعله کسانی که‌دوستان‌را فریب دهند، سوراخ کن.

۱۳ ـ به راستی، اقمار، کوه‌ها، درختان بلند، گیاهان، و علف‌ها اورا پیروی میکنند.

هردو جهان باشوق وعشق نزدیك شدند، وآب ها وقتی که

٤ ـ من سرود های خودرا چون جریان ناگسستنی ، و بسان آب زیردریا ، به‌سوی «اندرا» میفرستم،

آن که در دو طرف ارابهٔ خود آسمان ، و زمین را بسان دو سر محوری ثابت نگاهداشته است .

٥ ـ با بادها برمیخیزد ، همه را می‌لرزاند ، حمله میکند ، نیرومند وقوی است ، و به‌تیرها مسلح است .

«سوما» است ؛ درختان جنگل ، و بوته‌ها نمیتوانند باشباهت خویش «اندرا»را بفریبند .

٦ ـ «سوما» به سوی اوجریان یافته است، آن که هیچ چیز نمیتواند همسنگ او باشد ، نه زمین ، نه آسمان ، و نه فلك ، نه کوه ها .

چون به‌خشم آید ،غضب او هر(چیز) محکمی را خردمیکند ، وهر نیرومندی‌را درهم می‌شکند .

٧ ـ چون تبری که درخت‌را می‌اندازد ، «وریترا» را کشت ، قلعه‌هارا ویران ساخت ، و (بستر) رودخانه ها را کند(تغییرداد)

اومانند عصای (اهرم) آهنین تازه سازی کوه‌ها رابشکافت.

«اندرا» با همراهان خویش گاوان ماده را بیاورد.

٨ ـ تو دانائی ،تو گناه را کیفر میدهی ، ای «اندرا»،شمشیر دست و پا را هرس میکند ، تو گناهکاران را درهم میکوبی،

مردمی که‌قانون اعلای:ورونا، ومیترا را ـ مثل آن که‌همطراز

را درجائی که غنائم جمع آوری شده است ، میخوانم ،

نیرومندی که میشنود،ودر جنگ‌ها یاری مینماید، و«ویترا»

را میکشد، وثروت‌را به‌دست می‌آورد، وجمع میکند.

(ماندالای دهم - سرود ۸۹)

«اندرا» به‌وجود آمد به‌خدمت او کمر بستند.

١٤ ـ کجاست آن تیر انتقام که تو ای اندرا ، دیو شورش و تخطی‌را با آن بشکافتی ؟

آن هنگام که دیوان چون گله ای که درقربانگاه بخوابد ، درروی زمین خوابیده بودند .

١٥ ـ آن ها که به دشمنی ما برخاسته‌اند ، [1] ای اندرای نیرومند ، آن دشمنان ما را به تاریکی کور کننده گرفتار ساز.

واینان (ما ودوستان ما) از نور درخشان روشنی یابند.

١٦ ـ باشد کـه نذور فراوان مردم ، و خواندن ادعیهٔ مقدس « ریشی » ها ، تو را خشنود سازد .

با محبت این دعای همگانی مارا بشنو ، به‌سوی‌ما بیا ، وبـر آن‌ها که تورا ستایش‌میکنند ، بگذر.

١٧ ـ ای اندرا ، باشد که ما ازاین‌الطاف جدید که برای ما سودآور است ، بهره‌مند شویم .

باشد که ما «ویشوامتر» ها با سرودن از روی شوق ، بوسیلهٔ تو ای اندرا ، به‌روشنائی روزنایل شویم.

١٨ ـ ما «مگهون»،«اندرا»ی نعمت بخش ، و بهترین‌قهرمان

---

(١) در متن واژهٔ « اوگانه‌ها Oganas » بکاررفته و احتمالا نام‌خانواده یا قبیلهٔ دشمن است .

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی‌های هراسناک محفوظ نگاه دارند .

۷ ـ آن دوفرد بزرگ وسیع، وپهناور را بادست وپای باسط من بوسیلهٔ این قربانی ـ ازآن دوفرد بخشندهٔ لطف بخش ـ مسئلت دارم که درین قربانی شریك باشند ؛

باشد که آسمان و زمین ما را از بدی‌های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۸ ـ هر گناهی که ما به درگاه خدایان، یا ضد دوستان، و یا ضد رئیس خانواده مرتکب شده‌ایم ؛

باشد که این دعای ما موجب آمرزش آن گناهان گردد؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك خود محفوظ نگاه دارند .

۹ ـ باشد که برکت هردو ، و مردم (و خدایان) ، مرا یاری کنند، باشد که هردو به حفظ و کمك من بردارند،

فراوانی بیشتر نصیب بخشندگان باشد تا نصیب بی خدایان.

باشد که ما با سرور از غذا های فرح بخش بهره یابیم ، ای خدایان .

۱۰ ـ این مراسم رسمی (اعمال قـربانـی) را من دانشمنـد (فهمیده) به آسمان، و زمین بجا آورده‌ام تا نخست آنها بشنوند ،

باشد که آنها مارا ازخطا وجنایت حفظ فرمایند، وچون پدر،

وقابل پرستش است

ای جهان‌ها ، چنین بخششی برای سراینده فراهم سازید.

باشد که آسمان ، و زمین مارا از بدی‌های هراسناک محفوظ نگاه‌دارند .

۴ ـ باشد که ما دو جهان را که هرگز رنجی نمی شناسند ، خدمت کنیم ،

آنها که کمك میدهند وخدایان فرزندانشان هستند ، وخود آن دو نیز از خدایانند ، و شب و روز را به توالی یکدیگر می آورند ؛

باشد که آسمان ، و زمین مارا از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۵ـ آن‌دو دوشیزه که چون متحدشوند یك‌جفت میگردند، و دختران توأم که در دامان پدر ومادر خویش ناف جهان را نوازش میدهند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی‌های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۶ ـ آن دو منزل بزرگ وسیع را من چنانکه باید ستایش میکنم ،

آن دو پدر ، ومادر با حمایت خدایان ،

آن دو موجود زیبا که از آب حیات بهره ورند ؛

۲۵

ستایش . اوشس Usasa (فجر - سپیده‌دم)

۱ـ باسعادتمندی برما طالع شو، ای «اوشس»، ای دختر آسمان، باعظمت وجلال طالع شو، ای بغ بانو، ای بانوی روشنائی، باثروت طالع شو، ای بخشندهٔ فراوانی

۲ـ آن‌ها که اسب، و گاومی آورند ، ورفاه وثروت‌می بخشند، بیشتربیش تاخته‌اند تامارا روشنی بخشند

ای اوشس ، آوای شادی را برای من بیدار ساز، وثروت و عظمت را به مافرست .

۳ـ اوشس دمیده و اکنون نیز خواهد دمید ، آلههٔ رانندهٔ ارابه‌ها

آن که چون نزدیك شود ، همهٔ افکار متوجه او می گردد ، مانند جویندگان افتخار درروی سیل

٤ـ اینك «کنوه» رئیس قوم (نژاد) «کنوه»ها ، افتخارات نام قهرمانان را باآوای بلند می‌سراید .

شاهانی که چون‌تو ای اوشس نزدیك میشوی افکارخودرا به

ومادری مارا با یاری خویش حمایت کنند .

۱۱ ـ ای آسمان و زمین ، باشد که این حقیقت باشد،

ای پدر ومادر ، آنچه من اینجا از شما خواستارم ، با کمك

شما از نزدیکان خدایان میشوم،

باشد که ززق گوارا ، واردو گاه (چراگاه) پُر آبی نصیب ما

گردد .

(ماندالای اول ـ سرود ۱۸۵)

گنج‌های نعمت و برکت را به ما ببخش ، و بر مراسم رسمی ما بتاب

۱۰ـ چون تنفّس ، وحیات هرموجود زنده‌ای از تواست،وقتی که توای فرداعلی طالع میشوی ، سوار بر ارابهٔ مجلّل خود ، ای بانوی روشنائی، وای صاحب ثروتهای شگرف، دعوت ما را بشنو

۱۱ـ اوشس نیروی خود را که در میان مردم شگفت آور است ، به دست‌آور ، وبا آن نیرو پاکدامنان را به اجرای مراسم مقدّس وادار ؛

آنها که چون روحانیّون ستایش تورا می‌سرایند .

۱۲ـ ای اوشس ، همهٔ خدایان را از فلك فرود آور تاشیرهٔ «سوما»ی مارا بنوشند .

وچنان که هستی گاوان ، واسبان ما را نگاهداری فرما ، و برای ستایش ونیروی قهرمانی ازما دیدن کن .

۱۳ـ باشد که اوشس که اشعهٔ موهبت و برکت اودر همه اطراف ساطع است، مارا ثروت‌های‌ر بیا وشامل هرچیزنیکو بخشد؛ ثروتی که بتوان باکارآسان به‌دست آورد .

۱۴ـ ای فرد توانا که «ریشی» های عهدباستان تو را برای حمایت ، ویاری ماهمیخوانده‌اند ،

ای «اوشس» ، سرودهای ستایش ما را ازراه لطف بارفاه و روشنائی رخشان جواب بده .

سوی بخشش های راد مردانه متوجّه میسازند .

٥ـ اوشس چون مادری مهربان می‌آید ، وبادقّت به‌هرچیز رسیدگی میکند .

زندگی را بیدار میسازد ، وهمهٔ آفریدگان پادار را برمی انگیزد ، وهمهٔ مرغان هوا را بپرواز درمی‌آورد

٦ـ او (اوشس) کارکنان را پیش میفرستد ، وهرکس را به کارخود مشغول میدارد ، وچون برپا خاست دیگرتأخیر در کار نمی‌شناسد .

ای توانگر درمال ، ونعمت ، پس ازدیدن تو مرغانی که به پرواز درآمده‌اند ، دیگر آرامش ندارند .

٧ـ این «سپیده دم» اسبان خود را به ارابه بسته است و به آن سوی مطلع خورشید می‌تازد .

سوار برصدها ارابه سپیده دم فرخنده در راه خویش به‌سوی مردم می‌تازد .

٨ـ برای دیدار اوهمهٔ آفریدگان زنده سرود می‌آورند. آن سرور والا به وجود آورندهٔ روشنائی است .

اوشس دختر آسمان ، وثروتمند چون بدرخشد ، دشمنان ، وبدخواهان‌را دورمی کند .

٩ـ ای «اوشس»، ای دختر آسمان ، بانور درخشان خود برما بتاب .

۳۶

خطاب به : شردها Sradhā (ایمان)

۱ ــ با ایمان «اگنی» افروخته میشود ، و با ایمان نذور تقدیم میشود

ما باستایش : «ایمان» ، و کمال سرور، جشن میگیریم .

۲ ــ ای «ایمان » ، مرد بخشنده را مبارك کن ، ای ایمان ، کسی که مایل است ببخشد ، برکت ده .

پرستندگان آزاده را مبارك فرما .

۳ ــ همان گونه که خدایان « ایمان » را در «اسوره » های نیرومند نگاهداشتند (حفظ نمودند) ،

این آرزوی گفته شدهٔ مرا در بارهٔ پرستندگان آزاده جامهٔ حقیقت بخش.

٤ ــ ای خدایان ، و مردم که قربانی میکنند ، در تحت حمایت «وایو» به ایمان نزدیك شوید .

آدمی ایمان را از راه خواهش دل به دست میآورد ، و از ایمان به نعمت ، و ثروت میرسد .

۱۵ـ ای اوشس، همان گونه که امروز درهای دولنگهٔ آسمان را باز کردی، مارا منزلگاهی فراخ، وفارغ از دشمن عطافرما .

ای الهه، مارا روزی (رزق) ، و گاو نصیب فرما .

۱٦ـ مارا به نعمت ، و فراوانی راهنمائی نما ، وررقی گوارا وفراوان، و گوناگون برای ما بفرست ،

ای اوشس که پُرجلال وپیروز می باشی ، ای توانا ، ای آن که به نیرومندی درعنایم، ومال توانگری .

(ماندالای اول ـ سرود ٤٨)

۳۷

ستایش : اندرا

۱ ـ اندرا ، آوای مرا بشنو، و بدان بی‌اعتنا مباش ؛ باشد که ما در خور عطای گنجهای تو باشیم ؛

این سرود که به منظور به دست آوردن ثروت است ، و مانند رودخانه جریان دارد ، نیروی تو را افزایش می‌دهد .

۲ ـ ای اندرا ، ای قهرمان، تو آب‌های عظیم‌را که «اهی» پیش از این دربند کرده‌بود ، آزاد ساخته‌ای ، و آن‌ها را پخش نموده‌ای، و به نیروئی که سرودها به تو بخشیده‌اند ، آن برده [۱] را که‌لاف جاویدانی می‌زد ، فرو انداخته‌ای .

۳ ـ ای‌اندرا ، ای قهرمان ، این (ستایش‌های) درخشان (به صورت) سرودها که تو از آن‌ها لذّت میبری ، و این حمد و ثنای پرستندگان که تو را اقناع میکنند ، خطاب به تو است، تا تورا (به سوی قربانی ما) بیاورد .

٤ ـ ما نیروی فروزان تو را با (حمد و ثنای) خویش تقویت

---

(۱) داسه Dāsa . غلام ، برده ، مردم بومی قدیم هندوستان .

۵۸

۵ ـ ما «شردها» (ایمان) را در سپیده دم میخوانیم، و بازدر نیمروز میخوانیم، و همچنین هنگام غروب آفتاب.

ای «شردها»، در این جهان «ایمان» را درما الهام فرما.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۵۱)

اطراف گسترده شده است ؛

بادها که صدا را در افق دور تقویت میکنند ، صدای «اندرا» را منتشر ساخته‌اند .

۹ ـ «اندرا»ی نیرومند ، «وریترا» ی خطاکار ساکن در ابر را خرد ساخته است ؛

آسمان و زمین می‌ارزید ، و از آذرخش فرستندهٔ رگبار هراسان بود

۱۰ ـ آن هنگام که «اندرا»ی دوست مردم در اندیشهٔ کشتن دشمن بشر بود ، صاعقهٔ رگبار فرستنده‌به آوای بلند می‌غرید ؛ او (اندرا)شیرهٔ«سوما»را نوشید،و نقشه‌های«دانوه»[۱]خطاکار را برهم‌زد

۱۱ ـ ای اندرای‌قهرمان ، بنوش ، بنوش سوما را ؛

باشد که‌شیرهٔ نشاط‌آور (آن) ، تورا لذت بخشد ؛

باشد که جناحین تورا منبسط سازد، و (شجاعت تورا) فزونی دهد، و بدین گونه‌نذرمداوم، «اندرا» را خرسند کند .

۱۲ ـ باشد که‌ما پرستندگان‌با کدل تو ،در (جوار) تو ساکن گردیم، و با (نیروی) ایمان به تو نزدیك و از(اجر) عبادت خویش بهره‌مند شویم .

در آرزوی حمایت تو ، ما در اندیشهٔ تجلیل توهستیم ؛باشد

---

(۱) دانوه‌ها Dānavas دسته‌ای ازاهریمنان بادـوان زادگان با فرزندان دانو

میکنیم، و صاعقه را دردست تو میگذاریم ؛

توای «اندرا»ی درخشان که ثروت دراورا بش است، و آفتاب تو را (شجاعت می بخشد) قوم ر در دست (۱) را برای خاطر (خیر) ما مغلوب ساز .

۵ ـ ای اندرا ، ای قهرمان ، تو با دلبری خویش « اهی » ۲ با عظمت را که در غاری مخفی شده بود و در تنهائی به سر می برد، و آب هائی که منزلگاهش بود ، او را پوشیده بودند، ودر آسمان (فضاء) مانع از ریزش باران بود ، از میان بردی .

۶ ـ ای اندرا ، ما (اعمال) برومند قدیم تو را تجلیل میکنیم ، ما کارهای جدید تو را تجلیل میکنیم ؛

ما صاعقه را که دردست های تو میدرخشد ، می ستائیم ، و ما اسب ها را که علائم آفتاب (اندرا) است جشن میگیریم

۷ـ اسب های تیزرو تو، ای اندرا، شیههٔ بلندی که باران را اعلام میدارد ، بر آورده اند ؛

زمین هموار به اشتیاق منتظر ریزش آن (باران) است؛ آن هنگام که ابرهای گرد آمده ، گذشته اند

۸ ـ ابری که (بوظیفهٔ خویش) بی اعتنا نیست در آسمان (فضاء) معلّق است ، وخروشان از (آب های) مادری (سرچشمه) در

(۱) یعنی داسه ها Dasas

(۲) اهی Ahi ، دیو خشکسالی ـ مار (ابر) ـ نام وریترا

تفاخر کن ، و شیرهٔ «سوما» بنوش ، و پی در پی آن را از ریش خود بزدای ، و با اسبان خویش به خرسندی برای نوشیدن نذر روان باز گرد

۱۸ ـ ای «اندرای» قهرمان ، نیروئی را که با آن « وریترا » فرزند عنکبوت مانند «دانوه» را مقهور ساختی ، نگاهدار ، و (دریچهٔ) روشنائی را به سوی «آریا» بگشا ؛

داسیو(۱) در طرف چپ تو قرار گرفته است

۱۹ ـ آن مردانی را که تحت حمایت تو بر رقیبان خود پیشی گرفته‌اند ، همان گونه که «آریا» ها بر « داسیو » ها غلبه کردند ، احترام نمائیم ؛ این را برای ما (تو انجام داده‌ای) ، تو «ویشوروپ» پسر «توشتر» را برای دوستی «تریته(۲)» هلاك ساخته‌ای.

۲۰ ـ تو بتقویت (نذر) «تریته» تفاخر کننده که «سوما» را به تو تقدیم نمود ، «اربوده» (۳) را معدوم ساخته‌ای ، «اندرا» با کمك «انگرس» ها سلاح خویش را مانند خورشید که به دور چرخ خود میگردد ، چرخانید ، و «وله» (٤) را کشته‌است .

۳۱ـ آن بخشش فراوان که از تو ای «اندرا» ، منبعث میگردد ،

---

(۱) داسیو Dasyu مردم بومی و ساکن سرزمین هندوستان پیش از ورود قوم آریائی

(۲) تریته Trita یکی از خدایان قدیم دورهٔ ودائی

(۳) اربوده Arbuda نام دیو فضاء (جو) .

(٤) وله Vala زیر زمین ، زندان تاریك ، دیو خشکسالی در اینجا ظاهراً منظور برادر «وریترا Vrita» یاخود «وریترا» میباشد.

که ما همیشه (درخور) بخشش گنج‌های تو باشیم .

۱۳ - باشد که ما (به‌لطف) تو ای اندرا ، مانند کسانی باشیم که در آرزوی حمایت تو (با ستایش خود) نیروی تو را افزایش میدهند .

ای «اندرا»ی آلهی ، تو ثروت دلخواه ما را می‌بخشی (ثروتی که سرچشمه) نیروی عظیم و فرزندان (بیشمار) است

۱۴ - تو به ما مسکن می‌بخشی ، تو به ما دوستان عطا میکنی ، تو ای اندرا ، به ما نیروی «ماروت» ها را میدهی ؛ بادهای مهربان و پیروزی که مقدار زیادی از اولین تقدیمی (شیرهٔ سوما) مینوشند.

۱۵ - آنان که مورد مهر تواند (به‌نذر) میل کنند ، و تو ای اندرا ؛ با اطمینان از «سوما»ی سیراب کننده بنوش ؛

ای رهاننده (از بدی) ، به کمك (ماروت‌های) نیرومند قابل پرستش ، کامیابی ما ، و آسمان را فزونی بخش .

۱۶ - ای رهاننده (از بدی) ، آنان که‌تو را ای شادی‌بخش با سرودهای مقدس عبادت میکنند ، به‌زودی به بزرگی خواهند رسید.

آنان که علف مقدس را (به افتخار تو) برمی‌افشانند ، مورد حمایت تو میباشند ، و با خانوادهٔ خویش روزی (فراوان) به دست می‌آورند

۱۷ - ای «اندرا»ی پهلوان ، به‌مراسم رسمی «تری کدروکه»(۱)

---

(۱) تری کدروکه Trikadruka - نام سه روز اول جشن ابهی پلوه Abhiplava

۲۸

ستایش: وشودیوها Visvadevas

۱ ـ اشعهٔ ساطع، و روشن، و فنا ناپذیر، و زیبا، و پاک خورشید، به لطف «میترا» و «ورونا»، طالع گشته‌است، و چون زینت آسمان می‌درخشد.

۲ ـ آن که در سه‌جهان قابل شناختن واقف‌است، و دانشمندی که بر اسرار تولّد خدایان (در آن سه‌جهان) اطلاع دارد؛ و آن که بر نیک و بد کارهای آفریده‌گان ناظر است، او (یعنی: خورشید، خداوند) نیّات آن‌ها را آشکار میسازد.

۳ـ ای «ادیتی»، ای «میترا»، ای «ورونا» ی نیک‌زاد، و ای «اریمن»، و ای «بهگه»، که حامی قربانی مقدس هستید؛ من شما را ستایش میکنم؛ من جشن خدایانی را برپا میدارم که اعمال آن‌ها سستی نمی‌پذیرد، و بخشنده‌گان و عطاکننده‌گان پاکی میباشند.

٤ ـ آنان که بدخواهان را منهزم، و نیکان را حمایت‌میکنند، و کسی را یارای مقاومت با آنها نیست، خداوندان با نیرو، و بخشنده‌گان منازل نیکو (اند)؛

٦٤

بی گمان به آن که تو را ستایش میکنند (آنچه را که آرزو دارد) خواهد بخشید، آن را به ما که ستایندگان توایم، عطا فرما،

تو که مورد پرستش مائی (دعای ما را) نادیده مگیر تا ما که ببرکت اخلاف لایق نایل شده‌ایم، تورا در این قربانی تجلیل نمائیم.

(ماندالای دوم - سرود ۱۱)

۹ ـ ای خدایان قابل پرستش ، من شما را کـه توانااید، و قربانی خویش‌را منظم‌می‌سازند، و نیروی‌شما پاک‌است ، ودرعبادت‌گاه‌معتکف‌اید ، ومغلوب‌چیزی‌نمیشوند ، ورهبران‌دوربین(مراسم) میباشید، باسلام واحترام تعظیم میکنم.

۱۰ ـ باشدآن که جلالش در فزونی است ، مارا هدایت کند تا همهٔ بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود ، آنها (یعنی. ورونا ، و میترا ، و اگنی) که زیاد نیرومندند، وراستی‌را بجامی‌آورند و به کسانی که همیشه‌آن‌هاراستایش میکنند، وفادارند

۱۱ ـ باشد که‌آنها (یعنی :) اندرا ، ورمین،ودوشان، وبهگه، وادیتی ، و آن پنج گروه[1] موجودات منازل‌مارا فزونی بخشند

باشد که‌آن‌ها به‌ما شادی، وروزی عطا فرمایند ، و به نیکی هدایت کنند،ومدافعان، وحافظان خوب‌ما باشند.

۱۲ ـ باشد که تقدیم کنندهٔ این نذر ، «بهردواج»همان گونه که از لطف شما ، ای خدایان استدعا دارد، هرچه زودتـر به‌پاک منزلگاه آسمانی برسد ؛ برپا دارندهٔ این تشریفات (مراسم) بـا ـ همکاران نیکوکارخویش، درآرزوی‌ثروت، مجمع‌خدایان‌را تجلیل مینماید .

۱۳ ـ ای«اگنی»! دشمن‌شریر، وخطاکار، وبدخواه‌ما را دور

---

(۱) یعنی . پنج نژاد یا پنج دسته‌از مردم ویا پنج قبیلهٔ‌آریائی .

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه‌جا حاضرند ،
پیشوایان آسمان ، فرزندان «آدیتیا» (هستند) ،

من به «ادیتی» که در اثر پرستش من، در سر لطف آمده، پناه
می برم .

۵ ـ ای پدر « آسمـان » ، وای مـادر «زمین» ، و ای برادر
«اگنی » ، و شما ای «واسو» ها ! مارا شادی بخشید ، وشما همه‌ای
فرزندان آدیتیا ها ، و تو ای « ادیتی » با خرسندی بـه ما برکت
بخشید .

۶ ـ شما ای خدایان قابل پرستش ، ما را زیر دست راهزن ،
وهمسر او ، وهر که قصد آزار ما را دارد ؛ قرار مدهید؛

چون شما ناظم شخصیّت ، و نیرو ، وسخن ما می باشید

۷ـ مبادا که‌ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم، ای‌واسوها!
مارا از انجام دادن کارهائی که شما منع کرده‌اید، بازدارید .

ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمـائید ، کاری
کنید که‌آزارهای دشمن‌من به‌خود او برگردد .

۸ ـ تعظیم سزاوار(خدایان جهانی) تواناست ، من تعظیم‌خود
را به‌آنهاتقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه‌دارندهٔ زمین،وآسمان
راست ، تعظیم به‌خدایان باد ، تعظیم برهمهٔ آنها حاکم است ، من
با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرتکب شده باشم ، پاک
می سازم

۲۹

ستایش «وشودیو»ها

۱ ـ ای «واحه» ها ، و«ریبهو کشن»ها ، ای خداوندان نیرو؛
باشد که ارابهٔ وسیع ، و قابل تمجید ، و بلا مانع شما ، شما را به اینجا بیاورد؛

ای زیبا زنخان، از آن ندور مُرکبّ از سه‌چیز ، و«سوما»ی فراوان که هنگام قربانی‌های ما برای نشاط شما (ریخته می شود) سیراب شوید .

۲ ـ شما ریبهو کشن‌ها ، باطران عرش (گنج‌های) گرانبهای بی‌نقص را برای ما که (تقدیمی های قربانی را) جاری می‌سازیم حفظ کنید ؛

شما که مالك نیروایید ، هنگام مراسم (ما) سیراب شوید ، و بافکر (موافق) مارا ثروت بخشید.

۳ ـ تو ای «مگهون» که مُقسّم کم و بیش ثروت‌هستی، و هردو دست تو مملو از گنج است ، و (وعده های) صمیمی گنج بخشی تو مانع از آنها نیست

ساز، وای‌حامی نیکوکاران ما را برکت‌ده

۱۴ ـ ای سوما ، سنگ های آسیای ما نگـران دوستی تو است ؛ «ینی» خونخوار را هلاك کن ،چون براستی او گرگی است.

۱۵ ـ ای خدایان ، شما که جوانمرد ، ومشهورید، با«ایندرا» که سَرورِ شما است در راه باما باشید ، تا ما را حمایت کنید، و شادی بخشید.

۱٦ ـ ما با کامیابی بی‌آن که مواجه با بدی شویم، از این‌راه گذشته‌ایم ،

آن راهی که از مخالفت احتـراز می شود ، و ثروت بدست می‌آید . (۱)

(ماندالای ششم ـ سرود ۵۱)

---

(۱) درمتن‌اصلی‌وزن این‌قطعه با سایرقطعات‌این سرود فرق دارد وظاهراً قطعهٔ اخیر بمنزلهٔ دعا است.

۸ ـ باشد که ثروت قابل ستایش «سویتری» بسوی ما آید ،
ثروتی که پاروته[1] بخشندهٔ آنست ،
باشد که آن حامی آسمانی ، همیشه ما را حفظ کند ، و شما
(ای خدایان جهانی) همواره مارا برکت بخشید.
(ماندالای هفتم ـ سرود ۳۷)

(۱) پاورته Pārvata کوه نشین ، کوهستانی ، صاحب کوهستان ها بنابر
اساطیر هندو پاورته نام همسر شیوا دختر «هیموت Himavanta» است

٤ ـ ای اندرا، تو که «ریبهو کشن» هستی، وبه و یژه مشهوری، ومیل بغذا داری، و(آرروهارا) بر آورده میسازی، به‌منزلگاه پرستندهٔ خود بیا .

ای خداوند اسبان سمند ؛ باشد که ما «واشیست» ها امروز (تقدیمی هارا) به حضور تو آوریم، وبرپا سازندگـان ستایش تـو باشیم .

٥ ـ ای خداوند اسبان سمند (تیزرو) ، توئی بخشندهٔ (ثروت)، فرو فرستاده به‌دهندگان (ندور) که با مراسم مقدس آن‌ها تو تعظیم یافته‌ای ،

آن‌گاه که تو به ما ثروت می‌بخشی ، ومارا باحمایت خاص خویش درامان نگاه‌میداری.

٦ ـ ای اندرا ، درآن وقتی که تو ستایش مارا مـی‌پذیری ، ما پرستندگان‌را درمنازل خویش قرار میدهی ؛ اسب‌تیزرو تو (در اثر)سجده‌های رسمی،ثروت، وفرزندان نرینه، وروری به‌خانه‌های ما بیاورد .

۷ ای‌اندرا ، ای نگاه دارندهٔ سه جهان که نیریتی(۱) الٓهی به سلطنت او معترف است ، و سالهای بسیاری بر آن میگذرد ، و موجودات فناپذیر به‌خانهٔ او راه ندارند ، نزدیك میشود تا نیروی ضعیف شدهٔ خویش‌را (تقویت نمـاید) .

(۱) نیریتی Nirriti الههٔ مرگ و ویرانی

(پرستندگان) صمیمی خویش نشان دهند .

۷ - ای اشوین ها که در شما هیچ خلاف حقیقتی نیست، ای «رودرا»ها ، از راه (مستقیم) به سوی قربانگاه بروید که (درآنجا نذر) حاضر میشود تا رهبران (مراسم مقدس) آنرا بنوشند، ودر عوض (بتقدیم کنندهٔ نذر) گاوان، واسبان عطا شود.

۸ ـ ای دارندگان ثروت ، چنان (مالی به ما عطا فرمائید) که بدخواه یادشمن ـ خواه نزدیك ، وخواه دور ـ نتواند (آن را از ما) بگیرد .

۹ - ای «اشوین»های مصمّم، برای ما اموال ازهرنوع، وثروتی مُولّد (ثروت) بیاورید .

۱۰ ـ باشد که «اندرا» همه خطرات بزرگ، ومقهور کننده را از میان بردارد ؛ چون او مصمّم است ، و حافظ همه میباشد.

۱۱ـ هرگاه «اندرا» به ما شادی بخشد، بدی درعقب ما نخواهد بود؛(بلکه)خوبی درجلو ما خواهد بود.

۱۲ـ باشد که « اندرا » نگاه دارندهٔ همه، و مغلوب کنندهٔ دشمنان ازهر سوبرای ما امنیّت برقرار کند.

۱۳ـ ای خداوندان کیهانی ، به اینجا بیائید ، واین دعای مرا بشنوید ، ودر روی این چمن مقدس بنشینید.

۱٤ ـ این (شربت) تیر طعم خوشگوار، وشادیبخش را «شونه هوتر»ها برای شما (حاضر کرده اند) ، آنرا برغبت بنوشید .

ستایش : خدایان مختلف

۱ـ ای «وایو»ی صاحب هزار ارابه، واسبان یراق کرده، بما وشیرهٔ «سوما» بنوش.

۲ـ ای وایو به اسبان یراق کرده نزدیك شو، این (شیرهٔ) درخشان‌مورد قبول تو واقع شده است، چون تو به‌خانهٔ تقدیم کنندهٔ نذور میروی.

۳ ـ ای‌رهبران (مراسم)، ای «ایندرا» ، و «وایو» ،خداوندان دستهٔ اسبان ، امروز بیائید واز مخلوط شیر، وشیرهٔ خالص«سوما» بنوشید .

٤ ـ این نذر به شما تقدیم میشود ، ای «میترا» ، و ورونا ، ای پرورندگان حقیقت ؛ دعاهای کنونی‌مرا بشنوید.

٥ ـ ای شاهانی که ستم روا نمیدارید ، در این تالار مجلل ، و زرین ستون بنشینید

٦ ـ باشد که این دو سلطان جهان ، خورندگان کرهٔ صاف شده ، پسران : ادیتی ، و خـداوندان سخاوت ، لطـف خـود را به

۳۱

ستایش: اندرا (بصورت پرنده)(۱)

۱ـ باتکرار آوای خویش وپیشگوئی آنچه اتفاق خواهد افتاد، («کپینجله») جهت خاصی به صدای خود میدهد، همان گونه که سکاندار، کشتی را هدایت میکند.

ای مرغ نیکبختی! فرخنده باش؛ باشد که ازهیچ سو به تو صدمه نرسد.

۲ـ مبادا باشه و عقابی تورا بکشد؛ مبادا تیر صیادی بتو برسد:

چون درناحیهٔ پدران (نیاگان) آوا برمی آوری، پیك نیکبختی باش؛ ای اعلام کنندهٔ خوشبختی، دراین هنگام با ما سخن بگوی.

۳ـ ای پرنده ای که پیام نیکبختی میدهی، و خبر خوش اقبالی میرسانی، از سمت جنوب منازل ما، آوا برآر؛

---

(۱) بنابر گریهیه سوتراها Grihya - Sutras این سرود هنگامی که صدای نا مطبوع مرغی شنیده میشود بطورخفی مکرر باید خوانده شود (شاید مقصود هنگام تطیر به بدی است). پرندهای که در اینجا سرود به آن خطاب شده کپینجاله Kapinjala است.

۱۵ ـ ای « ماروت » ها که « ایندرا » سرور شما است ، ای خدایانی که «پوشان» بشما کمک میکنند، همه دعای مرا بشنوید

۱٦ ـ ای « سرسوتی » ، ای بهترین مادران ، ای بهترین رودخانه‌ها، ای بهترین الهه‌ها ، ما مانند گذشته شهرتی نداریم،(۱) ای مادر ، مارا تشخص عطا فرما.

۱۷ ـ ای سرسوتی که الهی میباشی، ودر تو همهٔ موجودات جمع شده است، ای الهه، درمیان «شونه‌هوتر» ها شادی کن،ومارا ای الهه، فرزندان، واخلاف عطا فرما

۱۸ ـ ای سرسوتی ، ای خداوندروزی فراوان،وآب فراوان، ازاین نذور که «گرتسمد»ها برای قبول تو تقدیم‌میکنند، ودرپیش خدایان گرانبهاست، خرسند شو .

۱۹ـ باشد که‌آن‌دو (آسمان، وزمین) که به‌قربانی نیکبختی می‌بخشند (به‌این قربانگاه) آیند ، چون به‌راستی ما ازهر دوشما وهمچنین از «اگنی» حامل نذورخواهش می‌کنیم (باینجا بیائید).

۲۰ ـ ای آسمان ، و زمین ، امروز قربانی آسمان آرزوی مارا که وسیلهٔ بدست‌آوردن «سورگ» است، به‌سوی‌خدایان‌ببرید.

۲۱ ـ باشد که خدایان قابل پرستش که درآن ها بدخواهی نیست ، امروز در نزدشما دوتا بنشینند و شیرهٔ «سوما» بنوشند .
(ماندالای دوم ـ سرود ٤۱)

---

(۱) شونه هوترها Sunahotras از خانوادهٔ گرتسمد Gritsamada از جمله ریشی های دورهٔ ودائی بوده اند

خطاب به: اندرا (بصورت پرنده کپینجله) (۱)

۱ـ مرغانی که در جستجوی طعمه اند، به تناسب فصل دوره گردی (ورود) خودرا همچون برپا کنندگان (مراسم مقدس)، اعلام میدارند.

او مانند خوانندهٔ «سام» ـ(۲) به دو آهنگ، «گایتری»، و «تریشتب» ـ میخواند، و بشنوندگان لذّت می بخشد.

۲ـ ای پرنده، تو چون «ادگاتر» ی که «ساماودا» می سراید، سرود میخوانی؛ تو چون «برهماپوتره» هنگام قربانی ها رمزمه میکنی.

مانند اسبی که مادیان نزدیك میشود، تو ندای نیکبختی را ازهرسو (به آوای بلند) به ما میرسانی،

به آوای بلند، کامیابی را ازهرسو به ما اعلام فرما.

۳ـ وقتی فریاد بر می آوری، ای پرنده، نیکبختی را اعلام

---

(۱) نوعی کبك یا دراج

(۲) مطور روحانی ادگاتر Udgâtar یکی ازرؤسای چهاردسته براهمن است که سرودهای «ساما ودا» را با آهنگ ومراسم خاصی میخواند.

باشد که دزد، و بدخواه برما بر نخیزد؛ ما که برکت اخلاق نیکو یافته ایم؛ باشد که تورا چنان که درخور است در این قربانی ستایش کنیم

(ماندالای دوم ـ سرود ۴۲)

۳۳

ستایش: واستوشپتی Vāstoshpati (۱)

۱ـ ای نگهبان خانواده ها، ما را یاد کن؛ ما را بیمار مساز، و به ما مدخل سرور عطا فرما.

آنچه از تو می خواهیم، با رغبت به ما عطا کن، و چهارپایان و دو پایان ما را کامرانی بخش.

۲ـ ای حافظ خانواده، ترقّی دهندهٔ ما باش، ای «ایندو»، ثروت، گاوان، و اسبان ما را افزایش ده.

باشد که ما همواره در دوستی تو جوان بمانیم، همانگونه که پدری از پسران خود خوشنود است، از ما خوشنود باش.

۳ـ با همراهی گرامی تو که سعادت می‌بخشد، باشد که ما پیرور شویم، ای نگهبان منزل شادمانی، ما را هنگام آرامش، و کار حفظ فرما!

ای خدایان، با برکت خود، ما را نگاهداری نمائید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۵۴)

---

(۱) واستوشپتی Vāstoshpati خدای حامی ومحافظ خانه

کن ، هنگامی که خاموش می‌نشینی ، اندیشه های مهربان نست
به ما بپروران ؛

چون هنگام پریدن می سرائی ، صدای تو مانند چنگ باشد
تا ما بیرکت اخلاف نیکو برسیم ، ودر این قربانی تو را بدان گونه
که سزاواری بستائیم .

(ماندالای دوم ـ سرود ۴۳)

۵- ای مادر بخواب و بگذار پدر بخوابد ،
ای سگ وصاحب‌خانه به‌خواب ،
بگذار تاهمهٔ خویشاوندان بخوابند .

۶- مردی که نشسته ، و مردی که راه میرود ، وآن که مارا نگاه میکنند ،

ما چشم‌خودرا از همهٔ اینها می بندیم ، همانگونه که ما در این خانه را محکم میسازیم .

۷- آن گاوی که هزار شاخ دارد ، و از دریا برمی‌خیزد .
بوسیلهٔ آن فرد نیرومند توانا ، ما مردم را آرام میکنیم، و میخوابانیم(۱)

۸- زنانی که درحیاط خوابیده اند ، یا دربیرون خفته اند ، یا در تختخواب ها غنوده اند ،

بانوان با عطر مطبوعشان ، اینها، و همه‌را ما آرام‌میسازیم، و میخوابانیم (۲) .

(ماندالای هفتم - سرود ۵۵)

---

(۱) ظاهراًمنظور.از« گاو هزارشاخ » خورشید(با اشعهٔ آن)است که وقتی غروب میکند، مردم میخوابند و بااینکه منظورآسمان پرستاره می باشد .

(۲) بنابراساطیر هندو، هنگامی که« وسیشته Vasishtha» سه‌روز روزه گرفت و به امید غذا به‌خانهٔ « ورونا Varuna» رفت ، سگ پاسبان به‌خانه او حمله برد و او با خواندن این چهار قطعهٔ اخیر سگ را خواب کرد .

دزدان و کسانی که‌بخانه ها دستبردمیزنند این دعارا میخوانند تا سکنهٔ منزل از خواب بیدار نشوند

ستایش : واستوشپتی VāstoshPatı

۱ـ ای واستوشپتی که بیماری ها را معدوم مسازی، و بهر صورتی درمی‌آئی ؛ دوست با موهبت ما باش .

۲ـ ای پسر «سرما»(۱) وقتی که دندان های حنائی رنگ خود را نشان میدهی ،

مانند سر نیزه ها دردهان تو میدرخشد ،

هنگامی که میخواهی گاز بگیری : به خواب رو .

۳ـ ای پسر «سرما» ، ازراه‌خود برگرد ، وبه غارتگر، ودزد پارس کن .

تو به سرایندگان اندرا پارس میکنی ؟

چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

٤ـ مواظب گرازباش تا گراز ازتو خبر دار باشد ، آیا تو به سرایندگان «اندرا» پارس میکنی ؟

چرا سعی‌داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

(۱) سرما Saramā . تازی (سگ خانگی) «اندرا» ومادر دو« سرمیه » Sarameyas سگهای محافظ اندرا .

۴ـ یکی‌ازاین دو،دیگری را تبریك میگوید ؛ چون‌هردواز آمدن باران خوشنوداند .

عورباغهٔ خالدارچون‌خیس میشود ، به‌جست وخیزدرمی‌آید، وباعورباغهٔ سبز به تبریك گفتن میپردازد

۵ـ آن‌گاه‌که یکی از شما صدای دیگر را تقلید میکند ، همان‌گونه‌که شاگردی ازمعلمش ؛

وآن وقت که با صدای بلند گفت وگومیکنید ، وبالای آب ورمی‌جهید ، آن هنگام بدن شما به رشد خود رسیده است .

۶ـ یك‌غورباغه صدای «گاو» دارد ، ودیگری صدای«بز» ؛ یکی خالداراست ، ودیگرسبز:

اگرچه همه یك نام دارند؛ ولی‌دررنگ، وصدا متفاوت‌اند ، ودرنقاط‌مختلف‌خودرا نشان میدهند .

۷ـ همان‌گونه‌که «براهمن»ها درگردکاسهٔ لبریزنشسته ودر مراسم سوما«اتی راتره» سخن میگویند ؛

ای عوکان شمانیزدرپیرامون دریاچه‌گردآمده‌اید و از همهٔ سال امروز را احترام‌کنید که اولین روزفصل باران است .

۸ـ آن‌ها به‌آوای بلند، مانند براهمن‌ها که نذر«سوما» را برپا میدارند،ودعاهای سالانه را میخوانند ، فریاد میکنند .

بسان روحانیون سراینده هنگام تقدیم «گهرمه» غوکان عرق ریزان (درسوراخهای خود) پنهان‌اند؛ ولی اکنون برخی از

خطاب به : غوکان

۱ـ غوکان همچون «براهمن» ها عهدخودرا نگاه داشته‌اند، و همهٔ سال را پرهیز کرده‌اند ، و ستایش دلخواه « پرجنیه » را به آوای بلند می‌سرایند .

۲ـ وقتی که بر آن‌ها مانند پوست خشکی که در کف دریاچه گسترده شده باشد ، رگبار (از) آسمان فرومیریزد ؛

صدای غوکان باهم آهنگی بلند میشود، همچون گاوانی که همراه گوساله‌های خود صدامیکنند (۲) .

۳ـ چون فصل باران فرا میرسد، و«پرجنیه» باران رامی‌بیند به صدا درمی‌آید، او را تبریك میگوید ، مانند کودکی که با الفاظ بی معنی پدرش را بخواند .

---

(۱) پرجنیه Parjanya · خدای باران . در ریگ‌ وِدا سه سرود خطاب به «پرجانیه» است

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است · چون رگبار از آسمان بر رمهٔ غوکان که در دریاچهٔ (خشك) مانند مشك خالی خوابیده‌اند فروبارد صدای غوکان برمیخیزد، بسان بع بع گاوان هنگامی که به گوساله‌های خود میرسند

۳۶

ستایش : دو «اشوین Asvins »

ای «اشوین»های دراردست پرورندهٔ اعمال نیك، بادست های درار شده، غذای (گوشت) قربانی‌را بپذیرید.

۲ ـ ای اشوین ها که کارهای بزرگ شما فراوان است ، و راهنمای (پرستندگان) می‌باشید ، وصبر، و تحمل به شما عطاشده است ، باجمعیت خاطر، به‌ستایش های ما گوش فرا دهید .

۳ ـ ای اشوین های [1]دشمن کذب، و عاری از ناراستی ، و پیشرو سنگر قهرمانان، به‌سوی نذر مخلوط که به روی علف‌های مقدس درویده، وپاشیده شده است ، بیائید

٤ ـ ای «اندرا»ی بافر وشکوه ، اینجا بیا، این نذور مطهر

---

(۱) دراینجا درمتن سانسکریت بجای «اشوین» نام دیگرآن «ناستیه» Nâsatya بصیغهٔ جمع به‌کار رفته است. واژهٔ «ناستیه» Nâsatya بگفتهٔ برخی از مفسران «ریگ ودا» مشتق از Na + asatya (عاری از ناراستی) است وچون بصورت مفرد استعمال شود نام یکی از آن دو می باشد و نام « اشوین » دیگر بنا بر اساطیر هند . «اشوین» بزرگترین «دسره Dasra» (صاحب اعجاز ، کنندهٔ کارهای شگفت‌آور، زیبا ، نابود کنندهٔ بدکار وشریر) است، اما چون‌این واژه بصیغهٔ جمع Nâsatyah به‌کار رود اطلاق بر هر دو اشوین میشود .

آنها طاهر میشوند .

۹ـ این رهبران مراسم شعائر خدایان رانگاه میدارند ، و فصول دوازده ماه رامراعات میکنند .

وچون‌فصل باران از نو فرامیرسد ، آن‌ها که از تف حرارت سوخته‌اند ، (ازپناهگاه خویش) رهائی می یابند .

۱۰ـ باشد که‌غوکان گاوآوا، و بزآوا، وخالدار، وسبزرنگی هریك منفرداً مارا ثروت بخشند ،

باشد که‌غوکان درفصل‌باران حاصلخیرصدها گاو به‌ما بخشند، وعمر(مارا) دراز کنند .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۳)

اندیشان، قربانی مارا پذیرفته است .

۱۲ ـ سرسوتی بااعمال خویش رودخانهٔ بزرگی‌را بیدار میکند

(ودرصورت خویش) همهٔ ادراکات‌را روشنی می‌بخشد .

(ماندالای اول ـ سرود ۳)

که از فشار انگشتان (روحانیـون) به دست آمـده ، در اشتیاق تو است

۵ ـ ای اندرا که قوهٔ فهم تورا میشناسند ، ودانایان قدرتو را میدانند، نزدیك شو ، و دعاهای (روحانیانی) که هنگام تقدیم نذورمیخوانند، قبول فرما.

۶ ـ ای اندرا ، با اسبان سمند(کهر) خویش بتاز، وبه‌اینجا بیا، ودرین نماز ونذر غدای (تقدیمی) ما را بپذیر.

۷ ـ ای خدایان کیهانی[1] که حامیان ونگاهداران بشرید، ای بخشندگان اجر، دراین نذور پرستندهٔ خود حاضرشوید.

۸ ـ باشد که خدایان کیهانی تندرو ، و بارندگان باران ، در این نذر حاضرشوند، همان گونه که نورآفتاب با استقامت در روزها می تابد .

۹ ـ باشد که خدایـان کیـهانی بیزوال عالم و عاری از بدخواهی وصاحبان (ثروت) ، اینقربانی را قبول کنند .

۱۰ ـ باشد که « سرسوتی » پاك کنندهٔ روزیبخش ، پاداش دهندهٔ عبادات بوسیلهٔ گـوشت های تقدیمـی ما بدین مراسم توجه فرماید .

۱۱ ـ سرسوتی الهام‌بخش مشتاقان حقیقت، وآموزندهٔ‌درست

---

(۱) درمتن سانسکریت واژه ویشودواه Visvedevâh (همهٔ خدایان) بصیغهٔ جمع استعمال شده است.

شده‌ای تا نذر را بنوشی ، و سروری خـود را (بر خدایان دیگر) حفظ فرمائی .

۷ ـ ای «اندرا»ی مورد ستایش ، باشد که‌این شیره‌های نافذ سومـا در (وجود) تو وارد شود و موجب افزایش هوش سرشار تو گردد .

۸ ـ سرود های (سوما) تو را بزرگ ساخته است ، ای «شت کرتو»، سرودهای (رگ‌بید)تورا والا(معظم) ساخته‌است؛باشد که ستایش‌ما موجب عظمت تو گردد .

۹ ـ باشد که اندرا حافظ بی‌مانع ازین غذاهای (گوشتهای) گوناگون (قربانی) که تمام خواص مردانگی درآنها نهفته است ، لذت برد.

۱۰ ـ ای اندرا که مورد ستایشی ، مگذار که مردم آزاری به‌شخص ما برسانند، تو که نیرومندی، ظلم (تعدی) را دور بدار.

(ماندالای اول ـ سرود ۵)

۳۷

ستایش : اندرا

۱ - ای دوستان (همکاران) بشتاب ، برای ستایش گرد آئید ، و بنشینید، وستایش «اندرا» را مکرر بسرائید(۱).

۲ - هنگامی که نذر ریخته میشود «اندرا» را که سر کوب کنندهٔ دشمنان زیاد، وخداوند برکت ، و فـراوانی است ، مکرر ستایش نمائید .

۳ - باشد که او موجب رسیدن بمقصود خود گردد؛ باشد که او باعث به‌دست آوردن نعمت شود ؛ باشد که او برای تحصیل دانش بهما (کمك کند)؛ باشد که او با روزی (رزق) بسوی‌ما آید.

٤ - بسرائید برای اندرا که دشمنانش در نبرد منتظر او نشدند تااسبانش بهارابه بسته شوند.

۵ - این شیره‌های «سوما»ی پاك و مخلوط با ماست بـرای حرسندی نوشندهٔ نذر ریخته میشود.

٦ - ای اندرا، ای کنندهٔ کارهای نیك، تو ناگهان نیرومندتر

(۱) این بیت خطاب بهسایر روحانیونی است که‌در مراسم‌قربانی شرکت وهمکاری دارند .

۵ ـ ما «اندرا» را برای نعمت فراوان (و همچنین) برای مال اندك میخوانیم ، ای اندرا، ای متحّدما که صاعقه را علیه دشمنان (ما) بکار میبری .

۶ ـ ای فروبارندهٔ باران ، ای بر آورندهٔ همهٔ آرزوها ، این ابرها را باز فرما ، تو که هرگز به (خواهش) ما بی‌اعتنا نبوده‌ای.

۷ـ هرگونه ستایش اعلی که به‌دیگرخدایان تقدیم‌می‌گردد، (متعلّق) به «اندرا»ی رعدآسا نیز هست ، من ستایش سزاوار او را نمی‌شناسم .

۸ ـ فروبارندهٔ باران ، سرور توانا ، و آن که همیشه مجیب الدعوات است ، مردم را نیرو می‌بخشد بدان گونه که گاونر رمهٔ گاوان ماده را (حراست) میکند .

۹ ـ اندرا ، آن که برمردم، و بر ثروت‌ها، ونژاد پنج شاخهٔ (جهان) فرمانرواست (۱) .

---

(۱) بعقیدهٔ . «بنفی Benfey »مقصود از «نژاد پنج‌شاخه» یا «پنج مردم ، پنچه جناه Pancha Janāh تمام ساکنان جهان است .

اما بنظر برخی از استادان هندی از عبارت چنین مفهوم میشود که منظور تنها کوچ نشین‌ها یا طوایف پنج قبیلهٔ آریائی هستند و نه مردم بومی سکنهٔ هندوستان . پنج طایفه یا کوچ‌نشین شاید عبارت بوده‌اند از اتحادیهٔ «توروشه‌ها Turvasas»، و «یدوها Yadus» و «انوها Anus»، و «دروهیوها Druhyus» و «پوروان Purus»

بنظر «سایینه» منظور کسانی است که لیاقت سکونت را داشته‌اند وشامل «چهارکاست» و «نشاده‌ها Nisādas» یا سکنهٔ بومی می‌شدند. وبعضی گویند هنگامی که این سرود گفته شده هنوز اختلاف کاست‌ها وجود نداشته‌است .

۳۸

ستایش: اندرا

۱ ـ «اندرا» را خوانندگان با ستایش‌های بلند، «اندرا» را گویندگان با تمجیدهای خود، «اندرا» را دستهٔ‌سرایندگان تجلیل میکنند (۱).

۲ ـ اندرا، مخلوط کنندهٔ همه‌اشیاء، به‌راستی با اسبهای (۲) خود که به‌فرمان او یراق میشوند، و دارای زینت‌های گرانبهاست و صاعقه را چون حربهٔ در دست دارد، می‌آید.

۳ ـ اندرا، برای آن که همه چیز رامرئی سازد، خورشیدرا در آسمان برافراشت، و ابرها را از آب برساخت.

٤ ـ ای اندرای شکست‌ناپذیر، ما را درجنگ‌ها یاری‌فرما، آری در جنگ‌هائی که هزاران غنیمت از آن به دست‌می‌آید؛ با یاری‌های مبهوت‌کننده‌ای فرد با مهابت.

(۱) یعنی: نغمه‌سرایان سوما با سرودهای‌خویش، و خوانندگان «ریچ» Rich (سرودهای ریگ‌ودا) بادعاهای‌خود، وروحانیون «یاجوش Yajush» با متون کتاب، اندرا را ستایش میکنند.

(۲) در متن اصلی واژهٔ: اروت Arvat (اسب، اسب‌کورس) بکار رفته است.

۳۹

ستایش : ویشودواها Visvedevas

۱ ـ باشد که نیروی موهبت آمیز از هرسو به‌ما رو آورد ، نیروی فریب ناپذیر و بی مانع وپیروز .

باشد که خدایان برای خیر ما همیشه با ما باشند ، و همه روز از ما حفاظت کنند ، وتوجه آنها گسستن نپذیرد .

۲ ـ باشد که لطف موهبت آمیز خدایان با ما باشد، ونعمت ، وفراوانی خدایان‌راستکار برمانازل گردد.

ما با صمیمیّت‌دوستی خدایان راخواسته‌ایم، باشد که‌خدایان عمر ما را زیاد کنند تا زندگی کنیم .

۳ ـ ما با سرود باستانی خود آنها را والاتـر میخوانیم ، «بهگه» ، (۱) «دکشه»ی مهربان ، «میترا» ، ادیتی» ،

«اریمن» ، «وروناا» ، «سوما» و«اشوین»ها .

باشد که «سرسوتی» با عنایت برکت (به ما) عطا فرماید .

---

(۱) بهگه Bhaga ؛ یکی ازآدیتیاها ، خدای خوشبختی «یاسکا» او را از زمرهٔ خدایان کرهٔ اعلی میشمارد . در ودا او خدای بخشندهٔ مال و بنیاد ـ گذار زندگی و زناشوئی توصیف شده است .

۱۰ ـ ما ایندرا را که همه‌جا درمیان مردم حاضر است، برای شما میخوانیم؛
باشد که او منحصراً ازآن ما باشد، (واز دیگران دور شود).

(ماندالای اول ـ سرودهفتم)

باشد که همهٔ خدایان برای نگاهداری ما به اینجا بیایند .

۸ ـ ای‌خدایان، باشد که‌ما با گوشهای خود آنچه نکواست بشنویم، و باچشمهای خویش آنچه را نکواست بنگریم،ای وجود های مقدس .

با دست، و پا وبدنهای استوار ، باشد که‌ما با تسبیح وتمجید به مدت‌عمری که خدایان برای ما مقدّر کرده‌اند ، برسیم .

۹ ـ صدخزان درپیش روی ما است (۱) ، ای خدایان در طی این زمان شما بدن‌های ما را خراب ، و فاسد میسازید ؛

در طی این زمان پسران ما به نوبت خود پدر میشوند ، عمر گذران ما را در نیمهٔ راه مگسلید .

۱۰ـ «ادیتی» (۲) آسمان است، ادیتی‌فلك‌است ، ادیتی‌مادر ، و پدر ، و پسر است .

ادیتی همهٔ خدایان است ، ادیتی پنج طبقه(نژاد)مردم است، ادیتی تمام‌آنچه به‌دنیا آمده، و آنچه بعدبه‌دنیا می‌آیداست .

(ماندالای اول ـ سرود ۸۹)

---

(۱) در عبارت . «صدخزان در پیش ما است » ، طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است

(۲) ادیتی Aditi . بی نهایت ، بی کران ، طبیعت، لایتناهی .

٤ ـ باشد که باد آن داروی مطبوع را به سوی ما بفرستد، زمین که مادر ماست، و آسمان که پدر ماست، آنرا (یعنی: دارو) عطا فرماید، و آن سنگ‌های شادی که شیرهٔ سوما را می‌فشارند.

ای اشوین‌ها که روح ما شایق شماست، این را بشنوید.

٥ ـ او را که با عظمت فرمانروائی میکند، و خداوند همهٔ موجودات ثابت، و جنبنده است، و روان‌را الهام می‌بخشد؛ بیاری بخوانیم.

باشد که «پوشان» فزونی ثروت ما را افزایش دهد،
نگاهدارندهٔ ما، و حافظ خطا ناپذیر خیر ما (باشد).

٦ ـ آن که در اطراف و اکناف مشغول است، اندرا ما را کامیابی بخشد،

ای «پوشان» که خداوند همهٔ ثروت‌ها هستی، ما را کامیاب‌ساز؛
باشد که «تارکشیه»(١) با چرخ‌های صدمه ندیده، ما را موفق‌سازد:
ای بریهسپتی (٢) سعادت ما را تضمین (تامین) فرما.

٧ ـ «ماروت» ها، پسران: «پریشنی» سوار بر اسبان ابلق که با جلال میگذرند و غالباً مراسم مقدس را تماشامیکنند.

دانشمندانی که زبان آنها «اگنی» است، و چون خورشید رخشانند.

---

(١) تارکشیه Tärkshya · معمولا بصورت اسبی توصیف شده است و محتملاً شخصیت خورشید است.

(٢) بریهسپتی BrihasPatı : خداوند دعاو نماز.

ستایش(اگنی) نیرومند، وقابل پرستش می باشند .

۳ ـ خدایان اگنی زیبارا که درمیان (آبهای) رودخانه‌های جاری (مخفی بود) بمنظور (اقامهٔ) مراسم مقدس پیدا کردند .

تولد اگنی هوشمند ، و پاك ، و قوی ، ومهربان ؛ به‌آسمان وزمین شادی بخشیده‌است

٤ ـ هفت رودخانهٔ بزرگ ، آن هنگام که اگنی مبارك ، و پاك ،و درخشان زاده شد ، بر نیروی او افزودند ،

همان گونه که مادیان‌ها از کرهٔ نوزاد (مواظبت میکنند) ، خدایان بدن اگنی‌را گاه تولد پرورش دادند .

٥ ـ او (اگنی) با اندام فروزان در فلك گسترده شده است ، ومراسم‌را باهوشمندی(و نیروهای) پاك کنندهٔمقدس برپامی‌سازد، و شعاری ازنور دارد ، و به‌پرستندگان خود روزی فراوان وکامیابی بزرگ وکاهش ناپذیر می بخشد.

٦ ـ اگنی درهمه‌جا به (آبهای) نه‌بلعنده، ونه بلع شده باز میگردد ، هفت رودخانهٔ جاویدان همیشه جـوان که (زادگان) وسیع فلك‌اند، و با آن که پوشیده نیستند، برهنه نیز نمی‌باشند ،از یك منبع سرچشمه گرفته‌اند، واگنی‌را چون جرثومهٔ مشترك‌خود به دست آورده‌اند.

۷ ـ اشعهٔ او که در مشیمهٔ آب ها مجتمع شده‌اند ، باطراف پراکنده می گردند ، ودرهمه اشکال درین جا هستند ، تا در سیلان

۴۰

ستایش : اگنی(۱)

۱ ـ مرا نیروبخش ، ای اگنی ، چون تو مرا حامل «سوما» قرارداده‌ای که آنرا درقربانی تقدیم نمایم .

من به‌خدایانی که حاضرند احترام میکنم، وسنگ‌را (برای فشردن شیرهٔ سوما) برمیدارم.

من آن‌ها را برسر آشتی‌ می‌آورم، ای‌اگنی، شخص‌مرا حفظ فرما.

۲ ـ ای اگنی ، قربانی موفقیت‌آمیزی انجام داده‌ایم ، باشد که ستایش من آن‌گاه که تورا با هیزم و احترام پرستش میکنم ، موجب‌عظمت تو گردد .

خدایان آسمان خواهان‌عبادت پرهیزکارانی‌هستند که‌مشتاق

---

(۱)سرودهای‌ماندالای سوم‌به«ویشوامتر» «Visvamitra»وافرادخانوادهٔ اومنسوب است. خوداو بنابر روایات هندوان‌لااقل گویندهٔ «سوکتا Sukta» ی اول ویازدهم است ـ درتاریخ ادبیات مقدس هندو ویشوامتر جای مهمی دارد گفته‌اند او در یك خانوادهٔ : «کشتریه Kshatriya » (خانوادهٔ فرمانروایان) تولد یافت اما در اثر پیروی از تقوی و پرهیز کاری در زمرهٔ کاست «براهمن» درآمد . ماندالای سوم مشتمل است بر۶۲سرود

میخواهد تا به‌رودخانه‌های خواهر خدمت کند.

۱۲ ـ اگنی شکست ناپذیر، حامی جنگاوران ، برهمه‌پیدا، آن که به نور خورشید میدرخشد ، بوجود آورندهٔ (جهان) ، جرثومهٔ آبها، سرور پیشوایان، صاحب‌نیرو ؛

اوست که آبهارا برای تقدیم کنندهٔ نذور پیدا کرده(بوجود آورده) است.

۱۳ ـ آن تختهٔ (قرص‌خورشید) مبارک جرثومهٔ خوش اندام ، وچند شکل، آبها و گیاهان را پدیدآورده است .

خدایان با احترام به‌او نزدیک‌شدند، وچون زاده‌شد،(اگنی) قابل ستایش،ونیرومندرا عبادت کردند.

۱٤ ـ خورشید های نیرومند ، مانند برق های درخشنده با اگنی فروزان بزرگ درمنزلگاه غار مانند خود همکاری نمودند ، وآب‌حیات‌را در دریای وسیع بیکران میدوشند.

۱۵ ـ من برپا کنندهٔمراسم‌بانذور خویش‌تورا پرستش میکنم ، ودرآرزوی لطف تو ، دوستی تورا می‌طلبم (التماس میکنم) ؛

با دیگر خدایان حمایت خویش‌را به‌آن که ترا می‌ستاید ، عطا کن ؛ با اشعهٔ منظم خود مارا حفظ فرما .

۱٦ ـ باشد کـه با تقرب به تـو ای اگنـی نیکخواه ، و با انجام‌دادن‌اعمال مقدس که سبب ثروت است ،

و با تقدیم نذور با صمیمیت و فراوانی طوایف دشمن (بد ـ

(شیرهٔ) شیرین مؤثر باشند

مانند گاوان (شیرده) پُرپستان (زمین و آسمان) نیرومند پدر و مادر مناسب اگنی خوش اندام‌اند.

۸ ـ ای فرزند نیرو که همه نگاهدار تواند، با اشعهٔ فروزان وسریع خود میدرخشی؛

آن هنگام که اگنی نیرومند دراثر ستایش عظمت می‌یابد، رگبارهای باران شیرین فرو میبرد.

۹ ـ گاه تولد پستان مادر را می‌شناخت، و سیلابها و سخن (رعد) از آن برخاست؛

کسی نبود که اورا پیدا کند، بامصاحبان مبارك خود (بادها) و بسیاری از (آبهای) فلك درلجه پنهان بود.

۱۰ ـ او جرثومهٔ پدر (فلك) و بوجود آورندهٔ (جهان) را میپرورد؛ تنها او بسیاری از (گیاهان) نمو کننده را می‌بلعد؛

عروسان مصاحب آفتاب، (آسمان، و زمین) که به بشر مهربانند ـ هردو ـ از خویشاوندان آن بخشندهٔ (برکت) پاك می‌باشند[1]؛

ای اگنی، همواره آن‌هارا نگاهدار.

۱۱ ـ اگنی بزرگ در (فلك) وسیع لایتناهی فزونی‌می‌یابد، چون آبها غذای فراوان می‌آورند، و او بآرامی در زادگاه آبها

(۱) ظاهراً مقصود آسمان وزمین، یا شب وروز است.

مردم) مستقر میشود ، بوسیلهٔ «وبشوامتر»ها برافروخته شده است،
باشدما (که مشمول) لطف اوئیم ، همواره در مرحمت مبارك
(خدای) قابل پرستش باقی بمانیم .

۲۲ـ ای اگنی برومند، (ای کنندهٔ) کارهای نیك،این قربانی
نشاطآور مارا سوی خدایان ببر .

۲۳ـ ای اگنی ، بهخوانندهٔ خوش مانند زرق معدس گله‌ـ
های گاو عطا فرما که ثروت شگفتانگیز آن پایدار باشد
به ما پسری سخن و اخلاف مـا زیاد شود ای اگنی ارادهٔ
مبارك تو دربارهٔ مـا چنین باشد[۱] .

(ماندالای سوم ـ سرود اول)

(۱) باشد که درنژاد ما فرزندان ، وفرزندفرزندان بوجود آید ، وباشد
که لطف تو پیوسته مشمول ما شود

حواه) را که خدایی ندارند، مغلوب سازی.

۱۷ - ای اگنی، تو خوانندهٔ ستودهٔ خدایانی، همهٔ مراسم مقدس را می‌شناسی،

و به آرامش و وقار درمیان موجودات فنا پذیر منزل داری؛
وچون ارادهٔ‌رانی حدایان را دنبال می کنی (و خواهش آنان را) انجام میدهی.

۱۸ - موجود جاویدان در منزل گاه فنا پذیران نشسته، و قربانی‌های (آنان‌را) بعمل می‌آورد.

اگنی دانا بر همهٔ مراسم مقدس است، و چون با کرهٔ صاف تغذیه میشود، حجمش فزونی می‌یابد، ومیدرخشد

۱۹ - تو که بزرگ ودرهمه حا حاضری، بادوستی و برکت ویاری‌های نیرومند، سوی ما بیا؛

وثروت‌های بزرگ آسیب‌ناپذیر وخوش نام ومطبوع ومشهور به‌ما عطا فرما.

۲۰ - ای اگنی باستانی، من این نیایش‌های ابدی ونوین‌را به‌تو خطاب میکنم،

این قربانی‌های مقرر ببخشندهٔ نعمت‌ها تقدیم میشود،
آن که در هر تولدی (در میان مردم) مستقر می گردد، و به همهٔ موجودات داناست.

۲۱ - «جات ویداس» زوال ناپذیر که در هر تولد (در میان

شیرهٔ «سوما» حاضر است .

ای نیرومندان در این قربانی ما شادی کنید .

۵ـ چگونه است که او بی مهار وستون با آن که سوی پائین

مایل است ، فرو نمی افتد؟!

با چه نیروی درونی (ذاتی) حرکت میکند ؟

که او را دیده است ؟

او گنبد آسمان را نگاه میدارد ـ ستون نیکو برافراشته‌ای.

(ماندالای چهارم ـ سرود ۱۳)

۴۱

ستایش : اگنی

۱ـ خدا حتی ، « اگنی جات ویداس » نگریسته تا بامداد بگاه را که بافرّ وشکوه میدرخشد ، دیدار نماید .

شما کـه سفرهای دور میکنید ، با ارادهٔ خود به این قربانی ما بیائید ، ای «ناستیه» ها .

۲ـ(خداوند) «سوتری» که جهان آفرینش‌را نورمی بخشد ، درفش خویش را برافراشته است ، وبدینوسیله اشعهٔ آفتاب حضور خودرا آشکار می‌نماید .

«سوریه» فلك ، وآسمان ، وزمین را پر ساخته است .

۳ـ صبحدم سرخ فام ، سوار بر روشنائی پیش تاخته ، و با اشعهٔ شادگون، ونیرومند خودرا نمایان ساخته است .

سپیده دم بر ارابهٔ نیکوی آراستهٔ خویش (یعنی ۰) الههٔ که مردم را با سرود بیدار میکنند ، نزدیك میشود .

٤ـ باشد که آن قویترین اسبان ، ارابه شمارا، ای اشوین‌ها در طلوع صبح به اینجا آورند ، در اینجا برای رفع عطش شما

ستایش: اگنی

۱ـ اگنی با (بوسیله) هیزم مردم بیدار میشود تا سپیده دم را که مانند گاوی (شیرده)، می آید، ملاقات کند.

مانند درختان جوان که شاخه های بلند خویش را برمی‌افرازند شعله های او به طرف گنبد افلاک برمی‌خیزد.

۲ـ (مرد) روحانی بیدار میشود تا خدایان را پرستش کند.
بامدادان «اگنی» رؤف برخاسته است؛

بر افروخته و نیروی رخشان او آشکار شده، و آن خدای بزرگ از ظلمت رهائی یافته است.

۳ـ آن گاه که صف ملازمان خود را بر انگیخته، اگنی پاك با شیر خالص تدهین شده است.

پس تقدیمی نیرو بخش مهیا گشته‌است، واو ایستاده با زبان منبسط آن را مینوشد.

٤ـ ارواح پاکان هم به سوی اگنی متوجه است، همان گونه که همهٔ چشم ها به‌سوی: «سوریه».

ستایش: «وایو Vayu»، و «اندرا Indra»

۱ـ ای «وایو» (شیرهٔ سومای) درخشان و بهترین گوشت ها
در این مراسم بتو تقدیم میشود.
بیا، واین شیرهٔ سوما بنوش،
ای خداوند دلخواه (سوار) بر ارابهٔ خود که دو اسب آنرا
میکشند، بیا.

۳ـ ای «اندرا»، وای «وایو»، شما توأمان نیرومند که با
یکدیگر ممتازید، وخداوندان قدرت میباشید،
با اسبان خویش به یاری ما آئید، تا شیرهٔ سوما را بنوشید.

۴ـ (با) آن اسبان دلخواهی که شما برای پرستندگان خود
دارید، ای قهرمانان، به سوی ما روی آورید،
ای «اندرا» و ای «وایو»، این قربانی بشما تقدیم میشود.

(ماندالای چهارم ـ سرود ۴۷)

۹ ـ ای اگنی ، تو باشتاب در همه میگذری، و در هر که طاهر شوی ، از همه زیباتری

زیبای شگفت آور ، قابل ستایش ، درخشان ، مهمان مردم ، و عزیز خلق

۱۰ ـ برای تو ای خواناترین خدایان ، برای تو ای اگنی ، مردم ازدور، و نزدیك خراج می‌آورند .

دعای اورا که تو را بهترین وجهی ستایش‌میکنند ، بشنو ، اگنی بزرگ‌ووالای مبارك پناهگاه تواست .

۱۱ ـ امروز ای اگنی ، با جلال در ارابهٔ زیبای خود سوار شو ، و مقدسین در اطراف تو باشند .

تو که راه‌های هوائی فضای وسیع را میشناسی ، خدایان را به این جشن و نذور ما بیاور .

۱۲ ـ به آن دانشمند قابل ستایش نیرومند قادر ، ما سرود های ستایش و بندگی خود را میسرائیم .

« گویشتهره » (۱) بادعا این (سرود) بلند آوای ساطع را بسان نور زرین که بر آسمان برخیزد به سوی اگنی بالا برده است .

(ماندلای پنجم ـ سروداول)

---

(۱) «گویشتهره Gavishthira » . نام یکی ازدو «ریشی» سراینده این «سوکتا Sukta» است ، ونام ریشی دیگر «بودهه Budha» میباشد

آن‌هنگام که هردو سپیده دم رنگا رنگ اورا حمل‌میکنند
درآغاز روز بسان اسب سفید نیرومندی بر می‌جهد .

۵- در آغاز روز آن فرد شریف تولّد یافته، وبا رنگی سرخ
درمیان هیزم نیکوچیده قرار گرفته است .

اگنی‌همچون روحانی‌ماهری‌در(مراسم)عبادت نشسته، وهفت
گنج‌برمایهٔ او(۱) درهرخانه‌ای‌وارد میشود .

۶ - اگنی مانند روحانی‌ماهری درآغوش مادرخود که‌محلّ
معطّری می‌باشد ، نشسته است .

بُرنا ، ووفادار، و دانشمند ، و سرور برعدّهٔ بیشمار،در میان
جمعی که از آنها نگاهداری میکنند ، بر افروخته است.

۷ - این‌سرایندهٔ‌عالی‌هنگام قربانی‌ها(یعنی :)اگنی‌روحانی
را با نیایش تجلیل میکنند .

آن که قانون ابدی‌را در دو جهان پراکنده کرده است، او
را با روغن تدهین‌میکنند ـ مانند اسبی نیرومند که هرگز شکست
نمی‌خورد .

۸ - آن دوست ستودهٔ خانواده در منزل خود ستایش شده
است ، او را که مهمان‌محترم ماست ، دانشمندان ستوده‌اند ،
آن که نیروی گاو هزار شاخ دارد (۲) ؛
ای اگنی ، قدرت تو ازهمه برتر است .

---

(۱) یعنی مال‌ودولت و هرنوع ثروتی

(۲) دراینجاظاهراً منظور از«اگنی» ، «خورشید» است با اشعهٔ بیشمارش.

آری آسمان ، و زمین در شهرت و افتخار ازین فرد جوان (اگنی) پیشی نگرفته است .

۵ ـ ای اگنی، با شتاب سوی ما بیا، و با افتخار ثروت های گران بها بیاور.

پس ما ، واین بزرگان ما ، برای خیر همه، جمع خواهیم‌شد درجنگ نزدیک باش تا مارا کامروا سازی .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۱٦)

۴۴

ستایش: اگنی

۱ ـ در شعاع نور، نیروی بزرگی نهفته است، ستایش اگنی را بسرائید، ستایش آن خدارا.

آن که مردم اورا مانند: «میترا» با مدایح خویش در بالاتر ین مقام جا داده‌اند.

۲ ـ آن که با جمال بازوان (دست‌های) خود روحانـی هر مرد توانائی است

اگنی نذر را مستقیم (به‌خدایان) میرساند، ومانند: «بهگه» نعمت‌ها و برکت‌های خود را می‌بخشد.

۳ ـ همه (چیز) بسته‌به ستایش و دوستی آن خدای دولتمند شعله‌ور است،

مردم نیروی بزرگی به‌آن بلند آوا داده‌اند، همانگونه که بردوستی وفادار.

٤ـ بس باشد که اگنی با بخشش فراوان ونیروی پهلوانی، دوست، اینان باشد.

ستایش اندرا، واگنی

۱ ـ مرد فنا پذیری را که شما دو نفر: اندرا، و اگنی ـ در جنگ ـ یاری کنید، راه خودرا بسوی ثروتی که به نیرومندی حفظ میشود، باز مینماید؛ همان گونه که «تریته»(۱) راه خودرا از میان نیزار باز میکند.

۲ ـ آن دو غلبه ناپذیر در جنگ را که سراوار شهرت در آشوب و غوغا می باشند، و خداوندان پنج مردم(۲) اند (یعنی: اندرا، واگنی) ما میخوانیم.

۳ ـ قدرت آن ها شدید است، و برقی که از اسلحهٔ این دو نیرومند می‌جهد، شکافنده است که باشتاب با ارابه برای خاطر گاوان بسوی کشندهٔ «وریترا» میرود.

۴ ـ ای اندرا، واگنی، ما هردو شمارا بدینگونه میخوانیم

---

(۱) تریته Trita (تریته آپتیه Trita Aptia نام خدا یا یك شخصیت الهی دورهٔ قدیم ودائی است که معمولا با اندرا رابطه دارد.

(۲) ظاهراً منظور پنج قبیله مردم آریائی است.

۴۵

ستایش: اگنی

۱ ـ ای اگنی، نزدیکترین دوست ما باش، ورهانندهٔ مهربان، و رفیقی رؤف.

۲ ـ ای اگنی والاتبار، به‌ما نزدیك شو، و ما را ثروتی که به‌نیکوئی مشهور باشد، عطا ورما.

۳ـ پس ما را بشنو، و برین خواهش ما گوش فراده، و ما را از هرمرد گناهکار دورساز.

٤ ـ پس ما سوی تو، ای رخشان‌تر ازهمه، ای خدای مُنیر، می‌آئیم تا برای دوستان خود شادمانی طلب کنیم.

(ماندالای پنجم ـ سرود ٢٤)

۴۷

ستایش : ماروت ها (مروت‌ها Maruts)

۱ـ به «ویشنو»، به آن توانا که ماروت‌ها، ازاوپیروی میکنند سرودهای منظور خود را تقدیم نمائند ، اَو با مروت(۱) ،

به آن دستهٔ نیرومند مهاجم که به بازوبند مزین میباشند ، و با شادی حمله میکنند، و برای نیرو می‌خروشند

۲ـ آنها که باتوانائی نمایان اند ، و ازروی رغبت و به دانش خویش آن (حقیقت)را بیان کرده اند ، اَو با مروت .

ای ماروت‌ها، این نیروی شما برای ادراك دانش است ، بواسطهٔ عظمت بخشش آنها چون کوه ها پا برجا هستند .

۳ـ آنها که چون زبور می‌سرایند، ازعرش اعلی شنیده میشوند؛ آن افراد نیرومند درخشان، او با مروت ؛

درمنزلگاه آن‌ها قوتری نیست که آن‌ها را بیرون کند ،برق

---

(۱) او با مروت Evayāmarut درمعنی این کلمه اختلاف فراوانی میان مفسران ریگ وداست بعضی آنرا نام سرایندهٔ این سرود دانسته اند، وبعضی دیگر بمعنی ٠ ای «ویشنو» ، و ای «ماروت» ، وبدیگر آنرا ای ماروت‌های شتابان معنی کرده اند وبرخی تصور نموده‌اند که «ماروت شتابان» صفت «ویشنو» است که رئیس «ماروت» ها میباشد .

تا ارابه‌های خودرا بفرستید

ای خداوندان نعمت زودرس (سریع‌الوصول)، شما که میدانید ودوستداران بزرگ سرود می‌باشید.

۵ ـ اینان که روز به روز فزونی می‌بخشند، وخدایانی که بامردم حیله وتزویر ندارند، اینان که لایق‌اند؛

من بیش از همه این دو خدای شریك را برای اسب خـود تجلیل مینمایم.

۶ ـ بدین سان نذر نیروبخش به اندرا، و اگنی تقدیم شده است، مانند کره که بوسیلهٔ سنگ‌ها صاف شده باشد.

به پادشاهان ما شهرت عطا فرمائید،

و به آنها که ستایش شمارا می‌سرایند، ثروت بخشید،

و به آنها که شمارا ستایش میکنند، روزی بخشید.

(ماندالای پنجم ـ سرود ۸۶)

۸ـ ای ماروت‌ها، چون روحی دوستدار به‌سوی ما آئید، وستایش آنرا که شمارا میخواند ، بشنوید ، او با مروت ؛

بسان مردان ارابه سوار که با «ویشنو»ی توانا هم فکرند با اعمال شگفت آور خود دشمنی را ازما دور دارید .

۹ـ شما ای افراد مقدس ، در(مراسم) قربانی ما بیائید ، و آنرا برکت دهید ، و دیوان را از آن دور نگاهدارید ، صدای ما را بشنوید،او با مروت ؛

شما که همچون کوه درمیان فضای حق ازهمه والاترید ، شما ای دانشمندان، نه بدخواه این مرد بی امان باشید .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۸۷)

های آن‌ها چون آتش است که رودخانه های خروشان را به‌هیجان درمی‌آورد .

٤ـ آن که باقدم‌های‌قوی ازمنزلگاه وسیع‌بیش می‌خرامد(۱) « او یا مروت » خانهٔ آنها یکی است ؛

وقتی که او شخصاً اسبان قوی زیبای خود را در اوج لگام میرند، با قهرمانان بیش می‌آید ، وشادی می بخشد .

٥ـ مانند عرّش عظیم شما (ابر) باران ریز برق‌زای نیرومند شتابان همه را به لرزه درآورده است ، او یا مروت ،

باآن شما پیروزمندان درخشان پیش می‌تازید، با لگام‌های قوی ، ویراق زرّین هجوم‌آور و مسلّح .

٦ـ عظمت شما بی کران‌است ، شمااى صاحبان‌نیروی‌بزرگ؛ باشد که قدرت درخشان شما، بشتیبان ما باشد، اویا مروت ؛

چون شما یاران آشکار هنگام زحمت(سختی) می‌باشید ، بسان آتش‌افروزان ، ما را از شرمساری ، وتوهین نجات بخشید .

۷ـ باشد که « رود را » های جنگاور نیرومند ، او یا مروت ، با رخشندگی زیبا مانندآتش حافظ ما باشند ؛

آنها که منزلگاه زمینی ایشان پهن گسترده شده است ، و هیچکس برآنها ظنّ گناه نمیبرد، و گروه آنها دارای کمال شجاعت میباشد .

---

(۱) ظاهراً منظور ویشنو است .

۳ـ گاه او عقیم است ، و گاه فرزندانی می‌آورد ، حتی وقتی که اراده کند شکل خود را تغییر میدهد

نطفهٔ پدر بر مادرفرو می ریزد، واز آن پدر و فرزند تغذیه میشوند(۱)

٤ـ از او همهٔ موجودات زنده حیات خودرا می یابند ، وسه آسمان باآب های جاری سه گانه .

سه منبع (مخزن) آب که دخائر خودرا فرومیریزند،نهرهای شیرین‌خوبش را با زمزمه دراطراف او جاری میسازند(۲)

٥ـ باشد که این‌سرود من به‌دل درجنبه خداوند خودرخشان نزدیك شود ، وموجب شادی او گردد .

باشد که ما رگبارهای لذت زا به دست‌آوریم ، و گیاهائی که خدا آنها را حفظ فرموده با ثمرات نیکو .

٦ـ او«گاو نرهمه»(۳) است، وهمه راآبستن میسازد، زندگی همهٔ اشیای ثابت و متحرك به دست اوست .

---

(۱) برخی ازمفسران ریگ ودا برآنند که مراد ازعبارت «گاه‌او عقیم است» اینست که گاهی از ابر باران نمی‌بارد ومقصود از«پدر» «آسمان» واز «مادر»، «زمین» واز «نطفه»، باران است که موجب باروری زمین میشود وچون محصول زمین بصورت‌بذر درآید، دوباره بآسمان برمیگردد، بدین‌جهت‌میگویند که پدر وپسرازآن تغذیه میشوند .

(۲) گفته اند مراد از «سه مخزن» ابرهای‌مشرق ومغرب وشمال‌است.

(۳) شاید مراد از «گاو نر همه» دراینجا گیاهان باشد .

۴۸

خطاب به «پرجنیه» Parjanya

۱ـ سه کلمه‌را بگو (بخوان)، کلماتی که روشنائی بر آن‌مقدم است که این پستان را می دوشد.

به سرعت آشکار ساز، گاوی که نعره بر آورده و جرثومهٔ گیاهان، و کودك را به وجود می‌آورد(۱).

۲ـ ای نموّ بخشنده به گیاهان، ای خدائی که بر آب‌ها، و همهٔ موجودات متحرك حکومت میکنی،

پناهگاه سه حافظی برای ما مهیّا ساز، وروشنائی سه شاخه برای کمك ودوستی ما(۲).

---

(۱) بنا بر نوشتهٔ بعضی از مفسران ریگ ودا، منظور از «سه‌کلمه» در این سرود متون «سه‌ودا» (ریگ ودا، یاجور ودا، ساماودا) است، ومقصود از «روشنائی» کلمهٔ مقدس. «اوم OM» است که پیش‌از وداها می‌آید و قبل‌از تلاوت بندها خوانده میشود. ولی بیشتر احتمال داده شده که‌در این‌سرود منظور از «سه‌کلمه» صدای«پرجنیه» یعنی. «رعد» است که درآسمان، وجو، و زمین می‌پیچد، ومقصوداز‌عبارت«روشنائی که‌بر آن‌مقدم»است«برق»میباشد، ومنظور از «پستان» ریزش باران مطبوع ابر، و مراد از «گاو» «پرجنیه» است، ومنظوراز «کودك»، «اگنی» است که بصورت برق ظاهر میگردد.

(۲) ظاهراً. «روشنائی سه شاخه» اشاره‌به‌تقسیمات روز وفصول‌سال‌است.

۴۹

خطاب به : پرجنیه Parjanya(۱)

۱ـ سرود، وستایش . «برجنیه» ، پسر آسمان را به سرائیم که نعمت باران را می فرستد ؛

باشد که چراگاه ما را سیراب سازد .

۲ـ «برجنیه» خدائی است که درماده گاوان ، و مادیان ها وگیاهان زمین ، ودر زنان جرثومهٔ حیات را تشکیل میدهد .

۳ـ در دهان او نذور بر شیرهٔ لذیذ بریزید .

باشد که همیشه مارا روزی دهد .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۲)

---

(۱) پرجنیه Parjanya : ابر به ویژه ابر بارانـی ، خـدای طوفان ، خدای ابر بارانی ، خدای باران

باشد که این مراسم ، مرا تا صد مین پائیز نجات بخشد (۱).
ای خدایان ، ما را با برکت بیش از آن نگاهداری فرمائید.
(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۱)

۱- در اینجا نیز طول عمر آدمی صد سال در نظر گرفته شده است

آن «واك» را آوردند ، ودر بسیاری از جاها قرار دادند ، و هفت سراینده (خواننده) آهنگ های وی را به اتفاق به صدا درآوردند (۱)

۴ ـ یك نفر هرگز «واك» را ندیده، معهذا اورا می‌بیند، یك نفر اورا می‌شنود ، ولی هرگز اورا نشنیده است.

اما به دیگری او خود را باجمال خویش می‌نمایاند ، همان گونه که زن خوش لباسی به اشتیاق خود را بشوهر نشان‌میدهد.

۵ ـ یکی‌را کودن می‌نامند ، ودردوستی پابرجاست، هرگز او بکارهای‌رادمردی تحریص نمی کنند .

او در خطای ناصرهٔ بی فایده سرگردان است ؛ صدائی که او می‌شنود برایش گل، ومیوه‌ای‌ندارد.

۶ ـ آن که دوست گرامی خود را رها ساخته ، و حقیقت دوستی‌را نمیداند، سهمی از «واك» ندارد.

حتی وقتی آنرا (واك) میشنود، بیهوده گوش داده است ، او چیزی ازطریقهٔ اعمال راستی نمیداند.

۷ ـ دوستانی که به‌آن‌ها یکسان گوش ، وچشم بخشیده‌شده

---

(۱) بنا برگفتهٔ مفسران ریگ‌ودا مراد از عبارت : «دردرون رشی‌ها یافتند» این است که مردم درطی قربانی درك کردند که تنها رشی‌های الهام یافته معنی سخن‌را بمنظور مقاصد مذهبی می‌فهمند و منظور از جاهای بسیار روحانیون‌هوترها Hotars اند بنظر «ویلسون» منظور ازهفت خواننده، هفت بحر (وزن) گایتری Gāyatri وغیره میباشد

خطاب به: گیانم Jnānam (دانش) (۱)

۱ - وقتی «بر بهسپتی» که به همهٔ اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ: «واك» را فرستاد،

آنچه عالی و بی‌عیب در درون آن‌ها ذخیره شده بود، با محبت آشکار گردید (۲)

۲ - هنگامی که مردم آرد را در غربال می‌بیختند، دانایان در روح سخن (زبان) را آفریدند.

دوستان علائم دوستی را می‌بینند، و تشخیص میدهند؛ سخن آنان علامت مبارك را درخود نگاه میدارد.

۳ - با قربانی خط سیر «واك» را دنبال کردند، و جای او را در درون «ریشی»ها یافتند.

---

(۱) گیانم Jnānam (گیان Jnāna) درلغت سانسکریت بمعنی «دانش» است، و دراینجا بنابر عقیدهٔ «سایینه Sāyana» این واژه بمعنی دانش حقایق عالیهٔ مذهب Parama brahma Jnānam می‌باشد که بشر را از وظایف خود او و طریق وصول به روح اعلی آگاه میکند

(۲) واك Vāk: مقصود از «واك»، «صدا» یا «سخن» است، ودراینجا منظور «کلام مقدس» می‌باشد.

آن «واك» را آوردند، ودر بسیاری از جاها قرار دادند، و هفت سراینده (خواننده) آهنگ های وی را به اتفاق به صدا درآوردند.(۱)

۴ ـ یك نفر هرگز «واك» را ندیده، معهذا اورا می‌بیند، یك نفر اورا می‌شنود، ولی هرگز اورا نشنیده است.

اما به دیگری او خود را باجمال خویش می‌نمایاند، همان گونه که زن خوش لباسی به اشتیاق خود را به‌شوهر نشان‌میدهد.

۵ ـ یکی‌را کودن می‌نامند، ودردوستی پایداست، هرگز او بکارهای‌رادمردی تحریص نمی کند.

او در خطای باصرهٔ بی فایده سرگردان است؛ صدائی که او می‌شنود برایش گل، ومیوه‌ای‌ندارد

۶ ـ آن که دوست گرامی خود را رها ساخته، و حقیقت دوستی‌را نمیداند، سهمی از«واك» ندارد.

حتی وقتی آنرا (واك) میشنود، بیهوده گوش داده است، او چیزی ازطریقهٔ اعمال راستی نمیداند.

۷ ـ دوستانی که به‌آن‌ها یکسان گوش، وچشم بخشیده‌شده

---

(۱) بنا بر گفتهٔ مفسران ریگ‌ودا مراد از عبارت «دردرون ریشی‌ها یافتند» این است که مردم درطی قربانی درك کردند که تنها ریشی‌های الهام یافته معنی سحررا بمنظور مقاصد مذهبی می‌فهمند و منظور از جاهای بسیار روحانیون‌هوترها Hotars اند بنظر «ویلسون» منظور ازهفت خواننده، هفت بحر (وزن) گایتری Gāyatrı وغیره میباشد

خطاب به: گیانم Jnānam (دانش) (۱)

۱ ـ وقتی «بربهسپتی» که به‌همهٔ اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ: «واك» را فرستاد،

آنچه‌عالی و بی‌عیب‌در درون آن‌ها ذخیره شده بود، بامحبت آشکار گردید. (۲)

۲ ـ هنگامی که مردم آرد را درغربال می‌بیختند، دانایان در روح‌سخن (زبان) را آفریدند.

دوستان علائم دوستی را می‌بینند، وتشخیص میدهند؛ سخن آنان علامت مبارك‌را درخود نگاه میدارد.

۳ـ با قربانی خطیر «واك»را دنبال کردند، و جای اورادر درون «ریشی»ها یافتند.

---

(۱) گیانم Jnānam (گیان Jnāna) ، درلغت سانسکریت بمعنی «دانش»است ، و دراینجا بنابر عقیدهٔ «سایبه Sāvana» این‌واژه بمعنی دانش حقایق عالیهٔ مذهب Parama brahma Jnānam می‌باشد که‌بشررا ازفطرت خوداو وطریق‌وصول به‌روح اعلای آگاه میکند

(۲) واك Vāk مقصود از «واك»، «صدا» یا«سخن»است، ودراینجا منظور «کلام مقدس» می‌باشد.

یکی مزمور مقدس را در آهنگ: «شکوری» (۱) می‌سراید.

دیگری که «براهمن» است داستان (افسانه) وجود را میگوید،
وقواعد قربانی را وضع میکند. (۲)

(ماندالای دهم - سرود ۷۱)

---

(۱) شاک وری Sakvarī یکی از بحور (در علم عروض) - نام نوعی اشعار یا سرود بویژه اشعار مها نامنی « Mahā Nāmni » متعلق به «شاکورسامن Sākvara-sāman» .

(۲) مراد از عبارت: «نشید اشعار»، تلاوت سوکتاهای Suktas (سرودها) ریگ‌ودا که از جمله وظایف «هوتر»ها میباشد . مقصود از عبارت «مزمور مقدس» گاتترا Gāyatra یا سامن Saman است ومنظور از «سراینده آهنگ‌ها»، اُدگاتر Udgātar یا خوانندگانی می‌باشند که یکی از چهار دسته اصلی روحانیون را تشکیل میدهند و مراد از عبارت «داستان وجود» دانش تمام کاینات است مقصود از «وضع قواعد» دستور و ترتیب انجام دادن قربانی است که وظیفه «ادهورج Adhuvaryu » می باشد .

این سرود مشکل ترین سرودهای ریگ ودا میباشد واز نظر ادبی جنبهٔ شاعرانهٔ آن بسیار قابل توجه است.

در روح خویش دارای سرعت‌های مختلفی هستند.

بعضی جون صبوح‌هائی می‌باشند که به‌دهان، وشانه‌می‌رسند،
و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که در آن تن‌را میشویند

۸ ـ وقتی «براهمن»های مهربان با یك بارقهٔ فکری که‌از قلب
برخاسته است، بایکدیگر قربانی میکنند؛

آن‌ها در راه نیل بمقاصد خود یکی را عقب میگذارند، و
بعضی که‌به‌صورت«براهمن»آمده‌اند درجای دیگرسر گردانند(۱).

۹ ـ آن مردانی که نه‌عقب میروند، ونه‌جلو می‌آیند، ونه
براهمن‌اند، نه مهیا کنندگان نذور؛

و بطریق گناهکاران به «واك» رسیده‌اند، نخ خویش را مانند
بیره‌دختران درنادانی میریسند.(۲)

۱۰ ـ همهٔ دوستان از آمدن پیروزمندانهٔ دوست خود که در
اجتماع غلبه یافته‌است، شادی‌میکنند.

اوست که ملامت را از آن‌ها دور میکند، وآن‌ها را روزی
می‌بخشد،وآماده،ودرخوراعمال پهلوانی است.

۱۱ ـ یکی هم خود را دائماً صرف نشید اشعار میکند، و

(۱) برخی‌از بنددانان گفته‌اند مراد‌ازعبارت «بعضی که بصورت براهمن آمده‌اند»، کسانی‌هستند که ادعا میکنند «براهمن» اند.

(۲) بعقیدهٔ بعضی از مفسرین مقصود از عبارت «مردانی که نه عقب میروند،ونه‌بجلومی‌آیند» کسانی‌هستند که‌درمراسم‌وشعائردینی‌شرکت نمیکنند برخی بجای پیره دختران (دختران ترش شده)، «زنان ریسنده» ترجمه کرده‌اند.

او از راه دور به اینجا می آید، وهمهٔ گناهان‌را دوره‌میسازد

٤ـ سویتری قابل پرستش درشعاع که قادر است تاریکی راز جهان(بزداید) برارابهٔ خویش که‌درآن نزدیکی‌ایستاده، سواراست

(ارابهٔ او) با زیورهای گوناگون زرین بسیار مزیّن‌می‌باشد، و یراق های آن طلائی است .

٥ ـ اسبان سفیدپا که بایوغ زرین به ارابهٔ او بسته‌شده‌اند، روشنائی را به‌نوع بشر آشکار میکنند.

همهٔ مردم ، و همهٔ آفریدگان (تمام نواحی)بپیوسته درحضور سویتری الهی هستند .

٦ ـ سه کرهٔ (عالم) است که دوتا در جوار سویتری است ، و دیگر مردم را به سرمنزل «یم» (جم) رهبری میکنند .

(روشنان) ابدی به‌سویتری تکیه‌دارند ، همانگونه که ارابه به میخ محور متکی میباشد .

آن که برعظمت‌سویتری واقف است ، آنرا اعلام دارد .

۷ـ «سوپرنه» (شعاع آفتاب) (۲) حیاتبخش راست رو که در اهتزازاست ، سه ناحیه را روشن میکند ؛

اکنون‌سوریه (آفتاب) کجاست ؟

که میداند که اشعهٔ اودر کدام کره تابیده است ؟

---

(۱) سه آسمان است .

(۲) سوپرنه Su-parna (زیبابال) . نام پرندگان گوشتخواری مانند عقاب وکرکس ولاشخور ، پرندهٔ اساطیری بسان ، «گروده Garuda» ، شعاع آفتاب .

ستایش: سویتری Savitri (۱)

۱ ـ اول من اگنی را به حمایت خود میخوانم؛ (بعد) من میترا، و وروna را به حمایت خویش میخوانم،

من «راتری» (شب) (۲) را که به جهان آرامش می‌بخشد، میخوانم؛ من سویتری الٓهی درخشان را برای حفظ خود میخوانم.

۲ ـ سویتری الٓهی سوار برارابهٔ خود در فلک تاریک در گردش است، و میرندگان، و بی‌مرگان را برمی‌انگیزد، و به جهان های (چندگانه) ناظر است.

۳ـ سویتری الٓهی درراه نشیب، و فرازدر حرکت (سفر) است، و او که قابل پرستش است، با دو اسب سفید خود حرکت میکند،

---

(۱) سویتری Savitri (Savitar): زنده کننده، برانگیزنده، زاینده، پیدا کنندهٔ غذا ـ نام خدای آفتاب. نیروی حیاتبخش، خدای آفتاب (آفتاب پیش از طلوع سویتری، و پس از طلوع سوریه خوانده میشود) در ریگ ودا چند سرود خطاب به سویتری است اما معمولا سویتری، ازسوریه Surya مشخص میباشد
خدای تمام کائنات (صیغهٔ مؤنث) ـ مادر قطعهٔ اول این سرود به وزن گایتری، وبقیه ابیات بحر تریشتپ Trishtup است قطعه اول درستایش اگنی، و وروna، و میترا و راتری Ratri میباشد.

(۲) راتری Rātri، شب

۵۴

ستایش واچ Vāc (واك Vāk)(۱) (صوت یا سخن مجسّم)

۱ ـ من با «رودرا»ها، و«واسو»ها، و«آدیتیا»ها به‌سفر میروم، وبر همهٔ خدایان میگذرم،

من (هردو) «ورونا» ، و «میترا»، و «اندرا»، و«اگنی» ، و دو «اشوین»را بالا نگاه میدارم.

۲ ـ من « سوما » ی سرشار ، و « توشتر»را عزیز میدارم، و نگاهداری میکنم،

من از «پوشان» ، و «بهگه» حمایت مینمایم.

من به آن قربانی کنندهٔ پر حرارت کـه شیرهٔ (سوما) را می‌ریزد ، ونذررا تقدیم میدارد ، ثروت می‌بخشم.

۳ ـ من شهبانو (ملکه) ، وگردآورندهٔ گنجها میباشم ، من

---

(۱) واچ Vāc (یا واك Vāk) . « سخن مجسم » یا«صوت» ویا «کلمه» نخستین مخلوق ونمایندهٔ روح وفکر واسطه‌ارتباط بین‌خدایان وبشر

در دو سرود در ماندالای دهم مورد ستایش واقع شده ، یکی در سرود ۷۱ ، ودیگر دراین سرود .

۸- اوهشت نقطهٔ افق (۱) وسه عالم موجودات زنده، وهفت رودخانه را روشن ساخته است ؛

باشد که «سویتری» زرّین چشم بهاینجا بیاید وتقدیم کنندهٔ نذررا ثروت‌های دلخواه بخشد .

۹- سویتری‌زرّین دست؛ ناظر برهمه،درمیان‌دو ناحیهٔ آسمان، وزمین درحرکت است ،

بیماریهارا دورمیسازد، وبه خورشید نزدیك میشود،وآسمان را متناوباً باتاریکی، وروشنی میپوشاند .

۱۰- باشد که سویتری زرّین دست حیاتبخش راهنمای شادی انگیزدولتمند (درین قربانی) حاضرشود .

هرگاه این خدا را درشب برستش کنند ، حاضرمیشود ، و «راکشس»(۲) هاو«یاتیدهانه»ها (۳) رادورمیسازد.

۱۱- ای سویتری ، راه های توازقدیم مهیّا، واز غبار رفته شده ، ونیکو درفلك قرارگرفته است .

ازآن راه های سهل العبور(بیا) ، وما را امروز حفظ فرما . ای خداوند ، باما سخن بگو.

(ماندالای اول - سرود ۳۵)

---

(۱) منظورچهارجهت اصلی وچهارجهت فرعی است

(۲) راکشس Rākshasa.دیوشب‌رو، یاشب‌خیز

(۳) یاتیدهانه Yātud - hāna ، روح پلید .

واز آنجا من همهٔ موجودات‌را درزیر سلطهٔ خود دارم، وپیشانی خودرا بر آن آسمان بلند میسایم.

۸ ــ من بانفسی قوی چون باد، وطوفان تنفس میکنم، ودر عین‌حال تمام کائنات‌را مجموع نگاه میدارم.

فروتر از زمین، و برتر از آسمان ها من در عظمت خویش نیرومند گشته‌ام.

(ماندالای دهم ــ سرود ۱۲۵)

ازهمه متفکر ترم ، واز نخستین افرادی هستم که درخور پرستش اند.

ازاینرو خدایان مرا درنقاط بسیارمستقر داشته‌اند، ومنازل فراوان به من داده‌اند که درآنها وارد شوم واقامت گزینم.

٤ ـ تنها بوسیلهٔ من ، همهٔ (جانداران) ، تمام رزق مقسوم خودرامی‌خورند .

هر کسی کلمات ملفوظ را می‌بیند، ونفس می کشد ، ومی‌شنود؛ بی آنکه بدانند در کنار من زندگی میکنند ، همه ، و هر یك حقیقت‌را که من اعلام میدارم ، بشنوند.

٥ ـ من ، و به‌راستی من آن کلامی‌را که به‌وجود خدایان، و مردم بطور یکسان خوش‌آیند خواهد بود ، بیان می کنم .

من مردمی‌را که دوست دارم فوق‌العاده نیرومند میسازم ،او را به (مقام) دانشمندی، و«ریشی»، و«براهمنی» میرسانم.

٦ ـ من کمان « رودرا » را ره میکنم تا با تیر خود دشمن ایمان‌را بزنم، ونابود سازم .

من جنگ را برای مردم بر می‌انگیزم ، و تنظیم میدهم ، من درآسمان وزمین نفوذ کرده‌ام .

٧ ـ درنقطهٔ‌اعلای جهان من پدررا بوجودآوردم؛ خانهٔ‌من در میان آبهای دریای اعظم است (١).

---

(١) دراینجا ظاهراً منظور از «پدر»،آسمان است

۴ـ نفس (آتمن) خدایان ، حرثومهٔ جهان ، این خدا به ارادهٔ خویش روان است .

غرش او شنیده میشود ، اما شکل او (دیده) نمیشود .

این «وات»(۱) را با تقدیم نذور پرستش کنیم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۶۸)

(۱) وات Vāta . باد ـ خدای باد.

ستایش: وایو Vāyu

۱ ـ نیروی ارابهٔ « وایو » را اعلام نما که چون میگذرد ،
همه‌چیز را درهم می‌شکند .
آوایش رعدآسا است.

چون پیش می‌تازد، به‌آسمان میرسد ، و(ابرها را)برافروخته
می‌سازد ، و چون به زمین جولان میکند ، تودهٔ غبار را برآسمان
برمی‌انگیزد .

۲ ـ تندبادهای باد(وات) در دنبال او برمی‌خیزند ، و مانند
زنانی که به‌سوی انجمنی روان باشند ، به‌سوی او رو می‌آورند.
به‌اتفاق آن‌ها در همان ارابه ، خداوند ، پادشاه، همهٔ جهان
می‌شتابد .

۳ ـ چون‌راه خود را در میان هوا باشتاب می‌پیماید ، هرگز
آرام‌نمی‌پذیرد.
دوست آبها ، نخست‌زاد ، قانون‌پذیر .
او در کجا تولد یافته است؟
واز کجا برخاسته است؟

۴ـ ای ورونا(۱)، مگر چه خطائی (گناهی) از من سرزد که راضی شدی سراینده، و دوست خود را از دست بدهی؟

مرا از این لغزش (گناه) بیاگاهان، ای سرور می گساران (سوم آشامان) مقدس، مرا آگاه کن تا از صمیم قلب واحترام از کردهٔ (گناه) خود پوزش بطلبم.

۵ـ از کردارهای نیاگان، ونیز از نافرمانی‌هائی که ما خود کرده‌ایم، درگذر

ای پادشاه، همان گونه که از گناه درد، و غارتگر اغنام و احشام درمیگذری، از لغزش (گناه) «وسیشته» (۲) (سرایندهٔ این سرود) درگذر، وهمانطور که از گردن گوساله یوغ برمیداری واو را آزاد میسازی، مرا از گناه سبکبار کن.

۶ـ ما به خواهش و اراده خود مرتکب گناه نشدیم، فریب و اغوی، مستی، نادانی، قمار یاخشم باعث شده است.

لغزش از خردان، وعفو از بزرگان. خواب (رؤیا) او را از بی‌عدالتی طرد نمیکند.(۳)

۱ـ ورونا Varuna خدائی با دانش و نیرومند است. او همگام غروب آفتاب پرستش میشود قلمرو فرمانروائی وی شامل تمام عالم است

(۲) وسیشته Vasistha (۳) «گریفیت» این قطعه‌را چنین ترجمه کرده‌است.

«ای ورونا، ارادهٔ ما، بهماخیانت نکرد، بلکه فریب واغوی، بی‌فکری، شراب و قمار یا خشم بسران نزدیك است که جوانان را گمراه سازند، حتی خواب بدکاری را دور نمیکند»

بعضی قسمت اخیر این قطعه را بدینطور ترجمه کرده‌اند. «اقویا، ضعیفان را گمراه سازند»

۵۴

ستایش وروناVaruna

۱ـ خرد جوهر ذاتی اوست ، بزرگی شایستهٔ ذاتی است که آسمان ، و زمین وسیع را ازهم‌جدا ساخت ، و به این هر دو عالم کومك میکند

اوست که سقف آسمان ، و ستارگان را در کمال بلندی بر افراشت ، و زمین را چون بستری پهن بگسترد .

۲ـ (روی سخن به گویندهٔ سرود است) من نمیدانم کی از توسعادت خواهم یافت تا مورد عنایت مخصوص « ورونا » واقع شوم (در دل‌او جا بگیرم) ؟

آیا نیاز مرا بی ترشروئی (درندگی) خواهد پذیرفت ؟

من چه موقعی میتوانم اطمینان واحسان اورا جلب کنم ؟

۳ـ ای‌ورونا ، من خودرا درقبال تقصیری که کرده‌ام مخاطب مینمایم ، ومورد باز خواست قرار میدهم .

من به‌خداوندی که عالم غیب وپوشیده هاست‌نزدیك می‌شوم .

دانایان قوم به من اطلاع داده اند که ورونا نسبت به من خشمگین است !

ستایش: ورونا Varuna

۱ـ ستایش (خود) را به «ورونا»ی توانا، و دانشمند ترین «ماروت» ها تقدیم دارید.

این «ورونا» با کار های خود مردم را محافظت مینماید همان گونه که (چوبان گله را).

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند.

۲ـ آن «ورونا» را که درمجاورت رودخانه ها برمیخیزد، و درمیان آن‌ها هفت خواهر دارد.(۱)

با چنین ستایشی، وبا ستایش پدران (خویش)، و با مدایح

---

(۱) بنظر ماکس مولر Max Muler مراد از «هفت خواهر» رودخانهٔ «سند Indus»، و سرسوتی Sarasvatī و پنج رود خانه پنجاب («پنج آب» یا «پنج رودخانه») یعنی رودخانه‌های ویتستا Vitastā» و اسکنی Asiknī، وپروشنی Parushnī، و ویپاش Vipās، وشوتودری Sutudrī» است اما «لسن Lassen» و «لودویگ Ludwig» رودخانهٔ «کوبها Kubhā» را بجای «سرسوتی» جزو هفت رودخانه محسوب داشته‌اند در ریگ ودا چندجا (ازجمله ماندالای اول سرود ۳۲) اشاره بهفت رودخانه شده‌است

۷ـ من میخواهم بنده وار بتوخدمت کنم، همانطوری که غلام به‌آقای خود خدمت مینماید .

تو خداوند خردمندی ، ومن (بندهٔ) عاری از خطا .

ای خدا ، ای سرور ، تو به ما آنچه نمیدانستیم آموختی ، ای‌خردمنددانا، تومردم جاه طلب‌را به‌سوی ثروت راهنمائی‌میکنی

۸ـ ستایش فراوان من به درگاه وروىا ، خواجهٔ می گساران (سوم آشامان)!

خوشبختی‌مارا درزمان‌صلح وهمچنین‌هنگام‌جنگ‌تأمین کن. مارا درپناه خود محفوظ بدار ، و زندگی مارا از خیر و برکت سرشارفرما (۱)

(ماندالای هفتم ـ سرود ۸٦)

(۱) این قطعه را «گریفیث» چنین ترجمه کرده است :

«ای خداوند،ای وروىا ، باشد که‌این‌ستایش نزدیك توآید ، ودر روح تو قرار گیرد ای‌خدایان ما راهمیشه با برکت حفظ‌فرمائید ، باشد که راحتی‌و کارما قرین خوبی گردد »

۵ـ او که نگاهدارندهٔ جهان هاست، و نام های نهفته، و اسرار اشعهٔ صبحگاهی را میداند :

او دانش ، و دانشمند را بسیار عـزیز میدارد ، همان گـونه که آسمان صور مختلف آن را بوجود می آورد

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاک شوند .

۶ـ آن که همهٔ اعمال تقوی براو متمرکز است ، همانگونه که ناف (درمیان) چرخ همانگونه که سوراخ محور درمرکز چرخ قرار دارد(۱) .

برای ادای احترام به «تریته»(۲) بشتابید ، همان گونه که گاوان برای جمع شدن در «گاوخانه» می‌شتابند .

حتی مثل آنان که اسان را برای یوغ گذاری ، گردمی آورند.

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاک شوند .

۷ـ او این نواحی راچون جامه‌ای میپوشد؛ او همهٔ طوایف خدایان ، و همهٔ سخنان مردم فنا بدیر را زیر نظردارد.

در قبال منزلگاه ورونا ، همهٔ خدایان از دستور او پیروی میکنند .

---

(۱) این قطعه را گریفیث چنین ترجمه کرده است .

تمام دانش بسوی او برمیگردد همان گونه که محور درمیان چرخ قرار دارد برای تجلیل تریته بشتابید همان گونه که گاوان برای جمع شدن در گاوخانه می شتابند حتی مانند آنها که اسان را یوغ میزنند .

(۲) مقصود از «تریته Trita» ورونا است که در سه جهان منزل دارد

«نا بها که» (من ستایش میکنم)(۱).

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند.

۳ـ آن که شب ها را در بر دارد، و دارای بشرهٔ نیکو است،
وسریع الجری که میباشد؛

آن که با اعمال خود بر دنیا احاطه دارد؛

تمام کسانی که خواهان (لطف او هستند)، با کمال مراقبت
درمراسم سه گانهٔ روزانه، اورا ستایش می نمایند.

باشد که همهٔ دشمنان ماهلاك شوند(۲).

۴ـ او که بر روی تمام زمین هویداست، وچهار بخش آسمان
(نقاط افق) را برپا داشته است، و مسا ّح (جهان) است،

آن جا که منزلگاه باستانی «ورونا» است که ما به آن دسترسی
داریم، مانند نگاهدارندهٔ گلّه، اوخداوند ماست.

باشد که همهٔ دشمنان ماهلاك شوند.

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است من اورا با سرودها وتهلیل هائی که پدران ما می سرائیدند ستایش میکنم، وبامدایح همتگانه که آن که در سرچشمه رودخانه ها منزل دارد وخواهران همتگانه اش اورا احاطه نموده اند

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

برشب احاطه دارد، وصبح را باهنر جادوی خویش برقرار میسازد، وبر روی همه پدیدار است

عزیزان او (مقصود شبها است که تبدیل بصبح میگردند) در اطاعت از قانون او سه سپیده دم را (مقصود صبح و ظهر وغروب است) برای اوکامیاب ساخته اند

بگذار که همه دشمنان ما بمیرند.

ستایش : اندرا

۱ـ آنها که در اطراف او ایستاده اند ، هنگامی که برای یراق کردن آن اسب گلگون درخشان حرکت مینمایند ، روشنی‌ها درآسمان میدرخشد(۱) .

۲ـ آنان (ارابه ران ها) دو اسب دلخواه سرخ رنگ بانشاط خاصه را بطرف ارابه او بسته اند .

۳ـتو که‌نور را بوجود آوردی ، درجائیکه نورنبود ، وشکل نبود ، ای مردمان : جائی که شکل‌نبود ، تو با سپیده دم توأمان به دنیاآمدی .

---

(۱) بعقیدهٔ «سایمه» ، مقصود از «آنها که در اطراف او ایستاده‌اند» «موجودات زندهٔ سه‌جهان» اند Loka Traya Vartinah prāninah لوکه تریه‌ورتینه پرانینه » شاید هم منظور «ماروت» ها باشند که پیوسته درملازمت اندرا هستند

مراد از . اسب گلگون درخشان (بردنم‌اروشم Bradhnam arusham) آفتاب است که «اندرا» غالباً باآن مربوط است

بیت‌بالارا با توجه‌به‌تفسیر سایمه چنین نیز میتوان تفسیرو ترجمه نمود ساکنان آفاق (سکنهٔ‌موجود سه جهان) با(اندرا)و(خورشید) نیرومند و(آتش) خاموش ناپذیر و (بادوزان) و روشنائی که درآسمان میدرخشد، اسارند

۸ـ او افناروسی نهفته (بسیار دور دست) است ، او باشتاب برعرش صعود میکند ، همان گونه که (آفتاب) درآسمان .

چون‌او قربانی رادرنواحی‌افلاك قراردهد ، با اشعهٔ درخشان خود جبله‌های (اسوراها را) نابود میسازد .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۹ـ حکم فرمائی که اشعهٔ رخشان دوررس او تمام‌زمین‌های سه‌گانه‌را دربر گرفته ، وسه کشوراعلای‌آسمان را پرساخته‌است.

جایگاه ورونا پا برجاست ، و او به‌هفت (رودخانه) چون پادشاهی حکومت میکند .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۱۰ـ آن که‌برحسب دستورش « تاریکان »(۱) از جامه‌ای نور پوشانده‌شده اند ،

آن که منازل قدیم را بپیمود .

آن که هردوجهان‌را جداگانه ستون‌زد .

وهمان گونه که‌تولّد نیافته است ، آنرا نگاه میدارد .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك‌شوند.

(ماندالای هشتم ـ سرود ۴۱)

---

(۱) مقصود شب‌هائی است که «ورونا» آن ها را به‌رور تبدیل‌میکند.

۱٤۱

یا از ناحیهٔ (عالم) آسمان بالا، و یا از فلك بهن درآید، وما را ثروت بخشد.

(ماندالای اول - سرود ٦)

٤ـ بعداز آن‌چنانکه عادت آنهاست، وضع کودکان تولّدنیافته را ازخود دورساختند، و اسامی قربانی بخود گرفتند .

٥ـ به اتفاق «ماروت» های نقاله که بر نقاط صعب الوصول میگذرند .

توای «اندرا» گاوهای پنهان شده درغارها را پیدا کرده‌ای.

٦ـ این ستایشگران (لشگرماروت‌های) نیرومند راکه برای آنها جشن گرفته میشود، و از نیروی ثروت بخشی آگاه اند ، ستایش میکنند ، همان گونه که آنها رایزن (مشاور) اندرا را (تجلیل مینمایند).

٧ـ ای ماروت ها ، باشد که شما درملازمت «اندرا» ی دلیر درحال نشاط با جلال ومساوی دیده شوید .

٨ـ این مراسم برای پرستش «اندرا» ی نیرومند ، و دستهٔ (ماروت‌های) مهربان، وآسمان عاری ازملامت انجام یافته‌است[1].

٩ـ پس ای‌همه‌جا گذرندگان (گروه ماروت ها) ، ازنواحی آسمان یا از کرهٔ آفتاب به اینجا بیائید[2] ؛ چون درآن مراسم (روحانی) ستایش کامل شما را می سرایند .

١٠ـ ما «اندرا» را میخوانیم که‌خواه ازاین ناحیه ارضی باید

(۱) گریفیت ، این عبارت را چنین ترجمه نموده است
بامبرنانان‌محبوب‌اندرای بی‌عیب‌شتابان بسوی‌آسمان قربانی کننده فریاد برمی‌آورد

(۲) عبارت : «به اینجا بیائید» یعنی به کرهٔ زمین بیائید

۵۸

سوپتایش: وایو

۱ ـ باشد که «وات» نفس شفابخش در قلب ما بدمد تاما را شادی باشد؛
باشد که عمر ما را دراز کند.

۲ ـ تو «وات»، هم پدرمائی، و هم برادر، و هم‌دوست‌ما،
سبب ساز که ما زنده باشیم.

۳ ـ آن مخزن ززق حیات جاودانی که در خانه است ـ
ای «وات»، از آن به ماعطا فرما.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۶۸)

۵۷

خطاب به: سوما Soma

۱ـ شیره‌های تصفیه شدهٔ سوما جاری میشوند، وثروت فکر می‌بخشد(۱).

۲ـ ای اندو (برای ما) افزایندهٔ نعمت های آسمان، وزمین وخداوند رزق باش.

۳ـ ای سوما، برای تو باد هالطف آمیزند، ورودخانه ها در جریان اند، وعظمت را افزایش میدهند.

۴ـ ای سوما، روزی نیکو بیاب، ونیرو ازهرسو به‌جانب تو آید، و(بخشندهٔ) قدرت درجنگ باش.

۵ـ ای(سومای) حنائی رنگ، گاوها برای تو گوساله (کره) می‌آورند، وشیر تمام‌نشدنی میدهند، آن‌را بر بالاترین قله‌جای ده(۲).

۶ـ ای اندو، ای خداوند موجودات، ما دوستی با تو را خواهانیم، ای نیکو سلاح دار.

(ماندالای نهم ـ سرود ۳۱)

---

(۱) این قطعه را گریفیث چنین ترجمه کرده است. قطره‌های سومای نیکوکار که تصفیه شده‌است، فرومیریزد وثروتی که‌برهمه آشکاراست می‌بخشد.

(۲) والاتر از والاترین ماندی‌ها

پخته شده است،

من آن (نذری) را که در آتش پخته است، می‌بینم؛
من این نذر خالص تازهٔ خوب پخته را ملاحظه می‌کنم،
ای دارندهٔ سلاح آذرخش، ای کنندهٔ کارهای فراوان، بالذت
از دوغ قربانی نمرور بیاشام.

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۹)

۵۹
ستایش: اندرا (۱)

۱ ـ بر خیز و پاره‌ای از (نذر) «اندرا»را که در خور این فصل است بنگر؛

اگر (نیاز) پخته باشد، آنرا تقدیم نما، و اگر نا پخته باشد او را (با ستایش) اقناع کن.

۲ ـ ای اندرا، با شتاب به‌سوی نذری که پخته‌شده است برس خورشید به‌میان راه خود نزدیك شده است.

دوستان نو با قدیمی‌های خویش در اطراف تو نشسته‌اند.

تو که حافظ خانواده‌ها هستی، بر رئیس کوچ کنندهٔ این خاندای (نظر فرما).

۳ ـ من (نذر) را مشاهده میکنم، مانندزن که در پستان گاو

---

(۱)«ریشی» قطعه‌اول این سرود را «شیری Shiri»پسراوشی نر Ushinara گفته‌اند، و«ریشی»قطعهٔدوم را «پراتردنه Pratardana» پادشاه«کاشی Kashi» دانسته‌اند، و «ریشی» قطعهٔ سوم را و سومنه Vasumana فرزند روهی‌دشوه Rohidashva خوانده‌اند.

قطعهٔ اول به‌وزن (بحر) «انوستپ Anshtup»، و دو قطعهٔ دیگر ببحر «تریشتپ Trishtup» میباشد

ستایش: بریهسپتی Brihaspati

۱ ـ باشد که «بریهسپتی» رافع مشکلات، (همهٔ گناهان را) دور سازد؛
باشد که سلاح مفتری دروغزن‌را دور کند؛
باشد که (دشمن) بی‌آبرو را به زمین زند، و بدخواه را منکوب نماید.
وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد.

۲ ـ باشد که «نراشنسه»[۱] مارا هنگام مراسم: «بریاجه» حفظ فرماید[۲]،
باشد که او مانند: «انویاجه» (الوهیت) هنگام نذر، ما را برکت دهد.
باشد که بریهسپتی (دشمن) بی‌آبرورا برزمین زند، وبدخواه

---

(۱) نراشنسه (نرسنگهه Narāsansa) لقب وعنوان . اگنی .
(۲) پریاجه Prayāja پیش بدر ، پیش نیاز یا اولین قسمت نذور که در مراسم قربانی « سوما » تقدیم می‌شود ، وقسمت آخر را « انویاجه Anuyāja» (بعد ازقربانی ، پایان قربانی) خوانند .

۹۰

ستایش: اندرا

۱ ـ ای اندرا ، که مردم بسیاری تو را میخوانند ، وتو بر دشمنان خویش پیروز میشوی ،

ای که در نیروی خویش برتری‌داری ؛ باشد که در این هنگام جود خود را به ما بنمائی‌، و با دست راست خویش‌خزاین را بیاوری‌،

تو که خداوند رودخانه‌های ثروتبخش هستی .

۲ ـ تو که چون شیر تازنده در کوهستانها هراسناکی ، از (جهان) دور دست بیا ، و با اسلحهٔ شدید خویش که آنرا نیکو بران کرده‌ای ، دشمنان مارا هلاك ساز ،

ای اندرا ، دشمنان ما را بگریزان .

۳ ـ ای اندرا ، تو با قدرت حفظ کننده و نیکو بوجود آمده‌ای‌،

تو که به نوع بشر مهربانی ، او را که دوستدار ما نیست ، دور می‌سازی ،

تو ناحیهٔ وسیعی برای خدایان مهیّا میکنی .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۰)

۶۴

خطاب به: قربانی کننده Yajamāna (۱)

۱ ـ [زن سخن میگوید :] من تو را در اندیشهٔ خویش می‌بینم که با (مراسم مقدس) در گفت و گوئی.

از ریاضت بوجود آمده‌ای ، و به ریاضت مشهوری؛

درین جهان از کثرت فرزند ، و ثروت کامیابی؛

تو که نسل را دوست داری ؛ پس نسل (و فرزندان) بوجود آور .

۲ ـ [یجمانه پاسخ میدهد :] من تورا در فکر خود می‌بینم که (به‌جمال) میدرخشی ، و (نزدیکی شوهر خویش‌را) به بدن‌خود

---

(۱) قطعهٔ اول این سوکتا (Sukta = سرود) دربارهٔ قربانی کننده‌است قطعهٔ دوم مربوط است به زن او ، وقطعهٔ سوم راجع است به روحانی هوتری Hotri

(۲) در این سرود «الوهیت» قربانی کننده ، و همسر او ، و روحانی هوتر مورد نظر است .

بنا برعقیدهٔ «سایبه» همسر «قربانی کننده Yajamāna» گویندهٔ قطعهٔ اول ، وجود «یجمانه» (قربانی کننده) گویندهٔ قطعهٔ دوم ، و روحانی «هوتر» گویندهٔ قطعهٔ سوم این سرود میباشد .

رامنکوب کند،

وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد .

۳ــ باشد که « تپورمور دهن »[1]، « راکشس » های دشمن براهمن ها را از میان بردارد ، و(رئیس) بدخواه آنان را بکشد .

باشد که « بربهسپتی » (دشمن) بی‌آبرو را بر زمین زند ، وبدخواه را منکوب کند ،

وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد .

(ماندالای دهم ــ سرود ۱۸۲)

---

(۱) تپورموردهن Tápurmûrdhan (شعله‌ور سر ، برافروخته سر) لقب اگنی یا بربهسپتی .

ستایش «ادیتی» Aditi (۱)

۱ ـ باشد که «ویشنو» زهدان‌را بسازد ، و«توشتری» اندام‌ها را بوجود آورد ؛

باشد که پرجاپتی (۲) (دانه)را آبیاری کند ، ودهاتری (۳) جُرثومه را بپرورد .

۲ـ ای «سینی‌والی»،(٤)جرثومه‌را نگاهدار ؛ ای «سرسوتی»، نطفه را نگاهداری فرما ؛

۳ ـ ما جرثومـهٔ تو را که اشوین ها با چوبهـای زرّین بهم

---

(۱) ادیتی Aditi ـ بی کران ، بی‌نهایت ، لایتناهی ، طبیعت ، مادرخدایان .
موضوع این سرود برکت و یا تبرك نطفه است ، و خدایان مختلفی نیز درآن نام‌برده شده‌اند .
ریشی این سوکتا (سرود) «توشتری» سازندهٔ نطفه‌ها یـا «ویشنو» پسر پرجاپتی است .

(۲) پرجاپتی Prajāpati ـ خدای آفرینش یا آفریدگان

(۳) دهاتری Dhātri . سازنده ، آفریدگار ، مبدع ، بنیادگذار

(٤) سینی‌والی Sinivālī . آفریدگار (زیبا انگشت ، زیبا دست) نام الهه‌ای.

در موسم معهود خواستاری؛

باشد تو که جوانی به‌سوی من آئی، تو که اولاد دوست‌داری؛

پس فرزند به‌دنیا آور.

۳ ـ [هوتری سخن میگوید:] من بذرا در گیاهان میگذارم،

و نطفه‌را به موجودات زنده میدهم؛

من توالد و تناسل‌را در زمین پیدا میکنم،

من زنان دیگررا باردار می‌سازم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۳)

۶۴

ستایش: ادیتی

۱ ـ باشد که حمایت درخشان شکست ناپذیر آن سه گانه (سه‌خدا): «میترا»، و «اریمن»، و «ورونا» (به من داده) شود.

۲ ـ مبادا که دشمن بدخواه آنها بر منزل ها، وراه‌ها، و حصارها تسلط یابد.

۳ ـ آن موجودفانی که پسران «ادیتی» اورا نور ابدی (حیات) بخشیده‌اند؛ باشد که زندگانی کند

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۵)

۱۵۲

زده‌اند ، میخوانیم :

باشد که تو در ماه دهم آن را به‌دنیا آوری .

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۴)

ستایش : سوما پومانه

۱ ـ قطرات عصارهٔ سوما وقتی که روحانیون آنرا می‌فشارند به‌سوی صافی‌های پارچه‌ای جاری میشود ، و با نیروی خود نقاط محکم‌را پاره میکنند .

۲ـ چون شیرهٔ سوما گرفته میشود ، به‌سوی اندرا، ووایو، وورونا، وویشنو، میرود .

۳ـ «سوما»ی خُرد شده را که عصاره‌ای از آن جاری‌است ، درمیان سنگ‌های عصاری می‌فشارند ، و با عمل آوردن شیرهٔ آن را می‌نوشند .

٤ ـ «سوما»ی شادیبخش‌را باید (برای قربانی) «تریته» ،(۱) وبرای آشامیدن اندرا صاف کرد .

آن شیرهٔ سبز رنگ با دیگر اجزاء مخلوط گشته است.

---

(۱) تـریته Trita (سوم، سومین) نام یکی از خدایان دورهٔ ودائی کـه نامش دروداً معمولا همرا » با مـاروت ها ، وایو ، و اندرا آمـده و مثل توشتری با وریترا وسایردیوان درجنگ وجدال است او تهیه کنندهٔ سومای بهشتی یا آسمانی است .

۹۵

ستایش: سوما پومانه Soma Pavamāna

۱ ـ شیرهٔ «سوما»ی ماهر (هوشمند) بسان موج آب، ومانند گاومیشانی که به سوی جنگل میروند، بیش می‌تازد.

۲ ـ آن شیره‌های حنائی‌رنگ (قرمزرنگ) درخشان باشتاب باحوئی از آب حیات به سبو ها (کوره‌ها) میریزد، و ازین عصاره‌ها روزی (رزق) همراه با گلهٔ گاوان سلان می‌یابد.

۳ ـ نذوری کـه داده میشود به‌سوی: ایندرا، و وایو، و ورونا، وماروت‌ها، و ویشنو، میرود.

۴ ـ روحانیون سه‌متن مقدس رامیخوانند(۱) و گاو(شیرده) به‌صدا درمی‌آید، و«سوما»ی سبزرنگ زمرمه کنان (به‌اطراف) میرود.

۵ ـ سرودهای مقدس متعدد مادران قربانی ستایش می‌فرستند، آنها (سومای) فرزند عرش را پاك می‌سازند.

۶ ـ از هرسو ای «سوما» چهار اقیانوس ثروت برما فروریز، ومارا هزاران آرزو عطا فرما. (ماندالای نهم ـ سرود ۳۳)

(۱) بنا بر تفسیر «ساینه» منظور از عبارت « Trividhâ Stutih » سه نوع ستایش از سه ودا میباشد.

۹۷

ستایش: سوما

۱ـ ای پاک کننده، ار مجرائی که به‌ما روشنائی می‌بخشی، ثروت فراوان برما فروبار.

۲ ـ ای ایندو، ای رانندهٔ آب‌ها، ای مغلوب کنندهٔ همهٔ (دشمنان ما)؛ با نیروی خود مانند حافظ ثروت به سوی ما جریان یاب.

۳ـ با تو ای (سومای) دلاور، چون قهرمانان، ما دشمنان خود را مغلوب می‌سازیم؛

(ثروت‌های) دلخواه به‌ما عطا فرما.

٤ ـ ای ایندو، ای روزی رسان، ای بیننده، به پرستنده (عبادت کننده) روزی فرست؛

آن که رعیت خویش‌را با آشنائی به مراسم و اسلحهٔ مقدس نشان میدهد.

۵ـ ماسوما را که الهام بخش ستایش، و مُنزّه، و شبان مردمان است؛ با ستایش‌های خود می‌پوشانیم

٥ ـ پسران پریشنی[۱] درقربانگاه شیرهٔ سوما رامیدوشند، و آن زیباترین وحقشناسترین نذر (به‌خدایان است).

٦ ستایش‌های آرام ، وقلبی ما به او نزدیک میشود ، و او با صدای‌خود گاوان شیرده را خوش‌آمد میگوید .

(ماندالای نهم ـ سرود ٣٤)

(١) گیاه «سوما» بخودی خود عناصر رئیسهٔ قربانی‌را تشکیل میدهد .

پریشنی Prısni (خالدار ، لك‌لكی) دراینجا بمعنی • مادر ماروت Maruts ها میباشد .

۶۸

ستایش: سوما

۱ ـ ای «سوما»ی تندرو که به‌خدایان دلبسته‌ای ، ورا کشس ها را در برو بزن معدوم میکنی ، رزق فراوان به‌ما عطا فرما .

۲ ـ آن هنگام که حوی‌های صد گانهٔ مراسم دوست(سوما)، دوستی «اندرا» را به دست می آورد ؛

سوما ، مارا روری می‌بخشد

۳ـ ای سوما، ده انگشت تورا مدح میگوید، همان گونه که دختر عاشقش را ؛

تو پاك شده‌ای تا(به‌ما ثروت) بخشی.

٤ ـ ای اندو که با طعم شیرین ار حانب «اندرا» ، و«ویشنو» روانی ، عبادت کنندگانی را که تو را ستایش میـکنند ، از گناه حفظ فرما .

(ماندالای نهم ـ سرود ٥٦)

۱۵۸

۶ ـ آن که افکار همهٔ مردم متوجه پرستش اوست، خداوند اعمال نیک (خداوند قانون مقدس)، منزه، و صاحب ثروت فراوان

(ماندالای نهم ـ سرود ۳۵)

ستایش: کشن‌ها Kesinah (۱)

۱ ـ (خورشید) رخشان اگنی را (نگاه میدارد)؛ آن ذات درخشان آب را نگاه میدارد؛ آن ذات تابناك (درخشان) آسمان، و زمین را نگاه میدارد؛ آن ذات درخشان دید در تمام (جهان) منتشر (منبسط) است.

این نور ذات درخشان نامیده میشود.

۲ـ مونی‌های (۲) پسران «واترشنه» (لباسهای پوست درخت) زرد

---

(۱) کشن Kesin: بلند مو، دارای موی بلند وزیبا یا پریشان، دارای سر و نوك (اشعهٔ خورشید یا شعله یا زبانهٔ آتش)، یال (اسب ایندرا و اگنی).

هر یك از قطعات هفتگانهٔ این سرود منسوب به یکی از هفت مونی Muni (دانا، حکیم مقدس، مرتاض) پسران: «واترشنه Vâtarasna» است بنامهای مذکور در ذیل Jūti (متحرك یاراننده)، وات جوتی Vatajuti، ورشنکه Vrishnaka، کریکته Karikata، اتشه Etasha، ورشیشرینگه Rishyasharinga نام هفت ستاره دب اکبر که آنها را مونی‌های آسمانی میخوانند

(۲) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است:

مونی‌ها (مرتاضان) که با باد کمر بسته‌اند جامهٔ گل‌آلود زرد رنگ می‌پوشند، آنها که جریان سریع باد را می‌پیمایند بجائی میروند که خدایان رفته‌اند

۶۹

ستایش: سوما

۱ ـ جوی‌های جداگانهٔ تو، مانند رگبارهای آسمان بسوی رزق بی کران (برای‌ما) ببش میرود.

۲ـ سومای سبزفام، با اندیشیدن به همهٔ اعمال مقدسی که منظورخدایان است، به‌سوی (قربانی) می‌تازد، وسلاح خودرا (صد راکشس‌ها) بحرکت درمی‌آورد.

۳ـ او که مورد مراقبت مقدس است، وروحانیان اورا پاك ساخته‌اند، و چون پادشاهی بیباك است، مانند شاهباری بر روی آن‌ها (گیاهان سوما) نشسته است.

٤ـ ای‌اندو[1]، هنگامی که تو پاك(تصفیه) شوی‌همهٔ‌خزاینی که در آسمان، و زمین است برای ما بیاور

(ماندالای نهم ـ سرود ۵۷)

(۱) اندو Soma = Indu

۱۶۳

نابدیری آنرا آسیا میکرد (۱) .

(ماندالای دهم - ۱۳۶)

(۱) قطعات ۶ و ۷ این‌سرود‌چنین نیز ترجمه شده است .

درحالی که‌حادهٔ حیوانات‌جنگل ، گندهروه‌ها،وآپسارها را می‌پیماید ،
او با گیسوان بلند خودآررو را می‌داند ، و دوست شیرین دل انگیری است

(۲) وایو برای او (آب‌ها را) متلاطم ساخته است ، اوسخت‌ترین اشیاء
را فرو کوفته تا خم شدند ،

وقتی که او با گیسوان بلند پریشان با رودرا آب را از جام نوشیده
است .

این سرود ظاهراً نخستین اشاره است به طریقهٔ عملی ریاضت (یوگی)

چرکین پوشیده‌اند ، و راه بادها را دنبال میکنند ، آن‌هنگام که آن‌ها (نیروی) خدایان را به‌دست آورده‌اند .

۳ ـ ما که از تقدس «مونی»ها به وجد آمده‌ایم ، بر بادها سوار شده‌ایم ، ای مردم فناپذیر (ای میرندگان) ، صور ما را (در آن‌ها) بنگرید .

٤ـ مونی (مرتاض) در میان فلك بپرواز می‌آید ، وهمهٔ اشیاء را نورانی میکند ؛

دوست‌هر یك ازخدایان بر کارهای نیکو گماشته‌شده‌است(۱).

٥ ـ مرکب باد ، دوست : «وایو» ، مونی که از طرف‌خدایان بر انگیخته شده است به‌هر دو دریای خاوری و باختری گـذر میکند . (۲)

٦ـ(خورشید)رخشان که‌درمعبر:«آپسارا»ها، و«گندهروه»ها، وجانوران‌وحشی میگذرد ، وهمه چیزهای قابل‌دانستن رامیداند، نیکوترین دوست شیرین(من‌است) .

۷ ـ وقتی که (خورشید)رخشان‌با «رودرا» با جام خوبش آب می‌نوشید ، «وایو» آن را برای او برهم میزد ، و(رعد) کثری‌ـ

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است .

مونی در کار مقدس هـر یك از خدایان شرکت دارد ، و در حالی کـه بر اشکال گوناگون مینگرد ،در اطراف وجوانب هوا (جو) در طیران است .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است .

مونی اسب واب (باد) راکه دوست «وایو»است درکنارخدایان میتازد ، او در هردو اقیانوس ـ دریای مشرق ودریای جنوب ـ منزل دارد .

می‌افکند ، و آب‌ها بوسیلهٔ قربانی روان میگردد .

اندرا که آنها را بحرکت در می‌آورد ، این (پیش‌آمد را) میدانست ، و از کنارهٔ خورشید می‌نگریست .

۵ـ باشد که رئیس گندهروه (ویشواوسو) پیمایندهٔ آب(ها) آنچه راست است ، و آنچه ما نمیدانیم ، به ما اعلام‌دارد ، و ستایش‌های ما را بپذیرد .

(ای‌ویشواوسو) قربانیهای ما را حمایت فرما .

٦ـ (اندرا) ابرهارا درناحیهٔ‌رودخانه‌ها کشف کرد ، ودروازهٔ (آبها را) که در ابرها جا دارد ، باز نمود .

اندرا به‌صورت گندهروه (ویشواوسو) آب‌های حیات‌را اعلام داشت (۱) .

او بر قدرت اژدهاها واقف است .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۳۹)

۷۱

ستایش : سویتری

۱ـ سویتری خورشیدوش ، و زرد موی ، روشنائی جاوید را از خاور پیش فرستاد .

و به امر او « دوشان » دانشمند ، و نگاهدارنده از پی آن روان است ، و بر همهٔ آفریدگان نظارت میکند .

۲ ـ در میان آسمان می‌نشیند ، و نوع بشر را مـی‌نگرد ، وزمین ، وفلك را از (نور) پُرمی‌سازد ؛

او (همه جهات فضای) بی کران را ، و (نقاط میانهٔ) پهناور درخشان را ، و علائم ادنی و میانه واقصی را روشن میکند .

۳ ـ آن اصل ثروت ، و به جنگ آورندهٔ گنج‌ها ، با اعمال خود همهٔ اشکال (مرئی) را روشن می‌سازد .

سو یتری مانند خدائی که صفت او راستی است همچون‌اندرا در جنگ در راه (جمع) ثروت پایداری میکند .

٤ـخدای‌خورشید («گندهروه‌ویشواوسو») (۱) برسوما نظر

---

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از«ویشواوسو Visvavasu» ، (گندهروهٔ آسمانی) خدای خورشید است .

۷۳

خطاب به : آسمان و زمین

۱ ـ درخشش‌های آسمان وزمین توانا و دانا و نیرو بخشندگان قانون را با قربانی‌ها می‌ستائیم .

آنها که بوجود آورندهٔ خدایانند ، به اتفاق خدایان با دانشی شگفت آفرین ، گزیده‌ترین نعمت‌ها را می‌بخشند .

۲ ـ با خواندن دعاها من دربارهٔ فکر آن پدر باموهبت و نیروی بزرگ ملازم آن مادر، تعمق مینمایم .

آن والدین بارور جهان زندگی را بوجود آورند ، و برای فرزندان خویش جاودانی پهناور را درهمه‌سو.

۳ ـ این فرزندان شما با مهارت در کار و نیروئی شگفت‌آور نخست آن دو مادر بزرگ را حیات بخشیدند.

برای نگاهداشت حقیقت همه چیزها که پابرجاست و همهٔ آنها که درحرکت‌اند شما مقام پسر خویش را که عاری ازمکر است،

۷۴
ستایش: و یشودوا Visvedeva

۱ ـ باشد که قربانی ما بـه خدایان خرسندی بخشد ، ای «آدیتیا»ها ، بر سر لطف آئید و حسن نیّت شما به سوی ما متوجه باشد ؛ همان گونه که چشمهٔ فراوانی از رنج برای بیچارگان .

۲ ـ باشد خدایانی که مورد ستایش سرودهای «انگرس» ها هستند ، برای حفاظت ما به اینجا آیند ؛

باشد که « اندرا » با گنجهای خود ؛ و«ماروت»ها، با بادهای حیاتی (۱) ؛ و «ادیتی» با«آدیتیا»ها بیایند و به ما برکت بخشند .

۳ ـ باشد که اندرا، وورونا ،واگنی، و اریمن، وسوبتری، به ما روزی (رزق) بخشند ،

و باشد که میترا ، و وورونا ، و ادیتی ، و دریا ، و زمین ، و آسمان ، آن را (برای‌ما) حفظ فرمایند .

(ماندالای اول ـ سرود ۱۰۷)

---

(۱) همهٔ بادها با هم ، یا «ماروت‌ها» با بادهایشان و طوفان».

ستایش خورشید (سوریه Sûrya)

۱ ـ اشعهٔ او از اوج خدائی را می‌آورند که همهٔ موجودات تولد یافته را میشناسد،

تا همه بتوانند آفتاب را بنگرند .

۲ ـ هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیك میشود ، ستارگان چون دزدان می گریزند ،

وشب سیاه به‌دنبال آن‌ها میرود؛

۳ ـ اشعّه وتابش‌او (خورشید) ازدور میدرخشید و بربسیاری ار خانه‌های مردم تافت ، ومثل‌آتش‌سوزان دراوج شعله‌وراست

٤ ـ تندرو ، و هویدا برهمه ، توئی بوجود آورندهٔ روشنی .

ای خورشید که فضای درخشان را روشن می‌سازی

۵ ـ تو به سوی جمع خدایان بر میخیزی ، و به طرف نژاد بشر :

حفظ میکنید (۱) .

۴ـ آنها باکمال مهارت و دانائی تمام آن دورا که در تولد ومسکن با یکدیگر متفق هستند ، بمموده‌اند.

آن دانشمندان درخشان در آسمان ، آری درعمق دریا تاری تنیده‌اند که همیشه نو وتازه است (۲) .

۵ ـ امروز این نیکوترین هدیهٔ سویتری است؛ این فکرما است و اینك خدا ما را ترقی می‌دهد

آسمان و زمین با عاطفتی مهرآگین ما را ثروت ودولتهائی مختلف و گنجی هزارگانه می‌بخشند.

(ماندالای اول ـ سرود ۱۵۲)

---

(۱) منظور از عبارت «دومادر بزرگ» زمین وآسمان است ومقصود از عبارت « پسرعاری ازمکر» آفتاب میباشد که نشانهٔ راستی شناخته‌شده است.

(۲) ظاهراً مقصود از عبارت : «آن‌دو» زمین وآسمان‌ومنظور ازعبارت: «درعمق دریا» Samudra Antah حوّ هوا یا اقیانوس آسمانی‌است

به درخت هری‌تاله (۱) منتقل گردد .

۱۳ ـ این «آدیتیا» که با تمام نیرو برخاسته ، رقیب مرا هلاك می‌سازد ؛ چون من تاب مقاومت با دشمنم را ندارم .

(ماندالای اول ـ سرود ۵۰)

---

(۱) هری‌تاله Haritāla نوعی کبوتر زردفام سبزرنگ، تیغهٔ شمشیر روز چهارم (یا سوم) ماه درشهر بهادره Bhādra، (رگه یا خط در آسمان ـ جو ـ زردی زرنیخ، و نیروی تخمی یا نطفه ای)

درختی بنام هری تاله وجود ندارد و معمولاً زردی زرنیخ ، و هریدروه Haridrava نوعی زردی گرد مانی است

وبه جانب همه تا بتوانند نور آسمانی تورا مشاهده کنند .

۶ـ با آن نوری (چشمی) که تو ای پاك کننده، وحفظ کنندهٔ ازبدی‌ها بدین جهان آفرینش مینگری

۷ـ ای خورشید، چون برفضای آسمان برمیگذری ، روزها وشب‌ها را مشاهده میکنی ،

۸ ـ تمام مادیان‌های سرخ فام که ارابهٔ تورا میکشند،

تورا به‌سوی ما می‌آورند ، ای‌خدای دوربین ، ای «سوریهٔ» (سورج) رخشان مو.

۹ ـ خورشید هفت‌مادیان‌نورانی‌را که دختران رخشان ارابهٔ او هستند ، یراق کرده ، و با اسبانی که خود یراق نموده است ، می‌تازد .

۱۰ ـ از میان تاریکی ما به او که بالاترین روشنی است می‌نگریم .

و به سوی خورشید که در میان خدایان بالاترین نور است، پرواز میکنیم.

۱۱ ـ رخشنده از نور رحمت امروز که سر برمیزنی و به‌اوج آسمان‌صعود مینمائی ، ای خورشید ، بیماری را ازدل‌من ،وزردی را (ازرخ‌من) بزدای .

۱۲ ـ زردی روی من به طوطیان یا به ستارگان کوچك یا

۳ ـ به خاطر من است که « تو شتر » صاعقهٔ آهنین را ساخت .

خدایان درمن نیرو دمیده‌اند ،

نگاه من، مانند : « آفتاب» غیر قابل تحمل است.

مرا بخاطر آنچه کرده‌ام ، و آنچه خواهم کرد « آریائی » نامند (۱).

٤ ـ این منم که برای پرستندگانم گله‌های بزرگ گاو ، و اسب گرد می‌آورم (درست میکنم)، وچون از عصارهٔ سوما ، و نوای سرودها سرمست شدم، باپیکانم برای آنان طعمه به‌دست می‌آورم ،

واموال بسیار زیاد برای ایشان جمع میکنم .

٥ ـ هرگز شکست ، و مرگ به من (اندرا) دست نیافته است .

هنگامی که (شما عصارهٔ) سوما را می نوشید ، از من ثروت بخواهید.

ای «پوروان»(۲) ،شمادردوستی بامن ، هرگز زیان نخواهید کرد .

٦ ـ این هفت (نر و ماده) هائی که نفس زنان میخروشیدند،

---

(۱) اندرا خدای ویژهٔ مردم آریائی و حامی این طایفه (نژاد) است .

(۲) ویلسون،واژهٔ «پوروان» یا پوروها Purus را که‌نام افراد یکی ازقبایل آریائی است به «مردان» یا «آدمیان» تعبیر نموده است

ستایش: اندرا(۱)

۱ ـ این منم که نخستین خداوند ثروتم، من همهٔ گنج‌ها را پی در پی گشوده (و تصرف در آورده) ام.
این منم که آفریدگان مرا پدر خود میدانند،
منم که در میان پرستندگان خود تخم (وسیلهٔ) شادی (و تمتّع) پرا کنده‌ام.

۲ ـ من اندرای مدافع و روحانی و نگهبان آتشم،
برای «تریته» یار خود پنجه‌های اژدها را آفریدم.
این منم که نیروی مردی دیوان را از ایشان ربودم، و گله‌های گاو «ماتریشون»(۲) و «ددهیاچ» را به ایشان باز گردانیدم.

(۱) سرایندهٔ این سرود ریشی بنام «اندرا ویکنتهه Indra Vaikuntha» است. اما سرود خطاب به خدای اندرا میباشد.

(۲) ماتریشون Mātarisvan. نام دیگر اگنی، باد (وایو Vayu) یا آورندهٔ اگنی از آسمان است

در اینجا بنا بر تفسیر «سایه»، منظور ماتریشون پسر «ددهیاچ Dadhyach» است و «ددهیاچ» پسر «اتهرون Atharvan» (آذربان) میباشد.

۹ ـ «سپیه‌بامی»(۱) در خوردن و آشامیدن با من شریك بود، و با من برای غارت گاوها پیمان بسته بود، وچون در گیرودار جنگ پاداش باو دادم، وسلاحی برنده به‌وی عطا فرمودم، اورا سزاوار مدح وسرود نیز دانستم.

۱۰ ـ نیمهٔ اول (ماه) درون (ظرف) سوما نمایان است، در نیمهٔ دیگرشان استخوان‌هایش را نشان‌میدهد،

کسی که میخواست گاو نر تیز شاخ مرا شکست بدهد، در اعماق بدبختی واندوه باقیمانده است.

۱۱ ـ من تأسیسات خدایان آدیتیا ها، ووسوها، وررودراها را ویران نمیکنم،

من (خداوند) تأسیسات خدایان دیگر را ازمیان برنمیدارم،

آنها برای من یك قدرت فرخنده تشکیل دادند،

من شکست ناپذیرم، هیچکس بر من چیره نمیگردد، وهرگز رام وتسلیم نمیشوم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۴۸)

و اندرا ، و صاعقه‌اش را به رد وخورد بر می‌انگیختند ، وآنها را بمبارزه می طلبیدند ، من با زبان خشن (زننده) با یک ضربه شکست دادم.

من دربرابر آن هائی که تسلیم می‌شدند، هرگز تسلیم نشدم ، و نرمش نشان ندادم .

۷ ـ من تنها فرمانروای این(عالم) هستم ،

دویا سه‌رقیب چه‌آسیبی میتوانند به‌من برسانند؟

من عدهٔ بیشماری از آنان‌را مانندحوشه های گندم که باداس درو میکنم، میکوبم ؛

دشمنانی که‌ازحمایت‌اندرامحروم‌شده‌اند، چرادشنام‌میدهند؟

۸ ـ من « اتیت هیگوه » (۱)را به« گنگو»ها(۲) (قومی) که تحت حمایت من (اندرا) بودند ، تحویل دادم،

من‌فاتحان‌وعلبه‌یافتگان‌بر«وریترا» را هنگامی که با کشتن «پرنیه» (۳)، و« کرنجه» (٤) افتحار به‌دست‌آوردم‌مانند یک‌قربانی به‌طوایف‌دادم.

---

(۱) اتیتگوه Atithigva نام دیو داس Divodâsa پسر.«اتیتگو Atithigu»

(۲) گنگوها Gungus نام قبیله یا قومی‌غیر آریائی که مشخصات آنها به‌خوبی روشن نیست .

(۳) پرنیه Parnaya : نام دیوی

(٤) کرنجه Karanja : نـام دیو درختی یا اسورائی که اندرا او را کشت .

۴ ـ جولا کارگاه بافندگی خودرا ـ درحالی که کارش ناتمام (نیمه‌تمام) بود ـ جمع کرد،
پیشه‌وران دست از کار کشیدند،
سوبتری بپاخاست، وخودرا بگسترد،
او بطورکامل‌زمان را ازهم جداساخت،
سویتری الهی‌فرارسیده،وکاملاحاضر است.(۱)

---

(۱) گریفیث این قطعه‌را چنین ترجمه کرده است:
آنچه گسترده شده او دوباره‌می‌بافد، آن بافنده‌ماهر کار خود را نیمه تمام میگذارد، او از استراحت برخاسته است وفصل ها را از یکدیگر جدا می‌سازد سویتری‌خدای مقدس‌فکر آشکار شده است

«ویلسون» بمتابعت از«ساینه» عبارت‌را تغییر داده وآنراچنین تحریف کرده است او(شب) دنیارا در خود مستور ساخته است همان‌گونه که زنی (جامه) بپوشد (برتن ببافد)

مرد عاقل‌کاری‌را که میتواند(انجام دهد) ناتمام‌میگذارد وچون‌خورشید مقدس خستگی ناپذیر که فصول را از یکدیگر جدا میسازد دوباره آشکار میگردد، همه ازخواب‌برمیخیزند».

«روت» Roth کلمهٔ «ارمتی Arámatih» (مذکور در متن اصلی سانسکریت) راکه «گریفیث» بصورت صفت و بمعنی: «مقدس فکر» ترجمه نموده است، بصورت اسم گرفته و آنرا بمعنی روح عبادت و پرستش دانسته واین قطعه را چنین ترجمه نموده است:

«آن‌بافنده (ارمتی Aramati») دوباره‌آنچه رشته (تارهای عبادت و قربانی) به‌سوی خود کشیده است مرد با ایمان در میان کار خود (بواسطهٔ فرا رسیدن شب) وامانده است، آن گاه ارمتی Aramati دوباره برمیخیزد (طلوع‌میکند) و فصول را مرتب میسازد. سویتری الهی حاضر است (یعنی. صبح‌می گردد)

۷۹

ستایش: سویتری

۱ ـ این سویتری آلهی است که برپا خاسته، و ارابهٔ خود را، برای آنکه بی‌دربی انگیزهٔ تازه‌ای برانگیزد میراند؛ زیرا انگیزه طلبی کار اوست،

اوست که به‌خدایان گنج می‌بخشد، واوست که خوشبختی به خورندهٔ نذور عطا می‌فرماید.

۲ ـ سویتری آلهی باسطالید برخاسته، و دست‌های خود را برای‌شادی همه می‌گشاید.

آب‌هااز او تبعیت میکنند، و بادها نیز در مسیرش‌ازجنبش بازمی‌ایستند.

۳ ـ آدمی که‌براسب‌تندرو(سمند) سوار بود،اینك‌ازحرکت بازمی‌ایستد، وازمرکب پیاده‌می‌شود.

او(سویتری) مسافر رهگذررا از رفتن بازمیدارد،

او نیش مارهای موذی‌را می‌بندد،

زیرسلطه وفرمان سویتری رستگاری به‌دست می‌آید.

کوشش‌را بر کار برتری میدهد؛
او مدام در جنبش‌وارتعاش است،
تمام پرندگان ،(همهٔ) جانوران به‌لانه‌هـای خود میروند ،
سویتری به‌تمام موجودات جاندار ، جایگاه مناسبی اختصاص داده است(۱) .

۹ ـ او (سویتری)راـ که اندرا ،و همچنین ورونا ، و میترا ، واریمن، و رودرا ، وحتی دیوان و نفوس‌خبیثه تابع امرش هستندـ مورد نیایش قرارمیدهیم، وباکمال خضوع برای‌سلامت‌ورستگاری خود اروی یاری می طلبیم(۲).

۱۰ـاوست که خوشبختی‌ماراتأمین میکند،وخرد وهوش‌ما را بیدارمی‌سازد ، و به‌ما در اجرای مراسم‌مذهبی‌توفیق‌عطامی‌فرماید.
باشد که الههٔ «برا شنسه»(آن‌محبوب الهی)به ما کمك کند، وما موردعنایت ، ومحبت‌سویتری قرار بگیریم، تا نیکی،و خیر ، و

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه‌شده‌است .
ورودهای همیشه رو ، جای‌خنك ودل‌انگیزوسهل‌الوصول بهمهٔ جنبندگان می‌بخشد وقتی که چشم های سویتری بسته میشود هرپرنده و چهارپائی بلانهٔ خود پناه میبرد ؛ وهمهٔ مـوجودات را در جهان مختلف‌پراکنده میسازد
این قطعه بابن‌تقریب ترجمه‌شده است .
من با سلام آمیخته باحترام برای خیر خود سویتری الهی را بدین مکان میخوانم . اندرا ، وواورونا ، و میترا ، و اریمن ، و رودرا ودشمنان(خدایان) ازکارهای او نمیتوانند جلوگیری کنند .

۵ ـ ساکنان خُرد، و کلان به منزل های جداگانه باز می گردند،

آتش بوجود آمد، و گرمی آن نمایان شد،

هنگامی که سویتری خوردن بیاموخت، مادر بهرهٔ پسرش را بهتر داد[۱].

۶ ـ جنگ آوری که برای پیروزی در عرصهٔ کارزار بیرون رانده بود، به خانهٔ خود بازمی گردد؛ زیرا همهٔ موجودات جنبنده میل به خانه دارند.

هنگامی که وظیفهٔ سویتری الٰهی (متوقّف می شود)، کارگر (بافنده) کار نیمه تمام خویش را رها می کند و بخانه برمیگردد.

۷ ـ توای خدائی (سویتری) که قلمرو زندگانی موجودات دریائی را در آب قراردادی؛

حیوانات وحشی به امر تو بهچراگاه روآوردند،

وجنگلها بفرمان تو مسکن پرندگان شد.

هیچکس نمی تواند از این کارهای سویتری الٰهی جلوگیری کند.

۸ ـ ورونا بمثابهٔ خدای آب با هوشیاری و مراقبت دایم بنطفهٔ آبگون تا جائی که خواست، عزیمت کرد، و هنگام خواب نیز از کار بازنمی ایستد؛

---

(۱) ظاهراً منظور از «مادر»، «اوسش Usas» یا «سپیده» دم است.

۷۷

خطاب به: پروش Purusha

۱ – «پروش» هزارسر ، وهزار چشم ، و هزار پابود .
اوتمام زمین را از همه جوانب فرا می گرفت، و در آن سوی پهنای ده انگشت قرار داشت.(۱)

۲ – پروش درحقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، وآنچه بود ، وآنچه خواهد بود .
اوخداوند ابدیّت است ، وبه‌سبب حرارت (قربانی) بدانسو نموّ میکند.(۲)

۳ – چنین است بزرگی او ، پروش‌حتی از این هم بزرگتر است .

---

(۱) این قطعه بدین تقریب نیز ترجمه شده است
پروش که هزار سر دارد وهزار چشم و هزار پا،زمین را در همه جوانب میپوشاند و از آن به‌اندازهٔ ده انگشت فزونی دارد

(۲) پروش‌درحقیقت تمام‌این (جهان‌مرئی) است ، هرآنچه امروزهست وهرآنچه خواهد بود ، همچنین او خداوند ابدیت است او از (وضع شخصی خود) برای رزق (جهت موجودات زنده)بالاتر میرود .

برکت، وثروت به‌سوی‌ما روی‌آورد (۱).

۱۱ ـ ثروت دلخواهی که توای سویتری به ما بخشیده‌ای؛ باشد که ازآسمان، وآب، و زمین به‌دست‌آید، و شادمانی مردمی (نژادی) که تورا ستایش میکنند، شامل من که پیوسته مدح تو را میخوانم، گردد.

(ماندالای دوم ـ سرود ۳۸)

---

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است.

«او که مورد پرستش مردم است، وزنان (خدایان را) حفظ میفرماید، باشد که مارا وقتی که اورا نمایش میکنیم نگاهداری کند. او که بخشندهٔ نعمت است وموضوع تفکر است، ودارای مطلق است باشد که ما محبوب سویتری الهی باشیم تادرجمع ثروت وبه‌دست آوردن مواشی (کامیاب‌شویم)».

که «سادهیه» بودند ، و آنها که «ریشی» بودند قربانی کردند. (۱)

۸ ـ از آن قربانی که در آن ندرجهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ و کره به‌دست آمد، و از آن مخلوقات هوائی، وحیوانات اهلی، و وحشی را بیافرید.

۹ ـ از آن قربانی که در او ندرجهانی تقدیم شد ، «ریح»ها و آهنگ‌های «سامن» بوجود آمد، و بحور عروض پیدا شد، ودستور اعمال قربانی (جبجر بید) نیز پدید آمد.

۱۰ ـ اسبان از آن بوجود آمدند، وآنها که دارای دو رشته دندان اند ، و گله های گاو از آن هستی یافت ، و همچنین بُز ، و گوسفند.

۱۱ ـ وقتی « دروش » را ذبح کردند ، آنرا به چند قطعه تقسیم نمودند:

دهان او چیست ؟ بازوانش کدام ؟ ران ها ، و پاهایش را چه نامیدند ؟

۱۲ ـ دهان او براهمن بود ، و دو دستش «راجنیه»، وران‌هایش «ویشیه»، و«شودر» از پاهایش بوجود آمد(۲).

---

(۱) این قطعه این طور هم ترجمه شده است .
پروش که در آغاز تولد یافت چون قربانی را به‌روی علف های برافشانده می‌پاشیدند با او (پروش) خدایان (سادهیه‌ها) ودانشمندان (ریشی‌ها) قربانی کردند.

(۲) این قطعه ناظر به‌تقسیم اجتماع هند و به‌طبقات چهارگانهٔ براهمن ، کشتریه (راجنیه)، بیش (ویشیه) ، وشودراست .

همهٔموجوداتیكچهارماوست، وسهچهارمدیگراو جاویدا استدرآسمان .

٤ـسهچهارمپروش بهبالاصعود کرد،ویك چهارمدیگر کهدر جهان باقیماند مکرّر درمکرر گسترشیافت وبه اشکال گوناگو درآمد،وبهتمام آفرینش جاندار، وبیجان منتهیشد (۱) .

۵ ـ از او «ویراج» بهوجودآمد ، واز «ویراج» پروش. او بمحض تولّد آشکار شد ؛ بعد زمین راآفرید ،و سپسصو مادی را .(۲)

٦ ـ وقتی خدایان (اعمال) قربانی را با پروش برپاداشتند بهار روغن آن ، و تابستان هیزمش ، و پائیز خودنذربود .(۳)

۷ ـ آنها (خدایان) پروش را کهپیش از(آفرینش)تولدیافته بود، بصورتقربانیدر رویعلفزارمقدس ذبح کردند ،وبا اوخدایانی

---

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است .

سه چهارم پروش بهبالا برخاست؛ یك چهارم(دیگرآن)دراینجا(زمین) ماند ، سپس درهمه جوانب منبسط شد بطوری که بهآنچهخورنده استوآنچه خورنده نیست منتهی شد .

(۲) این قطعه نیز چنین ترجمه شده است .

از او ویراج پیدا شد ، و از ویراج پروش ، و او وقتی بوجود آمد که از پشت تا پیش زمین گسترش یافت .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

وقتی که خدایان بصورت تقدیمی با پروش قربانی میکردند بهار روغن آن ، و تابستانهیزمش ، وپائیزمایع آن بود .

۷۸

در ستایش: اندرا، و ورونا

۱ ـ ای پادشاهان (اندرا، و ورونا) شما را به‌این قربانی، و نذر با ستایش دعوت میکنیم.

این (ملعقهٔ) روغن ریز که در دست ماست، بیدرنگ (نذررا) به شما که دارای اشکال متعدّد هستید، تقدیم میدارد.

۲ ـ کشور پهناور شما، (جهان را با باران) اقناع میکنند، شما که (گناهکاران را) با بندهائی غیر از طناب (رشته) مُقیّد میسازید (۱)؛

باشد که غضب ورونا از ما بگذرد (نسبت به‌ما فرونشیند)، و باشد که اندرا برای مافضای وسیعی مُهیّا نماید.

۳ـ قربانی را که درمنزلگاه‌ما تقدیم میشود، باثمر گردانید و دعاهائی‌را که پرستندگان میخوانند کامیاب سازید(برآورید)؛

باشد که ثروت‌هائی را که خدایان می‌فرستند به‌ما برسد، و

---

(۱) ظاهراً منظور رشته‌های معنوی و اخلاقی است، و نه مادی.

۱۳ ـ از فکر (مغز)او ماه پیدا شد ، و از چشمش خورشید، از دهان او «اندرا» ، و اگنی بوجود آمدند ،و از نفس او باد وزیدن گرفت . (۱)

۱٤ ـ از ناف او فلك ، و از سراو عرش، واز پای او زمین،و از گوش او جوانب و اطراف (عالم) پیـدا شد، و بدینسان جهان (هستی)تکوین یافت.

۱۵ ـ این قربانی را هفت دیوار بود ، و سه بار هفت کُنده برای هیزم آن تهیه‌شده بود ،(۲)

وقتی که خدایان مراسم قربانی را انجام میدادند ،(دست وپای) پروش را بسته بودند.

۱٦ ـ با این قربانی خدایان او را که در همان حال قربانی شده بود،پرستش کردند.

آنها مراسم وتکالیف اولیّه بود ، آن بزرگان درعرش شریك (او) شدند،جائی که خدایان باستانی ـ یعنی:سادهیه‌ها ـ منزل دارند .

(ماندالای دهم ـ سرود ۹۰)

---

(۱) این قطعه چنین هم ترجمه درآمده است

از روح او ماه تولد یافت ، و از چشم او آفتاب ؛ از دهانش اندرا ، و اگنی پیدا شدند ، و از نفس او وایو(باد) پدید آمد

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه گردیده است

چوبهای او که آتش را احاطه کردند هفت عدد بود ، و هیزم های او سه بار هفت وقتی خدایان قربان را بگستردند، دست‌وپای پروش‌راچون هدیهٔ قربانی بستند

ستایش: اگنی (۱)

۱ ـ اگنی (آتش) را می‌ستایم که سرپرست والای قربانی است،
الهی و انجام دهندهٔ مراسم است،
نذور را به‌خدایان تقدیم میدارد، و دارندهٔ ثروت وافر است،
۲ ـ اگنی که در خور تعظیم «ریشی»های قدیم و جدیداست؛

---

(۱) ـ این سرود، اولین سرود ماندالای اول ریگ ودا (رگ‌بید) است ودرتقسیم‌سرودهای ریگ‌ودا به‌ده «ماندالا»، این کتاب باین سرودو باین عبارت آغاز میشود:

۱ ـ اگنیم الهپوروهیتم یجنسیه‌دیوم، ریتویجم‌هوتارم‌رتنه‌دهاتمم agnim ile purohitam yajnasya devam hotâram ratnadhātamam.»

(۲) ـ اگنیه پورو بهیر رشیبهیر ایدیو نوتنیر اوتا، سه دوان‌اهه وکشتی agnih pūrvebhir rsibhir idyo nūtanair uta, sa devân eha vaksati.»

بیشتر از یک‌چهارم سرود های ریگ ودا در ستایش اگنی (خدای: آتش) است. اگنی واسطهٔ بین زمین و آسمان است او «ریتویج Ritvij» (قربان کننده در فصول یا زمان معین) وروحانی و سرپرست والای قربانیها وهوتر ـ Hotar است و خدایان را برای شرکت در مراسم قربانی دعوت میکند و واسطهٔ بین خدایان و مردم است و نذور را به‌خدایان میرساند.

شما ـ دوتا (ورونا ،و اندرا) ـ با حمایت دلپذیر خود ما را فـزونی بخشید .

٤ ـ ای اندرا ، و ورونا ، ثروت‌هائی که دلخواه همه است با مسکن و رزق فراوان به ما ببخشید .

«آدیتیا» ی (۱) قهرمان موجودات خالی از حقیقت را جزا میدهد ، و (به مؤمنان) گنج‌های بیشمار می‌بخشد .

٥ ـ باشد که این ستایش‌من که با صمیمیّت تقدیم گشته‌است، به اندرا ، و ورونا برسد، و پسران، و نوادگان را نگاهداری کند.

ما که نعمت فراوان داریم ، غذا به خدایان تقدیم نمائیم ، و شما (ای خدایان) همواره ما را برکت عطا فرمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۸٤)

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از «آدیتیا» همان «ورونا» است .

۱۸۹

۹ـ ای اگنی، به آسانی به ما نزدیک باش، همان گونه که پدر به پسر نزدیک است.

همیشه پیش ما حاضر باش تا به‌ما نیکی رسد.

(ماندالای اول ـ سرود ۱)

باشد که خدایان را به اینجا بیاورد .

۳ ـ بوسیلهٔ اگنی ، پرستنده نعمتی می‌یابد که روز به روز در افزایش است ، و سرچشمهٔ شهرت ، و زیاد کنندهٔ نوع بشر است .

٤ ـ ای اگنی ، این قربانی بی‌مانع که از هر سو تو نگهبان آنی ؛ بی‌شك به خدایان خواهد رسید .

٥ ـ باشد که اگنی تقدیم کنندهٔ نذور ، و به دست آورندهٔ دانش که حق است ، ومشهوراست، و الٓهی است تا خدایان به اینجا بیایند .

٦ـ ای اگنی، هر نیکی که بتوانی به تقدیم کنندهٔ (این نذور) برسان که در حقیقت «انگرس» ها(۱) آنرا به تو برمیگردانند.

۷ ـ ای اگنی ، ما با تواضع آمیخته به احترام ،درفکرخود هرصبح ، و شام به تو تقرّب می‌جوئیم .

۸ ـ تو ای رخشنده ، ای حافظ قربانی‌ها ، ای آشکار کنندهٔ پا برجای حقیقت ، و ای آن که در منزلگاه خود در افزایشی(۲).

---

(۱) انگرس Angiras در اینجا بعقیدهٔ بعضی از مفسران رگ‌بید نام اگنی است ،

(۲) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است .

فرمانروای قربانی‌ها ، پاسدار قانون ابدی (ازلی) ، ذات رخشنده، وای آن که در مقام خود در افزایشی

شود،و ثروت‌شرافتمندانه (به‌دست آورند).

٤ ـ آن که مطالعه میکند تاشادیبخشی‌سریع اندرا راپیشرفت دهد ، ثروتی نیك یافته به‌دست خواهد آورد .

مفتخر به‌لطف تو ای « مگهون » با برپا ساختن قربانی با سرعت از طریق روحانیون قربانـی کـننده رزق و نعمت به‌دست می‌آورد .

٥ ـ ای مگهون ، به بزرگی ستوده قدرت خویش را منتشر فرما ،و (مارا) ثروت ببخش .

ای اندرای‌زیبا که‌مانند:«میترا» ، و «ورونا» دانائی‌وبخشندهٔ (نعمتی) ، ما را روزی ده .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱٤۷)

۸۰

ستایش : اندرا

۱ ـ ای اندرا ، من به‌خشم اول تو ایمان دارم که بوسیلهٔ آن «وریترا»را کُشتی، وعمل دوستانه نسبت به انسان برعهده گرفتی ؛

هنگامی که زمین ، و آسمان ـ هر دو ـ سر تعظیم دربرابر تو فرود آوردند، وفلك از نیروی تو لرزان بود ، ای که سلاح تو صاعقه است .

۲ ـ ای اندرا ، برتر از ملامت که‌با فکری متمایل به‌افتخار باانديشهٔ‌خویش«وریترا»ی‌حیله گررا کُشتی،

عبادت کننده وقتی که در جستجوی گلهٔ (گم شدهٔ) خویش است ، تو را انتخاب میکند ، و در تمام قربانی های توأم با ادعیه (تورا میخواند) .

۳ ـ ای اندرا که زیاد تورا میخوانند ،براین « سوری »ها (۱) مرحمت فرما که به راهنمائی آن ها فرد توانا را موقع قربانی درستش‌میکنند تابسر،و نوه (پیدا کنند)،وآرزوهای آنها برآورده

Sûri . آموزگار یا معلم آئین قربانی، دانا

٤ ـ سنگ‌های مقدس ، اشوین‌ها ، پرستندگان پرهیزکار «نستیه»ها برای (شرکت در) اعمال مقدس خویش فرودآمده‌اند ، (تاشمارا) بنوشیدن(شراب)سوما (تحریص) کنند ؛

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

٥ ـ همانند «اتری» با تقوی که شما را ای اشوین‌ها باسرود های خود میخوانند ، من (شمارا) ای نستیه ها بنوشیدن سوما (دعوت میکنم) ؛

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

٦ ـ همان گونه که مردم دانا ، شما را به حمایت خود میخوانند ، من شما را ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما دعوت میکنم .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

(ماندالای ششم ـ سرود ٤٢)

۸۱

در ستایش: ورونا، و اشوین‌ها

۱ ـ مالك همهٔ ثروت‌ها ، ورونای نیرومند، آسمان را بر پا داشته است .

اوچون پادشاهی عالیقدر برین جهان حکومت میکند .

این‌ها است اعمال ورونا .

۲ ـ پس ورونای قادر را تجلیل نمائید ؛

نگاهدارندهٔ آب حیات (امریت) را تکریم کنید .

باشد که او ما را منزلگاهی سه پناهه بخشد ؛

باشد که آسمان و زمین را حفظ نماید تا در مجاورت آنها منزل کنیم .

۳ ـ ای ورونای الهی ، به این اعمال مقدس من که در پرستش تو انجام میگیرد ، جان بخش .

باشد که ما برین کشتی سلامت سوار شویم تا از میان همهٔ مشکلات بگذریم .

آمدند از راه خود رفتند (۱).

۳ـ «متالی» با «کویه» ها کامیاب میشوند؛ «یم» با اخلاف «انگرس»؛ «بریهسپتی» با «ریکون» (۲) ها:

تجلیل کنندگان خدایان، خدایان آنها را تجلیل کرده اند؛

بعضی از ستایش، و بعضی از نذور شادی میکنند.

٤ ـ ای یم، برین علفزار مقدس بنشین، و بپدران ما و «انگرس» هارا باهم متحد ساز.

اورادی که دانشمندان میخوانند، بسوی تو آید،

---

(۱) آن جا که نیاگان قدیم ما به آنجا شدند، و کسانی که بعد پا بعرصهٔ وجود نهادند بهراههای جداگانه رفتند

«Yatra nah pûrva pitarah pareyur enā jajnānāh pathyā anu svāh »

(۲) متالی Matālī . موجودی الهی بعضی گفته اند که «متالی» همان «ایندرا» است که نام ارابه‌رانش «متالی» میباشد.

کویه Kavya. خیرات یا نذوری که هنگام مراسم تشییع جنازه یا دفن اموات برای آمرزش ارواح نیاگان یا مردگان میکنند

کویه‌ها kavyas نام طبقهٔ از ارواح نیاگان یا مردگان (Manes) که ارواح نژاد قدیمی مقدس بوده اند.

ریکون‌ها Rikvans (سرایندگان) نام طبقهٔ از ارواح یا موجودات الهی که «بریهسپتی» را ستایش میکردند

۸۳

ستایش: یم Yama (جم)

۱ - فرمانروای کشور ارواح مردگان، آن که از کنار سلسله کوه‌های نیرومند گذشته است، و مسیر بسیاری از مسافران را زیر نظر دارد؛

پسر «ویوسوت» و گردآورندهٔ مردم.

ای «یم» پادشاه، ما نذور را برای تو تقدیم میکنیم[۱].

۲ - راه ما را نخست «یم» برای ما پیدا کرد،

این چراگاه هرگز از ما گرفته نخواهد شد.

جائی که نیاکان سلف ما رفتند، و آن ها که بعد به دنیا

---

(۱) یم Yama خدای مردگان یا خداوند ارواح مردگان. پسر ویوست Wivasvat (ویوسوان Vivasvān) پادشاه بهشت است که اشخاص دیندار و خیر پس از مرگ به آنجا میروند. «یم» نخستین شخصی است که به بهشت راه یافت بنابر اساطیر هند و «یم» اولین شخصی است که مرد و راه جادهٔ مرگ را به دیگران نشان داد (نظیر قصهٔ «هاروت» پسر آدم ابوالبشر)

ودر آنجا تو – دو پادشاه: ورونای خداوند – و «یم» را خواهی دید که بر نذور شادی میکنند.

۸ – به پدران، و به یم ملحق شو با پاداش اعمال نیک خویش در عرش اعلی.

به خانه برگرد، درحالی که همهٔ نواقص را دور ساخته‌ایم، و با تن خویش با نیروی تمام ملحق شو (۱).

۹ – دور شو، از اینجا برو، پراکنده شو:
پدران این منزل را برای او آماده کرده‌اند.

یم اینجا را به او بخشیده است تا در آن زندگی کند، جائی در کنار آب‌ها که روزها، و شب‌ها در آن مُشخّص است. (۲)

۱۰ – در راه خود مستقیم به پیش بدو، و از آن دو سگ چهارچشم قهوه‌ای رنگ ابلق که فرزندان «سرما» هستند بگذر، و سپس به پدران نیکو کار که در محضر «یم» شادی می کنند، نزدیک شو.

۱۱ - ای پادشاه، این مرده را به‌دست آن دو بسپار، آن دو که سگ‌های محافظ تو میباشند.

---

(۱) این قطعه وبعضی ازقطعات دیگر این سرود در تشییع جنازهٔ مردگان برای آمرزش ارواح در گذشتگان خوانده می‌شده است.

(۲) بنا بر گفتهٔ «سایته» این قطعه خطاب است به · پی‌ساچ ها Pisāchas (دسته‌ای از دیوان) ودیگر ارواح پلید

ای پادشاه، ازاین نذر شادی کن[۱] :

۵ ـ ای یم، با انگرس‌های مقدس، وپسران «ویروپه» اینجا بیا، وشادی کن.

ما «ویوسوت» را که پدر تو است ـ وقتی که دراین مراسم در روی کاه ها نشسته است، میخوانیم[۲].

۶ـ انگرس‌ها پدران ما، «نوگوه»ها، «بهرگو»، و«اتهرون»های سوما دوست.

باشد که ما همواره در لطف و مرحمت این دانشمندان مقدس بپائیم[۳].

۷ ـ برو، برو، از آن راههای قدیمی که پدران ما رفتند؛

---

(۱) انگرس‌ها Angirasas . اولین قربانی کنندگان. ریشهٔ لغوی این کلمه (انگرس Angiras) مبهم است، وشاید از «اگنی» (آتش) که لفظاً با این کلمه شبیه است ماخوذ باشد ـ وظاهراً بهمین جهت کلمهٔ «انگرس» یکی از القاب اگنی است در ادب هندو انگرس واخلاف او تجسم اشبای نورانی ونمونهٔ نخستین قربانی کنندگان بشمار آمده‌اند

(۲) ویروپه Virūpa (رنگارنگ، مختلف الشکل، زشت) نام ریشی، نام یکی از انگرس‌ها بصیغهٔ جمع. نام خانوادهٔ وروپ Virūpa ، نام شاخه یا دستهٔ کوچکی از انگرس‌ها. در اینجا منظور از «پسران وروپه» دسته یا شاخه‌ای ازخانوادهٔ انگرس‌ها میباشد.

(۳) انگرس‌ها Angirasas ، و نوگوه‌ها Navagvas ، و بهرگوها Bhrigus سه خانوادهٔ روحانی قدیمی بوده‌اند.

۱۹۹

«گایتری» ، و«تریشتب» ، وتمام بحورمقدس (علم عروض) در «یم» متمرکز میگردد.

(ماندالای دهم - سرود ۱٤)

ای یم، آن دو چهارچشم که گدرندگان را مینگرند، ومعبر را حراست مینمایند، برین مرده سلامت، و نعمت عطا فرما.

۱۲ ـ فرستادگان یم قهوه‌ای رنگ، وپهن بینی حریص به جان درمیان مردم سرگردان؛

باشد که امروز زندگی فرخنده به ما باز دهند تا آفتاب را ببینیم .

۱۳ ـ برای یم شیرهٔ سوما را به فشار ، و ندر را به «یم» تقدیم کن :

قربانی نیکو ساخته بوسیلهٔ اگنی به سوی «یم» میرود .

۱٤ ـ ندر پُر روغن را به پیشگاه یم تقدیم کن ، و قدم پیش گذار که او ما را به‌سوی خدایان رهبری کند؛

باشد که ما زندگی درازی داشته باشیم .

۱۵ ـ به سوی یم پادشاه (فرشتگان) ایـن ندر شیرین چون عسل را تقدیم نما:

این است بـندگـی برای بزرگـان قدیم ، سازنـدگـان باستانی راه .

۱٦ ـ یم سه قربانی (تری کدروکه)(۱) را به‌دست می‌آورد .

شش زمین ، و یك (دنیای متحرك) بزرگ ؛

---

(۱) تری‌که روکه Tri-kadruka (سه ظرف سوما) در اینجا منظور نخستین روز از سه روز عید ابهی پلوه Abhi-plava میباشد .

من به انجام دادن کار هائی دست زده‌ام که تا کنون سابقهٔ وقوع نداشته است.

من با یکی جنگیدم، و با دیگری ساختم.

۳ ـ (پاسخ خواننده) اونظری به‌جانب مادر خود (اندرا) که مشغول‌طی‌طریق بودافکند، و گفت: من‌این‌راه‌را نخواهم پیمود.

اندرا در خانهٔ توشتر شراب سومائی نوشید که یکصد گاو ارزش‌داشت، از آن مشروبی که بوسیلهٔ هاون (تخته) فشرده شده وبدست آمده بود.

٤ ـ چرا اورا بصورت منحرف بوجودمی‌آورند؟ چرا اوهزار ماه،وهزارپائیز دررحم‌من باقی‌ماند؟

هیچ آفریده‌ای‌از آفریدگان که‌پیداشده‌اند،وهیچ‌موجودی‌از موجودات که(ازاین‌پس)بوجودخواهندآمد،به‌بزرگی‌اونخواهدبود.

٥ ـ او (اندرا) از وجود مادرش ننگ دارد، و چون مادر محرمانه اورا زائید، قهرمانی باارزش بود.

اوهنگام ولادت بپاخاست، وجامه پوشید، و این نوزاد عالم (اندرا)آسمان‌وزمین‌را ازوجود خود پر کرد.

٦ ـ (مادر اندرا) این آب‌های صاف جریان دارند، وصدائی از حرکت آن‌ها بسان آواز زنانی که‌با یکدیگر فریادمیکشند، برمی‌خیزد.

اندر ستایش: اندرا، و خدایان دیگر

۱ ـ (یکی از خوانندگان میگوید ۰) این است راه قدیمی که مورد آزمایش قرار گرفته است، و بدان طریق خدایان بوجود آمده اند.

از این راه خدایان که به حد رشد رسیدند باید قدم بعرصهٔ وجود نهند تا هنگام ولادت به مادر آن ها آسیبی نرسد.

۲ ـ (پاسخ ۰ اندرا) من از این راه خارج نمیشوم، این راه بدی است، من میخواهم بطور اریب از پهلوی مادرم خارج شوم (۱)

(۱) این مکالمه که میان اندرا و مادرش صورت میگیرد مانند بیشتر مکالمه های ریگ ودا بدوی و ناقص است درمیان گفتگوی آن دو، خواننده ای نیز وارد شده است ومطالبی را بیان میکند

شرح ولادت غیر عادی این خدا (یعنی ، اندرا) در این سرود باز نموده میشود و به اعمال خودسرانهٔ او که درمواقع مختلف صورت گرفته ـ وپدر کشی یکی از آنهاست ـ اشاره شده است. نسبت به این عمل انتسابی اندرا اعتراض بعمل آمده، اما مادر اندرا، و خود او این اتهام را رد مینمایند ـ با تعبیر و تفصیلی که از این سرود بعمل آمده اصالت آن در نظر برخی از ارباب تحقیق مورد تردید واقع شده است .

۱۰ ـ (پاسخ خواننده) گوسالهٔ ماده، گاو نر بزرگی را بوجود آورد که گاوان ماده را برمی‌انگیزد، این وراب زورمندی که کسی را یارای مصاف با او نیست، اندرای گردنکش است که مادرش بی آنکه گوسالهٔ خودرا بلیسد، آزاد گذاشت تاراه برود، ومسیر خود را انتخاب کند.

۱۱ ـ آن گاه مادرش بجانب این گاو نر خم شد، و گفت: فرزندم خدایان تورا یاری نکردند.

ای دوست من «ویشنو»، جلو بیا، ورودتر برو، آن کیست که مادرخودرا بیوه کرد؟! (۱)

۱۲ ـ کی خواست تو را بکشد، درحالی که توخواب بودی، یادرحال حرکت بودی؟

کیست آن خدائی که نسبت به تو رحمت آورد هنگامی که پدرتو پایت‌را گرفته بود، و به‌زمینت زد.

۱۳ ـ (پاسخ اندرا) درآن (روز) بدبختی من روده‌های سگ را پختم.

این قطعه چنین نیز ترجمه‌شده است.

(۱) مادر بفرزندش نیروی خویش رونمود و گفت «این خدایان تورا فراموش کرده اند، آن گاه اندرا که میخواست وریترا را بکشد چنین گفت ای دوست من ویشنو با گامهای بلند شجاعانه پیش تاز».

اشاره بداستان پدرکشی اندرا میباشد.

ای اندرا، ازاین آب‌های روان بپرس کدام کوه‌رامیخواهند ازمیان بردارند، و کدام‌سدرا بشکنند؟!

۷ ـ این آوا آیا برای‌ستایش‌وتقدیس تواست،و یا اینکه برای بدنامی(ننگ‌وعار) است ؟!

این پسرمن بود که با کشتن «وریترا» آب‌رودخانه‌ها بجریان افتاد ، و آزاد شد.

۸ ـ قصدمن این‌نبود که تو موردآزار قرار بگیری ، اگرزن جوانی تورا باین ورطهٔ خطرناك افکند، واگر کوشوا (۱) تورا در سینهٔ‌خود غرق نمود وفرو برد، این نتیجهٔ عمل‌من است؛ زیراآبها نسبت به نوزادان رأفت و شفقت مخصوصی‌دارند .

درنتیجهٔ عمل‌من‌اندرا با کمال نیرو برخاست .

۹ ـ اگر« وینسه »(۲)را مجروح کرد ، این کار مربوط به‌من نیست ، ای بخشنده ،من گناهی ندارم،هرچند فَکّین تو مجروح‌شد، وتو زخم برداشتی ، اما ازآن عفریت نیرومندتر بودی ، وسرش‌را باسلاح جانگرای‌خود بکوفتی .

---

(۱) کوشوا Kushavā بنا برگفتهٔ . ساینه «کوشوا» نام راکشس یاعفریت‌مادهٔ‌است که اندرا هنگام تولد اورا بلعید، امابنظر«فن‌روت Von Roth این کلمه (کوشوا) نام رودخانه‌ای است

(۲) وینسه Vyansa دیو خشکسالی .

اندرستایش : سوریه Surya

۱ ـ حضور درخشان خدایان ،چشم میترا ، و وروتا ، و اگنی.
(سوریا)روح همهٔ جنبندگان وغیرجنبندگان‌را برانگیخته.
آفتاب ، جوّ (هوا)، و زمین، و آسمان را پُرساخته است (۱)
است .

۲ ـ مانند (پسر) جوانی که‌دختری‌را دنبال نماید ،خورشید
الههٔ درخشان صبح را (دنبال کرده است) .
آن‌جاکه مردم پرهیزکار اخلاف خودرا در حضور آن فـرد

---

(۱) این‌قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
صورت عجیب خدایان و چشم میترا ، و وروتا ، و اگنی بالارفت،سوریا
روح هرچه‌حرکت‌میکند وهرچه ثابت‌است ، میباشد، (او)زمین‌وآسمان‌وناحیهٔ
بین آن دو را پرمیکند»
عبارت سانسکریت این است :

Citram devānām udagād anikam caksut mitrasya varuna- syāgmeh āpra dyāvāprthivi antariksam sūrya ātmā jagatas tasthusas ca

ازمیان خدایان‌هیچکس به‌من کمك نکرد.
من به‌چشم خود پستی (ننگ) زنم‌را دیدم.
در این هنگام عقاب برایم شراب گوارای (شیرین) سوما آورد (۱).

(ماندالای چهارم - سرود ۱۸)

---

(۱) گریفیت این‌قطعه را اینطور ترجمه کرده‌است:
در اندوه ژرف من روده‌های سگ را میجوشانم، در میان خدایان یکی را نمی‌یابم که مرا تسلی دهد، همسرخود را حقیر شمردم، آن گاه‌عقاب برای من سومای لذید آورد.

۵ ـ در دامن سوریه (آفتاب) خورشید این صورت را بخود میگیرد تا ورونا، ومیترا بتوانند اورا بنگرند.

اسبان گرنگش نیروی اورا جاودانی نگاه میدارند؛ زمانی با درخشش، وزمانی دیگر بتاریکی.

۶ ـ امروز ای خدایان، هنگامی که سوریا برمیخیزد، مارا از زحمت و بی شرفی نجات بخشید.

باشد که این دعای ما را ورونا، ومیترا، وادیتی، وسندهو، و زمین، وآسمان اجابت فرمایند.

(ماندالای اول ـ سروده ۱۱۵)

متبارك برای ثروت وسرورمنبسط ساخته است (۱)

۳ ـ اسبان گرنگك فام خورشيد كه بركت می‌بخشند با درخشندگی ، و الوان متغيّر برای فريادهای پيروزی ما گرد ـ می‌آيند ،

و درحالی كه‌دعاهای مارا برگرفته‌اند ، بنقطهٔ‌اعلای آسمان بالاميروند ، ودريك‌آن ، بدور زمين ، و آسمان ميگردند .

٤ ـ اين است خداوند، اين است نيروی‌سوريا ۰ او(نور خود را) ازروی‌كارهای ناتمام برميگيرد

وقتی كه او اسبان خـود را از محلشان‌رهـا ميسازد ، شب ردای خويش‌را بر همه جامی گسترد (۲) .

---

(۱) چون معنی اين مصراع درست روشن و معلوم نيست بجای احلاف ممكن است گاوآهن نيز ترجمه شود زيرا در اين فصل از خدايان درخواست ميشود كه زراعت را بركت دهند .

اين‌قطعه چنين ترجمه‌شده است

سوريا مانند جوانی كه دختری را (دنبال ميكند) سپيده‌دم درخشنده‌را تعقيب مينمايد ، جائی كه مردان علاقمند به‌خدايان يوغ‌ارابه را ثابت‌ميكنند تا ازيك‌خوشبختی، به‌خوشبختی ديگر برسند .

عبارت سانسكريت اينست :

Pra sa mitra marto astu Prayasvān yas ta āditya sıksatı vratena. na hanyate na jıyate tvoto nainam amho asnoty antito na dūrāt.

(۲)منظوراز مصراع‌اول اين قطعه اينست كه وقتی‌آفتاب‌غروب ميكند، كشاورزان (كارگران و ارباب حرف‌ديگر) كارهای خودرا ناتمام ميگذارند

۳ ـ این سرود مانند قدرت به‌سوی ویشنو بالا رود ، آن گاو
بزرگ گام که در کوه‌ها سکنی دارد .
آن که تنها با گامهای سه گانهٔ خود این منزلگاه طویل و
وسیع را پیموده است .

٤ ـ آن که سه مقام او باشیرینی وسرور جاودانی آکنده‌است،
آن که بحقیقت جهان سه گانه یعنی : زمین ، و آسمان ، و
همهٔ موجودات زنده‌را نگاه میدارد .

٥ ـ باشد که من بدان منزلگاه مطبوع که مردم مؤمن بـه
خدایان در آنجا شاد مانند ، برسم؛
زیرا در نزدیکی آن بلند گام چشمهٔ انگبین در بالاتـریـن
قدمگاه ویشنو میجوشد .

٦ ـ ما باشادمانی به منزلگاه او ـ جائی که گاوان ظریف
هستند ـ میرویم ،
زیرا منزلگاه عالی آن گاو بلند گام به نیرومندی بـر ما
میدرخشد .

(ماندالای اول ـ سرود ١٥٤)

۸۵

ستایش: ویشنو Vishnu

۱ ـ من اعمال نیرومند «ویشنو» را اعلام خواهم داشت، آن که نواحی زمین را بپیمود،

آن که بالاترین محل تجمّع (خدایان) را نگاهداشت، و در گامهای بلند خویش سه نوبت پای خودرا فرود آورد (۱).

۲ ـ ویشنو بجهت نیرویش ستوده میشود؛ (او) مانند جانوری سهمناك که در کمین شکار است در کوهها زندگی میکند و باطراف میگردد.

در فواصل سه قدم وسیعش همهٔ موجودات زنده سکنی دارند (۲).

---

(۱) ظاهراً منظور سه نوبت روز یعنی هنگام طلوع آفتاب، وظهر، وغروب است.

(۲) عبارت اصل سانسکریت چنین است.

«پره تد ویشنوستوته ویرینه مریگونه بهیمه کوکروگریشتهه یسیوروشو تریشو ویکرومنشوه ادهی کریشیمتی بهووانانی ویشوا

Pra tad visnuh stavate viryena mrgo na bhimah kucaro giristhāh yasyorusu trisu vikramanesv adhiksiyanti bhuvanāni visvā».

۶ ـ کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد، بادها شیرین‌اند برای او رودخانه‌ها به‌شیرینی جریان دارند؛
حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد.

۷ ـ باشد که شب شیرین باشد، و سپیده دم هم؛
باشد که ناحیهٔ زمین (جو) شیرین باشد؛
باشد که آسمان پدرما بر ما شیرین باشد.

۸ ـ باشد که آن درخت بلند برای ما پُرازشیرینی باشد،
باشد که آفتاب نیز پر از شیرینی باشد، و گاوان ماده بر ما شیرین باشند.

۹ ـ ای میترا، برما لطف فرما، وشما «ورونا» ،و«اریمن»، و «اندرا»، و «بریهسپتی»، برما مهربان باشید.
و همچنین تو ای «ویشنو»ی قوی گام.

(ماندالای اول ـ سرود ۹۰)

در ستایش: وشو دیوها Visvadevas

۱ـ باشد که ورونا ـ باهدایت مستقیم مبترا ـ ما را رهبری کند،
آن که میداند،
و«اریمن» باموافقت سایر خدایان.

۲ـ زیرا آنها دهندگان ثروت اند، وقدرت آنها را نمی‌فریبد،
همیشه قوانین مقدس را حفظ نمائید.

۳ـ باشد که آنها ما را پناه دهند، خدایان جاوید به مردم فناپذیر،
دشمنان ما را برانند.

٤ـ باشد که آنها راه ما را به‌سوی شادمانی نشان دهند، ایندرا
وماروت‌ها، وپوشان، وبهگه ـ خدایانی که قابل پرستش‌اند.

۵ـ آری پوشان، و وبشنو، شما که در راه خویش روانید،
سرودهای ما را با گاوان ثروتمند سازید؛
وما را با کامیابی تمام برکت دهید.

ما که جز اندرا دیگری را خدمت نمیکنیم

۶ ـ ای نابود کنندهٔ دشمنان ،کاری بکن که دشمنان ما، ما را سعادتمند بدانند، ومردم (بهما تبریك بگویند) ؛ باشد که ما پیوسته در سایهٔ برکت اندرا ساکن باشیم [۱].

۷ـ شیرهای‌را که (درهرسه‌مراسم) حاضراست، ولطف‌قربانی میباشد، و بشررا نشاط می‌بخشد ، وعمل‌راکامل میسازد ، ومطلوب (اندرا) است ؛ به اندرا تقدیم نمائیم ؛ آن که بتقدیم کننده ، ثروت می‌بخشد.

۸ ـ ای«شت کرتو» [۲] ، چون‌توازین (شیرهٔ سوما) بنوشی ، کشندهٔ «وریتره» ها [۳] میشوی؛

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است .

آیا ای خدای اعمال شگفت‌آور همهٔ مردم حقیقی ما ، ما را مبارك میخوانند؛ باشد که ما هنوز مورد توجه اندرا باقی بمانیم

(۲) شت کرتو Satakratu . لقب «اندرا» خدای‌صدمراسم‌یاصدقربانی «سایبه Sāyana» در توضیح خود در این باره مینویسد منظور ازکلمهٔ«صد» بسیاری از اعمال یا مراسم مذهبی است (Bahukarmayukta) که بهم بستگی دارد .

(۳) وریتره‌ها Vritras دشمنان یا دیوان بیدادگری و ویرانی اند وخشکسالی که درجو مانع ریزش باران میشوند واز باریدن ابرها جلوگیری میکنند این دشمنان (دیوان خشکسالی و تنگی) بنامهای مختلف خوانده میشوند وریتره Vritra ، اهی Ahi ، شوشنه Sushna ،نموچی Namuchi پیپرو Pipru ، شمبره Sambara ، اورنه Urana وغیره اندرا باحربهٔ خود با آنها جنگ میکند ومانع خشکسالی میشود

۸۷

اندر ستایش: اندرا

۱ ـ همه‌روزه‌ما نیکی کننده‌را به حمایت خویش میخوانیم (۱) همان گونه که دوشندهٔ گاو شیرده نیکو (زیبا)، برای دوشیدن شیر او.

۲ ـ ای نوشندهٔ شیرهٔ «سوما» در مراسم (روزانهٔ) ما حاضر شو، و از نذر ما بنوش (۲)؛ چون خرسندی (تو که) بخشندهٔ نعمتی به‌راستی موجب اعطای گله (رمه) است

۳ـ ما تورا درمیان درست اندیشان که درقرب‌جوار تواند، می‌شناسیم، به سوی ما بیا، وازما مگذر.

٤ـ ای پرستنده، به‌سوی اندرای دانا وصدمه ناپذیر که بهترین (برکت) به دوستان تومی بخشد، روی آور.

۵ـ آیا کسانی که مارا استهزا می کنند میگویند به جای دیگر بروید؟

---

(۱) یعنی: «اندرا» نیکوکاران را به‌حمایت خویش میخواند

(۲) منظور خدای «اندرا» است که صاحب سوما و رئیس نوشندگان «سوما» است.

ستایش : اپام نپات Apām-napāt (۱)

۱ ــ در اشتیاق غنائم من سخنان خود را بیان میکنم . باشد که فرزند طوفان‌ها سرودهای مرا بامرحمت بپذیرد .

آیا پسر شتابندهٔ آب‌ها ، آن‌ها را زیبا نخواهند ساخت، چون اوست که باید از آن‌ها لذت برد ؟

۲ ــ سرود نیکو ساخته‌ای را که‌ازدل برمی‌آید ، بهاوخطاب کنیم ، آیا آنرا نخواهدفهمید ؟

فرزند (پسر) مهربان آب‌ها بعظمت خداوند همه‌چیز را بوجود آورده است .

---

(۱) اپام نپات Apām-napāt یا (نوادهٔ آب‌ها) اپام نپتری Apām-naptri یا اپام گربهه Apām-garbha یا اپونپتری Apo-naptri یکی‌ازنام هایاالقاب «اگنی» (آتش) است .

این خدا صورتی از آتش است که درآب متولدشده و در آب زندگی میکند گفته شده که‌اوجوانی (کودکی) است‌مورد علاقهٔ دختران ناپستان که دراطرافش‌می‌ایستند واز اونگاهداری‌میکنند

به مرد جنگنده در این نبرد کمك کن .

٩ ـ ای «شت کرتو»ی نیرومند ، در جنگ ، ما غذای قربانی به تو تقدیم میداریم تا (اندرا) ما را ثروت بخشی .

١٠ ـ بنام اندرا که حامی ثروت است و نیرومند است و کننده اعمال نیك است و دوست تقدیم کننده پدر است ، بسرائید .

(ماندالای اول ـ سرود ٤)

اورا نخست به دنیا آورده‌اند . (۱)

۶ ـ اسب در اینجا تولّد یافت ، نور آفتاب ازآن او بود .
پادشاهان ما را ازحملهٔ ستمگران حفظ فرما .
او در منزلی خراب ناپذیر در قلعهٔ دور و ناساخته مسکن دارد ، و ارواح پلید به او نمیرسند(۲) .

۷ـ او گاوهای شیرده در منزل دارد و آب حیات خدایان را فراوان می‌سازد ، و گوشت‌های نیکو میخورد ،
پسر آب‌ها که از آب‌ها نیرو میگیرد برای پرستندهٔ خود مقدر شد تا گنج‌ها را بدو ببخشد .

---

(۱) گریفیث این قطعه را چنین ترجمه کرده است .
سه بانو برای او غذا می‌آورند ـ الهه‌های خدائی که هیچکس نمیتواند به اوصدمه برساند ـ در میان آب‌ها اوفشرده شده و شیرآنان را که برای اولین دفعه مادر شده‌اند مینوشد
عبارت متن سانسکریت اینست

Bhaga eva bhagavān astu bevās tena vayan bhagavantah syām. tam tvā bhaga sarva ij johaviti sa no bhaga puraetā bhaveha.

ظاهراً مقصود ازسه بانو ، «ایلا Ilā» ، و«سرسوتی Sarasvatī» و«بهارتی Bhāratī» است که تجسم مقدس دعا و پرستش میباشند

(۲) معلوم نیست که دراینجا منظور خورشید است یا برق بهرحال معنی آن مشکوك بنظر میرسد . بعقیدهٔ لودویگ Ludwig منظور تولد اسب طبیعی از نژاد اسب آسمانی است .

٣ ـ بعضی سیل‌ها باهم‌یکی میشوند ، وسیل‌های‌دیگر به‌آنها
می‌پیوندد .

رودخانه‌های خروشان‌انبار (وادی) مشترکی‌را پرمسازند ،
سیل‌های درخشان ازهرسوزادهٔ رخشنده و باشکوه آب‌هاراا‌حاطه
کرده‌اند .

٤ ـ دختران‌جوان بی‌تبسّم (یعنی : آب‌ها) در پیرامون‌این
جوان می‌ایستند ، و او را روشن‌و درخشان می‌سازند .

او با شعلهٔ شفّاف خود نورمی‌بخشد وبی هیزم درآب باجامهٔ
آغشته به‌روغن‌می‌تابد (١).

٥ـ به‌آن‌خدای ثابت، سه‌بانوی‌آسمانی غذامی‌دهند ، گویا
او به‌سوی مادرش درآب‌ها کشیده میشود ،

او شیرینی آسمانی (بهشتی) ازدست آن‌هائی می‌خورد که

---

(١) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
آب‌های افسردگی ناپذیر ودختران جوان آراسته درخدمت آن جوان
(پسرآبها) هستند، اوبا اشعهٔ درخشان‌خویش باجمال‌وزیبائی‌درآب‌های
آغشته به روغن (کرهٔ پخته) بی‌هیزم می‌تابد
متن اصل سانسکریت اینست
«بهگه پرنتر بهگه ستیه رادهو بهگه‌مام‌دهیم اد اوا د د ن نه بهگه پره
نه جنیه گوبهیراشوین بهگه پره تریبهیر نرونته سیامه

Bhaga pranetar bhaga satyarādho bhagemām dhiyam ud avā dadan nah. bhaga pra no janaya gobhir asvair bhaga pra nrbhir nrvantah syāma.

قربانی و احترام و نذر پرستش ممکنیم (۱).

من موجب درخشش پشت اورا فراهم مسازم و به او هیمه میدهم.

من او را غذا میدهم و باسرودهای خود تجلیل مینمایم (۲)ـ

۱۳ ـ گاو نر نطفهٔ حیات خویش را در میان آنها نهاده است،

اوچون کودکی شیر آنها را مینوشد، و آن‌ها اورا میبوسند،

او ـ فرزند آب‌ها ـ با رنگ پریدگی نابدیر دراینجا دربدن دیگری وارد شده است.

۱٤ ـ هنگامی که او در اینجا به عالیترین وضعی منزل دارد و با اشعهٔ فنا ناپذیر میدرخشد،

آب‌ها روغن می‌آورند تا فرزند خود را غذا بخشند، آن نوجوانان در اطراف او می‌چرخند.

۱۵ ـ اگنی، من به مردم پناه می‌بخشم، و به شاهزادگان مهیّا ساختن (شعائر قربانی).

آنچه مورد لطف خدایان است مبارک است؛ باشد که ما با قهرمانان در محفل بلند سخن گوئیم (۳).

(ماندالای دوم ـ سرود ۳۵)

---

(۱) ظاهراً منظور ازعبارت «از نزدیکترین دوست عدهٔ زیادی» آنست که چون او از همهٔ خدایان از حیث مکان پائین‌تر میباشد، بمردم نزدیکتر است.

(۲) منظور اینست که چون هیمه وهیزم درآتش میندازند موجب شعله‌ور شدن آتش میشود و بهتر وبیشتر زبانه میکشد

(۳) مقصود آنست که اگنی دراثر سرودهای من، مردم ما را حفاظت میکند، و ثروتمندان مارا موفق میسازد که قربانی‌های نیکو تقدیم دارند

۸ ـ او که در آب‌ها با اُلوهیّت خالص خود به پهناوری میدرخشد و مطبع قانون وجاویدان است ،

جهان‌های دیگر بحقیقت شاخه‌های اوست ، و گیاهان، و آنچه از آنها میروید همه از او برخاسته است .

۹ ـ فرزند آب‌ها بپاخاسته و با جامه‌ای از نور به میان ابرهای پُرپیچ‌وخم بالارفته است ؛

و جلال عالی‌خویش‌را درمیان آن نوجوانان زرّین‌فام که‌در اطرافش درحرکت‌اند، آشکار میسازد (۱).

۱۰ ـ او زرّین شکل است ، و چون به او بنگری چون طلا است ، رنگش زرّین است ، پسر آبها است .

وقتی که تازه در زادگاه زرین خود نشسته است، آنها کـه طلای خویش را تقدیم میدارند ، برایش غذا می‌آورند

۱۱ ـ این نام زیبای او ، و این جنبهٔ دل‌آرای پسر آب‌ها در پنهانی درافزایش است ،

آن که دختران جوان باهم(برای او) در اینجا (آتش) می‌افروزند ، غذایش روغن‌مقدس زرّین فام است .

۱۲ ـ او را که از نزدیکترین دوست عدهٔ زیادی است ما با

(۱) ظاهراً منظور ازعبارت «نوجوانان زرین‌فام» رودخانه‌هایاآب‌های جوی (هوائی) اقیانوس است

٦ ـ وقتی حات و یداس به‌حرکت درمی‌آید ، وچون اگنی در زمین منتشر میشود ، غبار سیاه از قدم‌های او برمیخیزد

٧ ـ اگنی که گیاهان را طعمهٔ خویش میسازد ، و آن‌ها را می‌بلعد ، هرگز سیر نمیشود؛ بلکه باز (بر بوته‌های) جوان‌می‌افتد.

٨ ـ (درختان را) بازبان خویش (شعله‌ها) خم مینماید ، وبا جلال میدرخشد ، اگنی درجنگل‌ها تابان است .

٩ ـ ای اگنی ، مقام تو در آب‌ها است ، تو به گیاهان می‌چسبی و جرثومهٔ آن‌ها میشوی ، ودوباره تولّد می‌یابی .

١٠ ـ درخشش تو ، ای اگنی ، وقتی که روغن (نذر) تقدیم میشود ، در حال اشتعال از دهانهٔ ملعقه تابان است ،

١١ ـ ای اگنی ، ای بخشندهٔ (آرزوها) ، ای خورندهٔ گاو ، ای خورندهٔ مغز استخوان که در پشت‌تو نذور ریخته میشود و تورا پرستش می‌کنیم (١) ،

١٢ ـ ای اگنی ، ای احضار کنندهٔ (خوانندهٔ) خدایان ، ای انجام دهندهٔ مراسم مقدس ، ما با نذور وهیزم از توالتماس داریم .

١٣ ـ ای اگنی مقدّس که نذور به تو تقدیم میشود ، ماهمان گونه که «بهرگو» ، و «مانو» ها ، و «انگرس» ها تو را پرستش میکردند ، تورا عبادت میکنیم .

١٤ـ ای اگنی ، تو را اگنی برافروخته است ، چون‌دانشمند

---

(١) درمتن سانسکریت عبارت Soma prishthāya بکار برده شده که بمعنی

۸۹

در ستایش: اگنی (آتش)

۱ ـ اینان که ستایش را تکرار میکنند، مدح اگنی دانای آفریننده را بیان مینمایند، آن‌قربانی کننده (پرستنده)ای که وقفه درکارش نیست.

۲ ـ ای اگنی، ای «جات‌ویداس» (ای اگنی جات ویداس)، برای تو ای تقدیم کنندهٔ نذور کریم، ای ناظر بر همه چیز، من صمیمانه ستایش تو را تکرار میکنم.

۳ ـ شعله‌های سرکش‌تو، ای اگنی، جنگل‌را نابودمیکنند، همان‌گونه که حیوانات وحشی با دندان‌های خود (گیاهان‌را) از میان برمیدارند.

٤ ـ آتش‌های دودزای معدوم کننده، سوار بر باد، درهمه جوانب فلك پراکنده میشوند،

۵ ـ این آتش‌ها که‌هریك جداگانه برافروخته شده است، مانند علامات سپیده‌دم بنظر می‌آیند.

---

(۱) ریشی این‌سرود وروپه Virupa از اخلاف انگرس‌است

۲۳ـ ای اگنی ، ما تورا میخوانیم، تو که «جات ویداس» هستی و (ستایش مارا) میشنوی ، و دشمنان ما را از میان برمیداری .

۲٤ ـ اگنی پادشاه مردم ،شگفت انگیز ، سرور اعمال مقدس، من اورا ستایش میکنم ؛ باشد که مرا بشنود .

۲۵ ـ ما مانند اسمی آن (اگنی را) که نیرویش درهمه جا حاضر است ، تقویت مینمائیم ؛ آن که شریف ، وقوی ، وخیّر است .

۲٦ ـ ای اگنی ، با درخشش بتاب ، بدخواهان را هلاك‌سار، و دشمنان ما را (دور کن) ، و درهمه‌جا «راکشس» ها را از میان بردار .

۲۷ ـ ای سرور «انگرس» ها (اگنی) که (تورا) مردم مانند: «مانو»ها برمی‌افروزند، سخنان مرا بشنو .

۲۸ ـ ما باستایش تورا میپرستیم ، ای اگنی که در آسمان ، و آب‌ها تولّد یافتی ، ودراثر نیرو پدیدار گشته‌ای .

۲۹ ـ همهٔ خلایق ، و ساکنان (زمین) تکایك غذا (قربانی) برای تناول ، ولذت تو تقدیم میدارند .

۳۰ ـ ای اگنی ، باشد که ما بوسیلهٔ تو که در قربانی مهارت داریم ، و در تمام ایّام خودمردم را می‌بینیم ، از (همهٔ) مشکلات بگذریم .

۳۱ـ ما با (سرودهای) شادیبخش ، وفرح انگیز اگنی مسرور کننده‌را که پیش بسیاری گرامی‌است ، و با درخشش پاك کننده‌ای

دانشمندی را ،و مقدسی مقدسی را ، و دوستی دوستی را .

۱۵ ای اگنی ، بتقدیم کنندهٔبا کدامن (نذر) ثروت بی‌پایان، و روزی ، و فرزندان نرینه عطافرما ،

۱۶ ـ اگنی ، ای برادر که به‌نیرو نمایان گشته‌ای، وخداوند اسبان سرخ میباشی،و(انجام دهندهٔ)مراسم پاك هستی ، ازین‌ستایش ما خرسند باش .

۱۷ ـ ستایش‌های من به‌سوی‌تو می‌شتابند ، ای‌اگنی ،همان گونه که گاوان به گاوخانهٔ(آغل) خویش میروند تا گوساله‌های تشنهٔ خود را شیر دهند .

۱۸ ـ به تو ای اگنی که‌سرور انگرس‌ها هستی ، همهٔ مردم فردفرد برای نیل به‌آرزوهای خویش رومی‌آورند .

۱۹ ـ دانایان ، خردمندان ، وهوشیاران با قربانی اگنی را خشنود می‌سازند تا به روزی خود برسند .

۲۰ ـ ای‌اگنی ، ای‌نیرومند ، ای حامل (نذور) ، ای‌احضار کنندهٔ خدایان ، (پرستندگان) که‌قربانی را در منازل خود مهیّا ساخته‌اند ، تورا برستش‌میکنند .

۲۱ ـ توخداوندی ،توهمهٔ مردم را درهمه‌جا یك‌سان‌می‌بینی پس‌ما در جنگ‌ها تو را میخوانیم .

۲۲ ـ آن‌اگنی راکه چون روغن‌به‌دو تقدیم شود باروشنائی می‌تابد ، و دعاهای مارا میشنود ، عبادت نمائیم .

۹۰

در ستایش : سوما Soma

۱ ـ (عصارهٔ) سوما را تصفیه کنید، شیرین‌ترین مشروب، سُکر آورترین شراب سرشار را با فشردن (گیاه‌سوما) به‌دست آورید، برای اینکه ایندرا بنوشد.

۲ ـ ایندرا (خداوند) کشندهٔ دشمنان (دیوان)، حفیظ‌وحافظ دوستان (اقوام‌بشر) در مَقرّ خود (درعرش علیّین) قرار گرفته است و ظرف پولادین در دست دارد تا از ناییچه، ولولهٔ آن شراب سوما را بنوشد.

۳ ـ ای‌خدا، فضای حیاتی ما را وسیعتر گردان، بخشندگی بیشتری بمانشان ده.

ای‌قاتل اهریمنان (ای‌وریترا کُش)، بزرگان‌ما را ازحمایت، و یاری‌خود بهره‌مند، و برخوردار فرما.

٤ ـ ای سوما جاری شو، و ازشیرهٔ خود مهمانی خدایان را رونق بخش، و وسیلهٔ دسترسی بافتخارات نظامی، و تحصیل غنایم و مالی‌راکه درجنگ ازدشمنان بدست می‌آید، فراهم ساز.

در قربانی قرار دارد ، میخوانیم .

۳۲ ـ ای اگنی ، درآن هنگام که تو چون خورشید طالع میدرخشی، وقدرت خویش را بوسیلهٔ اشعهٔ خودمینمایانی، ظلمت را معدوم میسازی .

۳۳ ـ ای اگنی نیرومند ، ماآن ثروت دلخواه که در بخشش تو است ، وهرگز زوال نمی‌پذیرد ، از تو التماس داریم .

(ماندالای هشتم ـ سرود ٤۳)

ستایش : اگنی

۱ ـ تو شعلهٔ بزرگ سنن و مراسمی ، بی‌تو موجودات ابدی فرح وانبساط ندارند.

بیا با ارادهٔ خودباسایر خدایان و همراه آنان،واینجا بنشین.

ای اگنی،تواوّلین پیشوای مذهبی ما هستی .

۲ـ توآن (خدای) سریع و چالاکی که نثر به اونذورتقدیم میکنند،و به‌درگاهش بطورمدام التجا میجویند ، وواسطهٔمیان آدمیان وسایر خدایان است

ای اگنی ، برآن که تو با خدایان (دیگر) بر روی چمن مقدس اومی‌نشینی روزگار را مبارك ساز[1].

۳ ـای اگنی، برای‌مردی(موجودفناپذیری) که توراستایش میکنند،سه‌بار در روز [2]ثروت بوسیلهٔ تو ابراز میشود .

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است.

« مردم پیوسته بوسیلهٔ نذور ازتو استدعا دارند ، ای تیز رو کـه وظیفهٔ سفیر را انجام می‌دهی آن که برروی چمن مقدس او تو با خدایان می‌نشینی ، ای اگنی روزگار را براو فرخنده فرما »

(۲) منظور ازسه‌بار در روز : صبح ، وظهر ، شب یاسه مجمرآتش‌است.

۵ ـ ای اندو (۱)، بواسطهٔ کسب این نعمت‌هاست که ماروز به‌روز به‌جانب تو رومی آوریم، ای شراب آسمانی (ای شراب طهور) ادعیهٔ ما را بپذیر .

۶ ـ دختر خورشید (سوریه) (۲) شیرهٔ پاك ، وروشن تو را در پرویزنی که تور آن غربال ازپشم تابیده بافته‌شده‌است ، توراصاف کرده ، بالش میدهد .

۷ـ ده‌دوشیزه (۳) ازتو در روز بزم ، ورزم استفاده میکنند ،

خواهران (٤) درروزبیکارقطعی ازاو یاری میطلبند.

۸ ـ دختران باکره(وعفیف) (۵) شیرهٔ تورا میگیرند،وآواز خوشی از آن برمی‌خیزد .

این شراب مقدس در حکم رره سه‌لائی و سطبراست .

۹ ـ گاوان شیرده (که شیر آنها با سوما آمیخته میشود) با تو گوساله‌های خود را مسح میکنند (تدهین میکنند) .

۱۰ ـ اندرای سرمست‌شراب‌سوما ، همهٔ ویترا‌ها را کشت‌و درنتیجهٔ سرمستی و سُکری که ازعصارهٔ سوماحاصل‌میشود دلاوران از بزرگواری‌وبخشندگی‌او(اندرا)حداکثر استفاده‌را مینمایند .

(ماندالای نهم ـ سرود اول)

---

(۱) منظور «سوما» است .

(۲) ظاهراًمراداردخترسوریه،شرادهه Srādha است .

(۳) مراد انگشتان خدام دین است .

(٤) منظور همکاران وهمدینان است .

(۵) منظورخدمتگزاران‌دین‌اند.

۹۳

ستایش: وایو Vayu

۱ ـ ای «وایو»ی نیك منظر، نزدیك شو، این «سوما» برای تو مهیّا شده است،

از آن بنوش، دعوت‌ما را بشنو (بپذیر)

۲ ـ ای وایو، ستایشگران تو که شیرهٔ سوما را ریخته‌اند، و موسم (مناسب) را می‌شناسند، تو را با ستایش های مقدس تمجید میکنند.

۳ ـ ای وایو، سخنان موافق تو به‌پرستش کنندگان (تقدیم کنندگان نذور)، و به‌بسیاری (دیگر) که تو را بنوشیدن شیرهٔ «سوما» میخوانند، میرسد

٤ ـ ای وایو، وای اندرا، این نذور برای شما ریخته شده است، باغذا (خوراك) برای‌ما به اینجا بیائید؛

به درستی قطره های شیرهٔ سوما در انتظار هر دوی شما است.

۵ ـ ای اندرا، وای وایو که در مراسم قربانی حاضرید، و به

برای خدایان اینجا قربانی کن ، همان گونه که « مانو »
قربانی کرد

ای اگنی ، تو واسطهٔ میان ما وخدایانی،تو ما را از بد گوئی
بداندیشان درپناه خود قرار میدهی .

٤ ـ ای اگنی به آئین‌ومناسك مذهبی‌پادشاهی کن،ای‌اگنی
در تمام (مراسم اهدای) نذور که تدارك دیده میشود برماحکومت
کن .

خدایان تورا باین سمت شناخته و قبول کرده‌اند،تو واسطهٔ
رسانیدن قربانی‌ها هستی که‌ما برای خدایان‌میکنیم .

٥ ـ ای‌اگنی ، خدایان را در مراسم اهدای نذور فراخوان
تا در اینجا آنها با اندرا ـخدای بزرگترـخشنودشوند.

این قربانی ما را بخدایان درآسمان برسان ،
ما را همیشه در پناه خیروبرکت خودقرار ده .

(ماندالای هفتم ـ سرود۱۱)

۹۳

ستایش : اگنی

۱ ـ ای اگنی، ای باران (رحمت) تو که خداوندی، تو که با همهٔ آوریدگان می‌آمیزی ، تو که از جای دای «ایلا» شعله‌ور گشتی؛ ما را به ثروت برسان (۱) .

۲ ـ باهم ملاقات کنید، و باهم صحبت بدارید، وافکار شما با یکدیگر موافق باشد،

همان گونه که خدایان باستانی با یکدیگر سهم خود را از قربانی قبول می‌کردند،

۳ ـ نماز (دعای) همه (جمیع ستایش کنندگان) یکی باد ، حاصل همه یکی باد ، مقصود همه همگانی باد ، آرزوی همه متفقق باد .

من یك دعای همگانی برای شما تکرار می‌کنم، من یك نذر همگانی به‌شما تقدیم مینمایم.

---

(۱) این قطعه‌را گریفیث چنین ترجمه کرده است .

«تو ای اگنی نیرومند که آنچه گرانبهاست برای دوستان، گرد می‌آوری، آن‌هنگام که در محل نذور برافروخته‌ای ، برای ما تمام گنج‌ها را بیاور»

این نذرواقف ادد ـ هردو ـ به‌شتاب به‌اینجا بیائید.

۶ ـ ای انـدرا ، وای وادو ، به مراسم این قـربانی بیائید ،
چون بدین طریق مردم به سرعت به کمال این مراسم خواهنـد
رسید .

۷ ـ من «میترا»ی پاك نیرو ، و«ورونا»ی دشمن‌خوار را میخوانم
که (بایکدیگر) آب‌را به‌زمین عطا نمودند .

۸ ـ ای میترا ، و ای ورونا، ای افزایندهٔ آب‌ها ، وای مُقسّم
آب ها ، شما این مراسم کامل را به (اجر) حقیقی آن متصل
می‌سازید .

۹ـ ای میترا ، و ورونای دانا ، قربانی ما را قرین سعادت
فرمائید ، ونیروی مارا فزونی بخشید.

شما برای‌خیر بسیاری‌مردم‌زائیده‌شده‌اید، وشماملجاءِجمعیّت
میباشید.

(ماندالای اول ـ سرود دوم)

۹۴

ستایش: اندرا

ای اندرا، ثروتی بیاور که لذت‌بخش است، ثروت پیروزمندی
که همیشه غالب است،
ای بالاتر از همه، یارما باش.

۲ ــ تا بوسیلهٔ او (اندرا) ما دشمن را در جنگ تن به‌تن (جنگ
دست به‌دست) عقب برانیم،
و تو ما را با اراده یاری نمائی.

۳ ــ به‌یاری تو ای اندرای صاعقه اسلحه، ما نیزه را برمی
افراشیم (بلند می کنیم)،
و همهٔ دشمنان را در جنگ مغلوب می‌سازیم.

٤ ــ با تو ای اندرا، و به اتفاق قهرمانان زوبین‌انداز؛
باشد که ما دشمنان خود را در میدان جنگ بشکنیم
(مغلوب کنیم).

۵ ـ اندرا قادر است، اندرا برتر است، عظمت او راست،
رعدآسا است،

۴ ـ (ای ستایش کنندگان) قصدشما همگانی باد،
(خواهش) دلهای شما یکی باد،
افکار شما یکی باد، تا آن که اتحاد کامل در میان شما
باشد.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۹۱)

ستایش: اندرا، و ورونا

۱ ـ فعالیت های سریع مشهور قدیم شما نماز بمحرّکی از
، خدمتگزار باوفای شما نداشت.

ای اندرا ـ و رونا، کجاست اکنون آن فرّ و شکـوهی که
لهٔآن از دوستداران خود حمایت می کردند؟ (۱)

۲ ـ این مرد(۲) بسیار دقیق که در جستجوی ثروت است ،
طع شمارا بیاری میخواند.

ای «اندرا» ـ «ورونا»، با«ماروت» ها، وآسمان،وزمین‌دعاهای
بشنوید .

۳ ـ ای اندرا ـ ورونا،این گنجها ازآن ما باشد، ثروت‌ازآن
اشد، ماروت‌ها ،

---

(۱) این سرود مشتمل است برشش سه بیتی (تریچه‌Trichas) .
یانی که در این سرود مورد ستایش واقع شده‌اندجدا جدا عبارتند از .
۱ ـ اندرا ـ ورونا ۲ ـ بریهسپتی ۳ ـ پوشان ٤ ـ سویتـری (سویتر
Svi) ۵ ـ سوما ٦ ـ میترا ـ ورونا .

(۲) مقصود از عبارت « این مرد» ستایش کننده یا پرستش کننده
. ،

قدرت خودرا به‌پهنای آسمان بسط میدهد.

۶ ـ به آنها کمك مینماید که پسر پیدا کنند تا چون قهرمانان به جنگ آیند(۱)،

یا سرایندگان افکار مقدّس زیباشوند.

۷ ـ شکم او با نوشیدن لاجرعهٔ سوما مانند اقیانوس آماس می کند،

همچون رودخانهٔ پهناوری ازطاق آسمان.

۸ ـ بدین گونه نیز او در عُلوّ خویش بزرگ، نیرومند، ودارای رمه‌های گاو (است)،

ومانند شاخهٔ رسیده‌ای برای پرستندگان خودمیباشد.

۹ ـ چون به‌حقیقت نیروهای توانای تو ای اندرا، یاوری‌های نجات دهنده،

وفوری برای پرستنده‌ای چون من میباشد.

۱۰ ـ و (با) همین گونه هدایای زیبای او، حمد وستایش اندرا سروده شود تا او شیرهٔ سوما را بیاشامد.

(ماندالای اول ـ سرود ۸)

---

(۱) یعنی: اندرا به پرستندگان خود یا قوم آریائی کمك میکند تا فرزندان نرینه پیدا کنند

۹ ـ باشد آن که همهٔ زندگان را می‌بیند ، آن ها را با پاك نظر بنگرد؛
باشد که او (پوشان) یاور ما شود.

۱۰ ـ ما در بارهٔ درخشندگی قابل پرستش سویتری رخشان زندگی‌بخش تفکّر می کنیم:
باشد که او افکار ما را روشن(تهییج) نماید (۱) .

---

(۱) این «قطعه» یا «آیه» مقدس‌ترین آیات ریگ ودا بلکه‌قطعات‌وآیات همهٔ‌وداهاست و بهمین جهت قسمتی از دعاهای روزانهٔ روحانیون هندو میباشد .
نخستین‌بارسرویلیام‌جونز ترجمهٔ تحریف شده‌ای ازاین آیه‌را انتشار داد این ترجمه بامتن اصلی سانسکریت چندان انطباقی ندارد .
این آیه‌را گایتری Gayatri خوانند
گایتری بمعنی‌اعم‌نام یکی‌از اوزان یا بحور(درعلم‌عروض) معروف وقدیم سانسکریت دارای ۲٤مقطع(مقطع ۲٤ = ۸ × ۳)است که‌بسیاری‌ازسرودهای ریگ‌ودا باین بحر ترکیب وتنظیم شده است
گایتری بمعنی اخص نام مقدس‌ترین آیهٔ ریگ‌ودا میباشد و وظیفهٔ هر براهمن است که در نمازهای صبح وشام آنرا ازبر بخواند .
این آیه خطاب به‌آفتاب یا سویتر (خالق)است وبدین‌جهت «ساویتری» نیز خوانده می‌شود
متن سانسکریت این آیه این است.
«تت سویتور ورینم بهرگو دیوسیه دهی مهی دهیو یونه پرچودیات
Tat savitur varrenyam bhargo devasya dhimahi dhiyo yo nah pracodayāt.»

ترجمهٔ دیگری‌ازاین آیت
« زمین، وآسمان ، وبهشت ، به‌این‌ها تفکر کنیم،وسوراعلی ، و نیروی خورشیددرخشان‌بخشندهٔ زاد تا او عقل ما را راهنمائی کند» . ☛

با تمام دستهٔ قهرمانان.

باشد که «وروتری»(۱)ها با پناه خویش مارا یاری کنند، و «بهارتی» ، و «هوترا» با بامدادان .

۴ ـ از نذور ما خشنود باشید، نوای محبوب همهٔ خدایان ، ای «بریهسپتی»:

بر آن که برای تو تقدیمی آورد، ثروت بخش.

۵ ـ در قربانی‌ها باسرودهای خود «بریهسپتی» پاک‌راپرستش کنید .

من برای نیروئی دعا می‌کنم که کسی نتواند بر آن (ابرو) خم وارد آورد .

۶ ـ نرگاو انسان که کسی نمیتواند اورا فریب دهد، وبه‌هر شکلی که میخواهد درمی‌آید ،

بریهسپتی اعلی علیّین .

۷ ـ ای‌پوشان درخشندهٔ الهی ، این سرود نوین ثنای تورا، ما برای تومی‌سرائیم .

۸ ـ این سرود ما را با مرحمت بپذیر ، و بر فکر (خیال) حدّی لطف برما،

حتی مانند داماد برعروس.

(۱) وروتری‌ها varūtris الهه‌های نگهبان .

۱٤ ـ باشد که «سوما» بما، و رمه‌های‌ما روزی (رزق)سالم بخشد ـ به‌دوپایان وچهار پایان.

۱۵ ـ باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند، و دشمنان‌مارا مغلوب‌سازد، ودر انجمن ما بنشیند.

۱٦ ـ باشد که «میترا» و «وروتا» ـ آن زوج دانا چراگاه مارا باروغن‌سقایت نمایند ـ با انگبین نواحی حق.

۱۷ ـ شما که فرمانتان در همه جا رواست، و چون‌ستایش شوید شادمان می گردید، با نیروی همایون خویش حکومت کنید،

باقوانین پاك جاودانی.

۱۸ ـ ای ممدوحین سرود «جمدا گنی»، درجای قانون مقدس بنشینید:

سوما بنوشید، شما ای تقویت کنندگان قانون(۱).

(ماندالای سوم ـ سرود٦۲)

---

(۱) بنظر «سانیه» دراینجا «جمد اگنی Jamadagni» یکی ازالقاب «ویشوامتر Visvāmitra» و بمعنی افروزندهٔ آتش است ولی بعضی ازمفسرین عقیده دارند که جمدگنی نام «ریشی Rishi» میباشد که گویندهٔ این سرود است

ماندالای سوم‌مشتمل بر٦۲ سرود میباشد،و این‌سرودآخرین سرود این ماندالا است.

۱۱ ـ با معرفت استوار از خدای سویتر ، سهم خودرا از موفقیت مسئلت داریم.

۱۲ ـ مردمان سراینده خدای سویتر (سویتری) رابا سرود، و مراسم مقدس پرستش میکنند ، و افکار آنها مُشوّق آنان است .

۱۳ ـ «سوما»ی پیروز بخش پیش میرود، و بمحل اجتماع خدایان میرسد، تا او را برجایگاه قانون بنشاند .

✱ آیهٔ گایتری باین تقریب نیز ترجمه شده است:

«ما نور مطبوع سویتری الهی که درمراسم پاکدامنی مامؤثر است ، تفکر میکنیم ».

در «بشن پران (ویشنو پورانه «Vishnu Purāna»)-یکی از هیجده پران- این آیه چنین ترجمه شده است:

«ما نور اعلای خورشید الهی تفکر می کنیم ، تا او افکار ما را روشن سازد. ».

این آیه‌را گریفیت چنین ترجمه کرده است :

«باشد که ما بجلال‌والای‌خدای سویتر نائل‌آئیم ، تا باشد که اودعاهای مارا برانگیزد» .

ترجمهٔ پنجمین آیهٔ گایتری بدین‌تقریب است:

«باشد که درخشش با شکوه‌این خالق و این‌خدا که اعمال ما راقرین سعادت‌می‌سازد، بهما برسد» .

هندوها این آیت را جوهر کاینات می‌پندارند ودر تقدس آن بحدی غلو میکنند که نویسندگان متعصب‌هندو حتی از استنساخ آن خودداری میکنند

آیهٔمذکوربشخصیت وتجسم‌یافته‌است وبصورت‌الههٔ«ساویتری»درآمده که همسر برهماومادر چهار ودا(چهاربید)،و همچنین مادرسه‌طبقه (سه‌کاست)اول هندو است .

۱٤ ـ باشد که «سوما» بما ، و رمه‌های‌ما روزی (رزق)سالم بخشد ـ به‌دوپایان وچهار پایان.

۱۵ ـ باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند ، و دشمنان‌مارا مغلوب‌سازد، ودر انجمن ما بنشیند.

۱٦ ـ باشد که « میترا » و «وروما» ـ آن زوج دانا چراگاه مارا باروغن‌سقایت نمایند‌ـ با انگبین نواحی‌حو.

۱۷ ـ شما که فرمانتان در همه جا رواست ، و چون‌ستایش شوید شادمان می گردید ، با نیروی همایون خویش حکومت کنید ،

باقوانین پاك جاودانی.

۱۸ - ای ممدوحین سرود «جمدا گنی»، درجای قانون مقدس بنشینید:

سوما بنوشید ، شما ای تقویت کنندگان قانون(۱).

(ماندالای سوم ـ سرود٦۲)

---

(۱) مطر .«سانه» دراینجا «جمد اگنی Jamadagni » یکی ازالقاب «ویشوامتر Visvāmitra» و بمعنی افروزندهٔ آتش است ولی بعضی ازمفسرین عقیده دارند که جمدگنی نام « ریشی Rishi » میباشد که گویندهٔ این سرود است

ماندالای سوم‌مشتمل بر٦۲ سرود میباشد،و این‌سرودآخرین سرود این ماندالا است .

۱۱ ـ با معرفت استوار از خدای سویتر ، سهم خودرا از موفقیت مسئلت داریم .

۱۲ ـ مردمان سراینده خدای سویتر (سویتری) رابا سرود، و مراسم مقدس پرستش میکنند ، و افکار آنهــا مُشوّق آنان است .

۱۳ ـ «سوما»ی پیروز بخش پیش میــرود، و بمحل اجتماع خدایان میرسد، تا او را برجایگاه قانون بنشاند .

◆ آیهٔ گایتری باین تقریب‌بیر ترجمه شده است:

«ما بنور مطبوع سویتری الهی که درمراسم پاکدامنی مامؤثر است ، تفکر میکنیم ».

در «بشن پران (ویشنو پورانه «Vishnu Purāna»)-یکی‌از هیجده پران- این‌آیه چنین ترجمه شده است:

«ما بنور اعلای خورشید الهی تفکر می کنیم ، تا او افــکار ما را روشن سازد ».

این آیه‌را گریفیت چنین ترجمه کرده است .

«باشد که ما بجلال‌والای‌خدای سویتر نائل‌آئیم ، تا باشد که اودعاهای مارا برانگیرد»

ترجمهٔ پنجمین آیهٔ گایتری بدین‌تقریب است:

«باشد که درخشش با شکوه‌این خالق و این‌خدا که اعمال ما راقرین سعادت‌می‌سازد، بما برسد»

هندوها این آیت را جوهر کاینات می‌پندارند ودر تقدس آن بحدی غلو میکنند که نویسندگان متعصب‌هندو حتی از استنساخ آن خودداری میکنند .

آیه‌مذکور شخصیت وتجسم‌یافته‌است وبصورت‌الههٔ:«ساویتری»در آمده که همسر برهماومادر چهار ودا(چهاربید)،و همچــنین مادرسه‌طبــقه (سه‌کاست)اول هندو است .

۹۷

اندر ستایش : وشو دیوها(۱)

۱ ـ این روحـانی مهربان پیر خـاکستری رنگ ، برادر وسطی ـازسه برادر ـاو برق است .

برادر سوم اوست که روغن بر پشتش می افشانند .

من‌دراینجا رئیس‌را با هفت فرزند برینه‌اش مینگرم (۲) .

۲ ـ آن اسب تیز تاك که هفت را به ارابهٔ یك چـرح بسته است؛ آن تنهااسب‌تیز تاك که هفت نام دارد ، آن (ارابه)رامیکشد .

---

(۱) این سرود یکی ازسرودهای کلان ریگ‌ودا و ازجمله سوکتاهای معروف این کتاب میباشد . در این سرود ضمن اشاره بخدایان‌مختلف‌وستایش آنها ، درآیهٔ ٤٦ بنوعی یکتاپرستی اشاره شده است

(۲) منظور از روحانی ، « آدیتیا Āditya » (یعنی :خورشید است) ومقصود ازبرادرسوم برق‌است که‌صورتی دیگر ازاگنی(آتش) میباشد .و برادر سوم « اگنی گرهتیه Agni gārhapatya = آتش مقدس‌عرفی» است که در هر خانهٔ نگاهداری میشود و آنرا با کرهٔ تصفیه شده تغذیه مینمایند.

ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است

« من خدای مردم را با سه‌پسرش دیده‌ام ؛ و این (خدای) شادیبخش و خیر که مورد خطاب ماست یك برادر وسطی دارد که درهمه‌جا حاضر است و یك برادر سوم که از روغن (کره) پرورش می یابد »

۹۶

درستایش: اگنی

۱ - با عمیق ترین احترام به جوانترین (خدایان) که چون درمنزلگاه خویش برافروزد - میدرخشد - نزدیک‌شویم،

آن که درمیان زمین، وآسمان شگفت‌وار شعله‌ور است، و چون با خلوص خوانده شود به‌همه‌جا می‌آید(۱).

۲ - اگنی که عظمت او برهمهٔ بدی‌ها غلبه‌دارد، ودر حجرهٔ (قربانی) مانند: «جات‌ویداس» موردستایش است؛

باشد که وقتی اورا باندور روان(سیّال) تجلیل مینمائیم، مارا از گناه، وسرزنش حفظ فرماید.

۳ - ای اگنی، تو «ورونا» هستی، تو «میترا»ئی. «وشیسث» ها تورا بیشتر ستایش میکنند،

باشد که ثروتی که در تو (نهان) است، سخاوتمندانه توزیع شود، ومارا همیشه برکت‌دهید.

(ماندالای‌هفتم- سرود ۱۲)

---

(۱) منظور ازجوانترین خدایان، اگنی (خدای آتش) است

نفس وخون ار زمین است،ولی روح از کجاست؟
کی پیش دانایان رفته است که این را بپرسد؟!(۱)

۵ ـ با فهم نارسا و عقل ناقص من این چیزها را میپرسم که حتی بر خدایان نیز پوشیده است.

آن هفت ریسمان چیست که دانشمندان گسترده‌اند تا خورشیدرا احاطه نماید، وهمه‌چیز در آن قرارادارد؟!

۶ ـ من نادان از دانشمندانی که (حقیقت را) میدانند سؤال میکنم تا دانش را (به دست آورم) (۲)

آن فرد یگانه کیست که این شش کره را بصورت تولّد نیافته نگاه داشته است؟

۷ ـ آن که (این حقیقت را) میداند اظهار نماید. این مقام محکم بنیان این مرغ زیبا از سر او گاوان شیر میدوشند، ولباس اورا پوشیده باپاهای خود آب را نوشیده‌اند(۳)

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است:
«وقتی که او بوجود آمد کی اورا دید وچه کسی مشاهده کرد که این موجود بی استخوان موجودات استخوان‌داررا حمل میکند؟»
خون زمین، وحیات، وروح او کجاست؟ کی میتواند بمردی که میداند نزدیك شود و از او بپرسد؟!»

(۲) یعنی من مانند کسی که نمیداند ازدانشمندانی که میدانند سؤال میکنم تا دانش را به دست آورم

(۳) ظاهراً منظور از «مقام مرغ زیبا»، منزل خورشید (آفتاب) است ومقصود از سر او گاوان شیر میدوشند اشعهٔ آفتاب میباشد که عوامل فرستادن باران اند ودوباره آنرا جذب میکنند.

آن چرخ را سه ناف است که سالم و فساد ناپذیر میباشد ،و در روی آنها تمام این عوالم موجودات قرار گرفته‌اند .(۱)

۳ ـ آن هفت که بر ارابهٔ هفت چرخ سوارند و آنها را به پیش میبرند ،

هفت خواهر باهم سرودهای ستایش را میخوانند که در آنها نام هفت گاو ذخیره گشته است(۲).

٤ ـ کی فرد نخستین را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی‌جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست؟

---

(۱) مقصود از کلمهٔ هفت ، هفت روحانی است، ومقصود از ارابهٔ یك چرخ، خورشید است ، ومقصود از هفت ناف، شاید شعاع آفتاب باشد و منظور از سه ناف گویا سه فصل یعنی فصل گرما ، وباران وسرماست .

ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است .

« آنها هفت (اسب) را به ارابهٔ یك چرخ می‌بندند ؛ یك اسب که نام او هفت است آنرا میکشد ؛ آن چرخ سه محوری هرگز خراب نمیشود وهیچگاه از جای خود باز نمیگردد،و در آن تمام این نواحی جهان منزل دارند»

(۲) مقصود از کلمهٔ هفت در این «پادا Pada» شاید هفت شعاع آفتاب یا هفت تقسیم سال که عبارتست از انقلاب ، فصل ، ماه ، پانزده روز ، روز، شب، وساعت . هفت چرخ ارابه و هفت اسب نیز شاید اشعهٔ آفتاب باشند . مقصود از هفت خواهر ، هفت رودخانهٔ آسمانی است که نشانهٔ حاصلخیزی است واسم گاوها را دارد

ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

«آن هفتی که برین ارابهٔ هفت چرخ ریاست میکنند هفت اسبی (هستند) که آنرا میکشند هفت خواهر باهم بر آن سوارند،وهفت شکل تلفظ در آن قرار گرفته‌است »

۱۰ ـ آن فرد یگانه (خورشید) که سه‌پدر وسه‌مـادر دارد ، در اوج بایستاد،وهیچ‌چیز اورا خسته‌نمیکند،

(خدایان) در اوج‌آسمان راجع به او به‌زبانی که شامل همه است ـ (ولی) به‌همه نمیرسد ـ مشورت میکنند [۱] .

۱۱ ـ چرخ دوازده پرهٔ (خورشید) حقیقی در دور آسمان‌در گردش است،وهرگز خراب نمیشود .

هفتصد و بیست فرزندجفت به‌جفت‌اگنی در آن‌ساکن‌اند[۲].

۱۲ ـ آن پدرپنج‌پای دوازده شکل را«دروشین» خوانده‌اند وقتی که در آن نیمکـرهٔ آسمان است ، و دیگران او را«اربیتا» میخوانند وقتی که در این (قسمت آسمان) است ، و با ارابهٔ هفت چرخ خود که‌هریك (هر چرخ) شش‌پره‌دارد میدرخشد[۳].

۱۳ ـ تمام موجودات‌درین‌چرخ گردندهٔ پنج پره ساکن‌اند،

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

در زیر بار سه پدر وسه مادر او استوار ایستاده است ، آنهاهرگزاورا خسته نمی‌سازند . در قلهٔ آسمان آنها با یکدیگر سخن میگویند باکمال دانائی وبدون هیچ فشار و اجبار .

در توجیه مفهوم این قطعه گفته‌اند : منظور از سه مادر و سه پدر سه زمین وسه آسمان است

(۲) ظاهراً منظور ۳٦۰ روز و ۳٦۰ شب‌دریك‌سال میباشد .

(۳) بنا بر عقیدهٔ سایبه منظور از عبارت « پنج پا » ، پنج فصل سال است که فصل مرطوب (بارانی) وفصل سرما یك فصل بشمار رفته‌است ، ومنظور از عبارت . « دوازده شکل » دوازده ماه سال است .

۸ ـ مادر (زمین) پدر (آفتاب) را جهت مراسم مقدس برای خاطر آب پرستش میکند، اما او که (خواهش مادر) را در فکر خود از پیش میدانسته است و به سبب خواهش فرزندان او (مادر) از شبنم آبستنی پرشده و در انتظار فراوانی کلمات (تبریك) را ادا میکند (۱).

۹ ـ مادر به مالبند ارابه گاو نعمت بسته است، در طبقات مرطوب ابر فرزند قرار گرفته است.

آن گاه گوساله به‌صدا درآمد، و به‌مادر نگریست، گاوی که‌در سه جهت به‌همه اشکال درمی‌آید (۲).

---

(۱) گریفیت این قطعه‌را چنین ترجمه کرده است.

«مادر به‌آن‌بزرگوار سهم اورا از نظم می‌بخشد، نخست با تدبیر آن مادر با او در زوج ازدواج میکند آن بانوی آزرمگین که از شبنم باروری آکنده گشته است، مردم با پرستش به‌ستایش او روی‌آورند»

بنا بر گفتهٔ مفسران مقصود از مادر زمین، و ازبزرگوار، آسمان‌است که زمین سهم بزرگ خودرا در باروری جهان‌به‌آسمان میدهد ومقصود از شبنم باروری باران سودمند است

(۲) مقصود از مادر زمین و از فرزند خورشید جهان واز گوساله‌بصدا درمی‌آید ابر رعد خیز وخروشان‌است. ومقصود از سه جهت. زمین، آسمان، وجو ـ میان‌آن دو ـ میباشد

این‌آیه را ویلسون چنین ترجمه کرده است.

«مادر(آسمان) در (حمل) بار آورندهٔ امسال (زمین) شریك‌شد نطفهٔ (آب) در (رحم) ابرها باقی ماند گوساله برآن نعره زد وگاو همه شکل را در سه ترکیب بدید»

آن که فرزند دانشمندی است این را میفهمد، و آن که تمیز میدهد پدرپدر است.

۱۷ ـ در زیر عالم بالا، و در بالای این عالم پائین گاو برخاسته و گوسالهٔ خود را دربر دارد،

از کدام سو، و بکجا رفته است؟ کجا گوسالهٔ خودرا زائیده است؟ در میان این رمه نیست.[1]

۱۸ ـ آن که حافظ ایـن (جهـان) را میشناسد، مانند کهتری است که مصاحب مهتر است یا مهتری که مصاحب کهتر میباشد، او دانشمند است ولی چه کسی در این جهان میتواند بیان کند که کی فکر الهی در سمو خود بوجود آمده است[2]؟

۱۹ ـ آنچه را که (دانشمندان) نزولی خوانده‌انـد، آن را صعودی نیز خوانده اند، و آنچه را که صعودی نامیده‌اند نزولی هم نامیده‌اند.

---

(۱) ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است

«گاو گوسالهٔ خود را با دو دست در زیر (شکم خود) نگاه داشته، و سپس با دو پای خود ببالا رفته است.

کجا رفته‌است؟ در نیمهٔ راه بکه برگشته است؟ کجا بچه زائیده‌است؟ در میان گله نیست.»

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است.

آن که پدر این گوساله در زیر عالم بالا و بالای عالم زیرین اورا می‌بیند وخویش را دانشمند نشان داده باشد که اعلام دارد روح خدا مانند از کجا برخاسته است.

آن محور سنگین بار هرگز گرم نمیشود، و هرگز سائیده نمیگردد

۱٤ـ این چرخ زوال ناپذیر هموار چنبر مکرر در گردش است، ده گانگان[۱] درسطح بالای این (چرخ) متحد گشته (جهان) را حمل مینمایند.

حرم خورشید که آب در آن است به پیش میرود، و همهٔ موجودات در آن قرار دارند.

۱٥ ـ از همهٔ آنها که باهم تولّد یافته‌اند، دانشمندان هفتمین را نوزاد یگانه خوانده‌اند، چون شش تای دیگر توأم‌اند، و در حرکت میباشند وارخدایان بوجود آمده‌اند[۲].

خصایص مطبوع آن‌ها جداجدا درمنزل خاص آنان قراردارد، و دارای اشکال مختلف‌اند، و (برای) آن یکی که ثابت است، در حرکت میباشند.

۱٦ ـ اینهارا زنان یا کدامی نامیده‌اند؛ نرها آن که چشم دارد می‌نگرد، شخص کور از دیدن عاجز است[۳]،

(۱) بعضی از مفسران ریگ ودا مقصود از عبارت «ده گانگان» را باحتمال ده ناحیهٔ فضاء ویا آلت حس یا پنج نگاهبان جهان و یا پنج طبقهٔ مردم و یا چیز دیگر دانسته‌اند

(۲) منظوراز آنها که باهم تولدیافته اند، ظاهراً سال، وماه، یاشش فصل (هرفصل دوماه ازسال) میباشد

(۳) در اینجا یك موضوع دستور زبان است که اشعهٔ خورشید که از نظر دستور زبان مذکر است در اینجا زن (ماده) نامیده‌شده‌است.

داد(هر چند در دانش) کامل نیستم.

۲۲ ـ در درختی که (اشعهٔ) آرام رو ، و رزق بخشندگان (محصول) شیرین وارد میشوند ، و دوباره روشنی را به همه می بخشند ؛

این میوه‌را شیرین مینامند ، اما آن که حافظ (جهان) را نشناسد، از آن برخوردار نخواهد بود.

۲۳ ـ کسانی که منزلگاه اگنی را در روی زمین بشناسند ، منزلگاه وایو ـ که از افلاك ساخته شده است ـ و مقام خورشید را ـ که در آسمان است ـ جاودانی به دست میآورند .

۲٤ ـ او دعا را به وزن (بحر) «گایتری» میسازد ، و با دعا « سوما » را میسازد ، و به وزن « تریشتپ » سرود های دو یا چهار مصراعی‌را (میسازد) .

وبا بیت (مثلث) سرودهای دو یا چهار مصراعی را میسازد ، و ازمقطع‌ها هفت وزن‌را میسازد.

۲۵ ـ با قطعاتی در بحر:«جگتی»(۱) او باران را در آسمان ثابت کرد ، و برخورشید در «رتهنتره»(۲) (سامن) نظارت نمود.

---

(۱) جگتی Jagati یکی از بحرهای علم عروض مرکب از ۱۲ × ٤ مقطع

(۲) رتهنتره Rathantara ۰ نام یکی‌ازمهمترین وبزرگترین‌سرودهای سام بید .

و آن (مداراتی) که تو سوما واندرا ساخته‌ای درمیان جهان‌ها مانند (گاوانی) هستند که به ارابهٔ بسته شده‌اند.

۲۰ - دو پرنده درمصاحبت‌هم و دوست یکدیگر، دریك درخت پناه گرفته‌اند.

یکی از آنها انجیر شیرین را میخورد، و دیگری از غذا خودداری دارد وفقط نگاه میکند.(۱)

۲۱ - جائی که اشعهٔ نرم رو، و واقف (بر وظایف خویش) قسمت ابدی آب حیات را تقطیر مینمایند،

در آنجا خداوند و حافظ پا برجای موجودات مرا رخصت

---

(۱) در اوپانیشاد «مندك» (مندکیه Mondakya) درتوضیح جنبهٔ فلسفی این مطلب چنین بیان‌شده است ·

دو پرندهٔ خوب‌اند و هر دو همنشین و بیکدیگر یار و در یك درخت میباشند یکی از آن دو، میوهٔ آن درخت را شیرین دانسته میخورد، و دیگری هیچ نمیخورد ومی‌بیند

(مراد از این دوپرنده‌ای که یکی میخورد ودیگر نمیخورد و مـی‌بیند اینست

آن که میخورد · «جیوآتما» است، وآن که نمیخورد ومی‌بیند «پرم‌آتما» است و مراد از درخت بدن، و مراد از میوهٔ آن درخت کـه شیرین دانسته میخورد نتیجهٔ اعمال است)

و آن پرنده‌ای که میوهٔ آن درخت میخورد بسبب نادانی از حقیقت خود واقف نیست واز همین جهت در فکر وآزار است، وقتی که بر حقیقت پرنده‌ای که نمیخورد ومی‌بیند مطلع شود، او هم (از خوردن باز ماند و) مثل او شود (یعنی از قید عمل فارغ) بی‌فکر و بی‌اندوه میگردد.

۳۰ ـ حیات ذی‌نفس با شوق (در انجام وظایف خویش) پای برجا درمیان منزلگاههای خود آرام میگیرد.

حیات بدن فناپذیر که بوسیلهٔ قالب فانی شناخته میشود به کمك نذور جاودانه باقی میماند

۳۱ ـ من حافظ خستگی ناپذیر جهان‌را دیده‌ام، خورشید که در فراز و نشیب راههای مختلف در حرکت است .

و دارای روشنی مجتمع و منتشر میباشد ، درمیان آن نواحی در گردش‌است .

۳۲ ـ آن که (این اشیاءرا) ساخته است آن را نمیفهمد ؛ آن که آنرا دیده‌است‌نیز بر او پنهان است ،

او در حالی که در رحم مادر خـود قرار دارد ، مـوضوع چندین تولد است و برندی وارد شده است .

۳۳ ـ آسمان پدر و بوجود آورندهٔ من است ؛ ناف (زمین) خویشاوند من است ، زمین وسیع مادر من است .

مشیمهٔ (همه آفرینش) در میان دو ملعقهٔ (ملاقه) برافراشته قرار دارد ، و پدر نطفهٔ (باروری) دختـر را در آن فرو ریخته است .

۳٤ ـ من از تو (ای آموزگار مراسم) میپرسم کـه انتهای زمین کجاست؟

من از تو میپرسم که ناف‌جهان کجاست؟

وزن گایتری‌را دارای سه قسمت دانسته‌اند، وبدین جهت در نیرو،وشکوه از(بقیهٔ بحور) افزونتر است .

۲۶ ـ من گاو (شیرده)را که‌به‌آسانی‌میتوان دوشید، میخوانم تا دوشنده‌شیر او را بدوشد .

باشد که سویتری این نذر مایع عالی ما را بپذیرد ، و گرمی او افزایش یابد، و بدین منظور است که من بجدّ او را میخوانم .

۲۷ ـ او (آن گاو) بعبع کنان می‌آید ، و ثروتش فراوان است،و در اندیشهٔ (فکر) خویش گوسالهٔ خودرا میخواهد .

باشد که این گاو شیر خود را به « اشوین » ها ببخشد ؛ باشد که او برای سودبزرگ‌ماکامیاب گردد.

۲۸ ـ این گاو برای گوسالهٔ خود که‌چشمانش چشمک‌میزند، صدا میکند ، و بعبع کنان پیش میرود تا پیشانی اورا بلیسد.

با نگرانی فریاد میکشد ، و رطوبت گوشه‌های دهان اورا (گوساله) می‌بیند،و اورا باشیر خود غذا میدهد.

۲۹ ـ گوساله نیز صدا میکند ، و گاو صدا های بی‌معنی بیرون می‌آورد، و چون گوساله به دور او میگردد ، گاو بطرف «گاوخانهٔ» خودمیرود،

ودراثر غریزه‌های خویش مانند فرد بشری رفتار میکند، و درخشندگی طبیعت خودرا آشکار میسازد.

اما (مردمانی که آن ها را می‌بینند) باتفاق یکدیگر (درین جهان با یکدیگر) همه جا میروند، (ودر جهان های دیگر باهم) همه‌جا میروند، یکی‌را شناخته ودیگری‌را نشناخته‌اند

۳۹ ـ همهٔ خدایان درجای خود برین‌عرش اعلای فنا ناپذیر (متن) «ودا» قرار گرفته‌اند،

آن که‌این‌رانداند، ودا(بید)به‌چه‌کار اوخواهدآمد؟اما آن‌ها که این‌را میدانند،کامل‌اند.

۴۰ ـ ای گاو باشد که شیر تو در اثر علوفهٔ فراوان زیاد شود تا ما نیز (در فراوانی) غنی گردیم .

در همهٔ فصول علف بخور (وبه‌میل خود بگرد) و آب پاك بنوش .

۴۱ ـ صدای ابرها برخاسته است ، و آب ها را ساختند ، و یك پا ودوپا وچهار پا و هشت پا و نه پا و بی نهایت در عرش اعلی بودند .

۴۲ ـ از آن ابرها باران فراوان فروریختند که موجب‌حیات (مردم) اقطاع اربعهٔ جهان گردید .

از آن رطوبت (به دانه ها) منتشر میشود و جهان بدان زنده است .

۴۳ ـ من در نزدیك (خود) دود(سوخت) تپاله‌های گاو را

من از تو میپرسم که نیروی باروری مرکب باران در چیست ؟
من از تو میپرسم که آسمان اعلای سخن (مقدس) چه میباشد؟
۳۵ـ این قربانگاه انتهای زمین است، این قربانی ناف جهان است.
این شیرهٔ سوما نیروی باروری مرکب باران زیر است ،
این براهمن آسمان اعلای سخن مقدس است

۳۶ـ هفت (نگاهدارندهٔ) جز ثومهٔ (باران) برای نصف سال (عنصر) باروری جهان بموجب فرمان در وظایف مختلف «ویشنو» قرار دارد.
بوسیلهٔ هوش خویش در افکار اطراف خود نافذاند چون آنها هشیار و ساطع میباشند (۱)

۳۷ ـ من در واقع چه هستم؟ خودم به خوبی نمیدانم؛ اسرار آمیز و مقید در فکر خویش سرگردانم .
وقتی که نخست زاد (ادراکات) حقیقت به من میرسد ، بیدرنگ قسمتی از (معنی) آن کلمهٔ (مقدس) به دست من خواهد آمد (۲).

۳۸ ـ خاوندان خویشاوند فنا پذیر در اثر (میل به) لذت به سوی (منطقهٔ) اعلی، یا اسفل میروند ،

---

(۱) بنظر «لودویگ Ludwig» این آیت سراسر نامفهوم است «گفتهٔ سایانه منظور از هفت، هفت شعاع آفتاب است و از ویشنو، خورشید است. این بند با این تقریب نیز ترجمه شده است. «هفت بذر نا رسیده هنوز جز ثومهٔ باروری آسمان است. آنها به امر «ویشنو» حافظ وظایف خویش اند، و اندیشهٔ آنها از همه سو حاضر و در ما احاطه دارند» .

(۲) قسمت اخیر این ماده چنین نیز ترجمه شده است «وقتی که نخست زاد قانون مقدس به من نزدیک شد، آن گاه من از این سخن طرفی به دست آوردم»

«اگنی» و «یم» ، و «ماتریشون» سخن میگویند(۱).

۴۷ ـ پرندگان (دانه‌های باران با اشعهٔ خورشید) آرام‌رو ـ آبهارا با ابر تیره پوشیده‌اند و به سوی آسمان بالا میروند و دوباره از منزلگاه باران فرود می‌آیند و فوری زمین از آب مرطـوب میشود .

۴۸ ـ دایره‌های چرخ دوازده تا است ، و چرخ یکی است ، و محور سه تا ، ولی که این‌را میداند ؟

در میان آن سیصد و شصت پره (جمع) شده‌اند،ودر آن حال متحرّك،وغیرمتحرك میباشند .

۴۹ ـ ای سرسوتی ، آن سینهٔ خواب آلود کـه منشاءِ لذت هاست و تو با آن همهٔ خوبی‌ها را می‌بخشی که گنج نعمت است، و مقسّم ثروت،و بخشندهٔ خوشی (خوشبختی)،در این فصل آن سینه‌را برای ارتزاق‌ما بگشای(۲) .

---

(۱) گریفیت این بند را بدین‌صورت ترجمه کرده‌است «پستان‌تو که هرگز خشك نمیشود چشمهٔ لذت است که باآن‌همهٔ اشیای برگزیده‌را غذا میدهی ای‌ثروت‌بخش ، ای گنج‌یاب ، ای‌بخشندهٔ آزاد ، آن‌سرسوئی را بیاور تا باشد که ما از(پستان) آن‌بنوشیم»

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است ·
نام او (یا خورشید) را اندرا ، میترا ، وروبا واگنی خوانده‌اند و او گروتمت خوش بال آسمانی است. روحانیان دانشمند وقتی از اگنی ، و یم و ،ماتریشون سخن میگویند یکی را بچندین نام میخوانند

مشاهده نمودم ، واز آن وسیله(معلول) منتشر پی بعلت (آتش) بردم
روحانیون گاو سوما را آماده ساختند چون این اولین وظیفهٔ
آن‌ها بود (١).

٤٤ ـ آن سه تا با گیسوان زیبای خود در فصول مخصوص
به خویش بر زمین مینگرند (٢).
یکی از آنها وقتی که سال به آخر میرسد(زمین را)دور میکند ،
ویکی با اعمال خویش بر جهان ناظر است ،
وسومی مسیرش دیده میشود، ولی شکلش نه .

٤٥ ـ سخن را چهار درجهٔ مشخّص است :«براهمن»ها که دانا
هستند آن‌ها را میدانند .
سه درجهٔ آن درنهان است ، وهیچ معنی بر آن مترتب نیست ،
مردم به درجهٔ چهارم سخن میگویند.

٤٦ ـ او را اندرا ، و میترا ، و ورونا ، و اگنی ، و حتی
«گروتمان»ـ پرندهٔ تیز بال آسمانی ـ میخوانند.
یک واقعیّت مفرد را دانایان به چند نام میخوانند :وقتی که از

(١) این آیه را گریفیت این طور ترجمه کرده است «از دور من دود سوخت را که با پیچ و تاب در بالای آنچه در زیر واقع است بر می‌خاست مشاهده نمودم . مردان نیرومند آن نر گاو ابلق را پوشاندند، اینها از رسوم ایام گذشته بود» منظور از دود سوخت دودی است که از سوختن تپالهٔ گاو برخیزد ومقصود از مردان نیرومند خدایان وقهرمانانند. «نر گاو ابلق» سوما است بعضی از مفسران احتمال داده‌اند روبهمرفته این آیت در وصف جمع شدن ابرهای بارانی باشد

(٢) مقصود آتش ، وآفتاب ، وباد است .

اندر ستایش : اگنی

۱ ـ آتش بزرگ در آغاز سپیده دم برخاسته،و از تاریکی با رخشندگی بیرون تاخته است .

اگنی فروزان‌تن بمحض تولّد همهٔ منزلگاه‌هارا بانور تابندهٔ خود پُر می‌سازد

۲ ـ ای اگنی ! چون تو تولّد یافتی جُرثومهٔ آسمان،ورمین شدی ، در گیاهان جا گرفتی ، رنگارنگ شدی ، کودکانه شدی ، سیاهی شب‌را پراکنده کردی،و باغرش بلند ازسرچشمه‌های مادری بیرون آمدی .

۳ ـ ویشنوی والا که باکمال دانشمندی ظاهر میباشد،مقام اعلای خویش را خود حفظ میکند .

وقتی که شیر شیرینی را به دهان او تقدیم نموده‌اند ، همه هم‌آهنگ ستایش او را میسرایند (۱).

---

(۱) این قطعه را ویلسون باین تقریب ترجمه کرده است .

آن که چون پیدا شود وسیع و داناست ، و توکه در همه‌جا حاضری از (من) دفاع کن سومین (ظهور) اوهنگامی که ستایندگانش بادهان‌خویش آب اورا میطلبند و برای یك منظور برانگیخته شده اند ، اورا دربن جهان می‌سرایند

۵۰ ـ خدایان قربانی میکنند چون این اولین وظیفهٔ آنان است.

آن افراد توانا در عرش گرد می‌آیند ـ جائی که خدایانی که باید خشم آنها فرو نشانده شود (بوسیلهٔ مراسم مقدس) منزل دارند.

۵۱ ـ آب یکنواخت درفرار و نشیب گردش ایام در جریان است.

ابرها به‌زمین شادی‌می‌بخشند، و آتش‌ها آسمان را مسرور میسازند.

۵۲ ـ من برای حفظ وحمایت خود (خورشید)آسمانی نیکو بال تیزرو بافر و شکوه را میخوانم.

آن که جرثومهٔ آب هاست، و نشان دهندهٔ گیاهان است، و غمخوار دریاچه هاست، و برکه (غدیر) هارا دوباره با باران پُر میکنند.

(ماندالای اول ـ سرود ۱۶۴)

ستایش را در اینجا چون «دروهیتا» به خدایان تقدیم نما (۱) .

۷ ـ تو ای اگنی همان گونه که پسری پدر و مادر خود را (نگاه میدارد) زمین و آسمان را همواره نگاه میداری .

ای جوانترین (خدایان) به حضور آن‌ها که مشتاق‌تواند ، بیا ،

ای فرزند نیرو ، خدایان را بدین‌جا بیار .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱)

---

(۱) گریفیت این سدرا چنین ترجمه کرده است .

« بدین گونه در مرکزی ترین مقام زمین ایستاده است ، و جامه های مرین دربر دارد

و درآن هنگام که مردم نذور را می‌ریزند ، با رنگ قرمز تولد یافته است .

ای پادشاه ، بصورت رئیس روحانیان خدایان را بدین‌جا بیاور» .

۴ ـ مادران که از آن‌جا غذا برداشته‌اند ، برای دیدار تو می‌آیند ؛ و برای تو غذا می‌آورند (۱) .

ای آن که غذا را فزونی می‌بخشی ، اینان در شکل تغییر یافتهٔ خود باز تورا دیدارمینمایند(۲).

تو روحانی خوانده شدهٔ خانه‌ها و مردمی .

۵ ـ ای روحانی مراسم مقدس با ارابهٔ رخشان ، ای رایت نورانی هریك از اعمال پرستش ،

ای آن که با هریك از خدایان در قدرت و جلال شریکی، حتی اگنی مهمان مردم ، من تو را میخوانم (۳) .

۶ ـ ملبس به لباسهای فاخر ، اگنی‌در ناف زمین‌منزل‌دارد، ای‌اگنی شاهوار که‌میدرخشی،و درجای‌پای«ایلا»(۴)تولدیافته‌ای،

(۱) ظاهراً منظور از کلمهٔ « مادران » نباتات است که حیات را غذا می‌بخشند .

(۲) منظور از «شکل تغییر یافته» ، چوب خشك است که اگنی بصورت آتش‌آن‌را طعمهٔ خویش میسازد .

(۳) این آیت بدین گونه نیز ترجمه شده است .

« (ما) اگنی را برای کامیابی (میستائیم) ، توکه احضار کنندهٔ خدایانی ، توکه رنگارنگ و رسانندهٔ قربانی ها (بهخدایان) هستی،توکه پرچم تابان هر بدری ، ودر نیرو از هر خدای دیگری افزونی ، توکه مهمان مردمانی»

(۴) ایلا Ila : الهه دعا یا نماز .

٤ ـ تو بی آن که بدانی به کجا میروی بر این مرکب سوار شدی ، و آنرا به حرکت درآوردی؛ . یك آهنگ [۱] از عقب تو را مشایعت میکند؛ تو بر این کشتی سوار شدی ، و به جانب ساحل دیگر که دیار نیستی است ، و آرامگاه نیاگان است رهسپار گشتی ، و باینجا رسیدی .

٥ ـ کی تو را بوجود آورد ؟

کی این ارابه را به اینجا هدایت کرد ؟

آیا کسی هست که بما بگوید امروز تو در این سفر چه زاد و توشه‌ای همراه آوردی ؟ ! [۲]

٦ ـ در این هنگام قسمت بالاتر و بلندتر ارابه [۳] به جلو

---

(۱) یعنی : آهنگ سوگواری و ماتم .

گریفیت این آیه را چنین ترجمه کرده است .

«ارابه‌ای که تو آنرا روان ساخته‌ای که از دانشمندان دور شود، ای کودك (آهنگ) « سامن » از نزدیك در دنبال آن روان است و باهم در کشتی قرار داده شده اند»

(۲) منظور همان « تابوت » است .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

« وقتی که تقدیمی تشییع درجای خود قرار گرفت بلافاصله (بیدرنگ) نقطهٔ شعله هویدا گشت ، ژرفائی درجلو گسترش یافت، ومعبری درعقب باز گشت».

ظاهراً مقصود از «معبر» راهی است که خاکسترها را از آن راه میبرند. ؛

(۳) این بند چنین نیز ترجمه شده است .

«پدر این کودك که بود ؟ کی این ارابه را روان ساخت ؟ کی امروز بما اعلام خواهد کرد که تقدیمی تشییع (جناره) چگونه ساخته شده است ؟»

۹۹
خطاب به: یم Yama

۱ ـ بر فراز درختی که دارای شاخ و برگ زیباست، و«یم» (پادشاه مردگان) در حضور سایر خدایان به‌می گساری (نوشیدن شراب سوما) مشغول بود، آن‌جا پدر من داوطلب شد که‌به‌نیاکان خود ملحق شود (۱).

۲ ـ دیدن این منظره برای من اندوهگین وغم‌انگیز بود، و خوشحال نشدم وقتی او را در این راه دشوار و زشت دیدم؛ چه من آرزو داشتم از تجدید دیدارش بهره‌مند شوم.

۳ـ ارابهٔ تازه وارد، ای پسرمن،این‌ارابهٔ تو چرخ ندارد، تو آنرا نمی‌بینی؛ تو آن (ارابه) را درفکرخود مُجسّم‌ساخته ای،و بمنزلهٔ (طلایه و)پیش قراول (مردگان) است که به هرسو، رو می‌آورد. (۲)

---

(۱) گریفث این بندرا باین تقریب ترجمه کرده است.
«درآن درختها که با برگ‌های نیکو پوشیده شده است، جائی که یم با خدایان ممنوشدآن‌پدر ـ سرورخانواده ـ نیاگان مارا مورده‌رقرار میدهد»

(۲) ای کودک تو برآن ارابهٔ تازه وارد بی‌چرخ سواری هرچندتوآنرا نمی‌بینی، تو آن (ارابه) را در فکر خودت مجسم ساخته‌ای که دارای یك محور است ولی به هرسو می‌چرخد».

(در این‌جا خطاب‌به تابوت پسر جوانی که درگذشته است،خدای‌مرگ (یم) میگوید.)

۱۰۰

ستایش : اندرا ، سوریا ، و اتری

(۱) Atri . Surya . Indra

۱ ــ بیا به نزد آنچه سنگ ها فشرده‌اند ، سومارا بنوش ، ای خداوند سوما ،

ای اندرا ، ای بهترین کشندهٔ وریترا ، ای نیرومند ، با نیرومندان (۲) .

۲ ــ سنگ (عصاری سوما) نیرومند است ، وعصاره نیرومند است ،واین سومای فشرده شده نیرومند است.

ای اندرا ، ای کشندهٔ وریترا ، ای نیرومند ،با نیرومندان.

۳ ــ ای نیرومند من تورا به نیرومندی میخوانم ، ای رعد سلاح، با یاران مختلف ،

---

(۱) ابیات این سرود یکنواخت نیست و به دوقسمت منقسم میشود . قسمت اول مشتمل بر چهار آیت اول خطاب به اندرا میباشد وموضوع قسمت دوم کسوف آفتاب است بوسیلهٔ : « Svarbhânu » یا « اتری Atri »

(۲) منظور از نیرومندان ماروت‌ها Meruts (بادها) هستند

پیشرفت، وقسمت دیگر آن پائین آمد،و راهی برای خروج (میت) باز شد .

۷ــ این جاست عرش بر بن مَفرّ «یم»، جایگاه خدایان که کودکان درگذشته به آنجا واردمیشوند ،

این نی خدایان است که مینوازند و آوارهای روحانی از هرسو شنیده میشود ،و باین محیط زیبائی خاص میدهد (۱) .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۳۵)

---

(۱) این آیه را باین تقریب نیز ترجمه کرده‌اند

این جاست مکانی که « یم » درآن‌جا زندگانی میکند ، و آنرا خانهٔ خدایان می‌نامند

این جا خنیاگران برای او در نی میدمند

دراینجا اورا با سرودها تجلیل میکنند .

ای میترا ، توئی که فرستندهٔ نعمت‌های حقیقی‌میباشی ' تو ،
و«سوربهانو» ـ هردو ـ مرا یاری کنید .

۸ـ برهمن اتری چون باستایش وپرستش درخدمت خدایان
سنگ‌های‌سوما فشاررا مرتب‌میکند .

درآسمان چشم سوریا را برقرار می‌سازد ، وسبب میشود که
جادوی «سوربهانو» برطرف گردد .

۹ ـ اتری ها خورشید را باز می‌یابند که سوربهانو او را
ـ از نژاد اسورا ـ با تاریکی خویش سوراخ کرده بود .

جز او کسی‌چنین قدرتی ندارد .

(ماندالای پنجم ـ سرود ٤٠)

ای اندرا ، ای بهترین کشنده ورترای نیرومند ، با نیرومندان .

٤ ـ ای شتابنده ، ای خروشنده ، ای کوبندهٔ زورمندان ، ای پادشاه ، ای قادر ، ای کشندهٔ ورترا ، ای نوشندهٔ سوما ، باشد که او با اسب گرنگ براق شدهٔ خویش به اینجا آید؛ باشد که اندرا را این نذر نیرور مسرور سازد

٥ ـ ای سوریا ، آن گاه که « سوربهانو » (۱) ـ از نژاد اسورا ـ تورا با تاریکی سوراخ کرد.

همهٔ آفریدگان حیرت‌زده مینگریستند، چون نمیدانستند او در کجا استاده است .

٦ ـ ای اندرا در چه‌وقت تو جادوی « سوربهانو » را که در زیر آسمان گسترده‌است فرومیکوبی با چارمین‌دعای (نماز) مقدس خویش .

« اتری » ، «سوریا» را که درتاریکی پنهان شده وازکار فرو مانده بود، پیدا کرد.

۷ ـ مگذار که ستمگر با چنین خوفی مرا با خشم ببلعد ، چون من از آن‌توام ، ای اتری .

(۱) بنا براساطیرهندو سوربهانو Svarbhânu . اسورا یا دیوی است که موجب خسوف‌و کسوف‌ماه وخورشیدمیگردد بعدها این دیو بنام Rāhu خوانده شده‌است درریگ ودا جز دراین سرود باین‌نام برنمیخوریم .

کیست که ما را به «ادیتی» توانا بازرساند تا باشد که من پدر ومادر خویش را ببینم .

۲ ــ اگنی آگهی (خداوند) درمیان جاودانیان اول است، ـ به نام مبارك او بیندیشیم

او ما را به «ادیتی» مقدس باز خواهد رساند ؛ تا باشد که من پدرومادر خویش را ببینیم

۳ ــ به‌سوی تو، ای سویتر ، ای خداوند چیزهای گران بها که پیوسته ما را مدد می فرمائی ، ما برای سهم خوش می آئیم .

٤ ــ ثروت که ستوده بود ولی به زودی مورد ملامت قرار گرفت، بی‌هیچ تنفرّی در دست توقرار دارد.

٥ ــ در سایهٔ حمایت تو باشد که ما حتی به‌اوج جریانی که «بهگه» (۱) برای‌ما قرارداده است برسیم .

٦ ــ این مرغانی که در هوا در پروازند ، هرگز به منزلگاه عالی،و توانائی، وروح‌تو نخواهند رسید،

و نه‌این آب‌ها که همیشه‌درجریان‌اند، و نه کوه‌ها که‌غضب‌باد را فرو می‌نشانند .

۷ ــ وروناپادشاه نیروی‌مقدس، تنهٔ‌درخت‌را درناحیهٔ‌بی پایه برافراشته نگاه‌میدارد.

---

(۱) بهگه Bhaga : بخشندهٔ ثروت یا بخت و تقدیر .

۱۰۱

درستایش: ورونا وخدایان دیگر (۱)

۱ ـ اکنون او کیست؟

کـدام خدا ار میان جاودانیان است که بنام مبارك او بیندیشیم؟

---

(۱) این سرود خطاب به ورونا ، پرجاپتی ، اگنی ، سویتر ، وبهگه است واولین سرود ارآن دسته سرودهائی‌است که به « شونه شپه Sunahsepa» پسر « اجیگرته Agigarta» نسبت داده شده‌است ، وحکایت آن بشرحی‌است که در «ایتریه براهمانا Aitareya Brāhmana » نوشته شده وبقرارزیرمیباشد:

پادشاهی به نام « هریشچند Harischanda » ار « ورونا » مسئلت نمود تا به او پسری عطا فرماید و ندر کرد که نخست زادهٔ خویش را در راه آن قربانی کند این دعا اجابت یافت وپسری‌آورد که اورا «روهیتا Rohita» نام نهادند اما پادشاه قربانی اورا بتأخیر انداخت تا « روهیتا » بزرگ شد و وقتی پدرش به او اعلام داشت که باید قربان شود ، روهیتا تسلیم نشد وچندین سال دور ار خانه در جنگل میزیست هریشچند با کمال دلتنگی با دانشمندی به نام « اجیگرته » ملاقات نمود و این موضوع‌را درمیان‌نهاد و او شاه را تشویق کرد کـه پسر دوم خود یعنی « شونـه شپه » را به جای « روهیتا » ـ پسر اول ـ برای ورونا قربانی کند . وقتی شونه شپه را برای قربانی‌حاضر کرده بودند به‌نصیحت‌وراهنمائی « ویشوامتر Visvāmitra» ـ یکی ازروحانیان مأمور قربانی او ـ به خدایان ملتجی‌شد وآراد گردید .

۱۰۲

ستایش: وشودیوها Visvedevas

۱ ــ باشد که ما با اندرا ، وخدایان (دیگر) کیهانی همهٔ این عالم‌هارا مالك شویم .

۲ ــ باشد که «اندرا» با «ادیتی» ها قربانی‌ما، و بدن‌های ما، وفرزندان‌مارا کامل نماید .

۳ ــ باشد که اندرا با ادیتی‌ها که « ماروت » ها درملازمت آنانند، حامی بدن‌های‌ما باشند.

٤ ــ وقتی که خدایان بعد از کشتن « اسورا» ها (به‌خانه) برگشتند، آن خدایان حافظ الوهیّت خود بودند .

۵ ــ با نیروی توانای خویش خورشیدرا بدینجا آوردند ، و با الوهیت نیرومند خود باطراف خویشتن نگریستند(۱).

(ماندالای دهم ــ سرود ۱۵۷)

---

(۱) قسمت آخر این قطعه را « ویلسون » از قول « سایمه » اینطور ترجمه کرده است : « آن گاه مردم باران شدید را در اطراف خود مشاهده نمودند»

بالا ، وبندهای میان ، و بندهای پائین را بگشا تا در قانون مقدس تو ما بیگناه شویم و در ملك ادیتی در آئیم .
ای «آدیتیا» (۱)

(ماندالای اول ـ سرود ۲٤)

(۱) آدیتیا Âditya . دراینجا مراد همان ورونا یکی از پسران «ادیتی» میباشد .

باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند.

۵ ـ اگنی نورانی که در دورترین ناحیهٔ جوّ به دنیا آمد:

باشد که او مارا از دشمنان بگذراند.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۷)

۱۰۳

ستایش: اگنی

۱ ـ من سرود خویش‌را به‌سوی اگنی میفرستم، به‌سوی او که گاو همهٔ مردم است؛

باشد که او ما را از دشمنان بگذراند(۱).

۲ ـ او که از مساحت دور از میان نواحی سایر به روشنی میدرخشد؛

باشد که او ما را ازمیان دشمنان بگذراند.

۳ ـ آن گاونر که با شعله‌های درخشان برافروختهٔ خویش، دیوان(راکشس‌ها)را کاملاً میسوزاند؛

باشد که او ما را از میان دشمنان بگذراند.

٤ ـ آن که به همهٔ موجودات مینگرد، و با نظرخویش بر همهٔ آنها واقف است؛

---

(۱) این قطعه با بن تقریب نیز ترجمه شده‌است.

« برای اگنی نیکوکار بشر (دوست) سرود سرای؛ باشد که او صدای ما را دور از (دسترس) آن‌ها که از ما نفرت دارند، بشنود »

۲۷۵

۶- ای سوما ، با روحی که هنوز در ماست ، و با باروری ،
وزیادی فرزندان برکت یافته است ؛
باشد که ما به قانون تو مشغول باشیم .

(ماندالای دهم - سرود ۵۷)

۱۰۴

خطاب به: سوما پومانه (عصارهٔ سوما)

۱ ـ ای اندرا مگذار که ما از این راه دور افتیم، از قربانی فشار دهندهٔ سوما، مگذار که بدخواهی در ما جای گزین گردد.

۲ ـ باشد که ما آن ریسمان را که برای رسیدن به خدایان رشته شده است، وکامل ساخته شده به‌دست آوریم، آن که قربانی را کامل‌میسازد.

۳ـ ماباسوما روح اسلاف خود را به اینجا میخوانیم، آری باسرود مقدس پدران(۱).

٤ ـ روح‌تو دوباره برای‌دانائی، ونیرو،وحیات به‌تو باز گردد تا تو بتوانی‌مدت‌ها خورشیدرابنگری.

۵ ـ ای پدران، باشد که ساکنان آسمان، روح ما را به‌ما برگردانند تا ما باآن‌ها که زنده‌اند باشیم.

---

(۱) ظاهراً مقصود از «روح» در اینجا، روح مرده‌ای‌است که مراسم سوگواری او برگذار میشود. و مقصود از «اسلاف» مردمانی‌هستند که‌بصورت خدائی درآمده‌اند ومقصود ازپدران روح‌های برکت یافته میباشد.

اینجا زندگی کنی .

۶ - روح تو به‌سوی اشعهٔ نور که میدرخشد وجریان دارند رفته است ،ماسبب‌میشویم که به‌تو باز گردد، وتو زنده باشی‌ودراینجا زندگی کنی .

۷ - روح تو که بسیار دور فته وبه آبها و گیاهان رسیده‌است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۸ - روح تو که بسیار دور رفته وخورشید وسپیده دم‌راد بده است، ما سبب میشویم که به‌تو باز گردد، و توزنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۹ - روح تو که بسیار دور رفته ، وبه قلل کوه بلند رسیده است، ماسبب میشویم که به تو باز گردد وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۱۰ - روح تو که به‌سوی آن (همه) که حیات و جنبش دارد رفته است ، ماسبب میشویم که به تو باز گردد وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۱۱ - روح تو که به کشورهای بسیار دور بیرون از دانش‌ما رفته است، ما سبب میشویم که به‌تو باز گردد، وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

خطاب به: مانس Manas (روح) (۱)

۱ - روح تو که به‌سوی «یم» و (به سوی پسر) «وی‌وسون» رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی ودراینجا زند گی کنی .

۲ - روح تو که بسیار دور گشته است ، وبه زمین وآسمان رفته ، ما سبب‌میشویم که به تو باز گردد ، وتو زنده باشی ودراینجا زند گی کنی .

۳ - روح تو که بسیار دور رفته است و به چهار گوشهٔ زمین رسیده ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی ودر اینجا زند گی کنی .

٤ - روح‌تو که‌به‌چهار ناحیهٔ‌جهان رفته است، ماسبب‌میشویم که تو زنده باشی ودر اینجا زند گی کنی .

۵ - روح تو که بسیار دور رفته و به دریای متلاطم رسیده است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، وتو زنده باشی و در

(۱) این سرود خطاب به‌روح شخصی است که درحال احتضارمیباشد

خطاب به: اندرا

۱ ـ آنکه بمحض تولّد، با نیرو و توانائی خدای بزرگ روح اعلی‌شد؛ حافظ خدایان گردید.

آن‌که دو جهان دربرابر نفس او از عظمت شجاعتش بلرزه درآمد، ای مردم او اندر است (۱).

۲ ـ آن که زمین لرزان را محکم وثابت ساخت، وآن که کوههای برهیجان راآرایش بخشید،

آن که این جوّ پهناور میانین‌را به بیمود، وآسمان را نگاه داشت، ای مردم او اندر است.

۳ ـ آن که اژدهارا بکشت وهفت رودخانه راآزاد ساخت، وگاوان‌را ازغار بالا بیرون آورد،

---

(۱) این قطعه را Macdonell چنین ترجمه کرده است

« آن که بصورت خدای اصلی وبیدار روح تولد یافت، و در دانائی بحد زیادی ازسایر خدایان پیش افتاد و درقبال جلال و قدرت مردانگی او، هردو جهان بلرزه درآمد، ای مردم، او اندراست ».

۱۲ - روح نو که به سوی آن چه هست ، و آنچه باید باشد رفته‌است،ما سپس‌میشویم که‌به‌تو بار گردد، وتو زنده باشی‌ودراینجا زندگی کنی .

(ماندالای دهم ـ سرود ۵۸)

۷ ـ آن که اسبان و همهٔ ارابه‌ها، ودهات و رمه‌های گاو در تحت سلطهٔ عالی اوست،

آن که به‌خورشید وصبحگاهان وجود بخشید، آن که آب‌ها را رهبری می‌کنند، ای‌مردم او اندر است(۱).

۸ـ آن که دو لشکر در صف مصاف که دشمن یکدیگرند و یکی قوی‌تر ودیگری ضعیف‌تر است، به‌سوی اوفریاد برمی‌آورند، آن که‌دوشخص برروی یك ارابه‌هریك‌برای‌خویش اورا میخوانند، ای‌مردم او اندر است (۲).

۹ ـ آن که بی یاری او مردم ما هرگز پیروز نمی شوند، آن که درجنگ همه اورا بیاری خویش میخوانند،

آن که تمام این جهان درنظر او جز ماسورهٔ نخی (گلولهٔ نخی) بیش نیست، آن که اشیای ساکن را بحرکت درمی‌آورد، ای‌مردم او اندر است.

۱۰ ـ آن که بسیاری از گناهکاران شریررا قبل ازآن که به خطر واقف شوند باسلاح خویش هلاك میسازد، وآن کس‌را که بجسارت او رامتغیر مینماید‌هرگز نمی‌بخشد، آن که«داسیو» (۳)را

(۱) منظور از رهبری آب‌ها، بارانهای فصلی است.

(۲) منظوراز‌عبارت‌هردولشکر ازاو استمداد میکنند ومنظورازعبارت آن که دونفر در روی یك ارابه هریك برای خویش اورا می‌خوانند، پهلوان و ارابه ران اوست

(۳) داسیو Dasyu : دیو ـ غیر آریائی.

آن که آتش‌را از میان دوسنگ پدید آورد ،وغنیمت برنده از نبرد جنگجویان‌میباشد، ای مردم اواندراست(۱).

٤ ـ آن که این جهان‌را بلرزه درمی‌آورد ، و آن که طایفهٔ دیوان پست فطرت‌را براند، آن که مانند قمار کننده‌ای مرده‌های خود را جمع مینماید ، ثروت دشمنان را بربود ، ای مردم ، او اندراست .

٥ ـ آن وحشتناکی که میپرسند او کجاست ، یا آن که میگویند که او نیست ، او مانند مرغان اموال‌دشمنان‌رامی‌رباید، بر او واثق باشید (اعتقاد داشته باشید) ، چون او ای مردم‌اندرا است (۲) .

٦ ـ او که بیچارگان وافتادگان وروحانی، و کمك روحانی که ستایش اورا میسراید، بکار وامیدارد،

آن نیك‌صورت (آن زیبارو) که برفشارنده وحاصر کنندهٔ سوما لطف می‌فرماید، ای‌مردم او اندر است.

---

(۱) مقصود از آتش میان دوسنگ ، ظاهراً برق میان زمین و آسمان است

(۲) این‌قطعه را«مکدونلMacdonell »به‌این‌تقریب ترجمه کرده‌است: «راجع به‌آن قهارمیپرسند «او کیست » ؟ فی‌الحقیقه دربارهٔاومیگویند: او وجود ندارد ثروت رؤساء را مانند گرو قماربازان او کم میکند به او ایمان بیاورید،چون او ای مردم اندراست» .

تهیه نموده و میریزد ، نیرو ببخشی ؛ باشد که ما دوستان تو ای اندرا همیشه با صدای بلند در این مجمع با قهرمانان خوب سخن گوئیم [۱] .

(ماندالای دوم – سرود ۱۲)

(۱) منظور از قهرمانان ظاهراً فرزندان شجاع آنها است

میکشد، ای مردم او اندر است

۱۱ ـ آن که در جهلمس پائیر «شمبره» را که درمیان کوهستان زندگی میکرد بیدا نمود ، و اژدها را که قدرت خویش را آشکار می‌ساخت ، ودیوی که در آن بود بکشت ، ای مردم او اندرااست .

۱۲ ـ آن که با هفت مهار (زمام) آن گاونر، آن قادر، هفت سیلاب بزرگ‌را آزاد ساخت‌تا به‌میل‌خویش روان گردند ، آن که چون آسمان میگذشت و به رعد مسلّط بود «روهینه» را پاره پاره ساخت، ای‌مردم او اندر است(۱)

۱۳ ـ حتی آسمان وزمین در برابر او خم‌میشوند (سر تعظیم فرود می‌آورند) ودرمقابل نفس او کوهها بلرزه درمی‌آیند، آن که به‌سوما آشام مشهور است، سلاح او رعد میباشد، وصاعقه‌را دردست دارد ، ای مردم او اندر است .

۱٤ ـ آن که‌زیر نظر سوما وتهیه کنندهٔ آن، وقربانی کنند وسرود خوان (سرابنده) از سر مرحمت یاری مینماید، آن که در نماز تجلیل میشود ، و سومارا برای او میریزند ، واین تقدیمی ما برای بزرگداشت اوست ، ای مردم او اندر است .

۱۵ ـ براستی تو ، قوی و حقّی و بر آن مردی که نذر را

---

(۱) همت زمام را همت شعاع درخشان نیز گفته اند که منظور همت اندرا باشد روهینه Rauhina ، نام دیوخشکسالی .

۲ ـ او به‌میل آزاد خود مرا بوجود بیاورد، او با نیرو، و دلاوری پیروز گردید.

ویلسون این بند را چنین بترجمه درآورده است

« هنوز درحال جنین بودم که از تولد این خدایان و ترتیب آنـان واقف شدم صد تن آهنین مرا مقید ساخته بود ولی بصورت شهباز من باشتاب به‌پیش تاختم»

«Roth» «رث» تحت تأثیر تصور خود عبارت آخر « یادا» ی چهارم « nir Adîyam » را تحریف نموده و آنرا « nir adiyat » دانسته است

«کولیکوسکی Koulikovski» این آیت را چنین ترجمه کـرده است (سوما سخن میگوید) « هنگامی که در شکم (مادرم) بودم، همهٔ نسل‌های این خدایان را شناخته ام . صد شهر (کوچك) فولادین مرا حمایت میکرد ، اما من (بسان) شهباز با چالاکی پریدم» ،

بنظر گرسمن Grassmann دراین آیت شهباز الهی چنین سخن میگوید ·

« وقتی که هنوز دربچه دان بودم ، همهٔ این نژادهای الهی‌را شناخته‌ام صد قلعهٔ آهنین مرا نگاه میداشتند، اما من(عقاب) بسرعت با بال (خود) پرواز کردم »

ظاهراً معنی آیت اینکه گوینده (سوما یا اندرا ـ اگنی) میگوید وقتی درشکم مادرم بودم تمام تولدهای بی دربی را (از طراصل تناسخ) شناختم پیش از تولد فعلی صد دژ آهنین مرا احاطه کرده بودند '(یعنی. چون درزندان تن اسیر بودم ازمعرفت روح بازمانده بودم) تاآن که بسان شهباری از زندان تن همچون مرغی که ازقفس پرواز نماید پریدم وآزاد شدم و در نتیجه بحقیقت روح اعلی (روح خدایان ناشی از روح اعلی است) واقف گردیدم.

بنظر لودویگ Ludwig دراین آیه « سوما » سخن میگوید وآنرا بدین تقریب ترجمه کرده است « وقتی که هنوز من در زهدان بودم بتولدهای همهٔ این خدایان واقف شدم صد قلعهٔ روئین مرا محبوس میداشت ، آنگاه باسرعت بصورت شهباری پرواز کردم »

خطاب به شهباز (پر برهم در صورت شهباز)

۱ ـ من وقتی که در رحم (مادر) بودم، همهٔ نسل‌های این
خدایان را بترتیب می‌دیدم.
صد دژ آهنین مرا محبوس میداشت، امّا من (از هریك آنها)
چون شهبازی با سرعت زیاد پرواز کردم(۱)

---

(۱) متن سانسکریت این آیت چنین است:

« garbhe nu Sann anv esam avedam , aham devānām Janmānı Visvā, Satam mā pura āyasır araksann, adha Syeno Javasā nir adîyam»

پرفسور «لانگلوا Langlois» قطعهٔ بالا را باین تقریب ترجمه کرده است
اندر را ملقب به «شینه Syena».

اندرا میگوید. «هنوز من به دنیا نیامده بودم، اما با دقت تولد پی درپی همهٔ خدایان را دنبال میکردم. صد شهر آهنین مرا نگاهداشته بودند ومن بصورت شهبازی با سرعت زیاد ازآن خارج شدم».

گریفیث این قطعه را باین تقریب ترجمه کرده است.

«من وقتی که دررحم بودم همه نسلهای این خدایان را بترتیب ملاحظه کردم صد قلعهٔ آهنین مرا محبوس میداشت، ولی من چون شهبازی با سرعت زیاد پرواز نمودم». ←

۴ ـ شهباز راست‌پرواز سوما را از بالای آسمان پهناور برد،
همانگونه که (اشوین‌ها) «بهوجیو» را از کشور «اندرا» و از میان
پرندگان که درین منازعه زخم برداشته بود پری بیفتاد (۱):

۵ ـ واکنون «مگهون» صراحی سفیدِ از شیر و پر از مشروب
درخشان را بپذیرد،

بهترین نوشابهٔ شیرین که روحانیان تقدیم میداشته‌اند؛ (۲)

---

(۱) گریفیت این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است «شهباز او را
از نقطهٔ اعلای آسمان حمل نمود، همان‌گونه که ارابهٔ دوست اندرا «بهوجیو» را
حمل میکرد،

آن‌گاه یك پر از آن مرغ درحالی‌که با شتاب به سفر خویش ادامه میداد
پائین افتاد

متن سانسکریت چنین است :

«Rjipyá îm indrāvato ná bhujyum Syeno Jabhāra Brhato ádhi Snoh,

antáh patat patatry ásya parnám ádha yāmani pràsitasya tàd veh.»

(۲) ویلسون این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است

«اینك باشد که مگهون این غذای خالص مقوی (قربانی) را در ساغری
سفید رنگ که شیر و ماست در آن مخلوط شده و روحانیون تقدیم داشته‌اند بپذیرد،
قسمت بالای آن (نوشابهٔ) شیرین که برای نوشیدن نشاط آور است، باشد که آن
قهرمان قبول کند و برای نشاط (خویش) بیاشامد» ←

آن فرد شجاع مستقیماً دیوان‌را پشت سر گذاشت وچون از بادها میگذشت هر لحظه قوی‌تر می گردید (۱).

۳ ـ وقتی که با فریاد های بلند آوا ، شهباز با شتاب فرود می‌آمد، آن‌فرد‌شجاع‌را بوجود آورد . آن گاه کریشانوی تیر انداز که وحشیانه در فکر خویش بغضب آمده بود ، او را هدف گرفت و زه را کشید تا اورا بزند (۲).

---

(۱) این قطعه را هریك از مترجمان ریگ بید با اختلاف زیاد ترجمه کرده‌اند عبارت متن سانسکریت اینست :

« Na ghā sá mām ápa josam Jabhārābhīm āsa tváksasā vîryéna, īrmā púramdhir ajahād árātîr utá vātān atarac sūsuvānah ».

بنا بر گفتهٔ Bergaigne دراین آیت «سوما» همچنان بر سخن خود ادامه میدهد .

(۲) متن سانسکریت این آیت چنین است :

Áva yác syenó asvanīd adha dyor vi yád yádi vāta ūhuh puramdhim,

Srjád yád asmā áva ha ksipáj jyām krsānur ástā mánasā bhuranyán

مترجمان ریگ‌بید در ترجمهٔ این آیت وفهم آن اختلاف دارند .

ویلسون این آیت را چنین ترجمه کرده است :

« وقتی که شهباز از آسمان فرودآمد وفریاد میکشید (حافظان سوما) مشاهده نمودند که او سومارا (برده است) ، آن گاه کریشانوی تیر انداز اورا با سرعت جمال تعقیب نمود و کمان خویش را زه کرد و تیری بسوی او پرتاب کرد » کریشانو Krisanu . حافظ سومای آسمانی .

۱۰۹

ستایش: میترا، و وارونا

۱ ـ چون آفتاب سر برزند، من باسرود شما را میخوانم، ای میترا و وارونا که فکر شما مقدس است،

قدرت الهی، وزبردست جاویدان شما (میترا ـ وارونا) با مرحمت به هر که شما بخواهید میرسد (۱).

۲ ـ چون آن‌ها خدایان مهربان آسوراها هستند ـ هردوی شما زمین‌های ما را بسیار ثمربخش نمائید (۲).

ای وارونا، وای میترا، باشد که ما ازشما (این لطف را) بدست آوریم که هر جا آسمان وزمین وروز است ما را برکت دهید.

۳ ـ بند نهندهٔ گناهکاران چندین کمند دارند، مرگ‌پذیران گناهکار به سختی میتوانند از آنها برهند.

---

(۱) ظاهراً منظور از قدرت (نیروی) الهی Asuryám دراینجا قدرت مشترك میترا و وارونا است.

(۲) مقصود ازخدایان مهربان آسوراها، خدایان اعظم یاحاکم برهمهٔ موجودات الهی میباشند

میبخشند باغرور بر آن‌ها که در زیر بند، می‌نگرند(۱).

۴ ـ ای سنگ‌ها، باشد که خداوند سویتر شما را برطبق قانون برای آن که قربانی میکند، وشیره را میریزد بحرکت درآورد (۲).

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۷۵)

---

(۱) بنابر نظر بعضی از مفسران «رنگ بید» مقصود از «نر گاو» سوما است.

متن سانسکریت اینست:

Grāvāna Uparesvā mahīyante Sajosasah, vrsne dadhato vrsnyam

(۲) منظور سنگ آسیاهائی‌است که برای خرد کردن گیاه سوما و گرفتن شیرهٔ آن مورد استفاده قرار میگرفته است

بنظر گرسمن و رت Roth گراون Grāvan سنگ آسیائی‌است که برای خرد کردن گیاه سوما ویا گرفتن شیرهٔ آن بکارمیرفتـه است. بعضی احتمالا این واژه را مشتق از « گیره gira » (Jira) (سریع، جاری، روان) که با اضافهٔ پسوند « ون Van » بصورت « giravan یا Jirāvan ویا grāvan » درآمده است، دانسته‌اند.

متن سانسکریت اینست:

grāvāna savitā nu vo devah suvatu dharmanā, yajamānāya sunvaté.

۱۱۰
خطاب به: ماروت‌ها

۱ ـ آمدن شما شگفت انگیز باشد، با یاری‌های عجیب،
ای بخشایندگان،

ای «ماروت» ها که با اشعهٔ مار مانند میدرخشید (۱).

۲ ـ ای «ماروت» های بخشاینده، تیر شتابندهٔ شما از ما
دور باد؛

سنگ‌هائی که پرتاب میکنید از ما دور باد

۳ ـ ای بخشندگان سخاوتمند، ای ماروت ها، مردم
«ترینشکنده» را لمس ننمائید؛

مارا برخیزانید تا بتوانیم زندگانی کنیم (۲).

(ماندالای اول ـ سرود ۱۷۲)

---

(۱) منظور از اشعهٔ مارمانند برقی‌است که بعد ازطوفان بوجود می‌آید
ومیدرخشد.

(۲) ترینشکنده Trinaskanda . ظاهراً اسم طایفه یا رئیس قبیلهٔ
میباشد. درجای دیگراز ریگ ودا بااین‌نام‌برنمی‌خوریم ویلسون به پیروی‌از
«سایِنه»، «پادای» آخر این بند را چنین ترجمه کرده است:
«مردم مرا که ازعلف ناچیزترند حفظ فرما».

ای‌وارونا ، ای‌میترا، باشد که طریق نظم شما مارا چون قایقی که از آب میگذرد، از زحمتها بگذراند .

٤ ـ ای وارونا، و ای میترا ، بیائید واز ندور ما بچشید ، و مرتع مارا روزی(رزق) شیرین وفراوانی بخشید.

آب آسمانی نیکوی مصفای خویش را بفراوانی بر مردم فرو باريد

٥ ـ ای وارونا ، وای میترا ، این سرود مانند شیرهٔ سومای درخشان برای : «وایو» بهشما تقدیم می گردد.

سرودستایش مارا مورد لطف قراردهید ، اندیشه وروان را بیدار سازید ، و پیوسته ما را ای خدایان با برکات خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ٦٥)

۳ ـ آن گرامی، درقلهٔ پشمین مانند میدرخشد ، درمیـان ما شاهزادهای است ازهمه اشراف (نجباء) شریفتر .

چون‌تورا صاف‌میکنند، غرش‌نما وبه پیش بشتاب ومارا بیش ازهمیشه‌با برکت‌خویش‌حفظ فرما .

٤ ـ بگذار تاستایش‌خدایان‌را بسرائیم‌ـ به‌آواز بلندبسرائیم‌ـ وسومارا برای ثروت‌های ثرومند به‌سوی‌تو فرستیم .

بگذار تاآن شیرین طعم از صافی بگـذرد ، وآن (سومای) مقدس‌ما در مشربه (بارج) بماند.

٥ ـ تادوستی‌خدایان‌را به‌دست‌آورد ، «ایندو» درهزار جوی روان است که‌آنهارا شادسارد.

آن که برسم آئین باستان‌ازطرف‌مردم‌ستایش‌شده‌وبرای‌سعادت ما نزدیك‌آمده است‌به‌سوی «اندرا» .

٦ ـ ای زرّین‌فام ، چون خود را صاف سازی ، روان شو که سراینده‌را غنی‌سازی‌وشیرهٔ‌تو به‌سوی‌اندرارود تاموجب‌نگاهداری او باشد .

برای فراوانی‌به‌همراه خدایان نزدیك‌آی ومارا بیش‌ازبیش بابرکت‌های‌خود حفظ فرما

۷ ـ خدا نسل‌های خدایان‌را اعلام میدارد ، همان‌گـونه که «اوشان» حکمت عالی‌را بیان‌میکند.

ستایش : عصارهٔ سوما Soma pavamāna (۱)

۱ ـ خداوند شیره‌را که دراثرشوق واحساسات آنی این مرد صاف شده است، به خدایان میرساند.

او (سوما) روان وسرابنده به سوی صافی درجریان است (میرود) مانندروحانی که باگاوان بطرف نشستنگاه مُدرّج(پله‌پاه) رود(۲).

۲ ـ درلباسی زیبا که لایق پوشیدن درجنگ است، چون دانشمندی‌نیرومند درحال‌خواندن ادعیه‌به‌سوی پارچ(مشربه)هائی که‌پاك کرده‌اند روان شو.

در جشن (بزم) خدایان همه‌جا دیده‌میشوی وپاسداری.

---

(۱) درمیان ۱۰۲۸ سرود ریگ‌وید این سرود کلانتـرین آنهاست و گفته‌اند ریشی‌های مختلف گویندهٔ مجموع ابیات این سرود هستند

(۲) منظور ازعبارت «باگاوان بطرف نشستنگاه مدرج رود» محل‌هائی است که برای قربانی‌تهیه وآماده میکردند وقربانی‌هارا درآنجا میگذاردند

در اینجا صدای جریان شیرهٔ سوما بسرود خوانی روحانیونی که متون مقدس را میخوانند تشبیه شده است.

او بدخواهی‌هارا آرام میسازد، ودیوان‌را میکشد، پادشاه پُر نیرو که‌مارا راحتی می‌بخشد.

۱۱ - آن‌گاه در جوئی جاری میگردد که از سنگ‌های چرخشت تراوش کرده، با شیرینی درآمیخته، و از برویرن پشمین میگذرد.

ایندو درعشق‌اندرا شادی‌میکند،خداوندی که برای‌حظّ آن خدا سرورمی بخشد(۱).

۱۲ - چون صاف میشود گنج‌ها را اوفرو میریزد، خدائی که شیرهٔخویش‌را (چون‌شبنم) به‌دیگرخدایان می بارد.

ایندو به تناسب فصول لباس گوناگون می پوشد ، برآن پشم (برویرن) برافراشته ده‌انگشت‌سریع‌درکاربد(۲).

۱۳ - نرگاوسرخ خروشان‌به‌سوی‌ماده گاوان پیش‌میرود، و آسمان‌وزمین‌را به‌نعره وغرش‌درمی‌آورد.

صدای اوچون نعرهٔ اندرا درجنگ ، شنیده میشود تادانسته شود که اوبدین سو درشتاب است.

۱٤ - آمیخته باشیر ، ومملوّ مزه‌های شیرین ازآن گیاه پُر آب‌تو بیرون می‌آیی،

وچون تراصاف میکنند خروشان جاری میشوی،توای سوما،

---

(۲) ایندو Indu (قطره) نام دیگر سوما .

(۱) یعنی روی برویرن باصافی ده انگشت‌کار میکند .

با خویشاوندی درخشان آن گراز تقدیس کنندهو حاکم بر همه خاسرودخوان بااین جاها پیش می آید.(۱)

۸ ـ غاز (قو) ها ، «وری‌شگنه»ها از نزدیکی ما روح بی آرام خویش را به‌منزلگاه ما آورده‌اند.

ای دوستان به «پومانه» بـرای ستایش گرد آئید، ودر نغمات مقاومت ناپذیر آن‌ها هم‌صدا شوید(۲).

۹ ـ او حرکت سریع آن بلند گـام را دنبال مینماید، گاوان چنان که بودند برای آن که به میل خود تفریح کنند ، به صدا درمی آیند ؛

او باشاخ‌های تیز خویش فراوانی می بخشد، سیمین فام در شب ، و زرّین فام درروز میدرخشد.(۳)

۱۰ ـ ابندوی برومند که به شیر آغشته شده به سوی ایندرا روان‌است، سومای نیروبخش که اورا شاد سازد.

---

(۱) منظور ازخداوند دراینجا «سوما»است که بدرخدایان شناخته شده است صدای جریان «سوما» به‌تلاوت سرودی کـه «اوشان» دانشمند معروف و شاعرمقـدس دورهٔ ودائی میخـوانده است تشبیه شده‌است مقصود از «گـراز» سومای تندروخروشان‌میباشد، ویاشاید منظورآن باشد که صدای ریزش‌قطرات شیرهٔ سوما مانند صدای پای گراز وحشی‌است

(۲) منظورازغازها سرودخوانانی‌اند که ازاخلاف‌ورشگنه Vrishagana دانشمند عصرودائی میباشند .

(۳) دراین بند «سوما» به «ماه» تشبیه شده‌است وبرای‌آن دوشاخ تصور کرده‌اند

دیهاوازفراز آن قالۀپشمین جاری‌شو (۱).

درهزارجوی حوشبوی شکست‌ناپذیر برای‌تحصیل قدرتی که قهرمانان سروزی می‌باید جاری‌شو.

۲۰ - بی‌ارابه، وبی‌رمامی که آنهارا رهبری کندمانند اسبان غ‌بر گرفته که بمسابقه میروند،

این‌قطرات‌درخشان شیرۀسوماپیش می‌تازند، شمای‌خدایان ن‌آئید تاآن‌هارا بنوشید.

۲۱ - پس برای این‌جشن خدایان‌ما، ای‌ایندو باران‌آسمان دراین ظرف‌ها بریز ؛

باشد که‌سوما مارا ثروتی که مشتاق و درطلب آنیم، وقدرت‌و رمانان‌بسیار عطا فرماید

۲۲ - آن‌گاه که‌سخن‌مهرآمیز روح‌اوراموجب‌قانون اعلی ّین خداوند همۀ رزق ها قرار داده است ، درآن هنگام گاوان ره کشان به سوی ایندو آمدند ، آن‌خداوندمختار محبوب‌در شیده .

۲۳ - آن دانشمند آسمانی آزادۀ نعمت بخش چون جاری یشود، شیرۀ خالص‌را برای‌آن حقیقت شعارمی‌پیماید.

آن‌پادشاه‌که منبع‌ونگاهدارندۀ قدرت است‌بوسیلۀ ده زمام

---

(۱) مراد از قالۀ پشمین ، پرویزنی است که پارچۀ آن از پشم تهیه شده است .

در آن هنگام برای ایندرا روان شو.

۱۵ ـ پس با شادی روح بخش روان شو، و تیرهای برگدار بسوی آن که مانع جریان آب‌ها میشود پرتاب کن.

به‌سوی ما با آن رنگ درخشان خویش روان‌شو، ای سوما در اشتیاق گاوان جاری‌شو (۱)

۱۶ ـ ای‌ایندو، از ما خرسند باش، و چون در مجرای سهل و نیک خود روانی فضای وسیع و راحتی‌ها برای‌ما بفرست،

و بر طبق معمول با گرز (چماق یا عصا) بدبختی‌ها را پراکنده ساز، و برو به روی صافی.

۱۷ ـ باران آسمانی تندر بر فرح بخش سلامت‌زا و فراوانی‌ده برما بیار

ای‌ایندو روان شو، و این بادها را که خویشاوندان زیرین تواند بفرست، و آن‌ها را چون طره‌های موی ناشسته آزاد ساز.

۱۸ ـ ای‌سوما، چون صاف میشوی رفتار شایسته و ناشایسته‌را که بیکدیگر پیچیده و گره خورده‌اند جدا کن.

مانند اسب قرمز رنگ (کهر) لجام گسسته شیهه بکش، ای خداوند، ای خانه‌خدا چون جوانی بیا.

۱۹ ـ برای خدمت خدایان، برای شادی، ای‌ایندو، از روی

---

(۱) مراد از « مانع جریان آب شدن در اینجا «وریترا Vritra » دیو خشکسالی است

خروشی (شبهه‌برنی) وار (سرعت) حمال سریعتری ، مانند شمری مهیب .

ازراههائی که بدینجا منتهی‌میشود، واز راست‌ترین آنها، ای ایندو ، وقتی که‌صاف مستوی سرور راده سوی‌ما بفرست.

۲۹ ـ ازسر حشمهٔ حدایان صدها باکه هزاران جوی حاری میشود که دانشمندان‌مهیّا ساحته‌وآنهارا صاف مینمایند.

اسباب پیروزی‌را ارآسمان‌برای‌ما بیاور ، ای ایندو تو که همآهنگ ثروتهای فراوانی

۳۰ ـ حویبارهای‌رور جنان که باید ارآسمان فرو میریزد ، بادشاه دانا بادوست‌خود به‌نامهربانی رفتار نمیکند

مانندفرزندی که‌حواسته‌های‌بدررا دنبال‌میکند،این‌حانواده راسلامت وسعادت‌بخش (۱).

۳۱ ـ اینك‌جویبارهای توبا همه‌شیربنی‌حاری میشوند،چون صاف‌شوی ارپرو برن میگذری.

نژادگاو ای «بومانه» ، ار[دولت] بخشش‌های تو است

حون تو بوجودآئی‌سوریارا درخشان میسازی.

۳۲ ـ چون‌با روشنی وغرش‌ارراه نطم‌میگذرد، مانندصورتی از رندگی‌جاوبدمیدرخشی.

---

(۱) بگفتهٔ بعضی از مفسران منطور ارجویبارهای رور ، بدور سوماست که روزانه‌تقدیم میشود

(مهار)روشن راهممائی میشود (۱).

۲۴ ـ آن که مردمان را مینگرد وار پرویزن صـاف گشته است ، پادشاه والای‌خدایان‌وفنا‌پذیران است

ارائام‌قدیم‌او گنجور‌ثروت‌هاست، او(ایندو) نظم‌نیکوو مرتب راعر‌ره‌پدارد

۲۵ ـ ماننداسپی به‌سوی پیروزی وافتخار به‌مجلس اندرا، ووابو بشتاب

مارا روزی فراوان ـ هزار برابر ـ عطافرما، ای سوما چون براصاف‌میکنند پایندهٔ ثروت‌ها باش.

۲۶ ـ سوماهای خدا پسند که ما آن‌هارا می فشاریم چون جاری‌میشوند، برای‌ما خانه باشجاعان‌شریف می‌آورند.

بانعمت‌های فراوان مانندروحانیـونی که لطف (خدایان)را تحصیل‌مینمایند پرستندگان‌آسمان بهترین تمجید‌کنندگان

۲۷ ـ پس ای خداوند، برای‌خدمت خدایان جـاری‌شو، ای نوشابهٔ خدایان ، ای‌سوما برای‌فراوانی‌روزی جاری‌شو .

چون‌ما به جنگ نیرومندان میرویم با صاف شدن خـویش آسمان وزمین‌را برقرار فرما .

۲۸ ـ تو که مردان نیرومندترا یوغ بسته‌اند، مانند اسب می

---

(۱) منظور ازشیرهٔ خالص برای حقیقت شعار ، سومابرای اندرا است مراد ازده زمام یا ده مهار ده انگشت است که شیره را می‌فشارد

داعرشی نیرومند، بەسوی اندرابگذر،صدارا مانندساروفراوانی بوجودآور.

۳۷ ـ سوما سرایندهٔ سرودهای حقیقـی (راستی)، وهمیشه پاسدار وقتی اورا صاف میکنند درملعقه (ملاقه)ها قرار گرفته است.

اورا «ادهورج»(۱) های بهم پیوسته و مشتـاق پیروی میکنند، رهبران قربانی ودارندهٔ دستهای ورزیدهٔ «ماهر».

۳۸ ـ بدان گونه که درنزدیك خورشید، اوصـاف شده است مانند آفریدگار زمین وآسمان را بتمامی پُر نموده، وآنهارا آشکار ساخته است.

او که بوسیلهٔ یاری ارجمندش مردم همه خواستههای خویش را بهدست می آورند، جایزههای گـرانمایهای بهپیروزمند خواهد بخشید

۳۹ـ سومای نیرو بخش وفزاینده، وفراوانیده چون صاف شدما رابادرخشش خویش یاری فرمود

(درخششی که) باآن اسلاف قدیم ما که ردّپاهارا میدانستند، روشنی یافته ورمهٔ گاورا ازکوهستان ربودند.

۴۰ ـ درطاق اعلای فلك، اقیانوس بهآوای مانند میغُرد، پادشاه همهٔ موجودات، خالق همهٔ آفریدگان،

(۱) ادهورج (ادهوریو adhvaryu) ، روحانی که تشریفات قربانی «ادهورا Adhvara » را انجام میدهد

چون روان میشوی مانند نوشابهٔ فرح بخش اندرایی، وصدای خودرا باسرود دانشمندان توأم میسازی.

۳۳ ـ چون جوی های خود را در جشن خدایان و خدمت آنان جاری میسازی، تو ای سوما بسان عقاب آسمانی بنظر می آئی.

ای ایندو، در صراحی (مشربه) سوما فرود آی، و باعرش بشعاع سوریا نزدیك شو.

۳٤ ـ آن اسب راسه آوا (شیهه) است، او از فکر دعا و از قانون نظم سخن می گوید:

گاوها برای پرستش به سوی آن خداوند گاو می آیند؛ سرودها بااشتیاق زیاد به سوی سوما می شتابند.

۳۵ ـ گاوان به سوی سوما می آیند، گاوان شیرده بااشتیاق باسرودهای خود پرستش کنان به جانب دانشمندان سوما (می آورند).

(شیرهٔ) سومای فشرده صاف و مخلوط شده است، سرودها، و آواهای «تریشتب» ما در سوما بیکدیگر می پیوندند (۱)

۳٦ ـ ای سوما، چون ما تورا درظرف ها می ریزیم، صاف شو، و برای نیکبختی ما روان شو.

---

(۱) تریشتپ Trishtup (تریشتب Tri-shtubh) : یکی از اوزان عروض دارای چهار بار یازده ۱۱ × ٤ مقطع.

ازاقیانوس برما ببار.

۴۵ - سومای نیرومندچون فشرده شود مانند اسبی تیز تك روان‌میگردد - بسان سیلی که‌در سراشیب‌جاری باشد.

چون‌صاف‌شد درخانهٔ‌چوبین خودقرار گرفت؛ «ایندو» باشیر، و باآب‌ها روان گشت

۴۶ - این‌سومای نیرومند، ودانا برای کسانی که شوق‌آمدن اورا دارند، دراینجا به‌سوی‌کاسه‌ها روان می‌گردد ای اندرا،

آن‌ارابه‌سوار، وخورشیدسان‌وبراستی توانا، مانندداشتیاق مردم‌پرهیزکارریخته شده‌است.

۴۷ - آن که‌بقدرت‌حیاتی باستانی‌صاف گردیده‌برتمام‌اشکال وصور دخترخویش نافذ است،

چون‌پناهگاه‌سه گانهٔ خودرادرآب‌ها می‌یابد مانندروحانی سراینده به‌سوی‌محافل می‌شتابد(۱)

۴۸ - اینك ای ارابه سوار به جانب ماروان شو، ای خداوند سوما، چون‌صاف شوی‌دراین پشقاب‌ها جاری‌شو،

شیرین‌ترین آب‌ها، و پُراز شیروعسل، ومقدس، خداوندمانند سویتر راست اندیشه است.

---

(۱) ظاهراً مقصود ازعبارت «تمام اشکال وصور دختر خویش نافذ است» آنست که تصور می‌شده سوما قدرت غذائی خودرا به علف وبوته ونیم درختها می‌بخشد، زیرا این سه شکل ازرمین که دختر اوست، میروید

ای سوما، بر پرویزن پشمینهٔ برافراشته جاری شو، قطرهٔ چکیده نیروش افزایش یافته است(۱).

٤۱ ـ سومای گوساله چون فرزند آبها خدایان‌را انتخاب کرد، وآن عمل بزرگ‌را بجای آورد.

او (پوماته)، اندرارا نیرو بخشید؛ واو (ایندو) به«سوریا» روشنی داد (۲).

٤۲ ـ «وایو»را برای زیادتی وفراوانی شادساز، و«وارونا»، و «میترا»را که ترا صاف میکنند، مسرور نما (۳)

خدایان‌را سروربخش، وجمع «ماروت»هارا خوشحال فرما، آسمان‌وزمین‌را به‌شادی‌وادار، ای خداوند، ای‌سوما.

٤۳ ـ ای کشندهٔ داد گر شریران، روان‌شو، ودشمنان‌و بیماری های‌مارا بیرون‌ران،

شیرخویش را با شیری که گاوان میدهند ممزوج کن، ما دوستان توئیم، و تودوست «اندرا»ئی.

٤٤ ـ چشمه‌ای ازشیرو عسل برای‌ما جاری‌ساز، ومنبعی از گنج‌ها، ومارا بسری‌قهرمان و ثروتی شادی‌بخش بفرست.

چون‌ترا صاف‌میکنند برای اندرا شیرین‌باش، وباران ثروت

---

(۱) ظاهراً منظور از . اقیانوس ، سوما میباشد

(۲) پوماته Pavamāna ، عصارهٔ سوما . ایندو Indu ، قطره ، سوما .

(۳) وایو Vāyu خدای باد .

ما به‌سوی آن گذرگاه مشهور روان شو.

باشد که آن دشمن کوب شصت هزار گنج بـرای پیروزی ما
فرو فرستد ، همان گونه که درخت میوهٔ رسیده را می‌تکاند(۱).

۵٤ ـ برای آن دو پیروزی کـه در جنگ در کنار آن
درباچهٔ آبی و«پریشنه» به‌دست آمد ، ما با اشتیاق نیایش میکنیم .

او دشمنان‌ما را خواب کرد، و هلاك ساخت و آن دیـوانگان
نامهربان را دور نمود (۲).

۵۵ ـ تو ازسه‌صافی گسترده میگذری، ودرحالی که تراصاف
میکنند ازمیان آنها می‌شتابی (بسرعت روانی) .

توئی بخشندهٔ هدایای «بهگه» ، و«مگهون» برای برزگان
آزاده، ای ایندو (۳).

---

(۱) ظاهراً مقصود از گذرگاه مشهور نقطهٔ بوده‌است که درآن‌جا جنگی واقع شده وتصور نموده‌اند که بازهم درآن نقطـه پیروزی آغاز خواهد شد واز سوما کمك میخواهند .

(۲) بعقیدهٔ «لودویگ»،«پریشنه Prisana» نام محلی‌است،ولی«سایبه» درباچهٔ آبی یا درباچهٔ زرد را به‌جنگ سواره ، و«پریشنه» را به‌جنگ تن‌به‌تن تعبیر کرده است

(۳) ظاهراً مقصود ازسه صافی ،آتش وباد وآفتاب است که اضافه‌برصافی مصنوعی پشمی میباشد .

بهگه Bhaga · خدای بخشنده ـ خداوند محترم (به‌خدایان به‌ویژه به « سویتر » اطلاق میشود) نام یکی از آدتی ها کـه بخشندهٔ ثروت و سرپرست عشق وعروسی است خدای رفاه.(یاسکا yaska او را از خدایـان طبقهٔ اول شناخته است)

مگهون Maghavan . نجیب، بنیاد گزار یا بانی قربانی ـ خدای نیکوکاری ـ لقب ایندرا.

۴۹ ـ برای جشن او درمیان سرود و آواز بهسوی «وایو» جاری شو، و چون صاف شوی بهسوی وارونا و میترا روان گرد ،

بهسوی آن قهرمان ارابه سوار سرورانگیز ، بهسوی ایندرای نیرومند که رعدرا چون سلاحی دردست دارد جاری شو.

۵۰ـ جامههائی که مارا به درازندگی بپوشاند، برمافروریز ، و گاوان شیرده پاك و پُرشیر بفرست.

ای سوما، برو ، ومارا اسبان ارابه کش که بتوانند گنجهای درخشان زرین برای ما آورند بفرست .

۵۱ ـ جوئی از ثروتهای آسمانی به سوی ما روان ساز ، و چون صـاف شوی آنچه زمین شامل بر آن است ، بـه سوی ما بفرست ،

تا بوسیلهٔ آن ما بطریقهٔ «جمداگنی» مالکیت و دانشمندی به دست آوریم .(۱)

۵۲ ـ اینك که صاف میشوی، ثروت بهما فرو فرست، بهسوی دریاچهٔ زرد(۲) روان شو ، ای ایندو .

دراینجا نیز آن سرخ فام بادپای دانشمند به آن که ماشتاب میآید ، پسری عطا خواهد کرد

۵۳ ـ ای که سزاوار افتخاری، اینك که صاف میشوی برای

---

(۱) جمداگنی Jamadāgni : نام ریشی مشهور دورهٔ باستانی

(۲) معنی واژه · Mānschatvé درست معلوم نیست

۱۱۴

درستایش : سپیده دم Usas

۱ ــ صبح درخشان آن هنگام که آتش (مقدس) برمی‌افروزد،
وخورشیدسر برمیزند، انوارخویش‌را منتشر میسازد.

خداوند سویتر مارا بکار می‌فرستد،هرچهارپا ،وهردوپا باید فعّال باشد (۱).

۲ ــ بی‌آنکه نظم و ترتیب آسمانی را برهم زند ، هرچند
نسل‌های بشررا کم میسازد،

آخرین صبح‌های بی‌نهایت که گذشته‌اند ، و اولین آنها که

---

(۱) ظاهراً منظور از«آتش»،آتش قربانی‌است که صبح‌ها آنرا روشن‌مینمودند.
متن سانسکریت این آیت چنین است .

Usa Usantî Samadhāné agna Udyant Surya Urviyā Jyotır asret

devo no atra Svita nvartham prāsavid dvipart pra Catuspad Ityat

بعضی از مفسران رگ‌بید گفته‌اند کلمهٔ : «Urviya» بمنزلهٔ قیدی است
که معنی «دور» از آن مستفاد میشود و مشتق از کلمهٔ «Uru» (وسیع، گسترده ،
پهن) میباشد

۵۶ ـ این سومای دانشمند همه‌دان مانند پادشاه کائنات در راه خود روان می گردد ،

وقطرات را درمحفل‌های ما میراند.

«ایندو» تماماً ازصافی پشمی میگذرد.

۵۷ ـ تجاوز ناپذیران بزرگ «ایندو» را میبوسند(مینوشند)، ومانند دانشمندان مشتاق درجای او(ایندو) می‌سرایند (۱).

مردان دانا اورا باده انگشت جَلْد بیرون می آورند، وبا گوهر آب‌ها شکل اورا می آرایند .

۵۸ ـ ای‌سوما، باشد که ما باتو بصورت «پومانه» باهم غنائم جنگی خویش‌را توده نمائیم،

ای «ورونا» وای «میترا» ، وای «ادیتـی» ، وای «سیندهو» ، و ای زمین ، و ای آسمان این نعمت (برکت) را برای مـا حفظ فرمائید (۲).

(ماندالای نهم - سرود ۹۷)

---

(۱) منظور ازتجاوزناپذیران ، خدایان میباشد .

(۲) سیندهو (سندهه **Sindhu**) نامرودخانهٔ سند **Indus** و حوزهٔ آن رودخانه . رئیس رودخانه‌ها .

این واژه که بطور مطلق بمعنی رودخانه وجریان آب است ، نام وارونا خدای دریاها وآب‌ها ونام پادشاهان گندهروه‌هاهم میباشد

ببشتر وبیشتر او منبسط میشود ودامن پدر ومادر خویش را کاملاً پر میىنماید.(۱)

۶ ـ بتحقیق چون در اطراف منبسط میشود، خویش وبیگانه را از رؤیت خود بازمیدارد،

ومغرور ازشکل بی‌عیب خود به‌روشنی میتابد، واز وضیع و شریف رو نمی‌تابد.(۲)

۷ ـ مانند کسی که برادر ندارد در جستجوی مردم است،

---

(۱) عبارت سانسکریت چنین است.

Pūrve árdhe rájaso aptyasya gavām Janitry akrta prá Ketum, Vy u prathate Vıtaram Varîya Obhā prnántî pitror Upasthā

طاهراً مسطور ازناحیهٔ آب‌آلود، آسمان مه‌آلود ومقصود ازگاوها، اشعهٔ نورمیباشد

(۲) عبارت متن سانسکریت این آیت چنین است.

Evéd esā purutámā drsé Kam na Jāmim na párı vrnaktı Jāmim, arepasa tanvā sasadānā

nārbhād îsate ná mahó Vibhātî

گلدنرو Kaegı پادای چهارم را باین تقریب ترجمه کرده‌اند «او نورخودرا نه در بالا ونه در پائین دور ورها نمیکنند»، اما لودویگ آنرا چنین ترجمه کرده‌است «درتافتن او(نورخویش را) از ضعیف وقوی دریغ نمیدارد»

می آیند، سپیده‌دم به‌روشنی میدرخشد(۱)،

۳ ـ در ناحیهٔ خاور ، دختر آسمان بـا جامه هائی از نـور هویدا میشود .

براستی او از طریق نظم (جهانی) میگذرد ، و از این کار وانمی‌ماند ، چون‌نواحی‌آسمان‌را نیکومی شناسد.

٤ ـ ازنزدیك دیده میشود مانند سینهٔ آن فـرد نورانی ، و مانند سرود سرایندهٔ جدیدی اشیای شیرین را آشکار میسازد (۲).

اومی‌آید وچون مگسی خفتگان‌را ببدار میکند ، واز همه بانوانی که برمیگردند راستکارتر وپابرجاتر است.

۵ ـ درنیمهٔ شرقی ناحیهٔ آب آلود مادر گاوها نشانهٔ‌خودرا نموده است .

---

(۱) منظورازعبارت «نسل‌های‌بشررا کم میکند manusya yugāni »، آنست که گذشت عمر مقـدر بشر را معین میسازد
متن سانسکریت این بند چنین است :

aminatÎ daivyāni Vratâni praminatÎ manusya yugāni îyusinam Upamá Sasvadinām aryatÎnām prathamosa Vy adyaut.

(۲) پادای اول و دوم این بند چنین نیز ترجمه شده است . « الههٔ صبحدم مانندسینهٔ (یك‌فرد)نورانی ظاهرشده؛ وبسان نُدهس همهٔ اشیای‌مطبوع را روشن ساخته است » .

ندهس nodhas: نام یکی‌ازریشی‌های دورهٔ ودائی‌است .

پرستش میکنند، بتاب،

براین سراینده (که عمرش در گذر است)،

۱۱ ـ این دوشیزهٔ جوان ازشرق برما تافته، حفت گاوان سرح درخشان خودرا براق کرده است،

او به پیش خواهد تابید، وروشنی بدینجا خواهد شتافت، واگنی درهرخانه حاضر حواهد بود(۱).

۱۲ ـ بسان مرغان که ارآشیانهٔ خود میپرند ، مردم نیز با ذخایررزق هنگام طلوع تو برخواهندخاست ،

آری برآن مرگ پذیران آزاده که درخانهٔ خود میمانند ،

ای الههٔ صبح تو خوبی فراوان میآوری(۲).

(۱) عبارت سانسکریت اینست :

aveyam asvaıd yuvatıh purástād yunkté gàvām arun-ānām ánîkam, Vı nūnám Uchād ásati prá Ketur grham grham Upa tisthāte agnıh.

گلدنر و گرسمن واژهٔ «anîka» را به « دسته » یا « گروه » تعبیر نموده اند .

(۲) عبارت سانسکریت در این آیت اینست :

Ut te Vayas Cid Vasatér apaptan náras Ca yé pitubhāJo vyustau, amā sate Vahasi b'hūri Vāmam uso devı dasuse martyāya

گلدنر Gelner ، و Kaegi و گرسمن Grasmann پادای اول ودوم را چنین ترحمه کرده اند

« وقتی تو میدرحشی ، پرندگان ارلانهٔ حـود میپرند ، وآدمیان روزی حویش را حست وحو میکنند» .

وبر ارابهٔ خود سوار میگردد که گوئی در فکر جمع ثروت میباشد .

صبحدم چون بانوئی مهربان برای شوهر خود متبسّم ، و با لباسی نیکو ازجمال خویش پرده برمیدارد .(۱)

۸ ـ آن خواهرجایش را به خواهر ارشد خود میسپارد ، وچون اورا مینگرد، دورمیشود.

او جمال‌خودرا زینت‌میدهد ، و با اشعهٔ خورشید میدرخشد، چون گروه زنانی که به‌مجلس جشن رومی‌آورند. (۲)

۹ ـ به دنبال همهٔ این خواهران که اینك ناپدید شده‌اند ، هرروز دیگری می‌آید؛

پس باشد که چون زمان گذشته و روز های شادی بخش صبحگاهان جدید با ثروت برما بتابند .

۱۰ ـ ای ثروتمند، وای بخشندهٔ راد، برخیز و بگذارتاخسیسان درخواب خود خفته بمانند .

ای ثروتمند ، ای صبح شادمان ، به فراوانی به آنها که ترا

(۱) عبارت‌سانسکریت‌چنین‌است.

abhrātevá punsa eti praríci gartārug iva Sanáye dhanānām, Jāyéva pátya usati Suvāsā Usa hasréva nı rinıte apsah.

(۲) ظاهراً مقصود ازخواهر ارشد ، روزاست ، وشب جای خود را به‌ روزمیدهد.

۱۱۳

ستایش: وشو دیوها Vivsedevas

۱ ـ باشد که سی‌وسه خدا در روی چمن مقدس بنشینند؛ باشد که (تقدیمی) ما را بپذیرند و ما را هر دو (نوع ثروت) عطا فرمایند (۱).

---

(۱) از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا فقط در سرودهای ۳۴ و ۴۵ و ۱۳۹ ماندالای اول و سرود ٦ ماندالای سوم و سرودهای ۲۸ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۹ ماندالای هشتم و سرود ۹۲ ماندالای نهم و سرود ۹ « والکیلیه Vālakhılya» به ۳۳ خدا و یا سه یازده خدا اشاره شده است

بعقیدهٔ یاسکا Yaska این خدایان محدود به سه دسته میشوند.

۱ ـ خدایانی که منزلگاه آنها در زمین است «پریتهیوی استهان Prıthivısthāna»

۲ ـ خدایانی که مقام آنها درجو است « مدهیه استهان Madhyasthāna»

یا فضای میان زمین و آسمان «انتریکشا استهان Antarikshasthāna»

۳ ـ خدایانی که در آسمان جا دارند «دیوس استهان dyusthāna» . اگنی، سوما، بریهسپتی و رودخانه‌ها از خدایان دستهٔ اول، و اندرا و آپام نپات، و رودرا، وایو ـ وات، پرجنیه، آپه Āpah و ماتریشون Matarısvan از خدایان دستهٔ دوم و دیوس Dyuus ، و وارونا ، و میترا، و سوریه، و سویتری ، و پوشان، و ویشنو ، و آدیتیاها ، و اوشس (صبحدم) و دواشوین از زمرهٔ خدایان دستهٔ سوم‌اند .

در اوپانیشاد قدیمی: « برهدارنیکه » در بارهٔ عدهٔ خدایان چنین آمده است «ویدگدهه . Vıdagdha» پسر «شاکل Sākala» از «یاگنوالکیا ـ YaJnavalKyā» پرسید چند خدا وجود دارد ؟

←

۱۳ ـ شمارا که درخورستایش اید، من با نیایش خود تمجید
مینمایم، شما ثروت‌ما را افزونی بخشیده‌اید.
ای‌صبحگاهان که‌مارا دوست میدارید، ای‌خدایان؛
باشد که ما از لطف شما ثروتی یابیم که صدها بلکه هزاران
از آن سخن گویند

(ماندالای اول ـ سرود ۱۲٤)

خطاب به : وشو دیوها

۱ ـ یکی (سومای) قهوه‌ای رنگ ، و رهبر مطلق شب‌ها ،
و همیشه جوان (خویشتن را) با زیورهای زرین می‌آراید .

۲ ـ یکی (اگنی) هوشمند نورانی در میان خدایان در جای
خود (قربانگاه) نشسته است .

۳ ـ یکی (توشتری) که در میان خدایان نشسته و کسی نمیتواند
او را بجنباند ، تبر آهنین خود را در دست گرفته است

٤ ـ یکی (اندرا) صاعقه را دردست گرفته و با آن وریترا ها
را هلاك می‌سازد .

۵ ـ یکی (رودرا)ی درخشان ، و وحشتناك (و در عین حال)
بخشندهٔ داروهای شفابخش تیغ بُرّان خود را در دست دارد (۱)

٦ ـ یکی (پوشان) مانند راهزنی راه‌ها را زیر نظر دارد، و از

---

(۱) رودرا Rudra خداوند شفا کننده

۲ ـ باشد که وروna ، و میترا ، آریمن ، و اگنی‌ها با بانوان خود تقدیم کنندگان (نذر) را جلال بخشند و خطابهٔ قربانی به آنها خطاب شود .

۳ ـ جامیاما باشند ، وقتی که باملا زمان خویش از مغرب ، وشمال ، و جنوب ، ومشرق می‌آیند .

٤ ـ آنچه خدایان میخواهند ، به ناچار شدنی است ، هیچکس مقاومت با آن نتواند کرد ؛ وهیچ وجود فانی تقدیمی (به آنهارا) منع نتواند نمود .

٥ ـ نیزه‌های آن هفت (دستهٔ ماروت‌ها) هفت است ، وزینت آنها هفت ، و هفت افتخار عالی پوشیده‌اند

(ماندالای هشتم ـ سرود ۲۸)

← ـ گفت : سیصدوسه ، وسه‌هزاروسه باز پرسید چند خدا هست ؟
ـ گفت . سی‌وسه .
باز پرسید ازاین سه ضروری‌تر چنداست ؟ گفت . دو .
بازپرسید ازاین‌دو کدام ضروری‌تر است؟ گفت : یك‌ونیم
بازپرسید که ازین ضروری‌تر که به غیر او چاره نباشد؟ گفت : یکی
بعد دوباره‌پرسید ، پس آن سیصدوسه و سه‌هزاروسه کدام‌اند ؟ جاگنوالکیا پاسخ داد: آنها مظاهر نیروی خداوندی هستند و گرنه فقط سی‌وسه خدا هست وآنها عبارتند از: هشت واسو Vasu ، یازده رودرا Rudra ، دوازده آدیتیا Adıtya که مجموعاً سی‌ویك میشوند واندرا Indra ، و پرجاپتی Pra JaPatı بترتیب سی‌ودومین و سی‌وسومین آنها میشوند ودربارهٔ هریك ازاینها تعبیراتی شده است . بنگرید به کتاب ترجمهٔ فارسی « اوپانیشاد Upanishad » (سر اکبر) بتصحیح دکتر تاراچند وجلالی نائینی (نویسندهٔ این‌سطور) چاپ تهران ـ سال ۱۳٤۰ هجری‌شمسی صفحهٔ ٥٦ـ٥۷ .

۱۱۵

خطاب به : وشود یوها

۱ ـ در میان شما خدایان ، یکی نیست که کودك یا جوان باشد ،

براستی همهٔ شما وجود کامل (بزرگ) هستید.

۲ ـ نابود کنندهٔ دشمنان، خدایانی که «مانو» شما را میپرستد. شما سی و سه تن هستید ، و بهمین گونه در سرود خوانده شده اید (۱)

۳ ـ ما را نگاهداری کنید ، و از ما حمایت فرمائید، و ما را (بخوبی) دلالت نمائید ، ما را از راه‌های پدرانمان « مانو » دور مسازید ؛ و نه از راههائی که از آنها دورتر است.

٤ ـ خدایانی که در اینجا حاضرید ، و این قربانی کامل به شما تقدیم میشود، سرور و خوشبختی مشهور، و گله‌های گاو واسبان به ما عطا فرمائید .

(ماندالای هشتم ـ سرود ۳۰)

---

(۱) بنگرید صفحهٔ ۳۱۵ این کتاب را

گنج‌های نهفته آگاه است .

۷ ـ یکی (ویشنو) باقدم‌های بلندهرسه جهان‌را که‌خدایان درآن‌ها شادی میکنند ، پیموده است (۱)

۸ ـ دو(اشوین) با (اسبان) تیزرو بایك(عروس‌سوریا) مانند مسافران کشورهای خارج درحرکت اند .

۹ ـ آن‌دو که در جمال وجلال سلطنت یکسان اند (میترا ، و ورونا) ، و با نذور روغن‌صاف شده پرستش شده‌اند ، در مقام خود درعرش‌جا گرفته‌اند .

۱۰ ـ بعضی (اتری‌ها) که‌چون‌عبادت‌شوند ، «سامن» بزرگ را بیاد می‌آورند ، و با آن خورشید را روشن‌می‌سازند(۲).

(ماندالای هشتم ـ سرود ۲۹)

---

(۱) ویشنو Vishnu .

(۲) گروهی از مفسران ریگ بید منظور ازکلمهٔ« بعضی» را در اینجا انگراس‌ها دانسته‌اند

۶ ـ آن‌ها که پیوسته با هم‌اند؛ باشد که گوشت (قربانی) مناسب به‌دست آورند؛ باشد که بتوانند قربانی تقدیم کنند؛ مبادا که هرگز بی رزق (که خدایان میدهند) بمانند.

۷ ـ آن‌ها(وعدهٔ‌خودرا) به خدایان نمی‌شکنند، وازستایش شما، خود داری نمی‌نمایند؛ بلکه غذای فراوان (در قربانی) تقدیم میدارند.

۸ ـ برکت فرزندان جوان و بالغ به‌آنها عطا گردیده،وهر دو بازیورهای گران آراسته‌شده،همه زندگانی خود را(به شادی) میگذرانند.

۹ ـ قربانی‌های قابل قبول تقدیم میکنند، و ثروت دلخواه خویش را به‌دست می‌آورند، و (نـذور) اقناع کننده (به‌خدایان) تقدیم میدارند تا ابدیت به دست آورند واز اتحادشخصی‌لذت‌برند، وآن‌ها (زن‌وشوهر) خدایان‌را عبادت‌نمایند.

۱۰ ـ ما آن شادمانی‌را که کوه‌ها، و رودخانه‌ها و ویشنو (می‌بخشند) و با (خدایان) پیوسته است،آرزومندیم.

۱۱ ـ باشد که پوشان‌قابل‌پرستش‌وخداوند نعمت‌و نیک‌خواه‌ترین سرور همه،بامیمنت بیاید.

باشد که راه پهناوری به‌سوی سعادت‌ما بازشود.

۱۲ ـ همهٔ کسانی که فکر (با ایمان) دارند، از (ستایش ـ کنندگان)خستگی‌ناپذیر آن خدای‌قاهر(پوشان)میباشند،براستی

۱۱۶

در ستایش: خدایان مختلف

۱ ـ آن که ندوز را (به‌خدایان) تقدیم‌میکند ، به‌آنها تقدیم میکند ، او نذرهای مایع را فرومیریزد ، (و نان مقدس را) تقدیم میدارد .

او از تکرار ستایش واقعی اندرا لذت میبرد.

۲ ـ اندرا آن کس را که به او نان (مقدس) تقدیم میکند و سومای آمیخته باشیره پیشکش مینماید ، از گناه حفظ می‌فرماید.

۳ ـ ارابهٔ درخشانی که‌خدایان‌فرستاده‌اند، به‌سوی‌اومی‌آید، و با آن‌همهٔ دشمنی‌ها را از میان برمیدارد ، وکامیاب‌میشود .

٤ ـ در خانهٔ اونعمت ابدی توأم با کثرت اولاد(موجوداست) وگاوان شیرده را شب و روز میدوشند .

٥ ـ خدایان ممکن‌است زن وشوهری باشند که با یك فکر نذرها را تقدیم کنند ، وآن‌ها را پاك‌سازند ، و با سومای آمیخته باشیر (خشم شما را فرونشانند) .

ورمه‌های اسبان تندرو .

دریا دارندهٔ قربانی که می‌خواهد نظر خدایان را بخود معطوف دارد، کسانی را که قربانی نمی‌کنند مغلوب میسازد .

(ماندالای هشتم ـ سرود ۳۱)

(او) بیگناه(ترین) «آدیتها»ها است .

۱۳ چون «میترا» و «اریمن» ، و «ورونا» حامیان ما هستند ؛ باشد که به‌آسانی از راههای قربانی بگذرند .

۱٤ ــ من ناستایش اگنی آلهی بیشرو شما(خدایان) راپرستش میکنم (بخاطر) ثروت پرستندگان (او را عزیز میدارند ، آن که) چون دوستی حامی بخشایشگر قربانی است.

۱۵ ــ ارابهٔ پرستندهٔ با ایمان به‌سرعت (تسلط می یابد)همان گونه که‌قهرمان در انواع جنگ‌ها ، بر دادارندهٔقربانی که‌میخواهد نظرخدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب می‌سازد .

۱٦ ــ مؤمن به‌خدایان ، ور برندهٔ نذور برای آنان نـو ای پرستنده هلاك نخواهی‌شد ؛ بردا دارندهٔ قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخود معطوف‌دارد ، کسانی‌را که قربانی نمیکنندمغلوب میسازد .

۱۷ ــ هیچکس مانع اعمال او نخواهد بود ،او را هرگز(از مقامش)بیرون نخواهند راند ،اوهرگز(ازخانوادهٔخود)جدانخواهد شد ؛ بردادارندهٔ قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخودمعطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب میسازد .

۱۸ ــ او در این نشأهٔحیات فرزندان برومندخواهد داشت ،

اعتماد مردم فروتن برای امن و سلامت بدو است، او که شرف تولد یافته منزلگاههای فراخی برای آن‌ها (مردم فروتن) ساخته است.

۵ ـ امروز من این نام‌را ای «شیپی ویشته» ستایش می‌نمایم، من که در (فهم) قوانین ماهرم، نام تورا ای شرافتمند.

آری من بیچارهٔ ضعیف ترا ای نیرومند که در کشوری ورای این ناحیه مقام داری ستایش میکنم.

۶ـ چه سرزنشی بر تو بود ای بشن هنگامی که گفتی: منم شیپی ویشته؟

این صورت‌را ازما پنهان مساز، و آنرا مخفی مکن چون تو شکل دیگری در نبرد بخود گرفتی. (۱)

۷ ـ ای ویشنو، لب‌های من به سوی تو فریاد «وشت» برمی آورد! باشد که این تقدیمی من ترا ای «شیپی ویشته» خوش آید.

باشد که این سرود های مدیح من تو را تحلیل نماید، ای ای خدایان همیشه‌مارا با برکت خود حفظ فرمائید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۰)

---

(۱) معنی این بند روشن نیست. بعضی آنرا چنین تفسیر کرده‌اند که بشن درجنگ با «وسیشته Vasishtha» شکل مصنوعی بخود گرفته بود وبه‌این جهت ریشی که‌اوراشناخت لقب «شیپی ویشته» که بمعنی پوشیده ازنور است به‌اوداد. شاید بتوان ریشهٔ اعتقاد هندوان را به مظاهر مختلف ویشنو در این سرود جستجو کرد.

ستایش : ویشنو

۱ ـ مردم سودجوئی که هدیهٔ خویش را به‌سوی بشن بلند گام می‌آورد ، هرگز توبه نمی‌کند،

آن که اورا با تمام جان خویش پرستش مینماید ، برای خود نیکخواه بزرگی به‌دست آورده است.

۲ ـ تو ای بشن که درطریق خویش مستقر میباشی، به‌مردم حُسن نیّت وسرودی جاوید عطافرمودی، تا مارا به‌سوی راحتی‌های فراوان وثروتی عالی بااسبان زیاد رهبری‌فرمائی.

۳ ـ این خدا باتمام عظمت خود این زمین درخشان را باصد شکوه‌ومرتبه به‌قدم خویش پیمود.

ویشنو ازهمه‌برتر باد، وقویتر ازهمه‌نیرومندان،چون نام‌او که برای‌همیشه زنده‌است پرافتخار میباشد (۱)

٤ ـ بشن باقدم‌نیرومندخویش براین زمین گام‌نهاد،وحاضر بود که آن‌را برای‌منزلگاه‌به «مانو» ببخشد.

(۱) مقصود از زمین بنظر یکی از مفسرین ریگ بید ، زمین و فلك و عرش است .

۴ ـ من آب‌های رطوبت خیر را به‌جریان انداختم، و آسمان را به‌قوّت در جایگاه نظم برقرار ساخته‌ام.

من پسر «ادیتی»، و حافظ قانون، بموجب قانون جهان را در سه پیمایش گسترده‌ام (۱).

۵ ـ قهرمانان با اسب‌های نجیب جنگجو، و جنگ‌آزمایان برگزیده در نبرد مرا میخوانند.

من اندرای مگهون جنگ را برمی‌افروزم، و خاک را برمی‌انگیزم. من خداوند نیروی برترم.

۶ ـ همهٔ این‌ها را من کرده‌ام، و قدرت مغلوب کنندهٔ خدایان هرگز مانع من نمیگردد، و کسی با من روبرو نمیشود

وقتی ستایش ها و شیرهٔ سوما مرا به‌نشاط می‌آورد، وهردو ناحیهٔ نامحدود به‌هراس می‌افتند (۲)

۷ ـ همهٔ موجودات این کارهای تورا میشناسند، تو این‌را به ورونا میگوئی، توای بخشندهٔ بزرگ.

توئی که بکشتن «وریترا»ها مشهوری. توئی که سیلاب‌های فروبسته‌را روان‌ساختی. (۳)

---

(۱) درچهاربند اول این سرود ورونا سخن میگوید مقصود از «پسر ادیتی» واورنا میباشد

(۲) گوینده دراین دوآیت (۵ و ۶) اندراست.

(۳) در این بند خود شاعر گوینده است

۱۱۸

اندرا ، و ورونا

۱ ـ منم آن پادشاه فرمانده که پادشاهی از آن من است ، و من که بر همه حیات فرمان میرانم ، همه جاوید ها از آن من اند .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند نمود.

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم.

۲ ـ منم پادشاه ورونا که همه‌قدرت‌های عالی موجود آسمانی به من اعطا شده است .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند کرد.

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم.

۳ ـ منم ورونا ، منم اندرا ، این دو ناحیهٔ ژرف نیکو ساخته در عظمت خویش ، و این دو نیمهٔ جهان از آن من است ،

حتی مانند توشتری همهٔ موجودات را که بر یکدیگر متصل و ملحق گردیده‌اند ، میشناسم .

خطاب به : ورونا Varuna

۱ ــ سرود عالی وموّقر بسرائید در حقشناسی از ورونای شکوهمند وفرمانروای همه،

آن که زمین را چون پوستی در پیشگاه سوریه گسترده است مانند کسی که قربانی را ذبح میکند.

۲ ــ آن که هوا را به نوك درختان رسانیده ، و گاوان را شیر بخشیده ، و اسبان را سرعت قوی عطافرموده است،

عقل را در دل‌ها نهاده، وآتش را در آب‌ها،وسوریه‌را در آسمان، وسوما را در کوهستان .(۱)

۳ ــ ورونا آن صندوق بزرگ را که به سوی پائین گشوده است، از میان آسمان ، و زمین ، وجو میانین عبور میدهد،

و با آن فرمانروای کیهانی زمین را سیراب میسازد، همان گونه که رگبار باران بر جو می‌بارد.

---

(۱) عبارت « نوك درختان » ، Váneshu را ساینه Vrikshagreshu درایرها تفسیر نموده است .

۸ ـ پدران ما این‌ها بودند، هفت‌ریشی (دانشمند) در آن‌وقت که پدر «دورگهه» دربند (اسیر) بود، آن‌ها (ریشی‌ها) برای آن زن بوسیلهٔ قربانی «ترسه‌دسیو» را به‌دست آوردند که چون نیمه خدائی مانند اندرا، مغلوب کنندهٔ دشمنان بود.(۱)

۹ ـ همسر «پروکوتسه» با بندگی ندور را به شما تقدیم‌داشت، ای‌اندر ـ وارونا،

پس آن‌گاه شما «ترسه دسیو» شاه‌را به‌او عطا فرمودید ـ آن نیمه خدائی که دشمن‌را هلاک‌ساخت.

۱۰ ـ باشد که اموال زیادولذت از ثروت، وخدایان در نذور، وگاوها در چراگاه،

وگاو شیرده که ازشیردادن خودداری ننماید، ای اندرا ـ وارونا روزانه به‌ما اعطافرمائید.(۲)

(ماندالای چهارم ـ سرود ۴۲)

---

(۱) معنی این‌آیت تاحدی مبهم است وظاهراً بنابر گفتهٔ بعضی‌ازمفسران رگ‌ بید از اینقرار میباشد که چون «پوروکوتسه Purukutsa» پسر «دورگهه Durgaha» به‌اسارت افتاد زن او از آن هفت‌دانشمند (هفت‌ریشی) استدعای فرزند کردو آنها با مساعدت اندرا و وارونا پسری به نام ترسه دسیو Trasadasyu برای او بوجود آورند.

(۲) منظور از گاو شیرده، ثروت است.

سرود بالا مکالمهٔ است میان وارونا واندرا وجود شاعر (ریشی).

یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه‌ای که با ما است یا بیگانگان خطائی مرتکب شده‌ایم، ای ورونا ، این تقصیر را از ما بردار.

۸ ـ اگر ما چون قمار بازان در بازی تقلب کنیم یا تقلب کرده‌ایم یا ندانسته یا دانسته گناه نموده‌ایم ،

همهٔ این گناهان را مانند عل و زنجیر ازما دور ساز ، وای ورونا مارا مورد مهر شخص خویش قرار بده.

(ماندالای پنجم ـ سروده ۸۵)

۴ ـ آن گاه که ورونا در آرزوی شیر است، آسمان، و زمین و خاك را تا بنیاد آن تر میسازد،

آن گاه کوه ها را راست میسازد و آن ها را با ابر باران میپوشاند، درهنگامی که قهرمانان بقدرت خویش آن ها را متزلزل ساخته اند. (۱)

۵ ـ من این عمل توانای سحرآمیز و روانای شکوهمند، و خداوند جاوید را اعلام خواهم نمود، (۲)

آن که درفلك ایستاده و زمین را با خورشید چون پیمانه ای پیموده است.

۶ ـ هیچ کس بتحقیق موجب و یا مانع این عمل سحرآمیز و توانای آن خداوند دانا تر از همه نگشته است

چنان که رودخانه های زُلال (صاف) با تمام طغیان های خود یك دریا نیز که آب های خود را در آن میریزند، پر نمیسازد.

۷ ـ اگر ما دربارهٔ آن که ما را دوست دارد گناهی کرده و

---

(۱) مقصود از عبارت «درآرزوی شیراست»، شاید این است که برای ابر شیر میخواهد یا آن که منظور از شیر باران حاصلخیزی است که از ابرها می بارد. و مراد از قهرمانان ماروت هاست که پای بست کوهها را بلرزه درآورده اند. ظاهراً دراینجا منظور از «زمین» الههٔ زمین یا زمین مجسم نیست بلکه منظور خدای خومیانه یافلك است.

(۲) سحرآمیز = Mayam

آن که در نواحی دور و نزدیك وسفلی اشیائی را که موجود است، مهیّا ساخت

۵ ـ آن که پیش از این زمین و آسمان وجود داشت ؛ پیش از آن که «اسورا» ها و خدایان بوجود آیند ،

جرثومهٔ نخستین که به آب‌ها داده شد ، و همهٔ خدایان باهم دیده شدند چه بود ؟

۶ ـ آب‌ها جرثومهٔ نخستین را گرفتند که در آن تمام خدایان باهم گرد آمدند ،

آن بر روی ناف نولدّ نیافتهٔ خود قرار گرفت، آن یگانه‌ای که همه چیزهای موجود در آن قرار دارند.

۷ ـ کسی که این موجود را آفریده است شما نخواهید یافت، چیز دیگری درمیان شما برخاسته است

پوشیده شده در ابرهای نمناك بالبانی لرزان ، سرود خوانان با عدم رضایت سر گردانند (۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۲)

---

(۱) منظور از عبارت : «چیز دیگری» ، بنظر بعض مفسرین موجود متفاوتی است که باشما افراد دارای احساسات ووجدان های فردی وغیره فرق دارد

بعض دیگر عبارت را چنین تفسیر کرده‌اند شما که در فکر لذاید دنیوی واخروی هستید تحت تأثیر دانش دروغین و نادانی واقع گشته‌اید و از دانش حقیقت محروم‌اید . «ولی برای مطابقت دادن این تفسیرها بیکدیگر هیچگونه اماره و نشانه‌ای درمیان نیست .

ستایش: ویشواکرمن Visvakarman

۱ ـ پدر چشم، داناروان، هر دو جهان را غرق در فربهی بیافرید.

سپس هنگامی که انتهای شرقی استوار گردید، آسمان و زمین گسترش یافت.

۲ ـ ویشواکرمن درفکر، و نیروقوی است، سازنده ودهنده و والاترین حضرت.

تقدیمی‌های آن ها با شیرهٔ(۱) فراوان شادی میکنند، وقتی که آن‌ها آن یگانه‌را ارزش بگذارند، آن ذات یگانه بالاتر از هفت ریشی.

۳ ـ پدری که ما را به وجود آورد، آن که چون تمشیت دهنده‌ای همهٔ نژاد ها، و همهٔ چیزهای موجودرا می‌شناسد

حتی تنها او، نام گذارانندهٔ خدایان، سایر موجودات برای کسب اطلاع در جستجوی اویند.

٤ ـ گنج‌هارا در راه او هدیه‌میدهند ـ، ریشی‌های باستانی در گروه‌های متعدد، سرودمیخوانند،

---

(۱) منظور عصارهٔ سوماست

گنج برای ما بیار

٤ ـ چون توئی منو، باقدرتی متجاوز وشکننده ودشمن کش و موجود بخویش.

ای نیرومند، ای عالی که همه مردمان از تو سهمی دارند، نیروئی ز بردست در جنگ به ما عطا فرما.

۵ ـ ای خدای دانا، من به ارادهٔ تو، ای توانا، بی آن که سهمی دریافت دارم، رفته‌ام.

ای منو، من که ارزشم در پیش تو، مرد ضعیفی است، من خود به سوی تو آمده‌ام تا مرا نیرو بخشی.

٦ ـ به اینجا بیا، من همه از آن توام چون تو پیش آئی بسوی من رو کن، ای پیروزمند، ای حافظ همه.

به سوی من آی، ای منو، ای که رعد را چون سلاحی به دست داری، در فکر دوست خود باش وداسیوها را هلاک‌ساز.

۷ ـ نزدیک شو، ودر دست راست من مقام ساز تا ما جمعی از دشمنان را بهلاک رسانیم.

بهترین شیر وعسل را برای نگاهداری تو تقدیم مینمایم؛ باشد که ما اولین کسانی باشیم که به آرامی از آن بنوشیم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۳)

۱۳۱

خطاب: به منیو Manyu (۱)

۱ـ آن که تورا تجلیل کرده است، ای منیو، ای صاعقهٔ نیست کننده، برای خویش نیروئی غلبه کننده تهیّه نموده است.

«آریه» و «داسه»را ما بایاری توای پیروزمند باغلبه‌وغلبهٔ سریع، مغلوب خواهیم ساخت.

۲ـمنیو، اندرا بود، آری‌آن خدا منیو بود، منیو، «هوتر»، ورونا، و «جات ویداس» بود.

اقوام نوع بشر منیو را پرستش میکنند و بروفق جلادت (حرارت)خود، ای‌منیو مارا حفظ فرما.

۳ـای‌منیو، ای نیرومندتر ازنیرومندان، این‌جا بیا، و باجلادت‌خویش مانندمتحدی دشمنان‌مارابران (۲)

ای کشندهٔ دشمنان، و وریترا، و داسیو،همه گونه ثروت‌و

---

(۱) منیو (منوح Manyu) : تجسم غضب و شهوت، غضب.

(۲) درمتن اصلی واژهٔ: «تپسا Tapasā» بکار رفته که بمعنی جلادت یا گرمی وحرارت است

تو این دو جهان‌را از یکدیگر جدا ساخته‌ای، [illegible] را
با کل‌میخ‌هائی (چند) در پیرامون آن استوار نموده‌ای.

۴ ـ ما محلّی فراخ برای قربانی با بوجود آوردن [illegible]
سپیده‌دم، و آتش مهیّا کرده‌ایم.

ای قهرمانان، شما در نبردهای خود حقه‌بازی‌های [illegible]
داسه گاوپوزه‌را مغلوب ساخته‌اید.(۱)

۵ ـ تو ای ایندرا، و تو ای وشنو، [illegible]
«شمبره»را ویران ساخته‌اید.

شما دو شخص هزار قهرمان غلبه‌ناپذیر (ایمان) [illegible]
را صد مرتبه فرو کوفته‌اید.(۲)

۶ ـ این است سرود شیوای ستایش جهانداران قوی [illegible]
والامقام.

ای وشن، من ترا با سرودهای روحانی ([illegible]) [illegible] ای
ایندرا، در لشکرگاه (اردوگاه) های ما رزق فرو ریز.

۷ ـ ای ویشنو، لب‌های من به سوی تو فریاد «وشت»(۳)
بر می‌آورد! باشد که این تقدیمی من ترا ای «شیپی ویشته»(۴) [illegible]

---

(۱) گاو پوزه یا [illegible] شیپره Vrishasipra [illegible] Dasa [illegible]
(۲) ورچین Varchin دیوی که ایندرا [illegible]
کشت. وحشی. غیر آریائی.
(۳) وشت Vashat لفظی است که هنگام تقدیم [illegible]
(۴) شیپی ویشته Sipivishta (پوشیده [illegible]) [illegible]

در ستایش : (ویشنو Vishnu)

۱ ـ مردم نتوانند بجلال تو که از هر حدّی گذشته است، نزدیك شوند، وتنها (آن جلال) به‌اندازهٔ اندام (من) تو است.

ما ای ویشنو، هردو ناحیهٔ زمین تورا میشناسیم، وتوای خداوند اعلی علیین را نیزمیدانی.(۱)

۲ ـ ای خداوند بشن، هیچکس که تولّد یافته، یا تولّد یابد، بحدّ اعلای عظمت تو نتواند رسید.

گنبدپهناور بلندآسمان راتونگاهداشته‌ای، ومنارهٔ مشرق زمین را تو محکم برافراشته‌ای.

۳ ـ غذای شیرین تو فراوان باد، و گاو های شیرده تو باچراگاههای حاصلخیز، برآن باش که مردم را خدمت کنی ای ویشنو.

---

(۱) ظاهراً منظور از دو ناحیهٔ زمین، زمین و فلك است که دو ناحیهٔ فرو دین میباشند ودرحد ادراك ماست، وناحیهٔ سوم ازآن بشن است که بنابر اساطیر هند و بـا گام سوم خود بدان رسیده است.

یم Yama و یمی Yamī (۱)

۱ – آرزو دارم که از دوست خویش ، دوستی مهرآمیز به

(۱) « یم Yama » ، و « یمی Yamī » پسر و دختر « ویـوسوان Vivasvān » اند که ریشی‌ها می‌باشند و در عین حال خدایان این سرودند که درواقع مکالمه بین آن هاست

بعقیدهٔ « فن رت Von Roth » ، « یم » و « یمی » بطوری که ازنام آنها پیداست خواهر و برادر توأمی (دوقلو) میباشند که زوج اول نوع بشرند و نوع بشر از آنها پیدا شده‌است .

نظر « یهود » که خلق « حوا » را از پـارهٔ تن « آدم » میدانند شبیه به این فکر هندوان است که آن ها را توأم میدانند . دراین سرود این عقیده از زبان « یمی » بیان شده بدین شرح که میگوید «حتی در رحم نیز ما را خالق زن و شوهر آفرید » و وقتی « یمی » از « یم » تقاضای ازدواج کرد « یم » بعذر گناه‌بودن ازدواج خواهر و برادرآن تقاضی را رد نمود

پروفسور « میلر Muller » معتقداست که «یمی» شب ، و «یم»روزاست « میلر» درجای دیگرمیگوید که حتی‌دریک‌جاازودانیز اشاره بدان‌شده‌است که «یم» و« یمی»« آدم»و«حوا»ی‌هندیان‌باشند اگر«یم» اولین‌بشرمخلوق‌می‌بودحتماً سرایندگان سرود هـای ودا این موضوع رامسکوت نمیگذاردند ، معهذا در اتهرواودا Atharva – Veda (سرود ۱۳ و ۳ و ۱۸) آمده است که « یم » پسر « ویوسوت Vivasvat » جمع کنندهٔ مردم اولین‌بشری‌بود که مردونخستین کسی بود که به دنیای آسمانی رفت .

خوش آید؛

باشد که این سرودهای مدیح من ترا تحلیل نماید.

ای خدایان همیشه ما را با برکت خود حفظ فرمائید[۱].

(ماندالای هفتم ـ سرود ۹۹)

(۱) واژهٔ «ویشنو» از فعل «ویش Vish» بمعنی نفوذ و تسلط ومستولی بودن است. در ریگ‌بید ویشنو از خدایان طراز اول نیست، بلکه مظهر نیروی آفتاب است که در سه گام از همهٔ ناحیهٔ جهان میگذرد وکلیهٔ اشیاء وموجودات را از گردنور خود احاطه میکند. بعضی از مفسران ریگ‌ودا این سه گام را مظاهر سه گانهٔ نور که آتش و برق وخورشید باشد تعبیر کرده‌اند. بعضی دیگر آنرا سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع وهنگام ظهر و وقت غروب دانسته‌اند. در بعضی از سرودهای ریگ‌بید نام ویشنو با وارونا، ماروت‌ها، اریمن، رودرا، وایو، و آدیتیاها آمده است. ویشنو امروز نیز پرستش میشود. این خدا بنا بر عقیدهٔ هندوان در ادوار مختلف بصورت مظاهر مختلف Avatara آشکار میگردد.

گند هرب(۱) درطوفان‌ها باروی آب‌ها ، این است‌رابطهٔما،
این‌است بالاترین خویشاوندی ما . (۲)

۵ ـ حتی دررحم خداوندتو شتری زندگی بخش ، و سازندهٔ همهٔ اشکال ، وآفریننده، مارا همسر یکدیگر ساخته است.

هیچکس ازقوانین مقدس او تخطّی نمیکند ،آسمان‌وزمین معترف‌است که ما ازآن اوئیم. (۳)

٦ ـ کی آن‌روز نخست‌را که ازآن سخن میگوئی‌میداند؟

که اورا دیده است؟

که‌میتواندآن‌را اعلام نماید ؟

بزرگ است قوانین «وروبا» ، و «میترا».

چه لاطائلاتی به مردم خواهی گفت تا آن ها را اغوی کنی؟ ! (٤)

۷ ـ عشق «یم» برمن که «یمی» هستم مسلط است تا بتوانم‌در کنار او بریك بستر بیارامم .

من‌چون‌زنی‌خودرا تسلیم‌شوهرم‌می‌نمایم،مانندچرخ‌های‌ارابه

---

(۱) گندهرب (گندهروه Gandharva) ، مطربان بهشتی‌یاآسمانی.
(۲) یم سخن میگوید
(۳) یمی سخن میگوید .
(٤) یم سخن میگوید .

دست آورم؛ باشد که دانشمند از میان اقیانوس پهنـاور هوا بیاید.

زمین وایّام آینده‌را به‌خاطر داشته، پسری به‌دست آورد که خلف پدرش باشد. (۱)

۲ ـ دوست تو، آن گونه دوستی را کـه بموجب آن، آنکه خویشاوند نزدیك است بیگانه‌پنداند، نمی‌پسندد

پسران «اسورا»ی نیرومند، قهرمان جملهٔ آسمان‌ها، اطراف خودرا می‌بینند. (۲)

۳ ـ جاویدها با اشتیاق این را از تو میخواهـند: فرزندان تنها موجود فانی.

پس بگذار روح من و تو بیکدیگر بپیوندد، وچون شوهری مهربان همسر من شو. (۳)

٤ ـ آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده‌ایم؟

ما که از تقوی سخن میگوئیم، آیا اکنون از پلیدی سخن گوئیم؟

---

(۱) دراین آیت «یمی» سخن میگوید. منظور «یمی» اینست که‌از «یم» پسری پیدا کند؛ زیرا بی‌آن زمین بی سکنهٔ بشری خواهد ماند

(۲) آیت دوم جواب «یم» است به «یمی» ومنظور از بیگانه زنی‌از خانوادهٔ دیگر است که بتواند زوجهٔ قانونی باشد

(۳) دراین آیت «یمی» سخن میگوید

برادری برجاست ؟

آیا وقتی‌ویرانی می‌آید باز هم او خواهر است؟

عشق من، مرا بگفتن این سخنان باگریه میسازد، نزدیک آی،
ومرا تنگ درآغوش گیر. (۱)

۱۲ ـ من دست خود را به دور تن تو حلقه نخواهم
کرد ، و وقتی کسی بخواهر خوبش نزدیک شود ، آن را گناه
میخوانند .

من (اهل آن نیستم) ، حظ خویش‌را برای دیگری آماده
ساز ، برادر تو آن را از تو نمیخواهد، ای زیبا . (۲)

۱۳ ـ دریغا ای «یم» تو براستی ضعیف هستی،ما در تو اثری از
دل وروح نمی یابیم .

همان گونه که (گیاه) پیچك به‌درخت می‌پیچدو بالا میرود ،
دیگری چون کمربندی به کمر توخواهد پیچید. (۳)

۱٤ ـ کس دیگری‌رادرآغوش گیر ای «یمی»،بگذارتادیگری
مانند پیچاك که بر درخت می‌پیچد ترا درآغوش گیرد.

دل اورا به‌دست آور، وبگذار که اوعشق تو را تحصیل نماید ،

---

(۱) تمایل یمی به یم درایبجا ظاهرمیشود ودرجواب یم میگوید

(۲) در این آیت یم جواب میدهد

(۳) دراین بند یمی پاسخ میدهد .

بشتابند تا بیکدیگر برسیم. (۱)

۸ ـ نگهبانان خدایان که پیرامون ما درحرکت‌اند، هرگز آرام نمیگیرند، وچشم‌خودرا نمی‌بندند.

مرا(واگذار)ای لاابالی (بی‌بندوبار) وبه سوی‌دیگر بشتاب، وچون چرخ ارابه سرعت بگیر تا بدو برسی. (۲)

۹ ـ باشد که‌چشم«سوریا» باشب وروز براو بخشد، ونور آن در پیش‌پای او(یم) بتابد.

درآسمان‌و زمین آن جفت‌خویشاوند بهم می‌پیوندند. عمل نابرادرانهٔ«یم» به گردن«یمی» باشد (۳)

۱۰ ـ براستی‌اناه‌ی‌متوالی‌خواهدآمد که‌برادران‌وخواهران کارهائی‌نه‌درخور خویشاوندی انجام‌دهند.

امّا من(اهل‌آن‌نیم) ای‌زیبا، ـ شوهردیگری بجوی وبازوی خودرا بالش‌همسر خویش‌ساز. (٤)

۱۱ ـ آیا وقتی‌که هیچ سروری برای زن باقی نماند بازهم

---

(۱) در این آیت یمی سخن میگوید

(۲) یم درجواب یمی میگوید

(۳) یمی دراین‌آیت درپاسخ «یم» سخن میگوید مسطوراز‌این‌بیت‌آن است که اگر در این کارگناهی باشد نتیجهٔ آن گردن‌گیر « یمی » میشود و مجازات آن که کوتاهی عمر است گریبانگیر « یم » نباشد. مقصود از جفت خویشاوند، شب وروز است

(٤) دراین‌بندیم در پاسخ حرف یمی میگوید.

گفت‌وگو میان: «پوروراوسه Purū-Ravas» و «اوروشی Urvasī» (۱)

۱ ـ هلا ای همسر من، ای بانـوی سخت دل، بایست تا با یکدیگر مُحاجه کنیم.

---

(۱) این سرود مکالمهٔ است بین «پورو راوسه» و «اوروشی»، این دو جداگانه ریشی هائی هستند که قطعات مختلفه‌را دراین سرود بیان میکنند. این مکالمه که دربعضی از قسمت هـا بکلی نامفهوم میباشد شامل نکات اولیهٔ داستانی است کـه در «شت پت براهمن Satapatha-Brāhmana» بیان شده، و بعداً نیز در «مهابهارت Mahābharata»، و «پورانا Puranas» هـا نقل گردیده است ایـن حکایت اساس نمایشنامهٔ «ویکرا موروشی Vikramorvasî» یا قهرمان وپری زاد میباشد بموجب‌این‌داستان «اوروشی» کـه یکی‌از «اپ چهرا (اپسارا Ap - sarā) ها یا «پریان آسمان» است به زمین تبعید شد و موافقت نمود که با «پوروراوسه» شاه زندگـی کند مشروط برآنکه‌آن پادشاه از دوقوچ مورد علاقهٔ او نگاهداری کند و بعلاوه هرگزآن پادشاه را برهنه نبیند. مدت چهارسال «اوروشی» با «پوروراوسه» بسر برد و آنگاه «گندهرب ها Gandharvas» («مطربان آسمانی») مصمم شدند که او را به‌آسمان برگردانند بدین منظور یکی از قوچ ها را شبانگاه‌می‌دزدند. پوروراوسه ازرختخواب خویش‌بیرون می‌جهد و گندهرب ها شعاعی ازنور سحرآمیز براومی‌تابانند، و «اوروشی» شوهرخودرابرهنه‌می‌بیندو یکی‌ازشرایط ادامهٔ همسری‌آنها شکسته میشود وآن پری زاد ناپدیدمیگردد. «پوروراوسه» بعدهااورا می‌بیند وبی‌ثمر تمنای بازگشت اورامیکند بناری دل سخت او کمی نرم میشود وپسری ازآنها بوجود می‌آید

واو با تو پیوند مقدسی بوجود آورد.(۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۰)

(۱) تفسیر سایمه از این سرود مشکل در چند مورد با ترجمه اختلاف دارد درباره این سرود عدهٔ از ارباب فن مثل ویلسون، وپاندیت‌های زمان او، و دکتر موئر Muir و دکتر اهنی Ehni وغیر آنها سخن گفته‌اند

یم و یمی که در بعضی از ادبیات مقدس هندو برادر وخواهر و یا پدر ومادر اولین بشر خوانده شده‌اند، همان ییم (جم) Yima و Yımāka مذکور در اساطیر ایرانی است .

او خانه‌ای که لذت خویش را در آن یافته بود ، جستجو میکرد ، و شب و روز آغوش خداوندگار (شوهر) خود را می‌پذیرفت.

۵ ـ روزی سه بار همسر خود را درآغوش میگرفتی ، هر چند که او نوازش های مشتاقانهٔ تو را به سردی می‌پذیرفت .

ای پورورواوسه ، من به‌امیال توتسلیم گشتم چون تو پادشاه بودی، ای قهرمان تن من .

٦ ـ دختران : سوجورنی ، شرنی ، سومن آپی ، چرنیو ، گرنت‌هینی ، و هردچکشوس .

اینان مانند گاوان‌قرمز ، آن‌افراد نورانی‌را پیش‌راندند، و چون گاوان‌شیرده به‌صدا درآمدند. (۱)

۷ ـ چون‌تولد یافت، بانوان گرد او نشستند ورودخانه‌ها با قهرمانی ، ورادی او را غذا دادند؛

وسپس ای«پورورواوسه» خدایان قدرت تورا درجنگ‌افزون

---

(۱) سوجورنی Sujurni ، شرنی Sreni ، سومن‌آپی Sumne - Âpi ، چرنیو Charanyu ، گرنت هینی Granthini ، و هردچکشوس Harde - chakshus نامهای‌شش‌اپ چهرامیباشد این قطعه بنابرقول « سایبه » اززبان « پورو راوسه » است که دراینجا نام پریانی‌را که‌هنگام پریدن « اوروشی » همراه او بوده‌اند ذکرمیکنند وآنهارا به گاوهای قرمز شبیه می‌نماید . شاید منظور درخشیدن برق است که باصدای غرش رعد توأم میباشد .

افکارچون افکارما که درایّام گذشته نا گفته مانده، هیچ آرامشی برای ما نیاورده اند(۱).

۲ ـ من اکنون با این گفتارتو چه توانم کرد؟ من مانند صبح اول از پیش تو رفته ام.

ای پوروراوسه، به منزل خویش باز گرد، به دست آوردن من بسان (بستن) باد مشکل است(۲).

۳ ـ بسان تیری که برای افتخار از ترکش رها گردد، یا اسب تیزتکی که برای سبقت از هزاران گاو بحرکت آید،

آن نور بدرخشید، همان گونه که آن بزدلان طرح آنرا ریخته بودند، آن مطربان چون گوسفندی که دچار زحمت باشد، صدا میکردند(۳).

٤ ـ او شوهر خود را زندگی و ثروت بخشید، از آن منزلگاه نزدیك، آن گاه که عاشقش از او خواسته بود. (٤)

---

(۱) دراین بند «پوروراوسه» هنگام ملاقات «اوروشی» بعد از ناپدید شدن او سخن میگوید

(۲) اوروشی جواب میدهد

(۳) پوروراوسه سخن میگوید و اوروشی را بیاد اوصاعی که موجب نا پدید شدن او بوده است، می اندازد.

(٤) در بندهای چهارم وپنجم «اوروشی» سخن میگوید. شاید منظور از زندگی وثروت، اولاد واخلاف باشد.

باشد که اکنون پهلوان جوان نیرومندی از طوفان بوجود آید؛
باشد که عمر «اوروشی» تا ابد باقی بماند. (۱)

۱۱ ـ تولّد تو، مرا شیر گاوان زمینی نوشانید، این نیرو را تو ای «پورورواوسه» بمن بخشیده‌ای.

من میدانستم، و تو را در آن روز خبر کردم، تو سخن مرا نشنیدی، اکنون چه میگوئی که هیچ‌چیز برای تو فایده ندارد (۲).

۱۲ ـ چون آن پسر بوجود آید، در جستجوی پدر خویش خواهد بود، ومانند سوگواران وقتی که او را شناخت خواهد گریست.

کیست که زن وشوهر موافق را از یکدیگر جدا سازد در آن هنگام که آتش درنزد پدرومادر همسر تو شعله‌است؟ (۳)

۱۳ ـ من اورا که اشک میریزد، تسلّی خواهم داد؛ برای مهربانی

---

(۱) پورورواوسی سخن میگوید مقصود ازطوفان، «اوروشی» است که ازنواحی آب حیز آسمان می‌آید.

(۲) اوروشی سخن میگوید قسمت اول این‌قطعه‌را به پیروی «سایبه» ویلسون، و گرسمن Grassmann و گلدنر Geldner بایـن تقریب ترجمه کرده‌اند « تو به دنیا آمده‌یی تازمین‌را محافظت کنی ».

(۳) پورورواوسه سخن میگوید. مقصود ازعبارت: وقتی که اوراشناخت خواهد گریست، آن است که چون ازحکایت او (پدر) خبردار شود خواهد گریست ومقصود ازعبارت تاوقتی که آتش شعله ور است اینست که تاهنگامی که پدر ومادرشوهر زنده‌اند وبااین همسری موافق میباشند.

ساختندتا «دسیو»هارا ازمیان برداری (۱) .

۸ - چون من مرگ پذیرهم آغوشی این دختران آسمانی را
که جامهٔ خویش را کنده ، وچون مار برهنه بودند طلبیدند،

با ترس از من بگریختند ، مانند اسبانی که ارابه به آنها
اصابت کرده باشد(۲).

۹ - وقتی مردی که این موجودات جاویدرا دوست دارد ، و
این پریان به او اجازهٔ صحبت میدهند ،

مانند قو زیبائی اندام خویش را براو می نمایند، وبسان اسبان
بازیگوش اورا می‌مکندو گاز میگیرند (۳) .

۱۰ - آن که مانند برق فروجهنده بروشنائی میدرخشید، مرا
هدایائی نیکو از آب‌ها بیاورد ؛

---

(۱) اورروشی سخن میگوید ، و « پوروراوسه » را یادآور میشود که چگونه بانوان آسمانی که موقع ولادت اوحضور داشتند ، اورا موردلطف قرار دادند ووروحانه‌ها برایش دایگی کردند وخدایان اورا نیرو بخشیدند . تفسیر دیگری ازقسمت اول این قطعه آنست که « اورروشی » پسری را که بعداً برای « پوروراوسه » بدنیا خواهدآورد ، پیش بینی میکند

(۲) دراین قطعه پوروراوسه ازآزردم پریانی که درقطعهٔ ششم نام برده و مصاحبت آن ها را برای تسلی خود خواسته‌است ، شکایت میکند . ظاهراً مقصودازعبارت مرگ پذیر ، آن است که چون‌اوخدا نبوده این وضع پیش آمده است

(۳) اورروشی دراین بندجواب میدهد ومیگوید که پریان با مردم فقط ناز و کرشمه دارند .

همان محکوم شده‌ام (۱).

۱۷ - من که بهترین عشق او (هستم) ، اوروشی را میخوانم که مرا دیدار نماید ، آن که هوا را پر ساخته و این ناحیه‌را تمام پیموده است .

اجازه فرما تا این هدیه که با کدامنی فرستاده شده به تو نردیك گردد ، به‌سوی من بازگرد ، دلمن دراضطراب است (۲)

۱۸ - خدایان این گونه با توسخن میگویند ، ای فرزند ایلا ، چون مرگ تورا درچنگال خود گیرد .

پسران تو با نذور خویش خدایان را خدمت خواهند کرد ، و تو در «سورگ» شاد خواهی بود (۳) .

(ماندالای دهم - سرود ۹۵)

---

(۱) یکی از شرایط همسری پورورواسه ، و اوروشی آن بوده است که اوروشی روزانه فقط مقدار بسیار کمی روغن Ghrita بخورد .

(۲) دراین قطعه پورورواسه صحبت میکند

(۳) بین بند ۱۷ و ۱۸ ظاهراً افتادگی هست که ادامهٔ ترتیب را بهم میزند . درآیت ۱۸ « اوروشی » ، پورورواسه را دلداری داده است و به او وعده میدهد که بعداز مرگ او، پسرانش برای خدایان قربانی کنند واو برکت یافته وارد بهشت Svarga شود . فرزند « ایلا Aila » یافرزند ایلا Ila دختر مانو بوده اسم پورورواسه است . بنظر لودویگ Ludwig ترتیب بندهای این سرود باید تاحدی پس وپیش شود باین ترتیب : ۱ و ۲ و ۳ و ٤ و ۵ و ۱٦ و ٦ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱٤ و ۱۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ .

که‌اورا مبارك‌میسازد گریه و ناله نخواهد کرد.

آن چه از آن تو است در میان‌ما من برای توخواهم فرستاد، ای‌دیوانه ، به خانهٔ خود باز گرد ، تو دیگر مرا به‌دست نخواهی آورد (۱) .

۱٤ ـ عاشق‌تو امروز برای همیشه خواهد گریخت، و بی آن که باز گردد به دورترین نقطه خواهد رفت ،

آن گاه بگذار تا خوابگاه‌او در آغوش هلاك باشد و گرگان درندهٔ خونخوار اوراطعمهٔ خودسازند.(۲)

۱۵ ـ به‌ای پورورواوسه نمیر، وار میان‌مرو ، ومگذار گرگان بدخواه‌ترا فروبلعند.

باز نان‌هیچگونه‌دوستی‌پایداری نیست، دل‌های کفتاران‌مانند دلهای‌زنان است. (۳)

۱٦ ـ زمانی که‌با صورتی مبدّل من درمیان مردم‌میزیستم ، و درچهارپائیزشب‌هارا درمیان آنان بسرمیبردم ،

من‌شبانه‌روز تنهایك قطره کره می‌چشیدم وایسنك‌حتی برای

(۱) اوروشی جواب میدهد مرادازعبارت آنچه ازآن‌تواست درمیان‌ما، ظاهراً فرزند مشترك است .

(۲) دراین آیت پورورواوسه اورا بخود کشی تهدید میکند .

(۳) اوروشی در بندهای ۱۵ و ۱٦ سخن میگوید.

در آن‌جا که دوست من «وری شا کپی» از مخزن پرستندگان (مؤمنین) خویش‌را سیراب کرده است.

اندرا برهمه سرور است

۲ ـ تو ای اندرا ، بابی اطلاعی بر آن چه «وری شا کپی» بدنهاد کرده است میگذری ، و حال آن که درجای دیگر محلّی برای آشامیدن شیرهٔ (شراب) سوما نمی‌یابی

اندرا برهمه‌سرور است.(۱)

۳ ـ چه کرده است که تو را رنج رسانده است این حیوان حنائی‌رنگ وری‌شا کپی‌نام که توچنین براو خشمگینی ؟

مخزن‌برزرق (پرتوشهٔ)مؤمنین چیست؟

اندرا برهمه‌سرور است . (۲)

٤ ـ زود باشد‌سگ‌تاری که گرازان‌را شکار میکنند، او را گرفته و گوشش را گاز گیرد ،

ای اندرا، آن«وری‌شا کپی» که تواورا چون‌دوستی حمایت میکنی

اندرا برهمه سرور است. (۳)

---

(۱) در این آیت اندرانی ، اندرا شوهر خود را برای بی‌حالی ملامت میکند

(۲) اندرا سخن میگوید

(۳) دراین آیت ودوپاسه بند بعد اندرانی سخن میگوید

اندرا ، و اندرانی (۱)

Indānī — Indra

۱ ـ مردم از ریختن شیرهٔ (سوما) خودداری نموده‌اند، و اندرا را خدا نمیشمارند.

---

(۱) دراین سرود خدا ، اندراست . بگفتهٔ ویلسون ریشی بندهای ۱ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ تا ۲۲ اندراست وریشی بندهای ۲ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۵ـ۱۸ اندرانی میباشد، وریشی آیت ۳ و ۷ و ۱۳ وری شاکپی Vrishàkapi ، بحر دراین سرود پنکتی Pankti پنج پادائی Pada است بنظر « ساینه Sayana » بند اول از زبان اندراست و ویلسون از نظر ساینه تبعیت کرده است، ولی دیگران آنرا اززبان اندرانی میدانند . وری شاکپی که دراین سرود نامبرده شده خود کلمه بمعنی نسناس قوی یا نسناس (میمون) نر است وظاهراً موجودی بین دیو و فرشته بوده است . ساینه اورا پسر اندرا دانسته و ویلسون نیز همین نظر را تأیید کرده است . بعضی هم اورا آفتاب هنگام غروب دانسته‌اند که ابخره را بخود جذب میکند و تبدیل به باران مینماید . بنابر گفتهٔ برگنی Bergaine او قربانی کنندهٔ افسانه‌ای است دراین سرود گفته میشود که وری شاکپی نذورات وتقدیمی‌هائی را که به اندرا تقدیم شده تصاحب کرده وآنهارا بخویشتن اختصاص داده است .

۸ ـ ای بانو که تورا دستان ، و بازوان زیبا ، وجبین و شکن زلف پریشان و سُرین های فربه است،

چرا ای همسر قهرمان ، تو نسبت به «وری شاکپی» ما خشمگینی؟

اندرا برهمه سرور است . (۱)

۹ ـ این مخلوق موذی ، مرا بدان چشم مینگرد که از عشق قهرمان خود محروم مانده ام ، و حال آن که من پسرانی قهرمان دارم؛ من دوست «ماروت» ها ، و ملکهٔ اندرا.

اندرا برهمه سرور است . (۲)

۱۰ ـ از ایّام قدیم مادر بانو به جشن ها، وقربانی های همگانی میرود.

مادر قهرمانان ، ملکهٔ اندرا ، و آمر بر مراسم را تجلیل می نمایند

اندرا برهمه سروراست .

۱۱ ـ من سخن اندرانی را شنیدم، آن که درمیان این بانوان خوش اقبال ترین خوانده شده است؛

زیرا هرگز همسر او در ایّام آینده درگردش روزگار نخواهد مُرد .

---

(۱) اندرا سخن میگوید

(۲) دراین آیت و بند بعدی اندرانی سخن میگوید

٥ ـ بوزینه اشیای زیبارا صایع ساخته است ـ جیزهائی که با مهارت ساخته شده وموجب شادی من بود

من سراورا خردخواهم کرد : سهم گناهکاران بدبختی است

اندرا برهمه سرور است. (۱)

٦ ـ هیچ بانوئی بیش ازمن زیبائی ندارد، وبه ثروتی بیشتراز لذایذ عشق

هیچ کس با گرمی بیشتری جمال خویش را در آغـوش سرور (شوهر)خود تقدیم نمی نماید.

اندرا برهمه سرور است .

٧ ـ مادری که محبّت او بزودی بدست می آید ،من میگویم که براستی چه خواهد بود؟

ای مادر ، سینهٔ من ، و سر من ، و هـر دو سُرین من می لرزد .

اندرا برهمه سرور است. (۲)

---

(۱) مقصود از اشیای زیبا بطور سادمه ، بذور است کـه پرستندگان اندرا بی تهیه کرده‌اند ، ولی بیشتر ممکن است که « وری شا کپی » به شخص اندرا بی صدمهٔ وارد آورده باشد

(۲) سایمه این بندرا ازربان « وری شا کپی » میداند وبسیار نامفهوم است . اما نظر لودویگ این قطعه از زبان اندرانی است که خشم خو ش را نسبت به بی‌حیائی و بی آزرمی وری شا کپی اظهار میدارد

۱۵ ـ مانند گاوی با شاخ های تیز و غرّان در میان گله ،
این آشی که او برای تو مریزد به دل تو شیرین است.

اندرا برهمه سرور است

۱۶ ـ مردی که عنیّن است ، نسلی بوجود نمی آورد، بلکه آن که دارای قوّت است.

اندرا برهمه سرور است .

۱۷ ـ آن که دارای قوّت است، نسلی بوجود نمی آورد، بلکه آن که عنیّن است .

اندرا برهمه سرور است.

۱۸ ـ ای اندرا ، این «وری شا کپی» حیوان وحشی کشته یافته ، با ظرفدان ، و دیگی نو ساخته ، و کارد ، و ارابهٔ پر از چوب .

اندرا برهمه سرور است.(۱)

۱۹ ـ «داسه» و «آریا» را از یکدیگر تشخیص داده برهمه نظر کرده میروم

---

(۱) دراین بند اندرانی سخن میگوید منظور از عبارت «حیوان وحشی» ظاهراً خر وحشی «پرسونتم Parasvantam» است و در واقع منظورش تحقیر قربانی میباشد .

کلمهٔ که ظرفدان ترجمه شده ممکن است به تختهٔ قصابی (سلاخی) هم ترجمه شود

اندرا بر همه سرور است (۱)

۱۲ ـ ای اندرانی ، من هرگز بدون دوستم « وری شاکپی » شاد نبوده‌ام.

آن که تقدیمی خوش آیند او چون با آب صاف شود، به سوی خدایان میرود.

اندرا برهمه سرور است.

۱۳ـ ای « وری شاکپایی » دولتمند که باپسران و همسران پسران خود مبارک گشته‌ای .

اندرا گاوهای تورا خواهد خورد ، ندر عزیز تو را که بسیار مؤثر است .

اندرا برهمه سروراست . (۲)

۱٤ ـ پانزده عدد، پس برای من بیست عدد گاو آماده ساخته‌اند ومن فربه ترین آنهارا میبلعم ،

آنها شکم مرا باغذا پر میسازند .

اندرا برهمه سروراست . (۳)

---

(۱) دراین بند وآیت بعدی اندراسخن میگوید .

(۲) این آیت ظاهراً اززبان «وری شاکپی» خطاب به زنش «وری شاکپایی Vrıshākāpâyî » است که سپیده دم یاشفق میباشد

(۳) دراین آیت اندرا صحبت میکند . ویلسون قسمت اول این بندرا چنین ترجمه کرده است : « پرستندگان برای من پانزده [و] بیست گاو ».

بنظر بعضی از مفسران ریگ ‌بید منظور پانزده نفر قربانی کننده است که باوری شاکپی و زنش و فرزندانش بیست نفر میشوند بنظر بعضی دیگر مقصود اینست که پانزده باضافهٔ ۲۰ گاوتهیه میکنند .

بکجا رفت آن حیوان که مردم را رنج میرساند؟
اندرا برهمه سروراست(۱)

۲۳ - دختر مانو پرشو در یك زادن بیست فرزند بوجود آورد .

براستی سهم او شادی بود ، هر چند بارش موجب غم او شد (۲)

اندرا برهمه سرور است .

(ماندالای دهم - سرود ۸٦)

---

(۱) این قطعه وآیت بعدی ظاهراً اززبان اندرانی است

(۲) معنی این قطعه مبهم است و هیچگونه ارتباط مشهودی با سایر بندهای این سرود ندارد

دختر « مانو Manu » بوجود آورندهٔ نوع بشر است . دربارهٔ « پرشو Prasu » اطلاع مهمی در دست نیست این کلمه بمعنی « دنده » میباشد قسمت اعظم از این سرود قابل تفسیر نیست بنظر « برگین Bergaigne » منظور از وری شاکپی دوست اندرا ، « سوما » ومنظور از « اندرانی » همسر اندرا ، بهاراست واین افسانهٔ عجیب این فکررا مجسم میسازد که اغلب گفته اند اندرا ، سومارا بدون نماز ، و نماز را بی سوما دوست نمیدارد . گلدنر معنی دیگری کرده است ویلسون بندبالارا باین تقریب ترجمه کرده است .

« دخترمانو بنام پرشو دریك نوبت بیست فرزند زائید ،شایدخوشبختی، ای خدا نیك اندرا ، اورا نشانه بار که چنین شکم زائوئی دارد
اندرا برهمه سروراست » .

من بر عاقلان(با لطف) مینگرم، و شیرهٔ سومای پرستندهٔساده دل‌را مینوشم.

اندرا بر همه‌سروراست.(۱)

۲۰ ـ بیابان هموار، و سراشیب هـای تند، فرسنگ هـا گسترده‌اند،

نزدیکترین خـانـه ها برو، ای « وری شا کپی »، بمنزل خودبرو.

اندرا برهمه‌سروراست.(۲)

۲۱ ـ ای«وری شا کپی»، برگرد، ما باهم شادمانی خواهیم آورد.

تو بـه سوی خانهٔ خود برو تـا از راهی که به‌خواب منتهی میگردد.

اندرا برهمه سرور است.

۲۲ ـ وقتی‌شما اندرا، و وری‌شا کپی به‌سوی‌خـانهٔ خودسفر کردید،آن‌حیوان موذی کجاست؟

---

(۱) منظور پرستندهٔ ساده دل، پرستندهٔ است که ندر خودرا باصمیمیت روح و ایمان تقدیم میدارد. این بند و دو بند بعد اززبان اندراست

(۲) ظاهراً وری شا کپی درفکر است که از اندرای خشمگین بگریزد وبه بیابان های دوردست فرارنمـاید. اندرا اورا ازاین فکر بازمیداردووعده میدهد که اورابا اندرای آشتی دهد

بودند ، و « سویتر » ، و «اوشینیه» بیکدیگر پیوسته‌اند.

«سوما» که با «اوکتهه»ها میدرخشند به« انوشتب» پیوست، « بریهتی » صدای (آوای) «بریهسپتی» رامددمیکرد (۱).

۵ ـ «ویراج» به «ورونا» ، و«میترا» چسبیده بود ، در اینجا «ترشتب»سهم‌روز به‌روز اندرا بود ،

«جگتی» به‌همه‌خدایان باهمواردگشت، وبادانستن آن‌مردم بمقام‌ریشی‌ارتقاء یافتند . (۲)

---

(۱) گایتری Gāyatri (موزون) یکی از بحر های عـروض در زبان سانسکریت دارای ۲٤ مقطع (مقطع ۲٤ = ۸ × ۳) . سویتر Savitar یـا سویتری Savitri (برانگیزنده) خدای آفتاب . « اوشینیه Ushinih » یکی‌از اوزان شعر در ادب سانسکریت دارای بیست و هشت مقطع . او کتهه Uktha (سرود ستایش) انوشتب Anu-shtup یکی‌از اوزان شعر درادب‌سانسکریت مشتمل بر۳۲ مقطع (مقطع۳۲ = ۸ × ٤) بریهتی Brihati یکی از اوزان یابحور عروضی دارای ۳٦ (۸ + ۱۲ + ۸ + ۸) مقطع . بریهسپتی Brihaspati (خدای گویائی) Brahmanaspati خدای دعا و نماز .

(۲) ویراج Vi-rāj وجود الهی صورت کل عالم بنابریکی از روایات هندو اولین مرحلهٔ خلقت بوسیلهٔ « برهما Brahma » که جوهرخودرا میان مذکر و مؤنث تقسیم کرد ، پیموده شد برهما جوهـر خویش را میان نر و ماده‌منقسم ساخت وازمؤنث نیروی مذکر یعنی : « ویراج » بوجود آورد.آن گاه‌ویراج ، مانوی‌اول را پیدا کرد وسپس‌ده پرجاپت آفریده‌شدند

در روایت دیگر نصف مذکر برهما ، مانو ، ونصف مؤنث او ، شترویا خوانده شده‌است ودیگر ذکری‌از ویراج نیست

ویراج بصورت خالق دوم گاه با « پرجاپتی »وگاهی با «برهما» ، و ←

آفرینش (۱)

۱ ـ قربانی‌را ازهرسو بار بسمانی با(بوسیله) صدویك‌روحانی مقدس کشیده‌اند .

این پدران بافنده اینجا آمده اند ، در کنـار بار (جله) نشسته اند وفریاد میکنند ، ازجلو بیافید، ار عقب بیافید.

۲ ـ بشرآن‌راگسترش‌میدهد، بشر آنرا بازمیکند، حتی‌آنرا تا طاق‌آسمان‌بافته‌است.

این‌میخ‌ها به‌جایگاه‌پرستش کوبیده‌شده‌اند، آنهاسرودهـای سومارا مکوّك بافندگی‌خود قرارداده‌اند.

۳ ـ قاعده‌ونظم ونمونه‌چه بود ؟ چهارچوب ودفتین چه‌بود ؟ سرودوآوازوانشاء چه‌بود وقتی که خداوهمه‌موجودات الهی‌عبادت می‌شدند ؟

٤ ـ « گایتری » با « اگنی » بسیار با یکـدیگر نزدیك

---

(۱) این سرود درردیف سرودهائی است که درآفرینش جهان سروده شده است

عروسی سوریا Surya (۱)

۱ ـ حقیقت پای بستی است کـه زمین بر آن قرار دارد ، و«سوریا» آسمان‌ها را نگاهداشته است .

« آدیتیا » ها برقانون مستقرند ، و «سوما» جای خودرا در آسمان نگاه میدارد (۲)

۲ ـ «آدیتیا» ها به «سوما» نیرومندند ، و زمین بـه «سوما» قوی است .

و چنین است که « سوما » در میـان صور فلکی جـای

---

(۱) موضوع اصلی این سرود مرکب که ازحیث زمان ظاهراً در بسیاری از سرود هـای ریگ‌ودا مؤخر است ، تشریفات عروسی بطور عموم میباشد ، و بالاخص عروسی سوریا دختر آفتاب که نام دیگری ازسپیده دم است ودر واقع عروس مطلق میباشد ، در این سرود ذکرشده‌است . این سرود یکی از سرودهای کلان ریگ ودا بشمار میرود

(۲) حقیقت یا واقعیت که « ستیم Satyam » خوانده میشود گاهی با کلمهٔ « ریتام Ritam » که قانون وناموس جهان است بیرمترادف میباشد

۶ ـ بدینگونه با دانستن آن مردم بمقام ریشی ارتقاء یافتند وقتی که قربانی قدیم برخاست، پدران مارا بوجود آورد.

من گمان میکنم که باچشم عقل آنان را که این قربانی درستش بجا آوردند، می بینم.

۷ ـ آنان که درمراسم و آهنگ‌ها وسرودها و قواعد مهارت داشتند، ریشی‌های هفتگانهٔ الهی بودند.

آن دانشمندان با نگریستن طریق قدماء، مانند ارابه بانان زمام‌هارا به‌دست گرفتند.(۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۳۰)

← «اگنی» و «پروش» و بعد ها با «ویشنو»، و «کریشنا» یکی شناخته شده‌است ولی در رگ بید (سرود ۱۶۴ ـ ماندالای اول) مذکوراست که‌ویراج از پروش و پروش از ویراج پیداشد

بنابر قانون مانو، موجود اعلی ابتدا آب را بوجود آورد و در آن جرثومهٔ قرار داد این جرثومه بصورت تخم زرین و درخشانی بود که‌همچون ستاره هزاران شعاع ازآن برمی‌خاست و میدرخشید و درآن تخم موجود اعلی خود بخود برهما را که بپا و آفریدگار کائنات است بوجود آورد

(۱) منظوراز هفت ریشی‌ظاهراً دراینجا انگراس ها نیستند، بلکه «بهردواج Bhardvāja»، و «کشیپه Kasyapa»، وگوتم Gotama، و اتری Atri، و وسیشت Vasishtha، و ویشوامتر Visvāmitra، و جمدگنی Jamadagni میباشد.

واو خداوند حافظ سوماست ، قمر آنست که سال ها را صورت می‌بخشد .(۱)

۶ ـ «ریبهی» دوست عزیز عروسی بود، و«ناراسنسی» عروس را به‌خانه راهنمائی نمود ،

لباس سوریا زیبا بود ، او بجائی آمد که «گاتها» آنرا زینت‌داده بود. (۲)

۷ ـ اندیشه بالش بستر او بود ، وبینش مرهم‌چشمش ؛

وقتی که سوریا به‌سوی خداوند (شوهر) خویش‌رفت، زمین و آسمان گنج او بود. (۳)

۸ ـ سرودها تخته های ارابه ؛ وزن‌شعر «کوریره»، پوشش ارابه بود ؛

دو « اشوین » همراهان عروس ، و اگنی رهبر دسته بود .

---

(۱) ظاهراً مقصوداز آنها ،خدایان ، ومنظور از تو ، ماه‌است که غذای خدایان دراوست ووقتی که درایام تنزل قمر خدایان از آن می‌نوشند ، مجدداً ماه شروع بترقی مینماید

(۲) در پنج بند اول خدا ، سوماست عروسی سوریا موضوع بند های ۶ ـ ۱۷ میباشد . « ریبهی Raibhî » و « ناراشنسی Nārāsansī » ، و «گاتها Gāthā » اشعار مراسم اند که بصورت مدیحه میباشد ودرحکم سرودهای ودائی هستند .

(۳) کلمهٔ «کوشه Kosah » که « گنج » ترجمه‌شده ممکن‌است بمعنی صندوق جهاز عروس هم باشد .

دارد.(١)

٣ ـ وقتی که گیاه (سوما) را میکوبند، شخص خیال میکند که شیرهٔ «سوما» را آشامیده است؛

آن را که براهمن‌ها بحقیقت « سوما » میشناسند ، هیچکس بچشیده است . (٢)

٤ ـ سوما که وسیلهٔ قواعد پناه دهنده مستقر است ، و سرود های : « بریهتی » اورا حفظ مینمایند ،

تو ایستاده ای و به سنگ ها گوش میدهی از کسانی که در زمین سکنی دارند هیچکس تورا نمی‌چشد .(٣)

٥ ـ هنگامی که آن ها نوشیدن تو را آغاز میکنند ، ای خداوند تو از نو فربه‌میشوی.

---

(١) منظور ازسوما ، قدرت خدای سوماست که نفوذآن برکلیه آفرینش تسلط دارد ، وآنرا بحرکت می‌آورد وازاو نگاهداری مینماید . درقسمت دوم این آیت ، « سوما » بمعنی ماه (قمر) است و منظور ازصورفلکی ، منازل قمر نکشترهاNakshatras میباشد .

(٢) ظاهراً درقسمت های اخیراین بند «سوما» بمعنی ماه (قمر)میباشد که تنها غذای خدایان است

(٣) منظوراز سرودهای « بریهتی Brihatî » سرودهائی میباشد که به بحر « بریهتی » سروده شده‌است معنی کلمهٔ « Bārhataih » مذکور در متن سانسکریت کاملاً معلوم نیست . بنابر گفتهٔ « ساینه » « بارهته ها Bārhatas » هفت محافظ سوما هستند بنام هـای : سوان Svāna ، و بهراج Bhrāja ، انگهاری Anghārı ، و غیره . بعضی‌ها این کلمه را مربوط به بحر بریهتی دانسته‌اند .

در اتّام « مگها » گاوها ذبح شدند ودر «ارجونی» عروس‌را دست به‌دست‌دادند.[(۱)]

۱٤ ـ وقتی شما ای اشوین ها با ارابهٔ سه‌چرخ خود برای خواستگاری و عروسی سوریا آمدید ،

همهٔ خدایان با پیشنهاد شما موافقت کردند ، «پوشان»چون پسر شمارا بسان پدران انتخاب نمود .

۱۵ ـ ای‌دو خداوندگار درخشش،وقتی شما به‌مجلس‌خواستگاری سوریا آمدید ، یك‌چرخ ارابهٔ شما کجا بود ؟

در کجا بانتظام امر خداوند خود ایستاده بودید ؟

۱٦ ـ ای سوریا ، برهمنان در فصل‌های خود دوچرخ‌تورا می شناسند .

چرخ دیگر که پنهان است ، تنها کسانی آنرا می‌شناسند که درحقائق عالیه‌مهارت دارند.[(۲)]

---

(۱) مگها Maghā و ارجونی Arjuni از منازل قمرند پوشان Pushan . خدای آفتاب

(۲) مقصود ازدو چرخ ظاهراً زمین وآسمان ، وچرخ سوم عالم نامرئی اسرارآمیز ورای آنهاست .

تمام آیات یا ابیات این سروددریك « بحر » سروده نشده‌است بندهای ۱٤ و ۱۹ تا ۲۱ و ۲۳ و ۲٤ و ۲٦ و ۳٦ و۳۷ و ٤٤ بحر تریشتپ‌وآیات ۱۸ و ۲۷ بوزن جگتی وبند ۳٤ به بحر اوروب ریهتی Urobrihati وبقیه به بحر انوشتب میباشد .

۹ ـ سوما از دختر خواستگاری‌می کرد، واشوین ها ساق ـ دوش داماد بودند.

درآن هنگام سویتری خدای آفتاب سوریای‌متمایل خودرا به‌شوهر میداد.

۱۰ ـ روح او (عروس) ارابهٔ عروسی بود، و پوشش آن آسمان:

اسمانی که اورا میکشیدند، درخشان بودند، در آن هنگام که‌سوریا به‌خانهٔ شوهر خود نزدیك می‌شد.

۱۱ ـ اسبان‌تو با استقامت، واشعار مقدس، وسرود سام آنها (اسبان)را درجای خود نگاه میداشت،

چرخ های ارابهٔ تو همه‌گوش[1] بودند، ومعبر تو درآسمان لرزان بود.

۱۲ ـ چون می رفتی چرخهای تو پاك بودند، و باد محوری بود که آن‌هارا بیکدیگر متصل میساخت،

سوریا که به سوی شوهر خود میرفت بر ارابهٔ روح مانند سوار بود.

۱۳ ـ موکب عروسی سوریا که سویتر به‌راه انداخته بود، پیش میرفت،

---

(۱) درمتن کلمهٔ « شروت رم Srotram (یك گوش) بکاررفته است‌ولی سایه معنی میکند: « شروتر Srotre (دو گوش)

۲۱ ـ ازاین جا برخیز ، این دختر شوهر دارد ، من «ویشوا ـ وسو» را باسرودها و بندگی می‌سرایم.

درخانهٔ پدر او ، زنهای دیگر بجوی، وحصّهٔ خودرا که ازقدیم برای تو گذاشته شده است ، بیاب (۱)

۲۲ ـ ازاین جا برخیز ای «ویشوا وسو» با احترام ما تورا میپرستیم .

دختر دلخواه دیگر بجوی ، و عروس را برای شوهرش واگذار .

۲۳ ـ راهی که دوستان ما بسوی عروس می‌پیمایند ، راست و مستقیم ، و بی‌خار باشد.

«اریمن» و «بهگه» مارا رهبری کنند، ای‌خدایان، اتحادزن وشوهر کامل باشد .

۲٤ ـ اینك تورا از کمند «ورونا» آزاد میسازم ، کمندی که «سویتری» متبارك تورا بدان بسته بود .

درجایگاه قانون بجهان اعمال پاکی (یا کدامنی) من تورا

---

(۱) ویشواوسو Visvāvasu یکی از گندهرب ها Gandharvas است که حافظ دختران بکر میباشد درایں‌جا باو خطاب میشود که چون عروس دیگر محتاج به محافظت او نیست ، اورا ترك نماید و حمایت خود را شامل دختران دم بخت که هنوزشوهر پیدا نکرده‌اند ، نماید

۱۷ ـ به‌سوریا ، وخدایان ، و میترا و واروما کـه آن شیء موجودرا بدرستی میدانند، این ستایش‌را تقدیم میدارم .

۱۸ ـ اگر این دو توأمان به‌نیروی خودحرکت متوالی را دربر دارند، مانند کودکان باری کننده دور قربانی میچرخند ،

یکی از این دو همه اشیای موجود را می‌نگرد ، و دیگری فصل‌هارا مقرّرمیدارد، ودوباره تولد می‌یابد. (۱)

۱۹ ـ او از نور تولّد می‌یابد، وتا ابد نو به‌نو میشود، به‌نشانهٔ روزها اوپیشاپیش صبح میرود .

چون می‌آید سهم خدایان را دستور میدهد ماه(قمر) ایّام وجود ما را طولانی میکند .

۲۰ ـ براین (ارابهٔ) چندشکل زرّین‌فـام زرین چرخ که از «کینشیکه» ، و «شالملی» ساخته شده وسهل الحرکه میباشد ، ای سوریا سوار شو ،

وبه سوی‌جهان زندگی جاوید برو، وبرای شوهـرخود یك سفر عروسانهٔ شادمانی . (۲)

---

(۱) ازاین بند به بعد که ارتباط آن بابقیهٔ سرود کم است سوریا آفتاب وسوما مـاه (قمر) است

(۲) بندهای ۲۰ تا ۳۳ شامل مجموعهٔ از اوراد است که عـروس باید هنگامی که به ارابه‌سوارمیشودوبه‌خانهٔ شوهر میرود ودرموقع ورودبخانهٔشوهر ونیز در صبح روز بعد بخواند . کینشیکه Kinsıka . چوب درخت مخصوصی است ، شالملی Salmali درخت پنبه میباشد

سوریه Surya به هرعروسی خطاب میشود ، زیراعروس مطلق اوست .

۲۸ ـ رنگ او آبی و قرمز است ، دیوی که به‌سختی چسبیده بود، رانده شده است، خویشاوندان این‌عروس کام‌ـروا باشند. این شوهر باپیوندهای‌محکم‌بسته شده است

۲۹ ـ جامهٔ دشمن‌را دور ساز ، و به روحانیون براهمن گنج بخش

آن ماده دیو دور شده است ، وچون همسری در خدمت شوهرش میباشد. (۱)

۳۰ ـ تن او(داماد) وقتی از آن دیو باید میدرخشدنامطبوع است ، درآن هنگام که شوهر دست و پای خود را با لباس زنش میپوشاند.

۳۱ ـ بیماری‌هارا ازمردمی که موکب درخشان عروس‌اند ، ای خدایان دور سازید ،

وآن‌هارا بمحلّی که از آن جا آمده‌اند ، بازگردانید

۳۲ ـ دست راهزنانی که در سر راه کمین کرده‌اند ، ازاین جفت همسر دور باد.

بطرق نیکو ازاین خطر برهند ، و دشمنان دور گردند .

۳۳ ـ علامات نیک بختی بر عروس است ، بیائید واوراتماشا کنید ،

---

(۱) یعنی، ماده دیو ، یاجادوگر ، یا روح پلید به وجودآورندهٔ خود برگشته است

صدمه نادیده به‌همسرت تسلیم‌مینمایم. (۱)

۲۵ ـ ازاین‌جا، ولی نه‌ازآنجا ،من‌تورا آزاد می‌فرستم، آن آن‌جا تورا به‌نرمی‌مقیّد میسازم ،(۲)

ای ایندرای نعمت‌بخش، باشدکه او(این دختر) درمیان‌بخت وفرزندان خویش بابرکت زندگی کند.

۲۶ ـ بگذار تا«پوشان» دست تورا بگیرد ، وتورا راهنمائی کند؛ باشدکه دواشوین درارابهٔ خود تورا ببرند .

به‌خانهٔ شوهرخود برو، ویار اوباش، وچون بانوئی درجمع کسان خویش سخن گوی .

۲۷ ـ شاد زی ، وبا فرزندان خود دراینجا کامیاب باش ، آژیر باش تا برخانوادهٔ خویش درمنزل خود حکومت کنی ،

تن خود را با این مرد که شوهر تواست ، نزدیکی متحد ساز تا شما در ایّام کهولت با جمعیّت خویش سخن گوئید.(۳)

---

(۱) کمند « ورونا » عبارت از کمربندی است که عروس بعدازاستحمام و شانه زدن و لباس پوشیدن برای تشریفات عروسی به کمر می‌بندد بنظر « لان من Lanman » مقصود ازاین کمند بستگی دختر به‌پدر تاقبل ازعروسی میباشد . منظور ازعبارت «جایگاه قانون» محل قربانی یا قربانگاه است

بندهای ۲٤ تا ۲٦ و ۳۲ و ۳۳ را درموقعی که عروس میخواهد خانهٔ پدررا ترك كند ، میخوانند

(۲) منظور ازاین‌جا ، خانهٔ پدر ، وازآن‌جا ، خانهٔ شوهراست

(۳) این آیت به عروس وداماد موقع ورود به خانهٔ دامادخطاب میشود.

۳۷ ـ ای پوشان ، اورا با بالاترین موهبت‌ها بفرست، آن که باید در همه لذاید وخوشی‌ها شریك من باشد.

آن که باید دستهای مهربان خویش را بگردن من افکند و عشق و آغوش مرا بپذیرد .

۳۸ ـ برای تو با موکب عروس ابتدا سوریا را به خانه‌اش همراهی کردند ،

ای اگنی درعوض تو به‌شوهر ، زنی فرزنددار عطافرما.

۳۹ ـ اگنی دوباره عروس را شکوه وعمر دراز عطا فرموده است .

آن که شوهر اوست نیز دیر باید و صد خزان زندگی کند. (۱)

٤۰ ـ سوما نخست اورا به دست آورد ، وسپس گند هرب شوهر او بود

اگنی همسر سوم تو است ، و اینك شخصی که از زن زائیده شده، شوهر چهارم تو است . (۲)

---

(۱) معلوم میشود حد اعلای عمر در هندوستان درعصر ودائی صد سال بوده‌است ، وازاینرو درخواست شده که صدسال شوهر زندگی کند .

(۲) چون سوریا که عروس مطلق است ابتدا با سوما ازدواج کرده ، پس هردختر حوالی پیشرار همه به سوما تعلق دارد وسپس به گندهرب که‌حافظ بکریت است و بعد به اگنی که آتش مقدس میباشد ، و شوهر واقعی شوهر چهارم است

برای او کامرانی آرزو کنید ، و به خانه های خود برگردید(۱).

۳٤ ـ این بدطعم است ، این تلخ است ، و چون به‌نیش‌های تیروزهرآلودشده‌لایق بکاربردن نیست.

براهمن کـه سوریا را میـداند ، مستحق لباس عروس است . (۲)

۳۵ ـ حاشیهٔ (لباس) وپارچه‌ای که سراو(عروس) را پوشانده وآن لباس‌سه‌چارك،

رنگ‌هائی که سوریا پوشیده است بنگر ، براهمن این‌هارا پاك خواهد ساخت . (۳)

۳٦ ـ من دست تورا برای نیك‌بختی در دست خود میگیرم ؛ باشد که تو با من (شوهرت) به‌پیری برسیم.

خدایان ، «اریمن» ، «سویتری» ، «پورندهی» تورا داده‌اندتا بانوی‌خانهٔ من باشی (٤)

---

(۱) ظاهراً درسرراه‌عروس به‌خانهٔ داماد ، این‌آیت راخطاب‌به‌تماشائیان میخواندند

(۲) لفظ «این» دراول آیت اشاره بلباس عروس است ومنظور از سوریا دراین قطعه سرود سوریا میباشد

(۳) ویلسون جملهٔ اخیررا چنین ترجمه کرده است « براهمن آن ها (لباسها) را برمیدارد .

(٤) این خطاب داماد به عروس است پورندهی Purandhî مجسم .

۴۶ ـ بر پدرشوهرت و برمادر شوهرت مسلّط باش،
و برخواهر و برادران شوهرت فرمانروائی کن .

۴۷ ـ باشد که خدایان جهانی ، و باشد که آب‌ها دلهای ما را متحد سازد ،

باشد که «ماتریشون» و «دهاتر» ، و «دشتری» ما را بیکدیگر به‌پیوندند . (۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۵)

---

(۱) بند ۴۷ را داماد به خودش و به عروس خطاب میکند ماتریشون Mātarısvan . باد یا آتش (اگنی) و یا آورندهٔ اگنی از آسمان .
دهاتر Dhatar : خالق ، آفریدگار ، سازنده
دشتری Deshtri . دشتری که بمعنی آموزگار است یك خدای زن است که درجای دیگر از ریگ ودا ذکر نشده‌است این سرود ریشهٔ شعائرومراسم وتشریفات مذهبی هندو درامرزناشوئی میباشد ودربراهما نها اعمال وآداب‌آن توضیح وتفسیرشده است

٤۱ ـ سوما به گندهرب، و گند هرب بـه اگنی داد، و اگنی این زن مرا با نعمت و پسران بمن بخشد.

٤۲ ـ ازهم جدا مشوید، دراینجا زندگی کنید، و بحدّ اعلای زندگی بشری برسید.

با پسران و نوادگان وخوشی و بازی ودر منزل خویش شادمان باشید. (۱)

٤۳ ـ باشد که «پرجاپتی» مارا فرزندان بخشد، باشد که «اریمن» مارا تا گاه پیری زینت دهد،

نحوست با تو بخانهٔ شوهرت وارد نگردد، برای دوپایان وچهارپایان ما برکت بیاور.

٤٤ ـ نه چشم زخم، ونه کشندهٔ شوهرت، برای رمه نیکی بیاور، ای رخشنده، ای مهربان دل،

ای دوست دارندهٔ خدایان، ای فرح انگیز، ای قهرمان زا، برای چهارپایان ودوپایان ما برکت بیاور.

٤۵ ـ ای اندرای عطابخش، این عروس را باپسران وخوشبختی برکت ده.

اورا ده پسر ببخش که شوهرش مرد یازدهم آنها باشد.

---

(۱) قطعات ٤۲ تا ٤۷ موقعی که عروس و داماد به خانهٔ داماد برگشته‌اند خوانده میشود وقربانی تقدیم میشود وبه عروس و داماد این قطعات ار خطاب مینمایند، وسپس عروس برکت داده میشود.

شما که اسم اورا میـدانید، آنرا بر زبـان رانده اید؛ باشد کـه مـا ای ویشنوی قـادر از لطـف تـو بهره مند گردیم.

٤ ـ سلطان ورونا ، واشوین‌های دوگانه در انتـظار ارادهٔ او بند که جمع «ماروت»ها را رهبری نمایند.

«ویشنو» دارای نیروی عالی وقدرتی است که روزرا یافته وبا دوست خود گاوخانه را میگشاید.

٥ ـ حتی آن فرد آسمانی که برای همراهی آمـد، ویشنو به اندرا خدائی به‌خدائی‌تر که سازندهٔ صاحب تخت درسه‌جهان مردم آرین‌را کمك میکند و پرستنده سهمش را از قانون مقدّس می‌بخشد.

(ماندالای اول ـ سرود ١٥٦)

۱۲۹

خطاب به: ویشنو Vishnu

۱ ـ ای «میترا» مانند که نور تو به‌همـه رسیده، وآوازه‌ات (شهرت تو) گسترش یافته است، ودر راه‌عادی خود روانی، وازروغن مدد میگیری ، باور ما باش.

پس ، ای «ویشنو» که‌حتی دانایان باید سرود ستایش‌تورا بسرایند، وآنکه ندورات را داده است ، مـراسم رسمی‌را به تو تقدیم دارد.

۲ ـ آن‌که هدایا برای‌آن فرد قدیم ابدی یعنی: ویشنوی فرمان دهنده وهمسر اوتقدیم میدارد ،

وآنکه ازتولّد عالی‌آن‌فرد اعلی سخن میگـوید ، در جلال بحقیقت ازهمکنان خویش درخواهد گذشت .

۳ ـ ای سرایندگان ، شما او را خـرسند ساخته‌اید ، و میدانید که او حتی از هنگام تولّد حرثومهٔ نخستین نظام‌بوده است .

۱۳۱

ستایش : میترا ـ وروتا

۱ ـ سه کرهٔ نور ای وروتا ، وسه آسمان ، وسه فلك را دربر دارند، ای میترا .

با فزونی نیروی ما شکوه فرمانروائی را نگـاه میداریم ، و قانونی را که تا ابددوام دارد ، محافظت میکنیم .

۲ ـ شما وروتا گاوانی دارید که رزق می بخشند ؛

ای میترا ، طوفان (سیل)شما آب‌های شیرین می بارد

آن‌سه‌مرکب در شکوه ودرخشش استاده وسه کاسهٔ جهان را بارطوبت ناب بر میسازند.(۱)

۳ ـ درسپیده دم من الههٔ «ادیتی» رامیخوانم، ودر نیمروز و هنگام‌فرو رفتن آفتاب.

---

(۱) مقصود از سه مرکب « اگنی » بصورت آتش زمینی در زمین ، و « وایو Vāyu » بصورت باد در فلك ، و « سوریا Surya » بصورت آفتـاب در آسمان است ومقصود از رطوبت ناب ، باران حاصل بخش میباشد

۱۳۰

ستایش میترا، و ورونا

۱ ـ با سرود های الهام شده ، به ورونا و میترای خویش بسرائید .

آن خدایان قادر قانون اعلی هستند.

۲ ـ چشمه‌های پر فراوانی پادشاهان فرمانروا ورونا ومیترا خدایان توأم که درمیان خدایان مفتخرند .

۳ ـ ما را با ثروت ، ثروت‌های عظیم زمینی وآسمانی یاری فرمائید.

سلطهٔ شما درمیان خدایان گسترده شده است .

٤ ـ با حفظ قانون بوسیلهٔ قانون باتوجه کامل آن‌ها بقدرت نیرومند خود نائل شده‌اند.

آن دوخدای مبرّا ازفریب درترقی‌اند .

٥ ـ باآسمان‌های باران‌ریز، وسیل‌های‌روان، آن‌خداوندان نیروی نعمت بخش ، به‌جایگاه عالی رسیده‌اند.

(ماندالای پنجم ـ سرود ٦٨)

۱۳۲

درستایش: میترا و ورونا

۱ ـ ای ورونا ، و میترا ، لطف شمادر طول وعرض گسترده است .

باید که من حسن نیّت مهربان شمارا به‌دست آورم .

۲ ـ از نیکی شما خدایان باشد که‌ما روزی فراوان برای نگاهداری خود به دست آوریم .

ای «رودرا»ها باشد که ما چنین باشیم. (۱)

۳ ـ ای «رودرا»ها ، مارا با پاسداران خودمحافظت فرمائید، ومارا نجات دهید شما که در نجات بخشی ماهرید.

باشد که ماخودمان «دسیو»هارا مطیع سازیم.

٤ ـ وگرنه‌ما ای نیرومندان عجیب، هرگز ازجشن رسمی دیگران بهره نخواهیم یافت.

نه ما ، ونه فرزندان‌ما ، ونه اخلاف‌ما .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۷۰)

---

(۱) دراینجا منظور از « رودراها Rudras » ، و رونا ومیترامیباشد

ای میترا ـ وروناً ، من برای سلامت وثروت وداشتن فرزندان درایّام راحت وزحمت نیایش میکنم.

٤ ـ شما که این ناحیه (و) کرهٔ درخشش را برافراشته‌اید ، و کشور زمین را نگاه میدارید ،

ای «ادیتی»های الهی ، ای خدایان جاویدان، ای ورونا و میترا ، هرگز به‌قوانین جاودانی خود صدمه نرسانید.

(ماندالای پنجم ـ سرود ٦٩)

۱۳۴

درستایش : میترا ـ ورونا

۱ ـ این سرودها را به ورونا ومیترا تقدیم میداریم ، همان گونه که «اتری» (تقدیم) کرد . دراین سبزه‌زار مقـدس بنشینید، و ازشیرهٔ سوما بنوشید .(۱)

۲ ـ به دستور وقانون شما درصلح پایداربسر میبرید، مردم‌را بر می‌انگیزید .

بر این سبزه زار مقـدس بنشینید و از شیرهٔ سوما بنوشید.

۳ ـ باشد که ورونا ومیترا برای یاری ما این قربانی را بپذیرند .

بر سبزه‌زار مقدس بنشینید واز این شیرهٔ سوما بنوشید.

(ماندالای پنجم ـ سرود ۷۲)

---

(۱) یعنی، بطریق « اتری Atri » .

۱۳۳

درستایش : میترا ـ ورونا

۱ ـ ای ورونا ، ومیترا که دشمن‌را میکشید، با نیرو به‌این قربانی نیک‌ما بیائید .

۲ ـ زیرا شما ، ورونا ومیترا که دانشمند وفرمـانروای بر همه‌هستید، سرودهای‌مارا پُر سازید . چون شما برآن‌قادرید.(۱)

۳ ـ به‌سوی این‌عصیر که ما فشرده‌ایم ، بیائید.

ای ورونا و میترا ، بیائید ، و از این سومای پرستندگان بنوشید .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۷۱)

---

(۱) منظور از « عبارت سرودهای ما را پر سازید » اینستکه درنتیجهٔ سرودهای ما فراوانی بوجود آید

۴ـ آری ای آسمان و زمین مقدس ، دانشمندان باستان که سخنان آنها همیشه بر حق است، نیروی آنرا داشته‌اند که شما را بیابند؛ و مردم را در جنگی که قهرمانان پیروزمیگردند ، شجاعت بخشند . ای زمین ترا بخوبی شناخته ، و ترا احترام مینمائیم .

۵ ـ چه راهی به سوی خدایان میرود ؟
که حقیقت آنرا میداند ؟
و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تنها منازل سفلای آنان دیده شده‌است ، ولی آنها در نواحی دور و نهانی میباشند (۱).

۶ ـ دانشمند سیراب شده که نوع بشر را مینگرد، و بر آنها نظر کرده است، درمقرّ نظم شادی میکنند .

آنها خانه‌ای مانند آشیانهٔ مرغان ساخته اند ، و هرچند از هم جدا شده‌اند ، با همان اراده خود را باهم خواهند یافت . (۲)

---

(۱) منظور ازمنازل سفلی ظاهراً صورفلکی است

(۲) ظاهراً مراد ازدانشمند فرد بصیر وعالم است ، ومنظور از «آنها» زمین وآسمان است ، وسیراب شده یعنی ازآب های بالای فلك وباران سیراب شده‌است . ومقصود ازعبارت : «درمقر نظم» جائی که نظم ابدی کیهان برای آنها مقرر داشته‌است میباشد، ومراد ازقسمت اخیراین بندآنست که آنها مثل آشیانهٔ مرغان بایکدیگر فاصله دارند ولی یکدیگررا می‌بینند .

۱۳۵

خطاب به: وشودیوها Visvedevas

۱ ـ به آن قابل پرستش قادر، این سرود نیرو بخش و بلا انقطاع را آنها که برای شوری جمع‌شده‌اند، تقدیم‌داشته‌اند.

باشد که «اگنی» با شکوه سادهٔ‌خویش ما را بشنود.

ای‌ذات (فرد) جاوید با درخشش آسمانی‌مارا بشنو (۱).

۲ ـ به‌آسمان‌وزمین قادر من به‌صدای‌بلند میسرایم،آرزوی من بمیل وشناختن هردوپیش‌میرود؛ و در شورای بلندآوازولطف آمیز آنها خدایان با زندهٔ فانی شادی مینمایند (۲).

۳ ـ ای آسمان‌وزمین، باشد که قانون بزرگ شما وفادار باشد و شمابه‌سود بزرگ ما رهبران ما باشید.

به زمین‌وآسمان‌من این بندگی‌خود را با غذا تقدیم‌میدارم، ای اگنی من‌برای ثروت دعامیکنم.

---

(۱) ظاهراً منظور ازشوری مجالس قربانی است که برای پرستش تشکیل میشده، ومنظور از اگنی هم‌آتش زمینی است که برای قربانی درست‌میکنند وهم‌آتش‌خانگی که برای‌قربانی برمی‌افروزند وهم‌آتش‌آسمانی بصورت‌خورشید.

(۲) ظاهراً منظور از شناختن هردو، تشخیص عظمت آسمان و زمین است، و منظور از زندهٔ فانی، مردم پرستنده میباشد.

در آنجا که خـدایان برحسب عـادت در آن معبر فراخ ممتد ایستاده‌اند ، ستایش میسرایم. (۱)

۱۰ ـ من این ستایش را به شما ای آسمان و زمین اظهار میدارم آن مهـربان دلی کـه زبانش اگنی است ،

ای پادشاهان فرمـانروای حـوان ، ای ورونا و میترا ، وای «آدیتیا»های دانای شکوهمند.

۱۱ ـ سوبتری شیرین زبان زرّین دست ،سه نوبت از آسمان می‌آید تاخداوند مجمع ما باشد.

این سرود ستایش را بسوی خدایان بر ، وای سویتری امن و سلامت کامل وجامع برای ما بفرست.(۲)

۱۲ ـ کارگران مـاهر چیره‌دست و مساعد مقدس ، باشد کـه خـدای « توشتری » این چیزها را بـرای مساعـدت به ما عطا فرماید .

شما «ریبهو » ها که به «پوشان» پیوسته‌اید ، لـذت خودرا برگیرید ، شمـا تشریفات را بـا منظم ساختن سنگ ها آمـاده

(۱) منظور از قسمت آخر این سرود اینست که ماچون با پدر حـود « دیوس Dyaus » یا آسمان بستگی داریم خدایان بوجوداو (آسمان) شهادت میدهند

(۲) طاهراً منظور از سه نوبت ، قربانی روزانه در هر صبح و ظهر و عصر است

۷ ـ شریکانی که هر چند با فاصله‌های زیاد از یکدیگر جدا هستند ، هردو در مکان محکمی ایستاده‌اند ، وهمیشه ناظرند و همواره جوانند،وچون دو خواهر یکدیگررا به نام های متحد می‌خوانند . (۱)

۸ ـ همه موجودات زنده را از یکدیگر جدا ساخته وجدا نگاه میدارند؛وهر چند خدایان قادررا حمل مینمایند ، لغزش و نوسان ندارند .

بر هر ثابت وبرهر جنبنده و نیز برآنچه راه میرود و بر هرآنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ فقط یکی فرمانروائی‌میکند (۲)

۹ ـ من‌از دیرباز دربارهٔ آن قدیم تفکر میکنم، خویشاوندی ما با اسلاف‌پدر نیرومند ما ،

---

(۱) منظور ازنامهای متحد ظاهراً کلماتی است که به هردواطلاق‌میشود مانند «اروی Urvî » ، دو فرد وسیع یا « دیاواپریتهیوی Dyāvāprithivî ، زمین ـ آسمان ، وغیره

(۲) قسمت‌اخیراین‌بند چنین نیز ترجمه شده‌است : « یك فردکلی‌خداوند همه اشیای ثابت ومتحرك است وآنچه راه میرود وآنچه میپرد و این‌آفرینش بسیار شکل » ودرتفسیرآن گفته‌اند مقصود ازفردکلی که دراین سرودن ذکرشده ، آن جوهر سرمدی است که دنیا ازآن پیدا شده‌است واین همان « اجا Aja » یافرد تولد نیافته است که درسرود ۱٦٤ ماندالای اول بدان اشاره شده است. و این فرضیه‌اساس عرفان بعدی و فلسفه‌اوپانیشادی‌شده که‌علت ومعلول را یکی دانسته‌اند .

کشندهٔ وریترا ، گله های گـاوان را جمع نموده بـرای مـا بیاور .

۱٦ ـ «ناستیه» ها پدران من‌اند که بخویشاوندان مهر بانند، خویشاوندی «اشوین»ها عنوان افتخار آمیز است.

چون شمائید که ما را گنج های ثروت می بخشید ، شمـا داده های خود را بـدون فریب سخاوتمندان حفظ می کنید.(۱)

۱۷ ـ ای دانایان ، این برای شمـا عنوان بـزرگ و پر شکوهی است کـه همهٔ شما موجودات آلهی ، در اندرا منزل دارید .

ای دوست کـه با « ریبهو» هـای عزیـزت بسیار خـوانده شده‌اید ، سرود ما را برای‌ما سودمندساز.(۲)

۱۸ ـ «اریمن» ، «ادیتی» درخور ستایش‌است، قوانین «وروناً» هرگز شکسته نمیشود .

ای بلای بی فرزندی ازما دورشو ، و بگذار تاطریق‌ما مملوّ ازگاوان وفرزندان‌باشد .

---

(۱) منظور ازعبارت بدون فریب سخاوتمندان آنست که مردمی آزاده مانندما هرگزشمارا فریب نخواهد داد.

(۲) منظور ازعبارت . « در اندرامنزل دارید » آنست که فی‌الواقع‌همهٔ آنها جزء آن مبداء الهی کیهانی‌اند چنانکه تمام صفات فردی درخدای‌مطلق فانی میگردد

ساخته‌اند . (۱)

۱۳ ـ ماروت های نیزه‌دار ، جوانان چابك آسمان ، پسران نظم ،

مقدسان ، و« سرسوتی » سوار برارابه های تیزرو ، مارا بشنوید ؛ شما ای توانایان ، مارا ثروت و فرزندان نجیب عطا فرمائید .

۱٤ ـ ستایش‌ها و سرودها که سرایندگان درراه «بهگه» میسرایند، به‌سوی«ویشنو»ی شگفت‌انگیز میرود.

سرورقدم‌های توانا که مادران او ـ بانوان جوان بسیار ـ ، هرگز اورا به‌بی‌اعتنائی نمینگرند . (۲)

۱۵ ـ اندرا که به نیروهای قهرمانی خویش بر همه حکم فرماست ، زمین‌وآسمان‌را باجلال خود پُرساخته است .

ای خداوند لشگر های شجاع ، ای قلعه شکن ، ای

(۱) ظاهراً منظور از این چیزها ، اشیائی است که برای آن ها دعا میکنند .

(۲) منظور ازعبارت : راه بهگه،راه خوشبختی ونعمت است .
مقصود ازسرور قدم های توانا ویشنو میباشد
ومنظور ازمادران،نواحی‌مختلف‌فضاست که همه اشیاء رابوجود می‌آورد وبااین تفصیل قسمت‌آخر این‌بندبدین‌گونه ترجمه شده است که از فرمان او نواحی متعدد درهم آمیختهٔ فضا که بوجود آورندهٔ همهٔ اشیاء هستند سرپیچی نمی‌نمایند » .

خطاب به : سونیه Svanaya

۱ ـ صبح زود آمده و گنجش را می بخشد، عاقل اورا پذیرفته وار وی پذیرائی مینماید.

واز آنجا زندگی و فرزندان خودرا افزایش داده و باپسرانی دلیر وثروتی فراوان می آید. (۱)

۲ ـ او در طلا ، و گاوان ، واسبان توانگر خواهد بود . اندرا اورا قدرت حیات بزرگ می بخشد ،

آنکه چون تو می آئی ، ترا در گنج خویش متوقف می سازد ، مانند شکاری که در دام افتد ، ای زود آینده . (۲)

۳ ـ با اشتیاق من با ارادهٔ پر از ثروت امروز صبح بهسوی آن

---

(۱) این سرود مکالمه است میان یك روحانی فقیر همدوی دوره گرد یا (ککشیوان Kakshivān) سرگردان و شاهزادهٔ عاقل ومتقی بنام « سونیه Svanaya »

گنج یعنی ثروتی که پس از قربانی بهدست می آید. عاقل اشاره به شاهزاده است در بند اول ککشی وان سخن میگوید .

(۲) در این بند سونیه سخن میگوید

۱۹ ـ باشد که فرستادهٔخدایان (اگنی) که باطراف فرستاده میشود، مارا بی گناه اعلامدارد.

برای سلامت کاملما ، باشد که زمین و آسمان، وآفتاب ، وآبها ، مارا بشنوندوفلكپهناور وصور فلکی .

۲۰ ـ ای کوه ها که قطرات بارانرا تقطیر نموده وپابرجا ایستاده ازرطوبت فرح بخش شادمانی مینمائید،

باشد که«ادیتی»، و«آدیتیا»ها ، مارا بشنوند، وماروتها ما را پناهیموهبتآمیر بخشند.

۲۱ ـ راهما همیشههموارباشد ، وپررزقبا شربتی گوارا ، ایخدایان علفهارا سیرابسازید.

ای اگنی، باشد که در دوستی توسعادتمن درامان باشد . باشد کهمن بسر منزل ثروتهای پر رزق برسم .(۱)

۲۲ ـ از این تقدیمی محظوظ شو ، نیروی خویش را بـر ما بتاب ، برای خوبیما همه گونه افتخاررا درهمآمیز .

ای اگنی ، همهٔ این دشمنانرا در جنگ مغلوب کن، وهمه روزهارا ازلطف مهرآمیز خودروشن ساز.

(ماندالای سوم ـ سرود ٥٤)

---

(۱) منظورازشربت گوارا ، باران فرح بخش میباشد .

۷ـ آزادگان‌را مگذار که درگناه وغم‌فرورند ، وخداوندان پاکدامن وپرستش‌کاررا هرگرهلاك مساز!

وهر مردی حافظ آنها باشد ، وعذاب را بر خسیسان‌فرود آور . (۱)

(ماندالای اول ـسرود ۱۲۵)

(۱) ظاهراً در بند های ٦ و ۷ ککشی وان مستمند سخن میگویدودعا به بخشندگان وبهربن به لئیمان وخسیسان میکند

پسرقربانی پاکدامن آمدم.

اورا شیرهٔ ساقهٔشادیبخش‌ننوشان، باسرودهای شادی‌خداوند قهرمانان را کامیاب‌ساز. (۱)

٤ ـ جوی های سلامت بخش مانند گاوان شبرده جاری شوید تا به‌کسی که او را عبادت کرده، واورا عبادت خواهد کرد سود رسانید.

به سوی او که به‌آزادگی میبخشد، واز همه‌سو جوی‌های فراوانی را پر می‌سازد جاری شوید، واورا مشهور سازید.

٥ ـ بر کنارهٔ بالای‌آسمان باشکوه می‌ایستد، آری‌به‌سوی خدایان‌میرود،آن بخشندهٔ گشاده‌دست.

جوی‌ها (نهرها)، وآب‌ها بافراوانی برای او جاری‌میشوند، برای اواین پاداش همواره فراوانی می‌آورد.

٦ ـ تمام این جلال‌ها برای کسانی است که پاداش های گرانمایه‌میدهند.

برای آنها که پاداش‌های گرانمایه میدهند خورشیدها در آسمان میدرخشند.

بخشندگان پاداش‌های گرانما به جاویدمیشوند؛ بخشندگان اجر زندگی‌خودرا دراز می‌سازند.

---

(۱) دراین آیت ککشی‌وان سخن میگوید.منظور ازشیرهٔساقهٔشادیبخش، عصارهٔ سوماست

درزیرپای اوچه بود؟ (۱)
چگونه بود؟

درآن هنگام که «ویشوا کرمن» همه را میدید، وزمین را بوجود می‌آورد، با نیروی عظیمی آسمان‌ها را آشکارساخت.

۳ـ آن که درتمام اطراف خویش دارای چشم است، ودرهرسو یك دهانی دارد، ودست‌های اودرهمه جوانب است.

او که خدای یگانه است، وزمین وآسمان را بوجود آورد، وآنها را بادست‌های بال مانندخود بیکدیگرمی‌پیوندد.

٤ـ چه درختی بود، وبراستی چه چوبی بوجودآورد که از آن زمین وآسمان راساختند؟

شما ای مردان متفکّر در روح خویش تجسس کنید که او وقتی همهٔ اشیاء را مستقر میساخت، بر (روی) چه ایستاده بود؟

۵ـ طبیعت قربانی کننده وبالاترین وپائین‌ترین تو، واندرون تودراینجا، ای ویشوا کرمن،

دوستان خودرادرقربانی تعلیم بده ای مبارك، وتو نیزباجلال

(۱) جملهٔ بالارا «کی اورا حمل کرد؟» نیزمیتوان ترجمه کرد

خطاب به: ویشوا کرمن Visvakarman

۱ـ آنکه بصورت روحانی «هوتر» نشست دانشمند (ریشی) پدر ما همه موجودات را تقدیم نمود.

او درحالی که در آرزوی خویش تملك (مالکیت) بزرگی را جستجو میکرد، بصورت فرد اول درمیان مردم درروی زمین ظاهر شد (۱).

۲ـ جائی که بر آن مقام کرد کجا بود؟

هوتر Hotar (هوتری Hotri) قربان کننده، روحانی مأمور قربانی‌های سوختنی که به آتش تقدیم میشود. این روحانی که بوسیلهٔ او نیاز به آتش تقدیم میگردد هنگام قربان سرودهای رگ بید را میخواند.

منظور از عبارت «تمام اشیای موجود» اینست که تمام آنها در تقدیمی وشوکرمن داخل بودند. عبارت در آرزوی خویش یعنی درخواهش یا میل به آفرینش. کلمهٔ: «پرتهه مچهد Prathamachhad» که به فرد اول ترجمه شده معنیش بسیار مبهم است. بنظر نگارنده تعبیر یا مفهوم آن اولین ظاهر شونده است ولی «لودویگ» عقیده دارد بمعنی پرستش کننده میباشد و ویلسون این کلمه را بمعنی «اولین بار که دنیا را به اگنی سپردند» میداند

۱۳۸

خطاب به: شب

۱ـ الههٔ شب باهمه چشمان خود به پیش مینگرد، و بنقاط زیادی نزدیك میگردد.

اوهمهٔ جلال خویش‌را برخود پوشیده‌است،

۲ـ آن الههٔ جاویدان خلاء راپرنموده و بالا وپائین رامملو ساخته‌است،

اوباروشنی خودبرتاریکی غلبه میکند.

۳ـ آن الهه چون می‌آید خواهرخود سپیده دم رابه‌جای خویش می‌نهد،

وخود درتاریکی ناپدید میگردد.

۴ـ پس امشب برما لطف فرما، ای توئی که راههای ترا ما دیدن کرده‌ایم،

مانند مرغان برآشیانهٔ خویش بردرخت.

۵ـ روستایان در جستجوی خانه های خویش‌اند، و تمام روندگان وپرندگان حتی شهبازها که مایل بشکارند،

بپرستش ما بیا (۱).

۶ـ ای ویشواکرمن ، خودرا که بانذورجلال یافته‌ای بیاور زمین‌وآسمان عبادت کنند .

بگذارمردم دیگری که دراطراف ماهستند احمقانه زندگی کنند ، ولی‌ماراسروری داراوآزاده عطا فرما (۲).

۷ـ امروزخداوند سخن ، ویشواکرمن نیزفهم‌رابخوانیم که مارادرکارمان یاری فرماید .

باشد که‌اوبه مهربانی صدای مارابشنود ، آنکه‌همه رابرای یاری شادی می‌بخشد ، وآنکه‌کارهایش راست‌است (۳) .

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۱)

---

(۱) قسمت اول این بند چنین نیزترجمه شده‌است .

« صورت قربانی سان تو بالاترین و پائین ترین ساحلال به‌سوی‌عبادت مابیا و باشادمانی حویشتن را قربان کن »

نظر : مهیدهره Mahidhara » تفسیر این بند آنست که بشر بصورت خـویش صلاحیت عبادت خالق را ندارد و آفریدگـار باید خودش حودش را پرستش کند

(۲) تعبیر قسمت اول این قطعه آنست که خودرا برای عبادت بیاور یا حودرا برای‌آسمان وزمین قربان کن .

(۳) منظور ازعبارت « کارمان‌کارقربانی است ، ولی بعضی ، آنرا به‌نبرد تعبیر کرده‌اند

۱۳۹

خطاب به: اشوین ها Asvins (۱)

۱ ـ ای خدایان که دانش سرمدی به‌شما داده‌شده است، با ارابهٔخود باشتاب بیائید، ای مقدسین.

باقدرت نیرومند خوبش بیائیـد، ای«ناستیه» ها، به‌اینجا بیائید واین نذر سوّم‌را بنوشید (۲).

۲ ـ موجودات الهی‌حق شعار، آن سی‌وسه دیدند که شما به پیش‌راستکار ابدی‌نزدیک‌میشوید،

---

(۱) این سرود یکی یازده سرودی است که مجموع آنها «بالکیلا» (والکیلا Vālakhilya) خوانده شده‌است و معمولاً درترتیب متن‌به‌ده‌ماندالا یازده سرود والکیلا را بین ماندالای هشتم و ماندالای نهم ریگ ودا قـرار میدهند (بعضی تعداد آنهارا از ۶ تا ۸ سرود نیز گفته‌اند) ویاآن که بعد از سرود ۴۸ ماندالای‌هشتم‌قرارداده‌میشوند. بعضی از ناشران ریگ‌بیدسرودهای بالکیلا را جداگانه نیزچاپ‌نموده وآنرا متمم ریگ‌بید شمرده‌اند.

بالکیلا نام طبقهٔ از ریشی‌هاست که بنابر اساطیر هندو تصور شده طول قـامتشان باندازهٔ انگشت شست و عدهٔ آنها شصت هزار نفر بوده‌است واز بدن برهما بوجود آمده واطراف ارابهٔ خورشید را احاطه مینموده‌اند

(۲) ناستیه ها Nāsatyas دراینجا یعنی. افراد راستکار.

۶ـ گرگ نروماده راباز دار ، ای « اورمیا » ، و دزدان را دورساز،
عبورما از تو آسان باشد (۱).

۷ـ آن که تاریکی‌را باغنی‌ترین رنگ هامیپوشاند، بروشنی نزدیك من آمده‌است .
ای صبح آنرا مانندقرض (وام) هاازمیان ببر.

۸ـ من این‌هارا مانند گاوان برای تو آورده‌ام ، ای‌شب ، ای فرزندآسمان بپذیر این‌مدیحهٔ پیروزی را (۲).

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۷)

---

(۱) اورمیا Urmyâ : مواج‌یانوسان کننده ، ولی‌اینجا بمعنی‌شب‌است .
(۲) اینها، یعنی این اشعار .

واژه نامهٔ کتاب

ای اشوین‌های درخشان از آتش، این‌ستایش ونذرمارا قبول کنید وسومارا بنوشید.(۱)

۳ ــ ای اشوین‌ها که اعمال شما در خورشگفتی است ،گاو آسمان وزمین بناحیهٔ وسط هوا،

آری وهزاران وعدهٔشما درجنگ به‌همهٔ اینان نزدیك ما بیائید،ودر کنار ما بنوشید. (۲)

٤ ــ این‌است سهم‌شما که به‌شما اختصاص داده شده ، شمااى مقدسین ، شما (برای شنیدن) سرود های ما بیائید ، ای «ناستیه» ها ،

ودرمیان ما این‌سومای پر از شیرینی را بنوشید، وبه‌نیروی خود مردمی که‌شمارا ستایش‌میکنند، یاری نمائید.

(سرود نهم والکیلا) ۲

(۱) سی وسه یا سه بار یازده در ریگ وداخدایان به سی وسه محدود شده‌اند.

(۲) ظاهراً مقصود از گاو ، خورشید است.

لغتنامهٔ کتاب

آپه Āpah . آب‌ها ٤٧١ م-٢٣

آتمن Ātman . روح ، نفس ، ذات ، جوهر ، انسان. ١٣١.

آدیتیا Ādityâ : فرزند ادیتی ، مخصوصاً وارونا و آفتاب ، صیغهٔ جمع ، نام‌دسته‌ای‌ازخدایان که‌شمارهٔ آنهارا ازهفت تادوازده ذکر کرده‌اند .
١٣ ، ٢٧ ، ٢٨ ، ٣٩ ، ٤٠ ، ٦٦ ، ١٢٧ ، ١٦٦ ، ١٧١ ، ١٧٥ ، ١٨٦ ، ٢٦٩ ، ٢٧٠ ، ٣٢٢ ، ٣٦٣ ، ٣٨٧ ، ٣٩٠. م-٢٠ .

آرنیکاها Āraṉyakas: نام کتاب‌های مدون در جنگل‌ها م - ١٧.

آریا (آریه Ārya) : محترم ، وفادار ، معتمد ، ساکنان آریا وارته (Ārya varta = سرزمین آریایی) . ٩ ، ٦٣ ، ٣٣٩ ، ٣٥٧ ، ٣٧٧ .

اپام‌نپات Apām̊-Napāt · فرزند یا نوادهٔ آب‌ها. ٢١٥. م-١١.

اپسارا (اپچهرا Apsarā) ، رونده یا متحرك درآب یادرمیان‌آبهای ابرها، حور ، پری ، همسر گندهرب. ١٦٣. م-٢٤.

اتری Atri . خورنده ، بلع کننده ، نام ریشی بزرگ دورهٔ ودائی ، ١٨ ، ١٩٣ ، ٢٦٣ ، ٢٦٤ ، ٢٦٥ ، ٣١٨ ، ٣٨٣.

اتهروا ودا Atharva-Veda (اتهربن بید) : نام یکی ازچهار بید م ـ ۱۵، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ،

اتهرون Athaivan : مؤبد نگهبان آتش . این کلمه ظاهراً از واژهٔ مهجور اتهر Athar (آدر،آتش) مأخوذاست. روحانی یابرهمنی که بکار آتش و سوما میپردارد . ۱۹۶

اتیتهیگوه Atithigva · نام یالقب دیوداس. ۹ ، ۱۷۴

اتیراتره Atırātra مراسمی درقربانیسوما که‌شب‌هنگام‌بعمل‌می‌آید ۸۳.

اثرون Athravan (=اتهرین Atharvan=آدربان)· موبدآتش م ـ ۹،

ادگاتر Udgatar روحانی که سرودهای سام Sama را میخواند خوانده (سراینده). ۷۷

ادهییای Adhyâya باب م ـ ۲۰

ادهورج (ادهوریوAdhvaryu) روحانی که‌مراسم قربانی‌را انجام‌میدهد براهمن یا روحانی که تشریفات قربانی ادهورا Adhvara را انجام میدهد ۳۰۳

ادیتی Adıtı · آزاد ، نامحدود ، آسمان بیکران، فضای‌بی‌نهایت‌در ماورای زمین و ابرها ، خورنده ، مادرخدایان ، بی‌نهایت ، طبیعت ، خدایی که برکت بفرزند ورمه میدهد . ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۴۹ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۷۲ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۶۶ ، ۲۰۷ ، ۲۶۷ ، ۲۷۰ ، ۲۷۱ ، ۳۰۸ ، ۳۲۷ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ . م-۲۳.

اربوده Arbuda . دیوفضاء یاحو ۶۳

ارپیتا Arpıta : ثابت ، ثابت شده ، تسلیم‌شده ، داده‌شده ۲۴۵.

ارجونی Arjunı . یکی‌از منزل‌های قمر ۹ ، ۳۶۷

۳۷٤ ، ۳۸٤ ، ۳۸۷ ، ۳۹۰ م – ۱۳ ، ۲٦ ، ۳۳ ، ۳٤ ، ۳٥ ، ۳٦،
۳۷

امریت Amrit: آب حیات ، من و سلوی ، باران ، شیر ۱۹۲.

اندرا Indra: خدای جو و آسمان، موکل باران، پادشاه خدایان، خدای آسمان نیلگون، خدای خدایان ، جنگ کننده با دیوان ، سازندهٔ همه چیزها، خدای مخصوص قوم آریایی
۹ ، ۱۳ ، ۲۰ ، ۲٥ ، ۲٦ ، ۳۳ ، ۳٤ ، ۳٥ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ٤۱ ، ٤۲
٤۳ ، ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٥۹ ، ٦۰ ، ٦۱ ، ٦۲ ، ٦۳ ، ٦۷ ، ٦۸ ،
۷۰ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷٤ ، ۷٥ ، ۷٦ ، ۸۰ ، ۸٥ ، ۸٦ ، ۸۸ ، ۸۹ ،
۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۹٤ ، ۱۰٤ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۲۷ ، ۱۳۹ ، ۱٤۰ ،
۱٤٤ ، ۱٤٦ ، ۱٥٤ ، ۱٥٥ ، ۱٥۹ ، ۱٦٤ ، ۱٦٥ ، ۱٦٦ ، ۱۷۲ ،
۱۷۳ ، ۱۷٤ ، ۱۷۹ ، ۱۸٤ ، ۱۸٥ ، ۱۸٦ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۲۰۰ ،
۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱٤ ، ۲۲٥ ،
۲۲٦ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۳۳ ، ۲۳٤ ، ۲۳٥ ، ۲٤۸ ، ۲٥٤ ،
۲٦۳ ، ۲٦٤ ، ۲۷۱ ، ۲۷٤ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ،
۲۸۷ ، ۲۹٥ ، ۲۹٦ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۰ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰٤ ،
۳۰٥ ، ۳۰٦ ، ۳۱۷ ، ۳۲۰ ، ۳۲٦ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ، ۳۳٤ ، ۳۳۷ ،
۳٥۲ ، ۳٥۳ ، ۳٥٤ ، ۳٥٥ ، ۳٥٦ ، ۳٥۷ ، ۳٥۸ ، ۳٥۹ ،
۳٦۱ ، ۳۷۰ ، ۳۷٤ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹ ، ۳۹۱ . م – ۷ ، ۱۰ ،
۱۱ ، ۲۳ ، ۳٦ ، ۲۹ ، ۳٤ ، ۳٥ ، ۳٦ .

اندرانی Indrānī (اندری Indrî) : همسر اندرا. ۳٥۲ ، ۳٥٥ ، ۳٥٦ .

اندو Indu: قطره ، سوما ، ماه ، صیغهٔ جمع • شب. ۳۳ ، ۳٤ ، ۳٥، ٤۱ ، ٤۲ ، ۷۹ ، ۱٤۲ ، ۱٥۷ ، ۱٥۹ ، ۱٦۰ ، ۲۲٦.

انوشتپ Anu-shṭup . تحسین ، تمجید ، نیایش ، یکی از اوزان عروضی مشتمل بر چهارپادا pādas دارای ۸ × ٤، مقطع که بعضی از سرودهای ریگ‌ودا به این وزن سروده شده است. ۳٦۱.

برهماپوتره Brahmaputra· پسر یا فرزند روحانی (برهمن)، پسر برهمن یا روحانی ۷۷

بریهتی Brihati. یکی از اوزان عروضی در ادب سنسکرت که دارای ۳۶ مقطع باشد (۸+۱۲+۸+۸)، وزنی مرکب از ۳۶ مقطع (سیلاب). ۳۶۱، ۳۶٤ .

بریهسپتی Brihaspati. خداوند نماز ودعا، خداوند گویایی. ۹٤، ۱۲۰، ۱٤۷، ۱٤۸، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۳٦، ۳٦۱ . م - ۲٦، ۳۳ .

برهمنسپتی Brahmanaspati · خدای نماز و دعا، خداوند گویایی = بریهسپتی . ۳۹

بشن (= ویشنو Vishnu): یکی از خدایان مهم هندو. ۳۲٤، ۳۲۵، ۳۳٦، ۳۳۷ . م - ۱۳ .

بهارتی Bhāratî: الههٔ گفتار ۲۳٦

بهردواج Bharadvāja. نام یکی از ریشی‌های بزرگ و خانواده او ٦۷ .

بهرگو Bhrigus: نام یک ریشی قدیمی وخانوادهٔ او ۱۹٦، ۲۲۱ .

بهگه : Bhaga بخشنده، صاحب، سرور، اقبال، جلال، شکوه، زیبایی، خداوند محترم (به خدایان بویژه سویتری اطلاق میشود)، یکی از آدیتیاها که بخشندهٔ ثروت و سرپرست عشق و عروسی است، خدای زفاف، خدای خوشبختی ۳۹، ٦۵، ٦۷، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۷، ۲۱۰، ۲٦۷، ۳۰۷، ۳٦۹، ۳۸۸.

پادا Pada . کلمه یا $\frac{1}{4}$ بیت . م - ۲۰

پاروته Parvata· نامهٔ کوه و این، کوه نشین. ۷۱.

پرانها Purānas تاریخ یاداستان‌های اساطیری م - ۱٦

اریمان Aıryaman (= اریمان‌ارحماں Aryaman). نام یکی‌از «آدت»ها که‌تصور‌شده‌رئیس‌ارواح گذشتگاں یا نیاکان‌است، موکل‌روز، خورشید، موکل آفتاب م - ۹

ایشور Iśvara: صاحب همه، صاحب، خدای عشق - خدا، روح اعلی (آتمں) وجود اعلی. م ۲۳

ایشون Iśvan: (= ایشور Iśvara): صاحب، خدا م - ۹،

اوروشی Ūrvaşī: یکی ار پریان مشهور، نام یکی از اپسارها ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۱.

اویامروت Evayamarut: کلمه‌ای که هنگام قربانی ادا میشود. ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵.

اهی Ahi. اژدها، دیو خشکسالی ۵۹، ۶۰.

ایلا Ilā (Iḍā): الههٔ نماز، ودعا. ۳۹، ۲۳۱، ۲۵۸، ۳۵۱.

ایندو (اندو Indu): ماه، قمر، سوما، قطره. ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸.

باهلیکه Bāhlika: نام محلی م - ۶.

براهماناها Brāhmanas. نام‌عمومی رسائل‌و کتب‌تفسیر وداها م-۸، ۱۷، ۱۸.

بگه Baga (= بغ). خدا م - ۱۲

بهاشکل Bhāshakal. نام یکی ار مکتب‌های ریگ ودا. م - ۱۹

براهمن Brāhman: روحانی در مذهب هندو، و ازطبقهٔ اول (عالی) هندوان، یکی از چهار ذات هندو یا اولین طبقه از طبقات چهارگانهٔ هندو (طبقهٔ‌روحانی). ۱۵، ۳۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۸۳، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۶۴، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۰۱. م - ۲۳، ۳۴

پوشان Pūṣan· راهنمای مسافران. نام یکی از خدایان دورهٔ ودایی ۳۹ ، ۶۷ ، ۷۴ ، ۹۴ ، ۱۲۷ ، ۱۶۴ ، ۲۱۰ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۳۱۷ ، ۳۲۱ ، ۳۶۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۳ ، ۳۸۷ ، ۵۰۴ . م - ۲۳

پوامانه Pavamāna· شیرهٔ سوم ، اسم اگنی، باد یاخدای باد . ۳۴ ، ۲۹۶ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۸

تاتا Tata· پدر. ۴۱.

تارکشیه Tārkshya: محتملاً شخصیت خورشید ۹۴.

تپورموردهن Tápurmûrdhan: شعله ورسر، لقب اگنی یا بر یهسپتی. ۱۴۸ .

ترسه دسیو Trasadasyu: نام شاهزاده‌ای ، نام پسری باین نام که با یاری اندرا و وارونا زاده شد. ۳۲۸.

تریته(یا تریتا Trita **یا تریته آپتیه** Trita Āptya· (Āptya=مستقر در آب‌ها ، Trita=سوم) یکی‌از خدایان کم اهمیت که معمولا تاحدودی با اندرا نزدیکی‌وارتباط دارد) یکی‌از خدایان ودایی ۶۳ ، ۱۱۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۵ ، ۱۷۲ .

تری‌کدروکه Tri-kadruka: ظروف سه‌گانهٔ سوما ، نام سه روز اول جشن «ابهی پلاوه Abhi-plava» . ۶۲ ، ۱۹۸.

ترایم بر هم سناتنم Trāyam brahma sanatānan· ودای ثلاثهٔ ابدی م-۱۵.

ترایی ودیه Trayi-Vidya· دانش سه‌گانه م - ۱۵

تریشتپ Trishṭup وزنی درعروض که دارای چهار بار یازده مقطع است (مقطع.۱۱×۴). ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲۴۹ ، ۳۰۲ ، ۳۶۱.

ترینشکنده Triṇaṣkanda نام شاهزاده یارئیس قبیله‌ای، ۲۹۳ .

توشتر Tvaṣṭar : نجار ، ارابه‌ساز ، خالق‌موجودات زنده ، صانع‌آسمانی ، صنعت‌گر الهی که‌بدن موجودات را میسازد ، نام‌خدایی ، سازندهٔ‌افزار

پرسوها Parŝus: احتمالا پارس‌ها (فارسی‌ها = ایرانی‌ها) م - ۵ .

پریتهو - پرشوه Prithu-Parŝavah: دسته‌های پهن ، تیرهای پهن (یا پارت‌ها و پارس‌ها) م - ۵

پریتهوها Prithus: پهن، بزرگ، مهم، احتمالا پارت‌ها . م - ۵ .

پر برهم Para-brahma روح اعلی یا براهمن Brāhman ، آفریدگار بزرگ. ۲۸۴ .

پرتهی (پریتهیوی) = Pṛithivî ، م - ۲۳

پرجانیه (پرجنیه Parjanya): خدای ابر بارانی ، ابر ، خدای باران، باران. ۳۳ ، ۸۲ ، ۱۱۶، ۱۱۹. م - ۲۳ .

پرجاپتی Prajāpati، خدای آفرینش ، نام سویتری ، سوما ، اگنی ، ایندرا ، و خدایـان دیگر، خدایی که ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات است ، موکل کل عالم. ۸ ، ۱۵۱ ، ۴۷۴. م - ۲۴

پریشنه Pṛiŝana. ظاهراً نام محلی یا دریاچه آبی است . ۳۰۷ .

پریشنی Priŝni: مادر ماروت‌ها. ۹۴ ، ۱۵۶ .

پرنیه Parnaya، نام دیوی ۱۷۴.

پروش Purusha: آدمی، شخص ، انسان ، بشر ، نـوع بشر ، اصل حیات ، روح ، وجود اعلی یا روح کیهانی ، انسان اولیه که روح ومنشاء اصلی جهان است. ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ . م - ۳۳ ، ۳۴.

پریشین Purīshin مالک زمین یا ساکن زمین و یا توسعه‌دهندهٔ آن. ۲۴۵ .

پروهیتا Puro-hita: روحانی خانواده یا قبیله . ۲۵۹.

پریاجه Prayāja. پیش نذر ، پیش نیاز. ۱۴۷.

پریتهیوی Prithivî: زمین . ۴۸ ، ۴۹ .

ددهیاچ Dadhyach ۰ پسر اتهرون (Atharvan =مؤبد آتش) . ۱۷۲ .

ددهیکراوان Dadhi-krāvan =ددهیکراس Dadhikrās ۰ ۳۹

ددهیکراس Dadhikrās تجسم خورشید بامدادی. ۳۹ ، ٤۰

دسره Dasra . صاحب اعجاز یا کننده‌کارهای شگفت‌آور ، اشوین‌ها ۸۵

دشتری Deshtari ۰ آموزگار ، نام‌الهه‌ای . ۳۷۵

دکشه Daksha . توانا ، نیروی خلاقه ، نیرومند، یکی‌از آدیتیاها ، نام قربانی مشهور وبزرگ ۹۳ .

دهاتر Dhātar(دهاتری Dhātri) آفریننده ، سازنده ، خالق، مؤسس، مرتب کننده، برقرار کننده ، نام‌خدایی که‌دارای صفات‌مذکوراست و برتوالد وتناسل، ازدواج ، سلامت ، ثروت ، زمان وفصول‌حکومت‌میکند. بعدار دوره‌ٔودایی مخصوصاً به‌خالق و نگاهدارندهٔ جهان که‌برهما یاپرجاپت باشد اطلاق شده است. ۵ ، ۱۵۱ ، ۳۷۵

دیوداس Devodasa =بنگرید به اتیت هیگوه ۳۸

دیوداس‌اتیت‌هیگوه Devodâsa Atithigva ۰ نام یالقب دیوداس ۹

دیوس Dyaus آسمان . ٤۹. م - ۲۳

دهرما Dharma. وظیفه ، تکلیف م - ۲٦.

دیوا Daiva· الهی ، خدایی ، آسمانی ، نورانی م - ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰

رسا Rasā (= اوستا Ranha)· نام رودخانه‌ای م - ٦

ریگ سهمیتا Rik-Samhitā: مجموعهٔ‌منظوم(مجموعه‌ریگ‌ودا) م - ۱۸

زئوتر Zootar (=هوتری Hotri): قربان‌کننده نام‌روحانی که‌قربانیهای سوختنی را به آتش تقدیم میدارد. م - ۹

راجنیه Rājanya ۰ سلطنتی ، ازطبقه کشتریه، نام اگنی. ۱۸۳ م-۳٤ .

الهی و ویژه سازندهٔ صاعقهٔ اندرا . ٦٣ ، ١٢٧ ، ١٧٣ ، ٢٠١

توشتری (Tvaṣtarı = توشتر Tvaṣtar) : ١٥١ ، ٣١٧ ، ٣٢٦ ، ٣٤١ ، ٣٨٧ .

جات‌ویداس Jāta-Vedas : متصرف همه ، دانندهٔ همه ، دانندهٔ آفرینش تمام موجودات ، لقب ودایی اگنی. ١٩ ، ٢١ ، ١٠٠ ، ١٠٢ ، ٢٢٠ ، ٢٢١ ، ٢٢٣ ، ٢٤٠ ، ٣٣٤ ، ٤٣٩ ، ٤٧٨. م - ٣٧ .

جگتی Jagatî : یکی از بحرهای عروض مرکب از ١٢ × ٤ مقطع. ٢٤٩ ، ٣٦١

جمدآگنی (جمدگن) Jamadâgni ، نام یك ریشی مشهوری از اخلاف بهرگ. ٢٣٩ ، ٣٠٦

جنانم Jñānam . دانش ، معرفت م - ٣٣ .

چهاندوگ Chandhogya . نام یکی از اوپانیشادهای قدیمی. م-١٦

چرنیو Charanyu : یکی از پریان (اپ چهرا - Apsarā). ٣٤٧

چیه‌وانا Chyavāna : حمایت‌شدهٔ اشوین‌ها، حرکت‌دهنده ، دیوی که موجب بیماری میشود ، درحال حرکت ، باعث حرکت ، نام ریشی . ١٨ .

داسیو Dasyu : دشمن ، دشمن خدایان ، مردم وحشی ، راندگان جامعه ، دیو، مردم بومی ، غیرآریایی، موجودات شریر ٦٣ ، ٢٨١ ، ٣٣٤ ، ٣٣٥ ، ٣٤٨ ، ٣٨١ . م - ٨ .

دان Dāna : دهش ، دادن ، نذر ، بخشش ، وقف ، تقسیم غذا ، پخش ، آزادگی ، سهم . ١٤ .

دانوه Dānava : دسته ای از اهریمنان یا دیو زادگان ، فرزندان دانو Danū که با دایتیاها Daıtyas یااسران Asuras یکی شمرده میشوند، و ازدشمنان آشتی‌ناپذیر خدایان میباشند و در اساطیر بعدی عدهٔ آنها را ازچهل تاصد نوشته‌اند. ٦١ ، ٦٣

داسه Dasa : بومی ، مردم بومی غیر آریائی هند که آریایی‌ها آنها را دشمن میدانستند ٥٩ ، ٣٣٤ ، ٣٣٧ ، ٣٥٧ .

ساپیه‌نامی Sāpya-Nami · نام خانوادگی « نامی » دوست اندرا . ۱۷۵

ساچی Sachi تجسم نیرو و همسر اندرا . ٤٣٧ .

سادهیه Sadhyas : نام دسته‌ای از موجودات آسمانی ، نام دسته‌ای از موکلان ، دسته یا طبقه‌ای از خدایان . ۱۸۳ ، ۱۸٤

سام Sāma · آیت ، آهنگ ، خواندن به‌آواز خوش ، قرائت (باآهنگ)، سرود ، سرود مقدس ، سرودی که باآهنگ خوانده میشود ۷۷.

ساماودا Sāma Veda ودای‌آهنگ‌ها ، نام یکی‌از سه‌بیداصلی ، نام‌یکی از چهار کتاب مقدس‌در مذهب هندو . ۷۷ . م-۱۵ ، ۱٦، ۱۹، ۲۳، ۲٤

سامن Sāman آواز ، آهنگ ، سرود ، سام بید ، برطرف کنندهٔ گناه، سرود های ستایش ویژه متون و اشعار مقدسی که برای سرودن یا خواندن (تغنّی) باشد . ۱۸۳ ، ۳۱۸ . م-۳٤ .

سرما Saramā : نیرو ، ماده‌سگ متعلق به‌اندرا و خدایان . ۸۰، ۱۹۷ .

سرسوتی Sarasvatî : آبی ، مائی ، سرزمین دریاچه‌ها، خدای رودخانه‌ها، خدای گفتار، خدای‌دانش‌وعلم، الههٔ سحر یا فصاحت . ۷٤ ، ۸٦، ۸۷ ، ۹۳ ، ۱۵۱ ، ۲۵۵ ، ۳۸۸ . م-٦.

سریه‌ناوان Saryanāvān . نام‌دریاچه و ناحیه‌ای . ۳۳ .

سندهو (سیندهو Sindhu) رودخانهٔ سند . ۲۰ ، ۲۰۷ ، ۳۰۸.

سمرتی Smṛiti· دانش دریادمانده ، علم محفوظ. م-۱٦.

سمهیتا (= سمهیتا Samhitâ :(ترتیب متن ودا، مجموعهٔ سرودهای هر یك از وداهای‌چهارگانه. م-۱۷ ، ۱۹ .

سوکتا Sukta، سرود م-۱۹، ۲۱.

سوپرنه Su-parṇa : زیبا بال ، عقاب ، آفتاب . ۱۲۵ .

سویتر Savitar : برانگیزاننده،محرک، زاینده ، پیدا کنندهٔ غذا ، خورشید، نام خدای آفتاب ، نام یازده سرود ریگ بید . ۲۳ ، ۲۳۸ ، ۲۶۷، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۳۰۵ ، ۳۰۹ ، ۳۶۱، ۳۶۶.

سویتری Savitri (=سویتر) خورشید ، مقدس ترین سرود ستایش خورشید ۷۱ ، ۱۰۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۶۴ ، ۱۶۶ ، ۱۶۸ ، ۱۷۶، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۲۳۷ ، ۲۵۰ ، ۳۶۶ ، ۳۶۹ ، ۳۷۲، ۳۸۷ . م-۲۳

سینی والی Sinivāli : نام الهه‌ای ، همسر ویشنو ، نام رودخانه‌یی، ۱۵۱.

شاکل Śākala · نام یکی از قرآآت یامکتب‌های ریگ‌ودا . م - ۱۹ .

شاکهه‌ها Śākhās ، مکتب‌ها یا قرآآت . م - ۱۹ .

شالملی Śālmali : نام درختی ، درخت پنبه . ۳۶۸ .

شایو Śayu . خوابیدن ، دراز کشیدن ، استراحت کردن ، حمایت شدهٔ اشوین‌ها . ۱۸

شردها Śradhā . ایمان ، اعتقاد . ۵۷ ، ۵۸ . م - ۲۴ .

شت‌کرتو Śatkratu : صدنیرو ، لقب اندرا . ۲۵ ، ۸۹ ، ۲۱۳ ، ۲۱۴.

شرنی Śreni . رشته ، راسته ، سلسله ، سری ، شماره ، دسته ، گروه بسیار، یکی از پریان (اپ چهرا - Apsara) ۳۴۷ .

شروتی Śruti : دانش مسموع م - ۱۶

شکوری Śakvari . یکی‌از اوزان عروض در ادب سنسکرت . ۱۲۳ .

شمبره Sambara · دیو خشکسالی . ۹ ، ۳۸ ، ۲۸۲ ، ۳۳۷ .

شودر Śūdra افراد متعلق به طبقهٔ چهارم هندو ، طبقهٔ خدمتگزاران . بنابر مذهب هندو افراد جامعه به چهار طبقه تقسیم میشوند : براهمن ، کشتریه (=راجنیه) ، ویشیه (= بیش) ، و شودر (=سودر) . درسرود ۹۰ماندالای دهم ، به این تقسیم‌بندی در بند ۱۲ اشاره شده‌است . ۱۸۳ م - ۳۴ ، ۳۵

شونه شپه Śunaḥśepa · نام ریشی . ۲۶۹ .

کینشوکه Kınsuka . نام درختی، چوب، بوته بزرگ و یا پر برگی ۳۶۸ .

گاتها Gāthā شعر (این کلمه در ادب سانسکریت به سرود ودایی از قبیل ساما ، وریچ اطلاق میشود با که این واژه به اشعار رزمی و داستانی یا آکیانه Ākhyānas اطلاق میگیرد) ۳۶۵ . م - ۷ ، ۹ ، ۱۲ ، ۱۸ .

گایتری Gayatri . موزون، آهنگ مخصوص، یکی از بحور عروض در ادب سنسکرت . ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۳۶۰

گراوان Grāvan سنگ هایی که جهت خرد کردن ساقه و علف بوتهٔ سوم بکار میرفته است ، آسیای مخصوص جهت خورد کردن ساقه های سوما . ۲۸۹ .

گرتسمد Gŗitsamada . نام یکی از ریشی های دورهٔ ودایی . ۷۴ .

گرنتهینی Granthıni . یکی از پریان (اپ چهرا - Apsara) ۳۴۷ .

گروتمان Garutmān پرندهٔ آسمانی ، خورشید (این پرنده را گروتمت Garutmat و گرووده Garuda و سوپرنه Suparna نیز میخوانند) . ۲۵۴

گنگو Gungu : نام قبیله یا قوم غیر آریایی . ۱۷۴ .

گندهروه (= گندهرب) Gandharva . مطربان بهشتی یا آسمانی، فرشتهٔ نغمه‌خوان ، مطرب یا موسیقی‌دانی که پیش فرشتگان آواز میخوانند . ۳۴ ، ۱۶۲ ، ۳۴۱ ، ۳۷۳ ، ۳۷۴ م - ۱۱ ، ۲۴

گندهروه ویشواوسو Gandharva Visvavasu نام موجود افسانه‌ای که رابطهٔ نزدیك با خورشید دارد . ۱۶۴ ، ۱۶۵ .

گویش تهیره Gavishthira : نام ریشی . ۱۰۷

گهرمه Gharma . حرارت غریزی ، گرمی ، گرما، هوای گرم، فصل گرم و سوزان ، گرمی آفتاب یا آتش، شیر گرم یا هر نوشابهٔ گرم دیگر که در مراسم قربانی اهداء میشود ، ظرف مخصوص برای جوشانیدن شیر جهت تقدیم به اشوین‌ها . ۸۳ .

گهریته Ghrıtá . پاشیده، کره ، نوعی کره صاف کرده که به آتش می‌پاشیدند . م - ۳۳ .

شونه‌هوتر Şunahotra · نام چند ریشی دورهٔ ودایی از خانوادهٔ گرتسمده ۷۳ .

شیپی ویشته Şipivishta : یکی از القاب ویشنو . ۳۲۵ ، ۳۳۷ .

شیوا Şiva . فرخنده ، مبارک ، خجسته ، خیّر ، نیکوکار ، دوستدار ، عزیز ، نعمت ، یکی از سه خدای بزرگ هندو ، خدای رحمت ، نام مها دیو موکل باایزدفنا ومرگ . در رگ‌بید نام شیوا ذکر نشده است ولی نام‌دیگر این‌موکل که‌احتمالاروود را باشد بصیغهٔ مفرد و جمع‌ریادآمده است . ۳۳۷ .

کالیوگ(کلیوگ Kālyuga): عصر کالی ، یکی‌ازاعصارداستانی‌درآیین‌هندو . م - ۱۹ .

کپینجله Kapinjala · نوعی‌کبك یا دراج ۷۵ ، ۷۷

کرشانی Kərəšāni (= کریشانی) : نگهبان سومای‌آسمانی در ادب‌زردشتی. م - ۱۱

کرنجه Karanja : نام دیوی ۱۷٤ .

کریشانو Kṛiṣanu · نگهبان سومای آسمانی . ۲۸٦ . م - ۱۱ .

کریشانی Krišāni = کرشانی . م - ۱۱ .

کشن Keşin : گیسوبلند ، موبلند ، نام یالقب اگنی ، ووایو ، وسوریه . ۱٦۱ .

ککشیوان Kakshivān : نام ریشی دورهٔ ودایی . ۹ .

کنوا (یاکنوه) Kanva · نام‌ریشی دورهٔ ودائی ۵۳ .

کوتسه Kutsa · برگزیده و محبوب اندرا (نام ریشی موسوم به آرجونیه). Ārjuneya : مؤلف‌یاسرایندهٔ تعدادی از سرودهای ریگ‌ودا که‌مورد حملهٔ دیو شوشنه قرار گرفت ، و اندرا آن عفریت را کشت و او را نجات‌داد . ۹ .

کوریره Kurira : حفت گیری ، نوعی لباس زنانه ، نوعی‌وزن عروسی . ۳٦۵ .

کوشوا Kushavā · نام عفریت ماده‌ای که اندرا او را کشت . ۲۰۲ .

کویه Kavya : طبقه‌ای ازارواح نیاکان یامردگان . ۱۹۵ .

اوراد یا ادعیهٔ قربانی، قسمتی از متون بیدها که «ریچ Ric» (در رگ بید) یا «یاجوش yajus» (در یجور بید)، و یا «سامن Sāman» (درسام بید) خوانده میشود و در برابر قسمتهای موسوم به «براهماناها Brāhmanas» (توضیحات وتفسیرهای بید)، و اوپانیشادها قراردارد دعای مخصوصی که به یکی از خدایان خطاب میشود شعر عرفانی یا اوراد جادویی، طلسم و افسون (بویژه به اورادی اطلاق میشود که برای بدست آوردن نیروی فوق بشری خوانده میشود). م - ۹، ۲٤

مندك Mundakya سلمانی، نام یکی از رسائل اوپانیشاد های قدیم. م - ۱۶.

منو Manyu · مظهر غضب و شهوت، خشم. ۳۳٤، ۳۳۵ م - ۲٤.

مونی Muni · عارف، آموخته، مرتاض. ۱۶۱، ۱۶۲.

میترا Mitra . خدای نور ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ٤٤، ٤۵، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲٤، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲٤۰، ۲۵٤، ۲۶۵، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰٤، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳٤۱، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷. م - ۷، ۱۰، ۲۳، ۳۶.

نابهاکه Nabhāka . نام یك ریشی ۱۳۶

نار اسنسی Nārāsansi . شعر ستایش ۳۶۵

ناستیه Nāsatya : مهربان، مشفق، نکار خورنده، مفید، دوستانه، بصیغهٔ جمع نام دو اشوین (اشوین‌ها)، نام یکی از اشوین‌ها (چون این واژه بصورت مفرد بکار رود، اشوین دیگر «دسره Dasra» خوانده میشود)، مربوط یا متعلق به اشوین‌ها، (بنا بر عقیدهٔ بعضی این واژه مشتق است از Na+asatya و بگفتهٔ بعضی دیگر مأخوذ است از Nāsā+tya و یا از Nā+satya و این اشتقاق اخیر بیشتر مورد نظر است). ۸۵، ۱۰۲، ۱۹۳، ۳۸۹، ۳۹۹، ٤۰۰ م - ۷، ۱۱.

نانا Nanā مادر، اصطلاح برای مادر ٤۱.

نراشنسه Narāsansa لقب وعنوان اگنی، شیرمرد ۱٤۷، ۱۷۹.

گیانم Jñānam دانش ، معرفت ۱۲۰ .

ماتریشون Mātariṣvan · نام دیگر اگنی (آتش) ، باد ، آورندهٔ اگنی از آسمان ، نام یك ریشی ۱۷۲ ، ۲۵۵ ، ۳۷۵

ماروت (= مروت Marut) : درخشنده ، خدای طوفان ، خدای باد ، فرزند آسمان و دریا . ۹ ، ۱۳ ، ۶۲ ، ۷۴ ، ۹۴ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۵ ، ۱۴۰ ، ۱۵۴ ، ۱۶۶ ، ۲۱۰ ، ۲۳۵ ، ۲۷۱ ، ۲۹۳ ، ۳۰۴ ، ۳۱۶ ، ۳۵۵ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ ، ۳۹۰ . م - ۲۳

ماندالا (مندله) Mandala · گرد، مدور، قرص (بویژه قرص ماه و خورشید)، دایره ، هالهٔ خورشید یاماه ، مدار ، یکی از ده قسمت ریگ ودا - بعبارت دیگر ریگ بید به ده ماندالا که جمعاً ۸۵ انوواك Ānuvāka (درس) بالغ میگردد تقسیم میشود . م - ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶

مانس Manas روح ، روان ، ادراك ، اندیشه . ۲۷۶ .

مانو (= مَنُ) Manu · آدم ، نوع بشر ، انسان اول ، متفکر ، خداوند اندیشه ، دانا ، زکی ، انسان (گاهی این کلمه در مقابل روح باید بکار میرود) . ۹ ، ۱۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۲۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۴ ، ۳۵۹ . م - ۱۵ .

مایا Māyā : عشق ازلی ، قدرت الّهی ، معدوم ، فریب ، صورت ظاهر ، ضد حقیقت ، نمود بی بود ، خطای باصره ، صور خیالی ، تجسّم خطای باصره ، ماده ، ضد پرش (روح) خرد، عقل ، نیروی خارق العاده یا مافوق طبیعی ، م - ۸ ، ۹ .

متالی Matali ارابه ران اندرا ، موجودی الهی . ۱۹۵ .

مدهاتیتهی Medhātithi · نام یکی از مفسران وفقهای هندو م - ۱۵

مدی Median : مادی ، منسوب بقوم ماد . م - ۱۳ .

مگها Maghā . یکی از منزل‌های قمر . ۳۶۷ .

مگهون Maghavan بخشش ، پاداش ، نیرومند، لقب اندرا ، نیرومند . ۳۸ ، ۴۶ ، ۶۹ ، ۱۹۱ ، ۲۸۷ ، ۳۰۷ ، ۳۲۷ .

منتره Mantra (= منتره Manthra) : سخن ، اسباب فکر ، یا آلت تفکّر ، نوشته یاسخن مقدس ، دعاء ، ورد ، سرود ستایش ، سرودهای ریگ بید ،

نوگوه‌ها Navagvas : پاک‌نژاد اساطیری ، یکی از سه خانواده روحانی هند قدیم . ۱۹۶ .

نیریتی Nirriti : نابودی ، الهه مرگ و ویرانی ۷۰

وات Vata . باد ، خدای باد . ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۴۳

واجه (= واج) Vāja نام یکی از سه ریبهوها . ۶۹ .

وارونا Varuṇa : آسمان محیط بر همه چیز ، نام یکی از آدیتیاها که خدای شب است ، همان گونه که میترا خدای روز میباشد و غالباً با یکدیگر پرستش می‌شده‌اند وارونا یکی از خدایان قدیم هندو است و اورا معادل اورانوس یونانیان دانسته‌اند . هرچند او از اورانوس نورانی‌تر میباشد ، گاهی خدای خدایان نیز نامیده شده‌است م ـ ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۲۳ ، ۲۸ ، ۳۵ ، ۳۶ .

واستوشپتی Vāstoshpati : نگهبان خانه ، ایزد محافظ تاسیسات و اساس و بنیان خانه ، اندرا . ۷۹ ، ۸۰ .

واسو Vasu عالی ، خوب ، نورانی ، هر موجود نورانی ، دسته‌ای از دو گانان بویژه آدیتیاها ، ماروت‌ها ، اشوین‌ها ، اندرا ، اوشس ، رودرا ، وایو ، ویشنو ، شیوا ، کوبر Kubera ، دسته‌ای از ایزدان که عددآنها هشت است ، یکی از خدایان هندو . ۴۰ ، ۶۶ ، ۱۲۷ . م ـ ۲۰ .

واك (= واچ Vāc) Vāk : صدا ، کلام مقدس ، گفتار مقدس ، سخن مقدس ، کلمه ، تجسم گفتار که او را مادر بیدها و همسر اندرا میدانسته‌اند ، الههٔ گفتار یا گویایی . ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ م ـ ۲۸ ، ۳۳ .

والکیلیا (= بال کیلا) Vālakhilya : نام یازده سرود ریگ‌ودا که معمولا بین ماندالای هشتم و نهم قرارداده میشود ، نام طبقهٔ از ریشی‌ها که تصور میشده طول قامتشان باندازهٔ انگشت شست میباشد و عدهٔ آنها شصت هزار بوده و از بدن برهما بوجود آمده‌است ، و اطراف ارابهٔ خورشیدرا احاطه میکرده‌اند . م ـ ۱۹

وایو Vayu . خدای باد ، باد ، هوا ، بصیغهٔ جمع : ماروت‌ها ، یکی از پنج عنصر ، پنج باد حیاتی . ۵۷ ، ۷۲ ، ۱۰۴ ، ۱۳۰ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ،

۳۵۳ ، ۳۵۵ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸

وری شگنه Vrishagana ، نام یك ریشی و خانواده او . ۲۹۶ .

وریکه Vrika : گرگ ، سگ ، احتمالاً نام شخصی ۱۸ .

وسیشته (= وسیشت) Vasishtha . بهترین ، عالیترین ، داناترین ، پناه همه ، نام ریشی معروفی که صاحب گاو فراوانی بود و افسانهٔ مبارزهٔ او با وشوامتر که از طبقهٔ کشتری برخاست و بطبقهٔ براهمن وارد شد ، مشهور میباشد ۷۰ ، ۱۳۳ ، ۲۴۰ .

وشت Vaṣat . کلمه ندائی که بهنگام قربانی در وقت اهدای نذور به آتش ادا میشود . ۳۲۵ ، ۳۳۷ .

وشودیوها Viśvedevas (= ویشوادیوها): همهٔ خدایان ، الهی کامل، نام خدایانی، نام دوازده موکل ، نام طبقهٔ از خدایان . م ـ ۳۵، ۳۶ .

وشوکرمن Viśvakarman ، صانع جهان ، فاعل همه‌چیز ، آورنندهٔ کل م ـ ۲۴ .

واله Valà : دیوخشکسالی (برادر وریترا که اندرا براوچیره شد) ، زیرزمین، زندان تاریك . ۶۳ .

ویاسا Vyāsa : ترتیب دهنده ، نام تنظیم کنندهٔ داستانی ریگ‌ودا . م ـ ۱۹ .

وید Vid دانستن م ـ ۱۵.

ویدانت Vedanta . آخرودا ، نام قسمت‌دوم یعنی مهمترین قسمت میمانسا Mimāṁsā که بخش سوم از بخش های سه‌گانه فلسفهٔ هندوان است . م ـ ۲۱ .

ویدودات Vīdevdat نام یکی‌از ادبیات مقدس زردشتی م ـ ۱۳ .

ویراج Virāj موجود الهی، یکی‌از اوزان عروض‌دارای چهارپادای ده‌سیلابی، عدد ده . ۱۸۲ ، ۳۶۱

یجمانه Yajamāna قربانی کننده ۱۴۹

یادو Yadu : نام یك پهلوان باستانی که در ریگ‌ودا بارها نامش با توروشه
Turvasa یا Turvasu با هم آمده ، وگویند پسر جهان (یباتی
Yayati) بوده است م ـ ۵ .

یزته Yazata (= آهوتی Ā-hutı) : تقدیم نذور به آتش برای ایزدان،
هرگونه مراسم مذهبی که درآن نذور به خدایان تقدیم شود.
م ـ ۹

یشت‌ها Yašts نام پاره‌ای از ادبیات مقدس زردشتی م ـ ۱۲ .

یم (= جم) Yama ملك‌الموت ۱۲۵ ، ۱۹۲ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ،
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۵۵ ، ۲۶۰، ۲۶۲ ، ۲۷۶ ، ۳۳۹ ، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳

یمه (یاما = Yama یم) خودداری یا کف نفس، مهار، راننده، مانع‌شونده،
خدای مرگ ، خدای ارواح مردگان ، موکل مرگ م ـ ۱۱

ییمه Yima: (= جم) م ـ ۱۱.

*****
****
**
*

فهرست مندرجات کتاب

Sir-re-Akbar (Upanishad) translated by Prince Dara Shokouh, edited by Dr. Tara Chand and Sayyed Mohammed Reza Jalali Naini.

سرّ اکبر ترجمهٔ . شاهزاده محمد دارا شکوه بتصحیح وتحقیق و مقدمهٔ دکتر تاراچند و جلالی نائینی چاپ تهران سال ۱۳٤۰ هجری شمسی

The Vedic Etymology by Prof Fatah Singh.

Sanskrit Grammar by Monier Williams.

Indian Philosophy by S. Radhakrishnan.

New Light on the Gathas of Holy Zarathushtra by Ardeshir F. Khabardar.

Philosophy of Zoroastrianism and Comparative Study of Religions, by Faredun K. Dadachanji.

Sanskrit and Culture by Goldstucker.

The Ramayana. of Tulridas

The Principal Upanisads by S. Radhakrishnan.

تحقیق ما للهند من مقولة ، مقبولة فی العقل او مرذولة.
تألیف ابوریحان محمد پسر احمد بیرونی ـ چاپ آلمان وحیدر آباد دکن .

* * *
* *

A study of Sankara by Nalinimohan Mukharji Sastri.

The Dhammapada by S. Radhakrishnan.

The Sanskrit Language by T. Burrow

The Thirteen Principal Upanishad by Robert Ernest Hume

Sanskrit-English Dictionary by Sir M. Monier-Williams.

Dictionnaire Sanskrit-Français by N. Stchoupak, L. Nitti et L. Renou.

A Practical Sanskrit Dictionary by Arthur Anthony Macdonell.

Buddhist Hybrid Sanskrit Grammar and Dictionary, by Franklin Edgerton.

The Practical Sanskrit-English Dictionary by Principal V. S. Apte.

A Classical Dictionary of Hindu Mythology by Dowson.

Ṛg-Bhaṣya-Sangraha by Devraj Chanana.

The Seers of the Ṛg Veda by V. R. Rahurkar.

The Vedic Mythology by A. A. Macdonell.

Les Religions Du Monde by H. Ringgren et A. V. Strom.

The Vedic Age, General Editor, R. C. Majumdar.

The Sacred Books of the East by F. Max Müller.

A Source Book in Indian Philosophy edited by S. Radhakrishnan and Charles A. Moore.

The Twelve Principal Upanishads, by Dr. E. Röer.

Hymns from the Vedas by Abinash Chandra Bose.

Hymns of the Mystic Fire by Sri Aurobindo.

The Geography of ṚgVedic India by Manohar Lal Bhargava.

Vedic Grammar by A. A. Macdonell.

Epic Mythology by E. Washburn Hopkins

Th New Vedic Selection by Pt. N. K. S. Telang and Dr. B. B. Chaubey.

Le Ṛig-Veda by Paul Regnaud.

The Brahma Sutra by S. Radhakrishnan.

The Mahabharata by P. C. Roy.

Shrimad Bhagavad Gita by Swami Swarupananda.

L'Hindouisme by Louis Renou.

Rig Veda with Urdu paraphrase and commentary by Munshi Daya Rama.

Le Rig Veda et les origines de la Mythologie Indo-Europeenne, par Regnaud.

Hymns from the Rig Veda, edited with Sayana's commentary, notes and translation by Peter Peterson

Le Rig Veda Text et Tradiction, par Paul Regnaud.

Yajur Veda by Devi Chand.

The Texts of The White Yajur Veda by Ralph T.H. Griffith.

Rig-Veda Samhitā, 5 volumes by H. H. Wilson.

A Critical Study of Rg Veda by Dr. Deo Prakash Patanjal Shastri

The Hymns of the Rg Veda, by Ralph T. H. Griffith.

The Sama Veda Samhita by Rev. J. Stevenson, D. D.

Atharva Veda Samhita, with the commentary of Sayanacharya, edited by Shankar Pandurang Pandit, 4 volumes.

Atharva Veda Samhita by William Dwight Whitney.

Sama Veda in the Pada Samhita according to the Kauthumi Sakhta, edited by Satyavrata Samasrami.

Vajasaneyi Samhita, edited with introduction and commentary by Giri Prasad Varma.

The Panini's Grammatical Aphorisms edited by Bhimsen Sharma.

English translation of the Vedas—The Hymns of the Rig Veda, Sama Veda, Atharva Veda and Yajur Veda (White) with commentaries and notes by Griffith.

Nirukta by Yaska published by Roth.

Manu Samhita translated and edited by Haughton.

Anthologie Sanskrite par Louis Renou.

A Literal Translation of the Vedas, the Gospels of India, with the text, explanatory notes and summary of each hymn by Durga Prasad, Lahore 1918.

Vedic India by Louis Renou, Calcutta 1957.

Some Kṣatriya Tribes of Ancient India by Bimala Charan Low, Calcutta 1924.

Early Hindu Civilisation by Romesh C. Dutt, Calcutta, 1927.

Worterbuch Zum Rig Veda by Hermann Grassmann.

Religious sects of the Hindus by H. H. Wilson.

An Introduction to Adwaita Philosophy, by Kokileswar Sastri, Calcutta 1926.

نامهای برخی از ما خذ کتاب

در ترجمهٔ این کتاب علاوه بر مآخذی که در ذیل صفحات کتاب به آنها اشاره شده مآخذ و منابع مذکور در زیر نیز مورد نقل و ترجمه و مراجعه و استفاده بوده است :

Ṛig Veda in the Saṁhita and Pada Texts with commentaries, grammatical and paraphrasetic, in Sanskrit and Hindi by Dananda Sarasvati, Allahabad.

Ṛig Veda in the Saṁhita Text, printed in Ajmer.

Hymns from Ṛig Veda, edited with Sayana's commentary, Punjab University.

Ṛig Veda Saṁhita, edited by International Academy of Sanskrit Research.

Ṛig Veda Saṁhita, with Sayana's commentary, printed in Calcutta.

spent all his life in study and research on Indian literature, philosophy and religion and has been successful in rendering valuable services in introducing Indian thought to Iranian scholars. It will not be an exaggeration to say that after the great Biruni, no one in Iran has devoted so much of his precious time to Indian studies as Mr Jalali Naini. In editing earlier works on religious sects like Kitab al-Melal wal-Nehal, he came across descriptions of schools of Hindu and Buddhist philosophy, which were quite inadequate and sometimes misleading and inaccurate. But they aroused his interest. Mohsin Fani's work, Dabistani Madhahib, and Biruni's Indica provided him with more satisfactory information and made him realize the need for the publication of the original texts of Hindu religion in Persian translation.

As a result he undertook the laborious task of bringing out the Persian translation of the fifty Upanishads by Dara Shukoh. After several years of hard work and after comparing many manuscripts, he brought out this great edition which provides alternative reading, glossary of Sanskrit words and terminology and an introduction containing the life sketch of Dara Shukoh Along with it other treatises of Dara Shukoh — Majma al-Bahrain (the Confluence of the two Seas), Safinat-al-Aulia, Sakinat-al- Aulia, were also edited.

The study of the Upanishads leads naturally to their source, viz. the Veda. So after the publication of the Upanishads, Mr. Jalali Naini took the preparation of the selected hyms of the Rig Veda which is the spring of Hindu religion, philosophy and thought. In

the previous works which he undertook, the main concern was editing the already existent translations, but in the matter of Veda, Mr. Jalali Naini embarked upon a totally new enterprise, namely, to translate the Vedic verses into Persian.

I may say that in so far as I am able to judge the Persian translation, it fulfils admirably the requirements of a good rendering. It is accurate and rhythmical and possesses a charm of its own. Both beauty and truth of the ancient sacred text are reflected in it. I congratulate Mr. Jalali Naini on his industry and skill in producing this work and making it available to all those who are interested in religion, but who depend on the Persian language for acquiring this knowledge. The translator has successfully achieved his aim to bring the basic thought of Indian culture to the attention of people who know Persian.

Allahabad (India) **Tara Chand**
March 1969

known as Kurukshetra (Ambala district of the Indian Panjab).

It is impossible to determine the date of the collection and even more so of the making of the hymns. But it is interesting to note the connection between India and Iran as revealed in this ancient work. For instance, certain names of tribes are common to both The **Panis** of the Rigveda are identified with **Parnians** of Iran, **Parthavas** with **Parthians, Dasas** with **Dahae,** the river Sarasvati with Harahvaiti, **Hariyupiya** with **Iriyab** or **Haliab, Arjikiya** with **Arsaks, Bribhu Taksan** the enemy of **Panis** with the founders of Takshashila, **Parasu** with **Parsu.** Then the names of rivers Kiumu, Gomati, Subastu and others have their counterparts in Iranian Kurram, Gomal, Suwat, etc

The language of the Rig Veda is closely related to the Avestan of the Gatha of Zarathushthra. The gods mentioned in the two have great resemblance The Vedic **Varuna Asura** suggests the Avestan **Ahura mazda;** Vedic **Rita** is similar to Avestan **Asa, Mitra** to **Mithra, Indra** is known to both — to one as a god and to the other as a demon, the Iranian **Verathraghna** is Indian **Vritrahan,** the Parsi **Amesha Spenta** and the Vedic **Adityas,** the Parsi **Bagha** and the Indian **Bhaga** are identical. Yama son of Vivasvant, the first man and ruler of paradise compares with Yima Vivanhvant of the Avesta.

In both religions the names of priests are similar — Indian **Hotri** and **Atharvan** are the Iranian **Zaotar** and **Atharvan.** The Indian Yajna is Iranian Yasna (sacrifice), and Soma or Homa is the plant celebrated in

both countries. The straw spread for the god is **Barhis** (India) and **Baresman** (Iran). There are many other examples of community of race, language and religion, but these must suffice to demonstrate the intimate relations between the Aryans of India and the inhabitants of the land **Arya Vaejo** (Iran).

The Rig Veda which has been handed down through the centuries with marvellous accuracy attracted early in the 19th century the attention of the Western scholars. Max Muller brought out a monumental edition which is still regarded as the standard work. The Vedas in whole or part have been translated into a number of European languages — English, French and German. The entire text was rendered into English by Griffith Its hymns have been reproduced in many literary histories of Sanskrit and its contents have received wide attention from scholars interested in religion, philosophy and history.

It is a matter of great satisfaction that such an eminent Iranian scholar as Mr. S. M. Reza Jalali Naini has now rendered a selection of the hymns into Persian and thus made this work, revered by the Hindus, available to our brethren in Iran. The Vedas of India and the Gathas of Zarathushtra — the two sacred texts of the two closely related branches of the ancient Aryan race possess a community of language and of thought which cannot fail to remind us of our common heritage. They beckon us to a future of fruitful cooperation, mutual goodwill and friendship.

Mr. Jalali Naini has been long interested in Indian studies — philosophical and religious. He has

Besides the ritualistic and philosophic there is a third point of view According to this the Veda has an inner mystic significance. This view is not easy to grasp, as men of learning are interested in language, grammar, philosophical speculation, and textual criticism, and so their approach is literal and exoteric. But for the devotees this is unsatisfying and they endeavour to reach to the deeper esoteric meaning. They interpret the Veda in accordance with the teachings of the Upanishads, which acknowledge their origin from the Veda, and indeed are known as **Vedanta** — the fulfilment of Veda. According to this view the Vedic natural imagery and legendry stories are really symbolic of the struggle between the spiritual powers of Light and Darkness, Truth and Falsehood, Knowledge and Ignorance, Death and Immortality, and not descriptions of natural phenomena personified as gods and demons, nor are they a poetical account of racial conflicts between Aryan and Dravidian.

According to this view among the teachings of the Veda, the first is the duty of attainment of truth and immortality, the ascent in spirit into the world Reality and to dwell there Secondly, it is necessary for us to distinguish between two worlds, the world of lower truth where there is much falsehood and error, and the world of the highest light. And in the third place we should realize that there is a perpetual fight between the powers of Truth and Light and those of Error and Darkness The first is represented by gods and the second by evil spirits

We invoke the first in order to help us in destroying the opposition of the second. We approach the

gods through sacrifice, and call them to our aid through prayer, **mantra**. The element of the outer sacrifice are the songs of the inner self offering. We give ourselves in order to receive the riches of truth — in thought and deed.

In this view life is a pilgrimage whose goal is godliness, a journey in which **Agni**, the inner flame, is the leader The gods are children of light, sons of **Aditi**, of infinity, who assist man in his growth, in the increase of his knowledge and his happiness. They help him to overcome the hinderances and obstructions which evil nature places in the way of progress. The **Rishis** were the seers who found through intuition the wisdom which is embodied in the Vedic hymns.

The Rig Veda which is the oldest of the four Vedas and the fountain of the Hindu religion consists of 1,017 (or 1,028) hymns divided into 10 chapters or **mandalas**. The **mandalas** were composed by priests **(rishis)** either singly or in families. The collection contains some old and some later compositions The **mandalas** two to seven are ascribed to families of priests having the names of Gautama, Vishvamitra, Vasudeva, Atri, Bharadvaja and Vasishtha. The earlier portion of **mandala** one, and the whole of **mandala** eight are ascribed to the Kanva family, and appear to be later compositions. The ninth **mandala** consists of hymns addressed to Soma The last to be added was the tenth **mandala** which contains the famous hymn of creation

Apparently all the **mandalas** were compiled in one collection **(Samhita)** in India in the regions through which the ancient river Sarasvati flowed, and which is

three thousand years. So much so that they have made unprecedented efforts to preserve the text accurately even up to the syllable and the letter of the word. It is a marvel of human memory and will that notwithstanding political upheavals, conquests by foreigners and social change the Veda has come down to us wholly unaltered from the second millennium before Christ to the present day.

The natural implication is that the Hindus considered the Vedas as priceless treasures possessing the highest value. Now such value cannot be attributed to the crude products of the infantile imagination of a people in the early stages of human evolution.

In the second place the literalistic approach has led to ludicrous and sometimes quite non-sensical translations, which if correct not only expose the makers of the hymns and songs as crude versifiers with confused childlike minds, but also condemns the whole generations of learned scholars as deluded men and reckless triflers who wasted their time and energy on a profitless undertaking.

Faced with such alternatives some Indian students have sought to find their philosophic significance and others the deeper mystic meaning of these books.

According to the first the Vedic concept of gods connotes a philosophic frame of mind, shows keen interest in speculation with the object of discovering the truth. This is illustrated by the concept of Rita, which is applied frequently to gods, and which means the uniformity of nature, the ordered course of the forces which pervade the universe. It also signifies the moral

order. This points to the conclusion that the gods are not mere phenomena of nature as they appear to the bewildered mind of a primitive observer, but as maintainers of cosmic order and upholders of moral law.

Then again the polytheism of the Vedas is only apparent. In it is implicit the idea of unitary godhead which indicates the philosophic pursuit of unity in multiplicity, the search for that one power which is manifested in many. In fact in the song of creation (Rig Veda, X, 129) the Vedic seer's thought passes over to monism, which reconciles all opposites in the first Cause.

According to this view the sacrifice is the symbol of the universal process. The world is the outcome of sacrifice, it is maintained through sacrifice, and man exalts himself from the lower to the higher self by means of sacrifices. The sacrifice is a form of activity which is something apart from the ordinary. The paraphernalia of sacrifice lays emphasis upon its unusual character. Chant, music, song, colour, incense, all combine to enhance aesthetic sensibility. The fire and its leaping flames symbolize the heaven-ward movement of the soul. The mood of prayer and expectancy stimulates the tension of the mind and promotes belief and dependence upon the beneficent powers — the gods, who are the objects of supplication.

The philosophy of sacrifice is based upon the order of nature, the universal principle underlying the process of creation and moral evolution Just as effect follows cause, action invokes reaction, so must the stirring of the soul in sacrifice result in achieving its exaltation and illumination.

Among the atmospheric gods the first place is occupied by **Indra,** who is described as a warrior, the god of thunder, the vanquisher of the serpent **Vritri,** the mighty one who protects the Aryan people. With him there is a host of other gods like **Parjanya** (rain), **Marut** (storm), **Vayu** (wind), **Apam napat** (sons of water), and so on.

The celestial gods are **Dyauh** (heaven); Varuna who is the upholder of the physical and moral order He divides heaven and earth, controls the courses of heavenly bodies, watches the conduct of men and confers reward and punishment, **Mitrah** (associate fo Varuna), **Suryah** (sun), **Savitri** (ray of light), **Pusan** (protector), **Usas** (dawn), and **Asvins** (two physicians).

There are besides other gods and goddesses who represent abstract ideas like **Dhatu** (creator), **Prajapati** (lord of creation), **Visvakarma** (maker of the universe), and **Brahmanaspati** (lord of devotion). Among the goddesses are **Sarasvati** (learning) and **Ila** (sacrificial food). Some group gods also occur, e.g., **Visvadeva** (all gods), and some deified features of the earth, like mountains, rivers, plants.

Lastly the Veda mentions demons and evil spirits, e. g., **Asura,** and **Raksa** (or goblins).

One remarkable feature of the Vedic conception of gods is that they appear to have little individuality or specific character. Gods merge into one another and several are described as identical. Another feature is the idea that all gods are one, « **ekam sad vipra bahudha vadanti** » (there is only one but the learned speak of them as many), and again « **tad ekam** » (That

one). Some scholars infer from these sayings in the Veda that its teaching is really monotheistic and the gods are representatives of His innumerable attributes.

The worship of the gods aims at supplication and propitiation which is achieved by means of sacrifice. Sacrificial rites are of many kinds, daily, monthly, seasonal and occasional. Some sacrifices are domestic and are performed by the worshipper individually by himself but in others priests assist. Apart from the domestic sacrifices there are a number of public ones, e.g., of **Vajapeya** (draught of vigour) performed by the royalty and Brahmans, **Asva-medha** (horse sacrifice) whose object was conquest and glory.

The rites were based upon the sacrificial fire, for which altars were made, and on which offerings were cast. The oblations consisted either of dairy produce — milk and butter, and grain — barley and rice; or animals. The priests employed at the sacrifices were of several kinds. Seven kinds are ordinarily mentioned, among whom was the **Purohita,** who acted also as the invoker

The modern European Indologists lay emphasis upon the external ritualistic aspects of the Vedic religion. According to the theory of social evolution the thought of such ancient people as the Aryan Indians whose material culture was primitive could not bear any highly philosophic or mystic interpretation. But many Indian scholars differ from this line of approach. According to them two considerations militate against the western interpretation. One is the extraordinary value and great veneration which the Hindus have attached to the ancient scriptures, through more than

above his ordinary, day-to-day, humdium involvement in the immediate present and to realize abiding peace within and identification with all.

Religion is more than philosophy which is the intellectual pursuit in search of unity. Religion is atonement expressed through life, it is a withdrawal from the demeaning pressures of the world in order to serve and promote the permanent good of all. Its hall-mark is action, and not escape. It is will in motion, but it is an integrated, unified will which in particulars manifests their organic relation with the whole.

Every religion has two aspects — one of rites, doctrines and organisation, the other of ethical, philosophical and mystical intent and purpose. The first appeals to minds which lean on authority, need direction and believe in literal conformity. The second appeals to the free mind, is more interested in the substance than the forms of religion, more anxious to transform the inner life as a whole in order to attain harmony and self mastery.

The Vedic religion also embodies these two aspects. Corresponding with these are two main types of interpretation of the Veda Those who lay stress upon the first aspect hold that the Veda is primarily a book of ritual and of sacrifice.

Ritual is discipline, specialized activity with appropriate psychological environment. In order to realise its essential quality the mind has to be disciplined, for the world is too much with us, its tyranny can only be overthrown by a process of well planned training. Ritual is, therefore, the necessary part of every religion. Ritual is not the performance of certain actions

mechanically. For instance, it is not the lighting of fire and throwing of melted butter on it and the chanting of Sanskrit verses, which constitutes the Hindu **Puja** (worship), it is not the setting up of an altar, the breaking of bread on it and circulating the cup of wine, which is the Christian Eucharist; nor are genuflections of the hand and other limbs of the body oriented towards the niche in a mosque, the reality of **Namaz** (prayer). It is the spirit, which envelopes these, which makes the worshipper forget the insistent, exigient claims of the here and now and uplifts his soul so that man may be inspired to work for the triumph of the truth, which is the essence of worship.

According to this school of interpretation the Veda contains many beliefs. Among them are cosmogonic beliefs or theories of the origin of the world and of man; for example, how the universe is born from the sacrifice of the primeval man **(purusha)**, or from the golden egg **(hiranya-garbha)**, or by evolution of being from not-being, how the human race descends from Manu or Yama son of Vivasvant.

Then there is belief in many gods. They are enumerated as thirty three and divided into three classes — terrestial, atmospheric and celestial. Among the important terrestial ones **Agni** (fire god) is most frequently invoked. He personifies the sacrificial fire, conducts the offerings to the gods and summons them to the sacrifice. He is the messenger between earth and heaven and is the great priest. He confers prosperity and bliss on the worshippers, and overcomes and destroys their enemies. The others are. **Prithivi** (earth) and **Soma** (the herb whose juice is drunk in sacrifice).

INTRODUCTION

The Vedas are the most ancient literary creation of the Aryan speaking peoples. They were compiled long before the Gathas of Zarathushtra in the Avestic language and the epic of Homer in Greek. In their literary forms they indicate an advance which must have taken centuries to mature. The language, poetic diction, versification all show a high state of development. Their thought content is highly evolved

No wonder the Hindus regard them as sacred, as the source of all their later religious, ethical and philosophical speculations. For them the Veda is not only literally but also in the true sense knowledge — the knowledge that liberates and exalts the soul of man, which is the object of all religions.

How does religion seek to achieve liberation? The answer is by reminding man of his high destiny as man — the noblest of all creatures, the bearer of the divine principle which seeks to raise his spirit above the mundane pursuit of immediate needs and satisfactions, by knowing the self. No other creature, so far as one can judge, seems to feel the same urge to a higher life in which the inner conflicts are resolved and the strains of contradictory impulses overcome. Man alone can rise

Selected Hymns

of

RIG - VEDA

The Oldest Living Document on Hindu Religion & Society

Introduction by

Dr. Tara Chand

Professor of History and Philosophy and Former Ambassador of India in Iran

Translation by

S. Mohammed Reza Jalali Naini

Member of the Iranian Society for Philosophy & Humanities

Taban Press, Tehran - Iran

1969